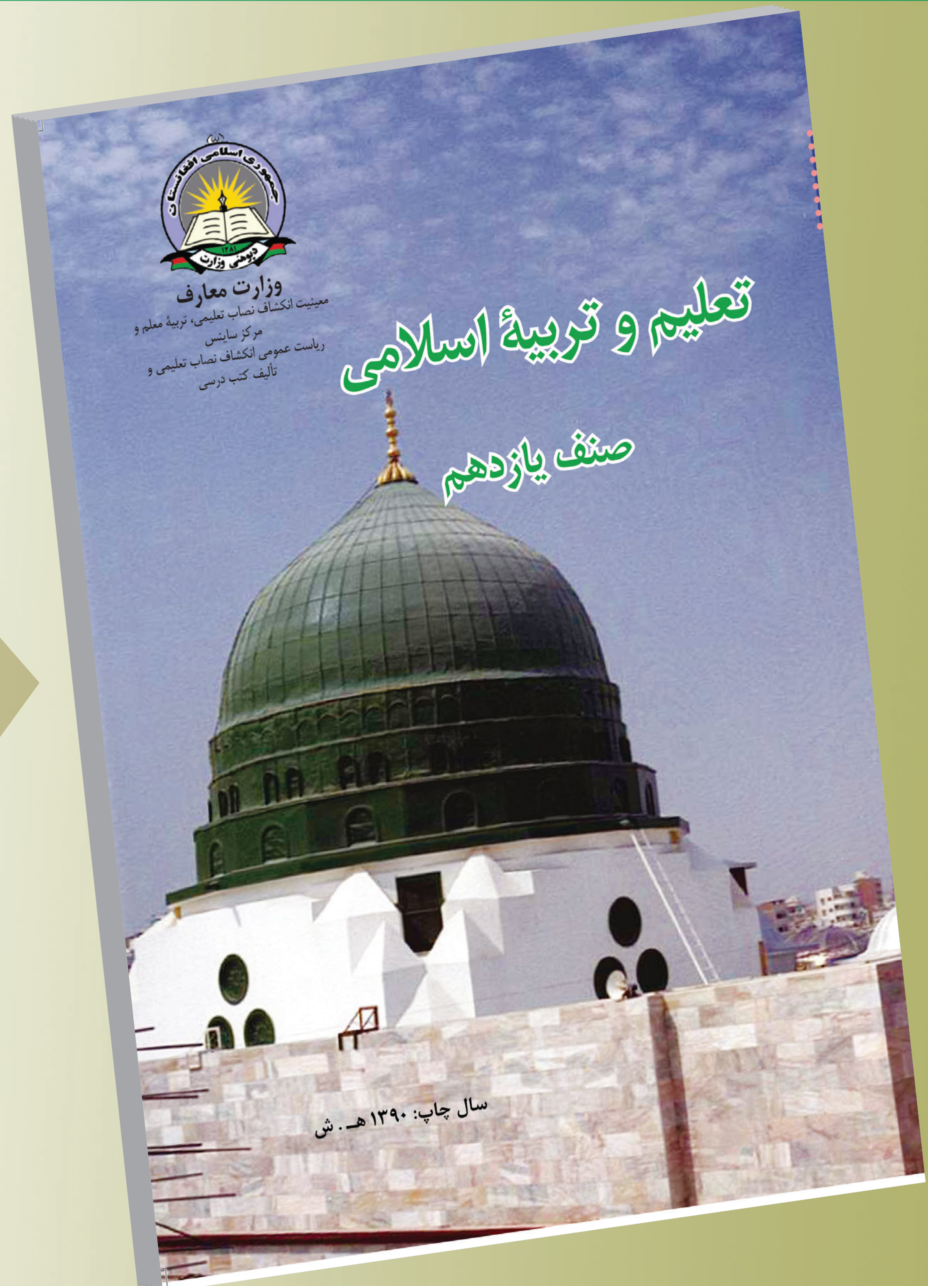
وزارت معارف

کتاب معلم

رهنمای تدریس

تعلیم و تربیهٔ اسلامی

صنف ۱۱



رهنمای تدریس تعلیم و تربیهٔ اسلامی– صنف ۱۱

سال چاپ: ۱۳۹۹ هـ ش.



سرود ملی

دا وطن افغانستان دی
کور د سولې کور د تورې
دا وطن د ټولو کور دی
د پښتون او هزاره وو
ورسره عرب، گوجر دي
براهوي دي، قزلباش دي
دا هیواد به تل ځلیږي
په سینه کې د آسیا به
نوم د حق مو دی رهبر

دا عزت د هر افغان دی
هر بچی یې قهرمان دی
د بلوڅو د ازبکو
د ترکمنو د تاجکو
پامیریان، نورستانیان
هم ایماق، هم پشه یان
لکه لمر پر شنه آسمان
لکه زړه وي جاویدان
وایو الله اکبر وایو الله اکبر

بسم الله الرحمن الرحیم

وزارت معارف

کتاب معلم

رهنمای تدریس تعلیم و تربیهٔ اسلامی

صنف یازدهم

سال چاپ: ۱۳۹۹ هـ ش

مشخصات کتاب

مضمون: رهنمای تدریس تعلیم و تربیهٔ اسلامی

مؤلفان: گروه مؤلفان کتاب‌های درسی بخش دیپارتمنت تعلیم و تربیهٔ اسلامی

ویراستاران: اعضای دیپارتمنت ویراستاری و ایدیت زبان دری

صنف: یازدهم

زبان: دری

انکشاف دهنده: ریاست عمومی انکشاف نصاب تعلیمی و تألیف کتب درسی

ناشر: ریاست ارتباط و آگاهی عامهٔ وزارت معارف

سال چاپ: ۱۳۹۹ هجری شمسی

ایمیل آدرس: curriculum@moe.gov.af

پیام وزیر معارف

اقرأ باسم ربک

سپاس و حمد بیکران آفریدگار یکتایی را که بر ما هستی بخشید و ما را از نعمت بزرگ خواندن و نوشتن برخوردار ساخت، و درود بی‌پایان بر رسول خاتم- حضرت محمد مصطفی ﷺ که نخستین پیام الهی بر ایشان «خواندن» است.

چنانچه بر همه‌گان هویداست، سال ۱۳۹۷ خورشیدی، به نام سال معارف مسمی گردید. بدین ملحوظ نظام تعلیم و تربیت در کشور عزیز ما شاهد تحولات و تغییرات بنیادینی در عرصه‌های مختلف خواهد بود؛ معلم، متعلم، کتاب، مکتب، اداره و شوراهای والدین، از عناصر شش‌گانه و اساسی نظام معارف افغانستان به شمار می‌روند که در توسعه و انکشاف آموزش و پرورش کشور نقش مهمی را ایفا می‌نمایند. در چنین برهه سرنوشت‌ساز، رهبری و خانوادهٔ بزرگ معارف افغانستان، متعهد به ایجاد تحول بنیادی در روند رشد و توسعه نظام معاصر تعلیم و تربیت کشور می‌باشد.

از همین‌رو، اصلاح و انکشاف نصاب تعلیمی از اولویت‌های مهم وزارت معارف پنداشته می‌شود. در همین راستا، توجه به کیفیت، محتوا و فرایند توزیع کتاب‌های درسی و رهنمای تدریس در مکاتب، مدارس و سایر نهادهای تعلیمی دولتی و خصوصی در صدر برنامه‌های وزارت معارف قرار دارد. ما باور داریم، بدون داشتن کتاب درسی باکیفیت، به اهداف پایدار تعلیمی در کشور دست نخواهیم یافت.

برای دستیابی به اهداف ذکرشده و نیل به یک نظام آموزشی کارآمد، از آموزگاران و مدرسان دلسوز و مدیران فرهیخته به‌عنوان تربیت کننده‌گان نسل آینده، در سراسر کشور احترامانه تقاضا می‌گردد تا در روند آموزش این کتاب درسی و انتقال محتوای آن به فرزندان عزیز ما، با استفاده از این رهنما، از هیچ نوع تلاشی دریغ نورزیده و در تربیت و پرورش نسل فعال و آگاه با ارزش‌های دینی، ملی و تفکر انتقادی بکوشند. هر روز علاوه بر تجدید تعهد و حس مسؤولیت پذیری، با این نیت تدریس راآغاز کنند، که در آیندهٔ نزدیک شاگردان عزیز، شهروندان مؤثر، متمدن و معماران افغانستان توسعه یافته و شکوفا خواهند شد.

همچنین از دانش آموزان خوب و دوست داشتنی به مثابه ارزشمندترین سرمایه‌های فردای کشور می‌خواهم تا از فرصت‌ها غافل نبوده و در کمال ادب، احترام و البته کنجکاوی علمی از درس معلمان گرامی استفادهٔ بهتر کنند و خوشه چین دانش و علم استادان گرامی خود باشند.

در پایان، از تمام کارشناسان آموزشی، دانشمندان تعلیم و تربیت و همکاران فنی بخش نصاب تعلیمی کشور که در تهیه و تدوین این رهنمای تدریس مجدانه شبانه روز تلاش نمودند، ابراز قدردانی کرده و از بارگاه الهی برای آن‌ها در این راه مقدس و انسان‌ساز موفقیت استدعا دارم.

با آرزوی دستیابی به یک نظام معارف معیاری و توسعه یافته، و نیل به یک افغانستان آباد و مترقی دارای شهروندان آزاد، آگاه و مرفه.

دکتور محمد میرویس بلخی

وزیر معارف

فهرست

سخنی چند با معلم

جناب معلم،

السلام علیکم ورحمهٔ الله و برکاته

یک نهاد تعلیمی و تربیتی خوب می‌تواند باعث ساختار یک جامعهٔ مترقی و مرفه گردد.

جامعه مرفه و مترقی آن جامعه یی است که ارزشهای اسلامی و مزایای اخلاقی در آن رعایت گردیده باشد؛ زیرا با رعایت اخلاق و هدایات الهی هویت اسلامی و ملی افراد جامعه محفوظ و مصون می‌ماند که این خود هدف اساسی و بنیادی وزارت معارف است.

استادان گرامی

برای اینکه اولاد وطن اشخاص مسلمان و برومند و برخوردار از سجایای دینی و آگاه از مصلحت‌های اجتماعی، ملی و بین المللی و هم با روحیه و فرهنگ اصیل افغانی پرورش یابند و در رفتار، سلوک و ذهنیت ایشان اثر مثبت پدید آید، امید است که استادان محترم تدریس را مطابق شیوه و هدایات این رهنما که با زحمات دست اندر کاران ریاست انکشاف نصاب تعلیمی و تألیف کتب درسی ترتیب و به میان آمده است به پیش برند.

این کتاب رهنمای معلم صنف یازدهم برای مضمون تعلیم وتربیه اسلامی ترتیب یافته و طوری که بعد از پشتی کتاب (بسم الله الرحمن الرحیم) تزیین داده شده وسپس معرفی مؤلفان و فهرست موضوعات گنجانیده شده است.

ساختار رهنمای دروس طوری است که عنوان درس با ذکر شماره و صفحه درس با تعیین و تقسیم (۴۵) دقیقه برای طول ساعت درسی با ذکر هدف و معانی بعضی از لغات در بعضی از دروس و بیان شیوه و روش تدریس، معرفی مواد ممد درسی و فعالیت‌های معلم که در بر گیرنده احوال پرسی، تنظیم صنف، گرفتن حاضری و فعالیت‌های مشترک میان معلم و شاگرد که در بر گیرنده روشهای تدریس از جمله سؤال و جواب، تکرار انفرادی و گروهی و مسابقه و...... است گنجانیده شده است و سپس غرض به دست آوردن هدف، ارزیابی صورت گرفته و در اخیر خلاصه درس و سپردن کار خانه گی به شاگردان قرار دارد.

برای تدریس بهتر بعد از عنوان درس، دانش لازمی در راستای تشریح و بیان همان درس غرض معلومات مزید ذکر گردیده است.

صفات یک معلم خوب

تقوا، دیانت، واخلاق حمیده داشته باشد.

دارای آرزوهای عالی باشد.

اعتماد به نفس داشته باشد.

شخصیت عالی داشته تحت تأثیر خواسته‌های دیگران نباشد.

قادر به حفظ و آرامش حالت روانی و تنظیم وظایف خود باشد.

شکیبا بوده و از تحمل مشکلات هراس نداشته باشد.

با شاگردان روابط نیک و حسنه دا شته باشد.

با انگیزه و زحمت کش بوده و پابند به وظیفه باشد.

با علم و معرفت علا قمندی داشته باشد.

به خاطر مطالعه و دانش او قات فراغ خود را غنیمت بشمارد.

در تعلیم وتربیه شاگردان کوشا بوده در مطالعه و مذاکره از روش علمی استفاده نماید.

روابط خوب در درس و زنده گی را پیگیری نماید. یعنی دروس را بازنده گی ارتباط دهد.

درجستجوی معلومات بیشتر باشد و از تجارب دیگران استفاده نماید.

رسیده گی آن منحصر به درس نبوده؛ بلکه همه جانبه باشد.

در انجام وظیفه بسیار صادق باشد.

باید در همه زمینه‌ها برای شاگردان سر مشق و الگوی نیک باشد.

صفات یک شاگرد خوب

۱_ به معلم احترام کنید و با علاقمندی فراوان به درس‌ها معلم گوش فرا دهید.

۲_ از پدر و مادر خود فرمانبرداری مینماید.

۳_ به وقت معین در مکتب و صنف حاضر میشود.

۴_ درس‌های خود را مطالعه نموده و وظایف خانه گی را اجرا می کند.

۵_ در تمام امور نظافت و پاکیزه گی را رعایت می‌نماید.

۶_ نکات مهم درس را در هر ساعت درسی در کتابچۀ یاد داشت خود بنویسید.

۷_ به دیگران احترام کرده و دوستان خوب را اختیار کنید و اصدقا خوب را اختیار نماید.

۸_ پابند بودن به جماعت در پنج وقت نماز.

۹_وسایل و ضروریات درسی که قبلاً برای خود آماده می‌سازد. و در تهیه مواد مناسب درسی با معلم کمک میکند.

۱۰_ عدم اسراف در همه امور را پیشه خود می‌سازد.

۱۱- از تقلیدهای بیجا و از تشابه نا مطلوب خود داری کنید.

پلان درسی

پلان در لغت تدبیر، سنجش و تصمیم گیری برای اجرای یک کار را گویند و در اصطلاح پلان عبارت از طرح «نقشه» ذهنی است که برای انجام یک کار، فعالیت‌های آنرا تنظیم می‌نماید.

پلان درسی عبارت از طرح یا نقشه ذهنی بوده که از طرف معلم تمام فعالیت‌های صنف و شاگردان که در یک ساعت درسی انجام می‌دهند به خاطر اجرا در آن درج شده باشد.

فواید عمده و وظایف پلان درسی

۱_ ترتیب و تنظیم نمودن بهترین مواد و حل مطالب مغلق و پیچیده.

۲_ استفاده از روش‌های مختلف در تدریس.

۳_ سهیم گر دا نیدن شاگردان در فعالیت‌های درسی.

۴_ معلم محترم می‌تواند به اطمینان خاطر تدریس نماید تا برای شاگردان موثر واقع گردد.

۶_ معلم محترم را پلان و تدریس خوب به هدف می‌رساند.

توضیح محتویات چوکات کاری رهنمای معلم

۱_ اصطلاحات

اصطلاحات جمع اصطلاح کلمهٔ عربی بوده که از ریشهٔ صلح گرفته شده که مفهوم آشتی کردن را می‌رساند و اصطلاح به معنای اتفاق هم آمده است ولغتی است که عده یی برای خود وضع می کنند.

اصطلاح اسم مطابق فرهنگ بر ترمینالوژی(Terminology) کاربرد اصطلاحات، حقایق و نظریه‌های خاص هر قوم، ملت، مذهب و فرا گیر همه ماهیت‌های علوم است که به اتفاق جمع کثیر بر یک مفهوم اساسی حوزهٔ علمی، مهارتها و طرز فکر و ذهنیت خود وضع کرده اند.

مثلاً: اصطلاحات آیت، سوره، رکوع و غیره در قرآن کریم و یا اصطلاحات کلمه، نماز، زکات و حج کعبه شریفه در تعلیمات دینی و غیره.

اهداف

اهداف جمع هدف است در فرهنگ معین، هدف چنین تعریف شده است هر چیز بلند و بر افراشته، نشانه، تیر، آن چه آدمی برای رسیدن به آن بکوشد، مقصود و غایت.

اهداف یک واحد درسی بر اساس اهداف و آرمان ملی، اهداف کلی نظام تعلیم وتربیه، اهداف دوره‌های تعلیمی، اهداف مفردات اهداف مضمون درسی در یک صنف در حیطه دانش، مهارت و ذهنیت محتوا طرح می گردد.

تعیین اهداف کلی و جزئی در یک مضمون و در یک واحد درسی به قصد ایجاد تغییرات در رفتار شاگردان و انکشاف ذهنی توسعه در معلومات ایشان اجرا می‌شود این تغییرات همان هدف‌های بر نامه درسی میباشد.

قلمرو و منابع اهداف عبارت از طبیعت دانش آموزان، جامعه و دانش گرد آوری شده موجود در اختیار برای تربیت شاگردان است که با نیازها، نظر سنجی ها، تحقیق و مطالعه انتخاب می گردد.

رابطه هدف با برنامه درسی تا آن حد مهم و اساسی است که اگر ما هدف نداشته باشیم بر نامه هم نمی‌توانیم داشته باشیم به عبارت دیگر بر نامه ریزی(طرح و تهیه مواد آموزشی چون کتاب درسی، راهنمای معلم و....) تنها زمانی صورت علمی و منطقی به خود می گیرد که هدف مشخص را دنبال کند.

در حقیقت محتوای یک درس را، اهداف دانشی که شاگردان چقدر می‌دانند؟ اهداف مهارتی، شاگردان چه سان عمل کرده می‌توانند؟ و اهداف ذهنی و یا طرز تلقی، چطور شاگردان منحیث افراد و اشخاص انکشاف می‌نمایند و در زنده گی اجتماعی سهم فعالانه می گیرند تشکیل می‌دهد.

تعریف مواد درسی

مواد درسی عبارت از اشیا و وسایلی است که معلم و شاگردان را برای به دست آوردن هدف درس کمک می‌نماید و یا به عباره دیگر آن وسایل سمعی و بصری که معلم در تدریس از آن کار می گیرد.

مواد ممد درسی

مواد ممد درسی شامل مواد طبیعی سادهٔ محیطی؛ چون: دانه‌های لوبیا، نخود، سنگریزه و غیره و مواد غیر محیطی؛ مثل: چارت، فلش کارت مودلها؛ چون کره زمین، نقشه، تصویر و غیره از نگاه نوعیت و ماهیت مواد به دو دسته تقسیم

می‌شود: مواد عمومی؛ از قبیل: کتاب درسی، تخته، تباشیر و غیره مواد؛ مثل: مودلها، گرافها، سی دی، فلم، پرجکتور، لابراتوارها، کارت‌های مصور و ساده، چارت مقوایی، فلب چارت، بکس هندسی، نقشه و غیره ه توسط معلم و شاگردان تهیه و در یک درس از آنها استفاده می‌شود.

مواد درسی شاگردان را از مرحله میخانیکی(که طوطی وار درس را به حافظه بسپارند) به مرحلهٔ عینیت و فهم عمیق میرساند. در را هنمای معلم هدف ما از مواد درسی مواد عمومی نیست؛ مانند: کتاب، تخته و تباشیر، بلکه هدف آن مواد کمکی و موثری است که از منابع دیگر به شکل ساده و یا مدرن که معلم آنرا تهیه میکند و یا تو سط فابریکه و یا کدام مرجع دیگر چون دفتر تکنالوژی آموزشی به اختیار مکاتب قرار می‌دهند، می‌باشد.

فعالیت‌های آموزشی

هدف از آوردن فعالیت‌ها، سهمگیری شاگردان در تحکیم درس است به شکل مجموعی، انفرادی و گروهی در ایفای نقش، رونویسی، متن خوانی، مشاهده، بر قراری ارتباط، طبقه بندی کردن و غیره که در فضای آموزشی انجام می گیرد و یا بیرون از صنف در میدان مکتب، سیر علمی، اشتراک در جلسات و برنامه‌های فرهنگی و دینی و غیره.

برای فعالیتها در پلان درسی به فرصت بیشتر اختصاص داده شده است تا درس به صورت موثر در ذهن شاگردان بنشیند و شاگردان از دانش کسب شده، مهارت انجام شده و ذهنیت مثبت ایجاد شده در زنده گی روزمره استفاده بتوانند و آنها به ارزش و اهمیت درس که در انکشاف شخصیت و سلوک فردی و اجتماعی شاگردان نقش اساسی دارد پی ببرند.

ارزیابی

یکی از ارکان برنامه درسی است که ارزیابی پایان یک درس و ارزیابی مستمر را احتوا دارد.

ارزیابی انعکاسگر تحلیل و تفسیر اطلاعاتی است که به شکل سیستماتیک در دانش آموز، هدفهای مورد نظر سیستم آموزشی (درسی)تحقق یافته اند و یا در حال تحقق یافتن و ما را مطمئن می‌سازد که به چه اندازه به اهداف دانشی و نگرشی درس مورد نظر رسیده ایم که از طریق مشاهده، آموزش کتبی و یا جدول معیاری نمرات صورت می‌پذیرد.

اهمیت درس

در زنده گی روزمره شاگردان متن خوانی درس، مهارتها وتک مهارتها (مهارت‌های خورد و کوچک از یک روش تدریس) چقدر کار برد عینی و عملی دارد و رشد فردی و روابط اجتماعی شاگردان به کدام مقیاس پیشرفت به دست می‌آید مورد ارزیابی قرار می گیرد.

معلم محترم می‌تواند ارزش و نتیجه حاصل هر درس را از طریق مشاهده و تغییرات در رفتار، سلوک، طرز برخورد و ارتباط شاگرد با شاگرد دیگر کشف و سنجش نماید و خود را متیقن بسازد.

کار خانه گی

از اینکه شاگرد بیشتر اوقات خود را در فامیل با اعضای خانواده می گذراند بنا بر آن کار خانه گی که در حقیقت پیما یشگر اهداف درس و جزء لا ینفک یاد گیری و یاد دهی است موافق توانمندی شاگردان به شیوهٔ بسیار ساده داده شود و شاگردان تشویق به اجرای آن در اوقات فراغت به کمک دوستان، اولیا و اعضای خانواده می‌شوند.

اصول یا روش‌های تدریس

این یک حقیقت مسلم است که انسانها هر کاری راکه انجام می‌دهند باید اصول آنرا بدانند هر گاه اصول آنرا ندانند از اجرای آن نتیجهٔ مثبت گرفته نمی‌توانند اصول جمع اصل و به معنای اساس و بنیاد است و در تعلیم و تربیه عبارت از یک سلسله مقررات و روش‌های منظم است که استاد در تدریس یک موضوع از آن کار می گیرد و در نتیجه وی را به هدف تدریس می‌رساند.

به هر اندازه که معلم به روش‌های بیشتر آشنا باشد محتوا و مواد دلخواه خویش را با در نظر داشت شرایط زمانی و مکانی در اختیار شاگردان قرار می‌دهد و هیچ شاگرد در جریان تدریس، غیر فعال نبوده و تدریس استاد دلپذیر می‌شود.

تدریس: عبارت از آن سلسله فعالیت‌های منظم تعمیری است که معلم و شاگرد هر دو را به هدف تدریس می‌رساند و این اصول تدریس را میتود تدریس و یا روش تدریس نیز می گویند.

میتود یا روش تدریس

برای انجام یک کار طی نمودن مراحل لازم را میتود می گویند و یا روش یا میتود راه منظم و با قاعده و منطقی برای ارائهٔ درس است پس معلوم شد که آن فعالیتهای لازم که معلم به کمک آن از طریق آسان در وقت کم مطلب را به شاگردان آموزش بدهد میتود است.

اصول تدریس اقسام زیاد دارد؛ مانند: لکچر، خطابه، مشق و تمرین، سؤال و جواب، نمایش، مسابقه اجرای نقش، کار گروهی، سیر علمی، مناقشه و مذاکره، روش انفرادی، مطالعه و غیره. ما صرف آن روش‌های که در این رهنما از آن استفاده نموده ایم به شما معرفی مینماییم.

روش کارگروهی

شاگردان یک صنف به چند گروه تقسیم شوند هر گروه بالای یک موضوع که از طرف معلم برایشان داده می‌شود به طور مشترک کار و فعالیت مینمایند نظریات و افکار خود را باهم یکجا و شریک نموده به خاطر یاد گرفتن یک موضوع از یکدیگر می‌پرسند.

بحث و مناقشه صورت می گیرد در این روش معلم حیثیت رهنما و مشاهد را داشته هر گاه درگروه‌ها مشکل پیدا شود به سؤال‌های شان جواب می‌دهد (تجارب ثابت ساخته که از آموزش انفرادی آموزش گروهی موثر تر است)

نکات عمده که معلم باید در وقت اجرای کار گروهی در نظر داشته باشد قرار ذیل است:

۱_ بهتر است اعضای گروه ۳_۶ نفر باشد و گروه‌ها نام گذاری گردند.

۲_ هدایت کار گروهی باید خوب و واضح باشد.

۳_ در صورت امکان در کار گروهی شاگردان به شکل دایروی تنظیم شوند.

۴_ در بین گروه‌ها باید فاصله موجود باشد تا معلم به خوبی گشت و گذار کرده بتواند.

۵_ معلم گروه‌ها را بررسی و نظارت نموده و سؤال‌های آنها را جواب می‌دهد.

۶_ در کار گروهی باید به شاگردان موضوعی داده شود که قدرت اجرای آنرا داشته باشند.

۷_ در کارگروهی بعدی باید شاگردان تغییر و تبدیل شوند.

۸_ در کار گروهی وقت تعیین شود.

۹_ در آخر کار گروهی نتیجهٔ آن اعلان می‌شود.

۲_ روش اجرای نقش: شاگردان سهم می‌گیرند و آن موضوع خوانده شدهٔ درس که قابل تمثیل باشد به شکل صحنه حقیقی تمثیل می‌نمایند.

نکات عمده که در روش اجرای نقش باید در نظر گرفته شود

۱_ از این روش وقتی استفاده گردد که مردم آنرا بد نبینند.

۲_ مواردی که برای اجرای نقش ضرورت است باید قبلاً تهیه شود.

۳_ معلم باید در مورد اجرای نقش شاگردان موقف تسهیل گر و یک رهنما را داشته باشد.

۴_ در وقت اجرای نقش معلم باید کنترول صنف را مد نظر داشته باشد.

۵_ در روش اجرای نقش باید برای شاگردان هدایات واضح داده شود که کدام شاگرد در کدام نقش، چه کارها را، چه وقت انجام دهد.

۶_ در روش اجرای نقش، باید شاگردانی انتخاب شوند که قدرت اجرای آنرا داشته باشند.

۷_ اجرای نقش در همان نقطهٔ صنف اجرا شود که تمام شاگردان دیده بتوانند.

ترتیب روش سؤال وجواب

در این روش موضوع درس به قسمت‌های کوچک تقسیم گردیده و از هر قسمت آن سؤالات طرح می‌شود نکات عمده یی که در این روش باید در نظر گرفته شود قرار ذیل است:

۱_ معلم باید طوری بپرسد که شاگرد مفهوم پرسش را بداند.

۲_ وقتیکه یک شاگرد سؤال مینماید معلم باید سؤال این شاگرد را به شاگرد دیگر راجع سازد تا او جواب بدهد.

۳_ به شاگردان موقع داده شود تا از یکدیگر سؤال نمایند.

۴_ در وقت سؤال و جواب باید معلم از موضوع خارج نشود.

۵_ در روش سؤال و جواب به اکثریت شاگردان سهم داده شود.

۶_ شاگردی که همیشه می‌خواهد سؤال را جواب بگوید و چانس جواب دادن شاگردان دیگر را از بین می‌برد باید کنترول شود.

۷_ باید وقت در نظر گرفته شود.

۸_ شاگردیکه در سؤال و جواب سهم نمی‌گیرد در سؤال و جواب شامل ساخته شود.

۹_ معلم باید شاگرد را در صورت ارائهٔ جواب غلط تهدید نکند.

۱۰_ معلم باید شاگرد را در صورت ارائهٔ جواب صحیح تشویق نماید.

٤_ ترتیب روش مسابقه

مسابقه یکی از روش‌های اصول تدریس میباشد، در این روش رقابت مثبت بین شاگردان ایجاد شده و یک گروه از شاگردان کوشش می‌نمایند از گروه دیگر مسابقه را ببرند، در این روش شاگردان زیاد فعال بوده و مرکز فعالیت قرار میگیرند. در این اصول (روش) شاگردان به دو گروه یا بیشتر از آن نظر به لزوم دید تقسیم می‌شوند و از هر گروه به سویه‌های مساوی به تعداد شاگردان انتخاب می‌شوند و از این روش در صنوف ابتدایی و ثانوی میتوان کار گرفت.

نکاتی که در روش مسابقه باید در نظر گرفته شود، قرار ذیل است:

۱_ هدایت مسابقه باید واضح باشد.

۲_ در وقت مسابقه صنف باید کنترول شود.

۳_ در توزیع نمرات عدالت مراعات شود.

۴_ سؤالات مسابقه باید از آسان تا مشکل ترتیب گردیده، و از هر گروه مساویانه پرسش صورت گیرد.

۵_ در روش مسابقه یک شاگرد از شاگرد دیگر سؤال می کند و اگر شاگرد سؤال کرده نتواند معلم خود سؤال طرح کند.

۶_ در اخیر باید نتیجهٔ مسابقه اعلان شود.

١_ روش مباحثه و گفت و گو

درین نوع روش معلم سؤالات تفکر بر انگیز را ارائه می‌نماید و فرصت و مناقشه را برای شاگردان می‌دهد، بعد جواب‌های صحیح را از بین آن انتخاب نموده، و آنرا در روی تخته می‌نویسد، به همینطور تا که همه عناصر موضوع به پایه اکمال رسد و در اخیر جمع بندی می‌نماید و ارتباط بین افکاری که همراه شاگردان به توافق رسیده باشند با استدلال از آیات، احادیث، سیرت، دلایل فقهی و اقوال و اعمال سلف صالح باشد به سهم گیری شاگردان و برای اینکه تا منابع شریعت سر چشمه‌های اساسی برای اندیشیدن و استدلال باشد استفاده می گردد.

۲_ شیوهٔ حل مسأله

درین شیوه از طرح کردن یک شکل و یا یک پرسشی که مربوط به زنده گی روزمره است کار گرفته می‌شود تا توجه شاگردان را جلب نموده و آنان را به کاوش وا داشته تا راه رسیدن به حل مشکل و یا پرسشی را در یابند.

با به کارگیری این شیوه توا نایی شاگردان در اندیشیدن و جستجو افزایش یافته و مهارت به کار گیری منابع، مراجع و تنظیم معلومات پدید می‌آید؛ زیرا احکام و دساتیر اسلامی رابطه مستحکمی با زنده گی روزمره شاگردان داشته و به قضایای زنده گی و مشکلات آنان ارتباط دارد و به کار گیری این اسلوب که شاگردان توانایی سهم گیری فعال در درس را به دست می‌آورد و شاگردان را به درک حکمت شریعت کمک می‌نماید درک شریعتی که روابط انسان‌ها را نظم بخشیده و مصلحت‌های آنان را بهتر بر آورده می‌سازد و رابطه شاگرد را با خداوند بزرگ محکم و عمیق ترمی سازد.

۳_ شیوهٔ تحلیل(تجزیه) مفاهیم

در این روش محدود ساختن درس که دارای مفاهیم باشد و استوار با مثالها را ارائه نماید و این کار با به کار گیری یکی یا بیشتر از استراتیژی‌های این اسلوب تدریس انجام می‌پذیرد مثلاً:

_ مثالهای مثبت و منفی، تعریف، فشرده خصایص.

_ تعریف مفهوم، مثالهای مثبت و مثالهای منفی.

_ مثالهای مثبت و منفی، تعریف مفهوم.

استخدام چنین روش در تدریس تربیه اسلامی کمک نموده و برای شناختن بیشتر و ترسیخ آن در ذهن شاگردان صورت می‌گیرد و شاگردان را به فهمیدن حقایق اسلامی به صورت واضح دور از شبهه و فهم نادرست قادر می‌سازد.

٤_شیوه قصه و حکایت

معلم جهت تدریس تاریخ و واقعیات از اسلوب قصه استفاده می‌نماید، اساسات قصه را مراعات نموده تا مورد د لچسپی و علا قمندی شاگردان قرار گیرد، و چیزهایی که شیوه قصه در پی دارد مثل تحلیل و نتیجه گیری از حکمت‌های که در آن نهفته است مراعات گردد، و کوتاه ساختن قصه، و واضح نمودن اندرزهای که در آن موجود می‌باشد، چنین روش معمولا برای خورد سالان و بزرگ سالان بکار برده می‌شود، و همچنان از روش قصه جهت تدریس سیرۀالنبیﷺ و اخلاق بیشتر استفاده می‌شود.

در اسلوب قصه نکات ذیل باید در نظر گرفته شود:

_ کوتاه بوده و قبل از ختم ساعت درسی تمام شود.

_ در اسلوب قصه فهم شاگردان مد نظر گرفته شود.

_ مورد علاقه و دلچسپی شاگردان قرار گیرد.

٥_ شیوه نمایش

در ین شیوه معلم موقف برخی از موضوعات درس رابه نوعی تحریر در میآورد، بعد برای هر شاگرد نقشی را ایفا می‌نماید، آنرا به طور فعال و موثر بازی نموده تاکه تأثیر آن در ذهن شاگردان باقی بماند.

برای بر آوردن این هدف می‌توانیم از نمایش‌های شنیدنی و یا دیدنی مثل رادیو ویدیو استفاده نماییم.

لازم است تا در شیوه تمثیل از انبیاء کرام علیهم السلام وکبار صحابه(رضی الله عنهم) جداً خود داری نموده تا که خدای نخواسته به شخصیت آنها صدمه وارد نشود.

٦_ شیوه لکچر

معلم زمانی این شیوه را بکار می‌برد که قبلاً برای شاگردان مفاهیم مهم را ارائه کرده باشد، و خود را مطمئن سازد تاچه حد معلومات و مفاهیم در اذهان شاگردان جاگزین گردیده است قابل تذکر میباشد که در این شیوه معلم ازا اطالت و دراز ساختن بیش از حد موضوع پرهیز نماید تا سبب خستگی و پراگنده گی اذهان شاگردان نگردیده و همچنان سخن‌های استاد در بر گیرنده سؤالاتی باشد تا باعث جلب توجه شاگردان گردد و هم زمان ایشان بتوانند سهم فعال در آموزش گرفته، تا اسلوب سخنرانی و خطابه نیز در آن تحقق یابد.

٧_ شیوه مشق و تمرین (تکرار)

از این شیوه در تدریس قرآن کریم، احادیث و متن‌های که از شاگردان دقیق خوانی آن مطالبه و مقصود می‌باشد کارگرفته می‌شود، شاگرد قرائت و نطق کلمات و متن‌ها را با تطبیق احکام تجوید می‌شنواند.

در آموزش تلاوت برای صنوف ابتدایی به خصوص برا ی حفظ سوره‌ها و احادیث توسط شاگردان، معلم نا گزیر از این شیوه کار گیرد.
به گونه ای که استاد یک آیه و یا یک جزء آن را می‌خواند و شاگردان در گروه‌ها و دسته‌ها با آن تکرار می‌نمایند، چنانکه کلمات دشوار و عباراتی که به توضیح بیشتر نیاز دارد جدا گانه تکرار می‌نمایند.

تمرین عملی

تمرین عملی در به دست آمدن مهارت‌های عملی در موضوعاتی که به عمل نیازمند است آشکار می گردد، مانند نماز، وضو، تیمم و مهارت کامل تلاوت، و مهارت‌های تحقیق و به کار گیری مراجع ورسم نقشه‌ها و خواندن آنها درین شیوه شاگردان آنچه را قابل تطبیق است در داخل و یا خارج از صنف زیر نظر معلم و به رهنمایی که از فهم خود شاگرد با شد عملی می‌نماید.

۸_ شیوه جستجو و کشف

درین شیوه شاگرد مکلف به مراجعه و مصادر و منابع علمی، منابع مضمون درسی و موظف به در یافت معلومات ضروری و تعمق در آیات قرآن کریم، کتب تفسیر، باز دید از اماکن و مراکز تخصصی و استفاده از نشریات و روز نامه ها، می گردد.
درین شیوه نقش شاگردان بحث و اکتشاف و جمع آوری معلومات است، سپس منظم نمودن آن‌ها و تقدیم نمودن و مناقشه آنها با شاگردان و تهیه خلاصه آنچه مناقشه شده برروی تخته است، تا خلاصه کار شاگرد برای دیگر شاگردان سرمشق قرار گیرد، سپس برای معلم که شیوه‌های یاد شده را بکار می‌بندد مناسب است تا موارد آتی را مد نظر داشته باشد.
_ مقدمه درس را آماده نموده و اذهان شاگردان را به وسیله یکی از شیوه‌های یاد شده آماده سازد، مانند بر انگیختن به اشکال، و یا طرح سؤال، خوانش قصه جالب، نمایش تصویر یا تکرار درس گذشته و یاچیزهای دیگری که در اسلوب مقدمه و وسایل آن توضیح داده شده است.
_ عقیده اسلامی مبدأ و سر چشمه همه موضوعات مربوط به تعلیمات اسلامی باشد.
_ شاگردان را تشویق به سهم گیری فعال در جریان استفاده از شیوه‌های یاد شده نماید، و تا آنجا که ممکن است خود آموزی را در آنان تقویت کند.
_ در هنگام استفاده از شیوه‌های تدریس تنوع را به کار برده تا اهداف مد نظر بر آورده شده و تفاوت‌های فردی که در میان افراد صنف است در نظر داشته باشد، بنا برین، تدریس خود را با بکار گیری شیوه گفت و گو، داستان، تمثیل، جستجو، تحلیل مفاهیم، و تمرین عملی متنوع نماید، تا کفایت خوبی در تدریس از خود بروز داده و مشارکت وسیع شاگردان را جذب نماید، بدیهی است که باید از تدریس ملالت آور و استفاده از یک روش تدریس دراز مدت اجتناب گردد.
_ معلم باید بیشتر کوشش نماید تا شواهد را از قرآن کریم با توجه به سطح دانش و توانایی‌های عقلی و علمی آنان انتخاب نماید.
در اخیر توجه استادان گرامی را روی چند اصل آتی خواهانیم تا باشد که با رعایت آن اثر بیشتر در سلوک و ذهنیت شاگردان، هویدا گردد:

۱_ معلم محترم به رعایت هدایات و رهنمایی‌های این کتاب مکلف است و در عین حال از هر آنچه که در تدریس مفید واقع می گردد استفاده کند.

۲_ از وجایب معلمین ماست که رهنما را قبلاً مطالعه نموده و برای ارائه درس آماده گی لازم بگیرند.

۳_ دا نش‌های لازمی را عمیقاً مطالعه نموده محتویات آن را در صورت امکان به زبان ساده به شاگردان انتقال دهند.

۴_ معلم محترم حین ورود به صنف بعد از ادای سلام به تدریس آغاز نماید و با گفتن نام خدا و طهارت و در نظر داشت کسب ثواب، تعالی و ترقی وطن و اولاد وطن درس را به پیش ببرد.

۵_ از اظهار سخنان اضافی خود داری نموده، حقایق علمی و شرعی را از شاگردان نپوشاند.

۶_ در صورت مواجه شدن به اغلاط طباعتی کتاب درسی و رهنمای معلم در تصحیح آن بکوشند.

در اخیر از خداوند بزرگ برای همه معلمان پسران و دختران وطن خویش توفیق مزید را خواهانیم.

با احترام

مؤلفان کتاب رهنمای معلم صنف یازدهم

درس: اول

عنوان: کتاب‌های آسمانی

صفحه: ۱

وقت: دو ساعت درسی

اهداف

شاگردان باید:

۱- دلایل اثبات ایمان به کتاب‌های آسمانی را بیان کرده بتوانند.

۲- حکم ایمان به کتاب‌های آسمانی را بدانند.

۳- نیاز مردم به کتابهای آسمانی را درک کنند.

۴- طرز ایمان آوردن به کتاب‌های آسمانی را دانسته و به مردم رسانده بتوانند.

دانش لازمی

جای شک نیست که زمین و آسمان هر دو از مخلوقات خداوند‌ﷻ اند و این دو مخلوق عظیم تحت حکم پروردگار اداره میگردند از همین جاست که از بدو خلقت انسان هدایات و رهنمایی‌های اخلاقی و ارشادات دینی از آسمان به زمین فرو فرستاده شده است و بنا برآنست که طرز و اسلوب، فصاحت و بلاغت کلام آن از طرز اسلوب فصاحت و بلاغت کلام بشر فرق زیاد داشته. در حالیکه در صورت، صوت، حروف و بیان هیچ کدام تفاوت باکلام بشر ندارد و البته این بدان معنی است که انسانها به حقانیت عظمت و هدایت آن از جانب الله آگاه شده و طبق دستورات اعطا شده به آنها ایمان آورده عمل نمایند.

ناتوانی انسانها و نیازمندی‌های ایشان به خداوند‌ﷻ جلت عظمته در راستای جسم و جان خود مقتضی آن است که خدوند‌ﷻ کتابها و صحایف را که شامل قوانین و راه‌ها یی برای رسیدن انسان به کمال است در آنچه که در زنده گی دنیا و آخرت از او می‌طلبد نازل فرماید. میتوان گفت که کتابهای آسمانی در عین حال اسناد دست داشته برای تمام بشریت است که همچنان بعد از سپری شدن عمر نبی و پیامبر وقت جوابگوی و مبین احکام و هدایات خداوند‌ﷻ می‌باشد. مسلم است که وظیفه انبیاء دعوت مردم به سوی عبادت و پیروی از خداوند یگانه است؛ اگر کتاب از جانب پروردگار به همراه نداشته باشد که قوانین زنده گی و راه هدایت را از آن انتباه بگیرد و به مردم ارائه نماید. تکذیب انبیاء و انکار از حقیقت رسالت برای مردم بسیار آسان می‌بود؛ بنا بر این نازل شدن کتابهای آسمانی استدلال منکرین را سست وضعیف جلوه میدهد نکار از یک کتاب آسمانی در حقیقت انکار از تمام کتب آسمانی است کسانیکه خود را پیروان تورات و یا انجیل می‌خوانند اما به قرآنکریم ایمان ندارند کافر محض اند و ادعای شان خلاف از ایمان حقیقی است.

روش تدریس: سؤال و جواب، مباحثه، کار گروهی

مواد ممد درسی: تخته، تباشیر، کتاب درسی....

وقت	فعالیت‌ها
۵دقیقه	بعد از ادای سلام و احوالپرسی و معرفی خود به شاگردان در بارۀ اهمیت کتاب تعلیم وتربیۀ اسلامی مختصراً صحبت نموده و بخش‌های سه گانۀ کتاب را به شاگردان معرفی کنید.
۲۵دقیقه	عنوان درس جدید را روی تخته بنویسید بعد شاگردان را متوجه کتاب‌های شان نموده نصوص درس را با آواز مناسب قرائت کنید. سپس برای شاگردان هدایت دهید تا درس را خاموشانه مطالعه نمایند و خود در عین حال عناوین جانبی ذیل را در کنار تخته بنویسید: - تعریف کتاب - دلایل اثبات کتاب‌های آسمانی - حکم ایمان به کتاب‌های آسمانی - ضرورت مردم به کتاب‌های آسمانی اگر سؤالی در مورد مطرح شد آنرا حل نموده با استفاده از عناوین جانبی، درس را برای شاگردان تشریح کنید و بالای عنوان سوم ترکیز بیشتر نمایید. از چند شاگرد بخواهید تا هر کدام به نوبۀ خود یک عنوان را توضیح و تشریح نماید. آیۀ ۱۳۶ سورۀ بقره را روی تخته صنف نوشته کرده و ترجمه کنید و بعد از دو شاگرد بخواهید تا به کمک همدیگر ترجمۀ آیه مبارکه را در زیرش بنویسند و همچنان از یک شاگرد بخواهید تا حدیث جبرئیل را با معنای آن روی تخته بنویسد و اگر به مشکلی مواجه میشود کمک کنید. برای شاگردان چند دقیقه وقت دهید تا در مورد موضوعاتی که در داخل چوکات کتاب درسی گنجانیده شده است بین هم بحث کنند و خود متوجه نظریات شان باشید تا نظر و جواب اشتباه را اصلاح کنید. **ارزیابی** جهت اطمیان از یاد گیری درس شاگردان را توسط سؤالات کتاب درسی ارزیابی می کند.
۱۰ دقیقه	**خلاصه** درس در نکات ذیل خلاصه میشود: - خداوندﷻ در زمان‌های مختلف به خاطر رهنمای بشر کتاب‌های را نازل کرده است. - کتاب‌های آسمانی در حقیقت کلام خداوند تعالی اند که نسبت به تقاضای زمان به رسولان نازل شده است. - کتاب آسمانی در حقیقت قانون مقدسی برای بشریت است تا با استفاده از رهنمودهای آن بشر زنده گی خود را عیار ساخته و دچار بد بختی‌های دارین نشود - برای اثبات حقانیت کتب آسمانی نصوصی قرآنی و نبوی زیادی موجود است. -ایمان آوردن به کتب آسمانی از جمله فرضیات به شمار میرود - اصلاً مردم به کتب آسمانی ضرورت دارند؛ زیرا عقل انسان از درک حقایق به خصوص از اشیای غیبی عاجز و ناقص است.

درس: دوم
عنوان: وحی و الهام
صفحه: ۵
وقت: دو ساعت درسی
اهداف
شاگردان باید:
۱- وحی رادر لغت و اصطلاح تعریف کرده بتوانند.
۲- دلایل وجود وحی را بیان نمایند.
۳- حکم ایمان به وحی و انواع آنرا گفته و به دیگران برسانند.
دانش لازمی
وحی در لغت معنای متعددی را افاده می کند؛ مانند: اشاره، الهام، رسالت، کلام خفی، وسواس، امر، القاء و غیره. بر هر کدام این معناها دلیلی وجود دارد که چند آنرا در ذیل ذکر می‌نماییم: دلیلی نسبت به امر «**واوحي ربک الي النحل**» سوره النحل آیه ۶۸ ترجمه: و امر کرد پروردگار تو به زنبور.
دلیلی نسبت به وسواس: (**وإن الشياطين ليوحون الي اوليا ئهم**) سوره انعام آیه ۱۲ ترجمه: و به تحقیق شیاطین وسوسه میکنند به دوستان شان. دلیلی نسبت به الهام: (**واوحينا الي ام موسي**) سورهٔ قصص آیه ۸ ترجمه: و ما الهام کردیم به مادر موسی.
علامه شبلی در کتاب خود (عقاید وکلام) می‌فرماید از اینکه وحی اعلام در خفاست بناءً الهام، خواب و القاء خیر در نفس انبیآء نیز مصدر وحی میباشد.
- وحی انواع و اقسام گوناگونی دارد کیه به ترتیب ذیل آنرا ذکر می کنیم:
۱_ رویاهای صادقانه است که آغاز بعثت و یا مقدمهٔ بعثت پیامبر ﷺ نیز به آن بود.
۲_ فرشتهٔ وحی بدون اینکه دیده شود در ذهن و دل آن حضرت ﷺ مطلبی را القاء می کرد چنانچه آنحضرت ﷺ فرمود روح القدس در دلم افگند که هیچ کس پیش از آن که روزی مقدر خویش را به آخر نرساند نخواهد مرد پس از خداوند بترسید و در طلب روزی شتاب نورزید.
۳– آن است که فرشته همچو ن مردی در برابر پیامبر ﷺ ظاهر میشد و با آنحضرت سخن می گفت.
۴_ آن است که وحی با صدای همانند بانگ جرس (زنگ) در جان آنحضرت ﷺ طنین می‌انداخت و فرشته خود نا پدید می‌بود. این گونه وحی بالای آنحضرت ﷺ بسیار دشوار تمام میشد که حتی در روزهای سرد و خنک پیشانی مبارکش شان عرق میکرد و اگر بر مرکبی سوار میبود مرکبش به زمین زانو خم میکرد.
۵_ آنکه پیامبر ﷺ فرشته را به صورت اصلی اش مشاهده میکرد ومیدید
۶_ آنکه درشب معراج زمانی که آنحضرت ﷺ بر فراز آسمان‌ها بود خداوند تعالی وجوب نماز و غیره را خود به آنحضرت وحی نمود.
۷_ آنکه خداوند کریم بدون واسطه؛ چنانچه با حضرت موسی علیه السلام سخن می گفت با رسول خود سخن می گفت. ([1])

[1] ـ الرحیق المختوم صفحه ۹۶

روش تدریس: سؤال و جواب، مباحثه و گفتگو، تشریحی و توضیحی....

مواد ممد درسی: تخته، تباشیر، کتاب درسی.....

وقت	فعالیت‌ها
۵ دقیقه	ـ بعد از موضوعات مقدماتی درس گذشته را با طرح چند سؤال ارزیابی می کند؛ طور مثال: - حکم ایمان داشتن به کتب آسمانی چیست؟ - کی می‌تواند کتاب آسمانی را تعریف نماید؟ - کی می‌تواند ضرورت بشر را نسبت به کتاب آسمانی توضیح نماید؟ بعد از شنیدن جواب‌ها از یک شاگرد بخواهید تا عنوان درس جدید را روی تخته بنویسد توجه شاگردان را به کتاب‌های شان معطوف داشته نصوص درس را با آواز مناسب قرائت می کند و بعد قرائت از یک شاگرد خوش خط می‌خواهد تا آیات ۱۶۳- ۱۶۴ سورهٔ مبارکه النساء را روی تخته بنویسد سپس آیات را از روی تخته ترجمه نموده معنای بعضی از کلمات را بنویسید. برای شاگردان هدایت دهید تا درس را خاموشانه مطالعه نمایند و خود در عین حال عناوین جانبی ذیل را
۲۵دقیقه	در کنار تخته بنویسید: - تعریف وحی - دلیل ثبوت وحی - دلیل عقلی- حکم ایمان به وحی - انواع وحی معلم محترم با استفاده از عناوین جانبی درس را تشریح نموده و بالای هر یک از عنوان‌ها ترکیز بیشتر می کند. بعد از چند شاگرد بخواهد تا هر کدام به نوبهٔ خود یک عنوان را برای دیگران تشریح کند. شاگردان را به دو دسته تقسیم کرده برای شان چند دقیقه وقت دهید تا در مورد درس از همدیگر سؤال نمایند و خود جواب‌ها درست و اشتباه را جهت تشویق و اصلاح نزد خود یاد داشت کنید. دو آیهٔ سورهٔ نجم را روی تخته بنویسید و بعد از دو شاگرد بخواهید تا هر کدام یکی آنرا در مقابل تخته ترجمه نماید.
۱۰دقیقه	**ارزیابی** شاگردان توسط سؤالات کتاب درسی ارزیابی کنید. **خلاصه** این درس در نکات ذیل خلاصه میشود: - وحی در لغت به معانی زیادی استعمال شده است؛ اما در اصطلاح علم عقاید عبارت از سخن گفتن خداوند ﷻ با پیامبر است. - حضرت محمد ﷺ نخستین انسانی نیست که با مردم از وحی سخن گفته باشد بلکه پیامبران زیادی از نوح علیه السلام الی آنحضرت ﷺ از طریق وحی مردم را آگاه ساخته اند. - کسی که به وجود خداوند متعال ایمان دارد هیچ گاه از حقانیت وحی منکر نمیشود. - ایمان به وحی فرض است. اقسام وحی: خواب‌های صادقانه پیامبران نیز نوعی از وحی میباشد مثلیکه خداوند در خواب به حضرت ابراهیم علیه السلام وحی فرمود؛ اینکه فرزندش را ذبح کند.

درس: سوم

عنوان: ایمان به انبیاء و رسولان

صفحه: ۸

وقت: دو ساعت درسی

اهداف

شاگردان باید:

۱- معنای لغوی نبی و رسول را تعریف کرده بتوانند.

۲- فرق نبی و رسول را بفهمند.

۳- دلایل وجوب ایمان به انبیاء را درک کرده بتوانند.

دانش لازمی

به هر مسلمان لازم است که مراتب، درجات، طرز و طریقهٔ ایمان آوردن به اشیاء مؤمن به را بداند.

به انبیاء و رُسل آن صفاتیکه مناسب شأن خداوند است نسبت ندهند و هکذا به ملایکه عظام صفاتی را که مربوط انبیاء است نسبت ندهند ایمان به تمامی انبیاء و رُسل و تصدیق اخبار ایشان و اطاعت از اوامر ایشان برای هر مسلمان فرض است؛ زیرا قرآنکریم میفرماید: «**قُولُوا آمَنَّا بِاللَّهِ وَمَا أُنْزِلَ إِلَيْنَا وَمَا أُنْزِلَ إِلَى إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطِ وَمَا أُوتِيَ مُوسَى وَعِيسَى وَمَا أُوتِيَ النَّبِيُّونَ مِنْ رَبِّهِمْ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ**» سورهٔ بقره آیه (۱۳۶)

و همچنان فرموده است: «**كُلٌّ آمَنَ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْ رُسُلِهِ**» سوره بقره آیه (۲۸۵)

و هکذا است: «**وَالَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ وَلَمْ يُفَرِّقُوا بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ أُولَئِكَ سَوْفَ يُؤْتِيهِمْ أُجُورَهُمْ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا**» سوره نساء آیه (۱۵۲)

بنا بر هدایات فوق که از جانب الله ﷻ در مورد ایمان به انبیاء صدور یافته است تکذیب یک و یا تمام انبیاء (علیهم السلام) و عدم ایمان دا شتن به یکی از ایشان کفر پنداشته شده است زیرا همه انبیاء در احترام و بزرگی مشترک اند؛ لذا جمیع علمای اسلام متفق بر این اند شخصی که تکذیب نبوت یک نبی رانماید کافر میشود و یا یکی از انبیاء را دشنام دهد، و یا عیبی بر او وارد نماید و این شخص واجب القتل است؛ بنا بر حکمی که قرآنکریم در مورد دارد و میفرماید: «**إِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ وَيُرِيدُونَ أَنْ يُفَرِّقُوا بَيْنَ اللَّهِ وَرُسُلِهِ وَيَقُولُونَ نُؤْمِنُ بِبَعْضٍ وَنَكْفُرُ بِبَعْضٍ وَيُرِيدُونَ أَنْ يَتَّخِذُوا بَيْنَ ذَلِكَ سَبِيلًا أُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ حَقًّا وَأَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا مُهِينًا**» سورهٔ نساء آیه ۱۵۰

ترجمه: کسانی که به خدا و پیامبرانش کفر می‌ورزند و می‌خواهند میان خدا و پیامبران او جدایی اندازند و می گویند ما به بعضی ایمان داریم و بعضی را انکار می کنیم و می‌خواهند میان این دو راهی برای خود اختیار کنند آنان در حقیقت کافرند و ما برای کافران عذابی خفت بار آماده کرده‌ایم.

روش تدریس: سؤال و جواب ـ بحث ـ تشریحی و گروهی

مواد ممد درسی: تخته، تباشیر، کتاب درسی....

وقت	فعالیت‌ها
۵دقیقه	بعد از موضوعات مقدماتی، درس گذشته را باطرح سؤالات ذیل ارزیابی می کند: - کی می‌تواند وحی را در لغت و اصطلاح تعریف کند؟ - کی می‌تواند حکم ایمان به وحی را بیان نماید؟ - کی می‌تواند انواع وحی را توضیح کند؟ بعد از شنیدن جواب‌ها از یک شاگرد بخواهید تا عنوان درس جدید را روی تخته بنویسد توجه شاگردان را به کتاب شان معطوف داشته؛ تنها نصوص درس را با آواز مناسب میخواند و بعد از یک شاگرد بخواهید تا متن درس رابخواند. از دو شاگرد بخواهید تا یکی عناوین جانبی ذیل را از روی کتاب بخواند و دیگرش آنها را بنویسد
۲۵دقیقه	- فرق بین نبی و رسول - تعداد انبیآء -دلایل اثبات ایمان به پیامبران - نبوت یک عطیه الهی است - تفصیل ایمان به انبیاء و رسولان با استفاده از عناوین جانبی درس را تشریح نموده و ترجمه نصوص را طور شفایی بیان میکند. از چند شاگرد بخواهید تا هر کدام به نوبهٔ خود یک عنوان درس را شرح کند. معلم محترم برای شاگردان چند دقیقه وقت بدهید تا درمورد درس از همدیگر سؤال نموده و بین هم بحث کنند وخود متوجه جواب‌ها و نظریات ایشان باشید؛ اگر کدام مشکلی ایجاد شده بود آنرا حل میکند. **ارزیابی** با استفاده از سؤالات کتاب درسی شاگردان را ارزیابی می کند.
۱۰دقیقه	**خلاصه** این درس در نکات ذیل خلاصه میشود: - نبی واژهٔ عربی بوده که از نبأ گرفته شده و نبأ به خبر گفته می‌شود ودر اصطلاح علم عقاید نبی به شخصی گفته میشود که از طرف الله ﷻ برایش وحی شده باشد. - رسول به شخصی گفته میشود که الله ﷻ برای رساندن احکامش به بنده گان او را با همراه شریعت جدید فرستاده باشد. ۳- فرق بین رسول و نبی این است که برای هر رسول نبی گفته میشود؛ اما برای هر نبی رسول گفته نمیشود. - تعداد انبیاءعلیهم السلام زیاد است؛ اما در قرآنکریم صرف نام ۲۵ تن ایشان ذکرشده است. ۵- ایمان به همه انبیاء و رسولان فرض و از ارکان عقیده اسلامی میباشد. ۶- نبوت یک عطیه الهی است و به هر کس که او بخواهد می‌دهد

درس: چهارم (بخش اول و دوم)

عنوان: صفات انبیاء و رسولان

صفحه: ۱۳

وقت: دو ساعت درسی

اهداف

شاگردان باید:

۱- دلایل بشر بودن پیامبران را بدانند.

۲- دلایل صفت تبلیغ را بیان نمایند.

۳- دلایل صفت ذکاوت انبیا را دانسته و اهمیت آنرا به دیگران بگویند.

دانش لازمی

خداوند ﷻ انبیاء و رسل را کفایت عالی برای قیادت و هدایت مردم اعطا و عنایت فرموده است و از همین جهت است که خداوند گروه انبیاء را به صفاتی متمایز گردانیده است که در آن جمیع خصلت‌های نیکو و پسندیده بوده و از جمیع عیوب و نواقص که منافی شأن ایشان است بری و پاک اند که ما در اینجا به بیان یکی از صفات انبیا به طور خلص و فشرده اکتفا میکنیم.

۱- عصمت

عصمت که لغتاً نگهداری راگویند ودر شأن انبیاء این نگهداری لطف خداوند است که ایشان انجام کار خیر را نموده و از انجام کار شر و بد خود داری می‌نمایند این هم یکی از الطاف بی پایان خداوند یست که تمام انبیاء از ارتکاب گناهان صغیره و کبیره در عصمت اند؛ اگر چنین نمی‌بود آنچه را که از جانب الله ﷻ ابلاغ میکردند همه زیر سؤال قرار میگرفت.

گناهان کبیره آن گناهان راگویند که در شریعت مقدس اسلام بامرتکب شدن آن حد لازم میگردد و برای مرتکب آن و عدهٔ دوزخ و عقاب داده شده است؛ اما گناهان صغیره آن است که در دنیا برآن حد نبوده و در آخرت هم کدام وعید شدید برآن نیست.

بنا برآن جمهور علماء معتقد بر این اند که انبیاء علیهم السلام قبل از وحی و بعد از وحی معصوم اند. انبیاء علیهم السلام از دروغ بیزاراند و راستی از صفات ممیزه ایشان است و در دعوای رسالت صادق اند، درآنچه از احکام شریعت به مردم از جانب الله ﷻ است مأمور اند راستگواند در رساندن جمیع آنچه بیان میکنند از امور دنیا و آخرت (**وَمَا ينطِقُ عَنِ الْهَوَى إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يوحَى**) پس آنچه راکه در کتب از نسیان انبیاء و یا از آیات قرآنی چون(استغفر لذنبک) و امثالهم میخوانید و یا می‌شنوید و یا گفتار حضرت ابراهیم علیه السلام که در قرآن کریم چنین نقل گردیده است: «انی سقیمٌ» و یا ضرب موسی علیه السلام قبطی را و یا خوردن آدم علیه السلام دانهٔ گندم راهمهٔ اینها نزد علماء توجیه و تحویل دارند که میتوان از کتب مزبور به دست آورد ([1]).

[1] - اصول الدین اسلامی دکتور قحطان

روش تدریس: سؤال جواب ـ مناقشه و تشریحی

مواد ممد درسی: تخت، تباشیر، کتاب درسی....

وقت	فعالیت‌ها
۵ دقیقه	بعد از موضوعات مقدماتی، درس گذشته را با طرح چند سؤال ارزیابی می کند؛ طور مثال: - کی میتواند فرق بین نبی و رسول را واضح سازد؟ - کی می‌تواند بگوید نبوت چگونه حاصل میشود؟ - کی می‌تواند بگوید نام چند پیامبر در قرآنکریم ذکر شده است؟
۲۵دقیقه	ـ بعد شنیدن جواب ها، عنوان درس جدید را نوشته کرده نصوص درس را با آواز مناسب می‌خواند برای شاگردان هدایت میدهد تا درس را خاموشانه مطالعه نمایند و خود در عین حال آیت سوره توبه و سوره کهف را با ترجمه شان روی تخته مینویسد. بعد پیرامون این دو آیت بحث نموده نصوص دیگر را نیز قرائت نموده ترجمه می کند. توجه شاگردان را به کتاب‌های شان معطوف داشته از یک شاگرد می بخواهید تا متن درس را از روی کتاب بخواند. سپس برای دو شاگرد وظیفه میدهد تا یکی از عناوین جانبی ذیل را از روی کتاب خوانده و دیگرش آنها را در کنار تخته بنویسد: - بشر بودن رسول و نبی. - تبلیغ - فطانت - پاک بودن از عیوب - تعریف عصمت - عصمت انبیاء از گناهان -دلایل عصمت با استفاده از عناوین جانبی، درس را تشریح نموده در صورت امکان وقت بالای بعضی نکات ترکیز بیشتر می‌نماید. از چند شاگردی که نسبتاً در فعالیت‌ها کمتر سهم میگیرند میخواهد تا هر کدام یک عنوان را به نوبهٔ خود شرح کند شاگردان را به دو بخش تقسیم نموده چند دقیقه برای شان وقت میدهد تا در مورد درس بین هم بحث نموده از یکدیگر سؤال نمایند در جریان این فعالیت نظم صنف را کنترول نموده جواب‌های اشتباه و غلط را جهت اصلاح نزد خود یاد داشت می کند. چند کلمه قرآنی را از نصوص درس روی تخته نوشته و از بعضی شاگردان میخواهد تا نزد تخته آمده

	معنای آنهارا در زیرشان بنویسند و اگر برای شان مشکل بود آنها را همکاری می کند. **ارزیابی** جهت اطمینان از یادگیری درس شاگردان را توسط سؤالات کتاب درسی ارزیابی می کند.
۱۰ دقیقه	**خلاصه** این درس در نکات ذیل خلاصه می‌شود: - همه پیامبران علیهم السلام بشراند. - پیامبران مامور اند که احکام الهی رابه مردم برسانند تا آنان به خوشبختی دنیا وآخرت نایل گردند. - همه پیامبران علیهم السلام از فطانت خاصی برخوردار بودند - نظر به آیهٔ قرآنی همه انبیاء علیهم السلام از جنس مردان بودند. - پیامبران علیهم السلام از تمام عیوب پاک بودند. - عصمت در لغت به معنای حفظ ونگهداری است ودر اصطلاح عقاید عبارت از آن لطف الهی است که انسان را از کارهای بد باز داشته وبه کارهای نیک تشویق می کند. - نزد امام ابو حنیفه (رح) پیامبران علیهم السلام از گناهان کبیره و صغیره معصوم اند.

درس: پنجم
عنوان: پیغمبران اولوالعزم
صفحه: ۱۸
وقت: دو ساعت درسی

اهداف

شاگردان باید:

۱- عزم را تعریف کرده بتوانند

۲- فضیلت پیامبران اولوا لعزم را بیان کرده بتوانند.

۳- در بارۀ فضیلت پیامبران اولو العزم یک حدیث شریف گفته بتوانند.

۴- فضیلت پیامبران اولو العزم را درک کرده و اهمیت آنرا به دیگران برسانند.

دانش لازمی:

همه انبیاء علیهم السلام صاحبان عزم، عزت و منزلت اند؛ اما آنچه در آیۀ هشتم سورۀ احزاب خداوندﷻ پیغمبران را به گرفتن عهد مختص ساخته که علماء اینها را پیغمبران اولوالعزم میدانند که بنا بر توان، تحمل، ثبات، حوصله مندی و صبر ایشان و بنا بر تأثیر هدایت آنها در میان بشر است بناً ایشان به صفات اولوالعزم مشهور شده اند، طور مثال: می‌بینیم که نوح علیه السلام مدت «۹۵۰» سال باتحمل مشقت زیاد و طولانی کار دعوت را کنار نگذاشته این خود بیانگر حوصله مندی و صاحب عزم بودن وی است و البته این حوصله مندی و عزم و گرفتن عهد محکم از ایشان علامۀ ممیزه و باعث امتیاز ایشان شده می‌تواند. حضرت ابراهیم؈ به خاطر مبارزه و شکستن بت‌ها به مجازات سختی یعنی سوختن در آتش محکوم میشود؛ اما ایمان، توکل و صبر وی چنان بود که خداوند کریم آتش را برایش سرد سالم می‌گرداند. این ماجرا را خداوند منان در سورۀ انبیاء آیه ۷۰ بیان نموده است و نیز حضرت موسی؈ در دعوت قوم ظالم و سرکش که حتی دعوای خدایی در زمین میکردند از خود کوتاهی نشان نداده بلکه با بسیار صبر و حوصله مندی و شجاعت کار دعوتش را به پایان رساند که نیز قرآن کریم شاهد ماجرا و مبارزات ایشان میباشد. و همچنان حضرت عیسی؈ به دعوت قوم ظالم و لجوجی موظف شده بود که آن قوم جز ریختن خون پیامبران کاری نداشتند به طور نمونه حضرات زکریا و یحیی علیهم السلام را به قتل رساندند و حتی مصمم بر این شدند که حضرت عیسی؈ را به قتل رسانند؛ اما خداوند کریم وی را نزد خویش بر فراز آسمان‌ها بلند میکند که موضوع (رفعت) در آیات ۱۵۷ و ۱۵۸ سوره النسآء واضح بیان شده است باید مراجعه شود.

رسول اکرمﷺ پس از مکلف شدن به وظیفۀ رسالت تمام زنده گی اش را در راه تبلیغ دین سپری کرد و دروازه به دروازه می‌گشت و به جستجوی سیماها و دلها می‌پرداخت به امید اینکه دعوتش را بپذیرند؛ اما واکنش طرف مقابل نخست با بی اعتنایی و تحریم آغاز شد و سپس با استهزا و تمسخر ادامه یا فت و در مرحلۀ بعد انواع و اقسام شکنجه‌ها را

به خود گرفت. در مسیر را هش خار می‌انداختند، در هنگام نماز، شکمبه حیوان را بر سرش می گذاشتند و هر نوع توهین و تحقیر را در حقش روا می‌داشتند. رسول خدا با تمامی این اوصاف از پا ننشست و مأیوس نشد، چون هدف از آمدنش به این هستی همین وظیفه بود. بار بار نزد دشمنان قسم خورده اش رفت و پیام الهی را به آنان عرضه داشت اما آن سخت دلان نمی‌پذیرفتند و در مقابل رفتار غیر انسانی از خود نشان می‌دادند. از این سبب بود که رسول خدا تصمیم گرفت تا به سوی طائف رود و اهل آن را به اسلام فرا خواند([1]).

مردم طائف علی الرغم اینکه دعوت ایشان را نپذیرفتند پسران و غلامان خود را به سنگ زدن آن حضرت امر کردند و ایشان را به این روش ظالمانه و غیر انسانی از کوچه‌های طائف بیرون کردند؛ اما صبر و حوصله مندی رسول خدا بود که بر ایشان عذاب را نخواست و در این روش ظالمانه و غیر انسانی آنها باعث شد که پیغمبرﷺ آنجا را ترک کند عوض در حق شان دعای خیر کرد و فرمودند: (**اللهم إهد قومي فانهم لا يعلمون**) خداوندا! قوم من را هدایت کن؛ زیرا آنها نمی‌دانند. به همین ترتیب رسول خدا در زمان هجرت همواره در مقابل دشمن به خصوص در مقابل منافقین آن کسانیکه شب و روز در فکر قتل پیغمبر بودند جز صبر و شکیبایی چیزی دیگری از خود نشان ندادند.

قابل یاد آوری است اینکه همه پیامبران علیهم السلام در راستای دعوت و تبلیغ شان زحمات و مشکلات زیادی را متحمل شدند.

روش تدریس: سؤال و جواب ـ بحث ـ تشریحی و توضیحی

مواد ممد درسی: تخته، تباشیر، کتاب درسی....

وقت	فعالیت‌ها
۵ دقیقه	بعد از فعالیت‌های مقدماتی، درس گذشته را با طرح چند سؤال ارزیابی می کند؛ طور مثال: - کی می‌تواند صفت عزم را تعریف کند؟ - کی می‌تواند معنای لغوی و اصطلاحی عصمت را بیان کند؟ بعد از استماع جواب ها، عنوان درس را توسط یک شاگرد روی تخته نوشته نموده نصوص درس را با آواز مناسب قرائت می کند.
۲۵دقیقه	برای شاگردان هدایت دهید تا درس را خاموشانه مطالعه نمایند و خود در عین حال برخی نصوص را با معنای شان در کنار تخته مینویسد. اگر سؤال ایجاد شده بود آنرا حل نموده نصوص را از روی تخته بالای چند شاگرد خوانده معنا می کند. از دو شاگرد میخواهد تا یکی ایشان عناوین جانبی ذیل را از روی کتاب خوانده و دیگر ایشان آنها را بنویسد: - تعریف عزم - تعداد پیغمبران اولوالعزم

[1] -نور جاویدان صفحه ۹۶

	- فضیلت پیغمبران اولوالعزم با استفاده از عناوین جانبی، درس را برای شاگردان تشریح نموده در مورد فضیلت حضرت رسول اکرم ﷺ ترکیز بیشتر می‌نماید. بعد از سه تن شاگردان مورد نظر بخواهد تا هر کدام یک عنوان جانبی را به نوبهٔ خود شرح کند. برای شاگردان چند دقیقه وقت دهید تا در مورد مفاهیم و محتوای درس با خود فکر کنند و آماده جواب دادن به سؤالات معلم باشند
۱۰دقیقه	**ارزیابی** جهت اطمیان خود از یاد گیری درس، شاگردان را توسط سؤالات کتاب درسی ارزیابی می کند. **خلاصه** ا ین درس در نکات ذیل خلاصه میشود: ـ همه پیامبران علیهم السلام باعزت و منزلت اند؛ اما خداوند متعال عزم و پایمردی برخی از پیامبران را ستوده است. - عزم به معنای صبر، ثبات و انجام دادن کاری به اراده قوی است. ـ تعداد پیامبران اولوالعزم پنج میباشد. ـ این پیامبران نسبت به همه پیامبران دیگر فضیلت دارند. - به روایت حضرت ابوهریره رضی الله عنه در حدیثی رسول الله ﷺ فرموده است: در بین فرزندان آدم علیه السلام بر ترین شان نوح علیه السلام، ابراهیم علیه السلام، عیسی علیه السلام، موسی علیه السلام و محمد ﷺ می‌با شند و در میان این پنج تن بهترین شان حضرت محمد ﷺ است.
۵دقیقه	**کارخانه گی:** شاگردان باید روایت ابوهریره (رضی الله عنه) را حفظ کنند و آن را با ترجمه اش در کتابچه‌های خود بنویسند.

درس: ششم - هفتم
عنوان: معجزه، سحر - کرامت و استدراج
صفحه: ۲۱- ۲۵
وقت: دو ساعت درسی
اهداف
شاگردان باید:
۱- معجزه و سحر را تعریف کرده بتوانند.
۲- فرق معجزه و سحر را بدانند.
۳- انواع معجزه را بیان کنند.
۴- دلایل اثبات سحر و حکم آنرا دانسته و به دیگران انتقال داده بتوانند.
دانش لازمی
سحر با معجزه پهلونزند دل خوش دار   سامری کیست که دست از ید بیضاء ببرد
نبوت یک منصبی است که از طرف خداوندﷻ به کسی که اراده کرده اعطا نموده است و شرط نبوت معجزه نیست، انبیایی بودند که از آنها اعجاز صادر نشده؛ مانند: شیث، ادریس و شعیبعليه السلام ولی نبی بوده اند. گرچه این اندیشه به طور عموم در دنیا وجود داشته که در انبیا و اولیا امر خارق العاده وجود دارد از همین جاست که بعضی از گروها برای انبیای شان مرتبه ایزدی و خدایی را قایل گردیدند طوریکه نصرانی‌ها حضرت عیسیعليه السلام را پیکر جسمانی خداوند پنداشتند. و امتداد زمانه و ارتقای عقل از عروج این رتبه قدری کاست و در درجهٔ خرق عادت آنرا قرار داد؛ چنانچه و قتیکه جناب رسول اللهﷺ به پیغمبری مبعوث گردیده و نبوت خویش را اظهار نمود کسانیکه خرق عادت را لازمهٔ نبوت می‌پنداشتند باکمال تعجب گفتند (**لَوْلاَ أُنزِلَ عَلَيهِ آيةٌ مِّن رَّبِّهِ**) یعنی برای این از طرف خداﷻ چرا معجزه نازل نگردیده و نیز کفار آن وقت میگفتند (چرا از جانب خدا نزد ما معجزه نیاورده است) و بعضی‌ها گفتند اگر معجزه نمی‌آورد باید حد اقل امتیازات داشته باشد و نیز گفتند «**وَقالوُا لَنْ نُومِنَ لَكَ حَتَّى تَفْجُرَ لَنَا مِنَ الْأَرْضِ ينْبُوعًا**».
ترجمه: و گفتند به توایمان نخواهیم آورد تا برای ما از زمین چشمه خارج نگردانی و یا برای تو باغ از خرما و انگور نباشد که در زیر آن نهرها جاری گردد، یا فرود آری آسمانرا چنانکه گمان میکنی بر ما پاره پاره یا بیاوری خدا و فرشتگانرا رو بروی ما یا باشد ترا خانه از طلا یا بالا روی در آسمان و باور نداریم بالا رفتن ترا آنجا و فرود آوری بر ما نوشته که بخوانیم آنرا.
یکی از وظایف دین مبین اسلام مبارزه علیه خوش اعتقادی‌ها ست بنا بر این در این آیه هم این نکته ظاهر گردید که آنچه از توان بشریت بالاتر است در پیغمبری وجود ندارد از همین جاست که در بسا آیات خداوند به پیغمبرش هدایت می‌دهد که بگو که من نمی‌گویم خزائن خدا نزد من است و نه دانا ی غیب هستم حتی نفع و نقصان ذاتی من هم در اختیار من نیست؛ آنچه خدا بخواهد آن خواهد شد؛ اگر من غیب را می‌دانستم فایده زیادی برمی داشتم و گزندی به من نمی‌رسید من صرف بشارت دهنده و خوف دهنده بیش نیستم؛ منکرین خدا همیشه در طلب معجزه به سرمی بردند و

نبوت را موقوف بر معجزه می‌پنداشتند در حالیکه نبوت موقوف به معجزه نیست اما در اکثر حالات لازمه نبوت بوده است نکته یی جالبی که در اینجا قابل بررسی است اینست چیزهایی که کفار تقاضا میکردند ناممکن و محال نبود لیکن خداوندﷻ از اظهار آنها اعراض نمود و غرض از آن صرف اظهار این موضوع بود که اگر چه همه اینها در اختیار و قدرت خداوند است، لیکن برای اثبات نبوت عرضه نمودن انها در حقیقت مردم را در همان خطای قدیم بازهم مبتلا نگه داشتن بود، عدم عرضه خرق عادت از این جهت نبود؛ که خداوندﷻ قادر بر آن نیست، لذا بر هر مسلمان لازم است که به انبیاء علیهم السلام بالخصوص بر رسول اللهﷺ از راه ثبوت و بیان معجزات اونه؛ بلکه از راه هدایات و ارشادات او ایمان بیاورند.

گرچه معجزه دلیل برای ثبوت نبوت نزد اشاعره است؛ ولی آنها هم چنین ادعا ندارند که معجزه دلیل عقلی برای نبوت نه بلکه میگویند در وقت صدور معجزه مردم عادتا به آن یقین میکنند نه عقلاً، یعنی خداوندﷻ عادتاً راست بودن صاحب آنرا در دلهای مردم پیدا می‌کند. راغب اصفهانی میگوید دو نوع اشخاص طالب معجزه می‌باشند کسیکه توان فرق بین کلام خداوند و کلام انسانرا ندارد و یا کسیکه علاوه از این صفت عناد هم داشته باشد.

امام رازی اثبات نبوت را کمال قوت نظری و عملی میداند و میگوید از جمله دلایلی که دعوای ما را به اثبات می‌رساند یکی این است که خداوندﷻ قول کفار را نقل کرده است که (ای محمد ما به تو ایمان نخواهیم آورد تا اینکه تو از زمین برای ما چشمه جاری بسازی) و گفتارهای از این قبیل که در جواب آنها خداوند متعال فرمود معنای آن چنین است: بگو ای محمد (سبحان الله من صرف انسان و پیامبر خدا هستم) یعنی به پیامبری کسی موصوف است که او در قوت نظری و عملی کامل باشد علاوه از آن نقصان را به درجه کمال برساند. و این لازمه نبوت نیست که نبی قادر به این چیزهایی باشد که شما خواهان آن (معجزه) استید.

علاوه از امام رازی امام غزالی، ابن حزم،ابن رشد و شاه ولی الله ثبوت نبوت را از طریقه‌های مختلف دانسته اند و معجزه را هم یکی از طریقه‌های ثبوت نبوت می‌دانند.

تصدیق نبوت و تصدیق اقوال پیامبر تقاضای صحیح فطرت انسانی است، کسیکه تشنهٔ حق است و صاحب وجدان درست که میان راست و دروغ قدرت تمیز را داشته با شد در قلب او سخن راست به خودی خود جای می‌گیرد او وقتیکه تلقینات پیامبر را می‌شنود لجاجت را کنار گذاشته می‌پذیرد که این سخن حق است و از منبع حق سر چشمه گرفته است. مولانای روم آنرا چنین تشبیه نموده است:

برای کسی که تشنه آب است اگر گیلاس آب عرضه گردد ایا او چنین خواهد گفت: قبلاً ثابت نمایید که این آب است یانه؟

تشنـه را چون بگـویـی توشتـاب　　در قدح آب است بستـان زود آب
هیچ گوید تشنه کین دعواست رو　　از بـرم ای مـدعـی مهجـورشـو
یـاگـواه و حـجتـی بنـمـا کـه ایـن　　جنـس آب اسـت و از آن مـاءمعین

در چهره انبیاء نوری وجود داشت که دلها را فریفته آنان میساخت و اخلاق آنها طوری بودکه دل‌ها را تسخیر میکردند و سخنان شان سامع را شفا می‌بخشید.

ارهاص معجزه، کرامت، سحر، استدارج همه اشیاء خارق العاده خوانده می‌شوند که ارهاص و معجزه از خصایص انبیاء و صدور کرامت از ولی از عطیه خداوندی به او بوده؛ خود به صدور آن علم ندارد تا خداوندﷻ او را به آن سرفراز نگرداند؛ اما سحر و استدراج که فعل بد کاران و کافران است که بنا بر آن خداوند بزرگ ایشانرا به عذاب دردناک گرفتار میگرداند.

و حقیقت سحر استخدام کردن شیطان است در تأثیر افگنی جادوگران با شیاطین قریب اند وقتیکه آدمی به شیاطین تقرب جوید شیاطین جنی به خدمت وی آماده می‌شوند و در جسم جادو شده تأثیر می‌افگنند بنا بر این ساحر هیچ وقت ساحر شده نمی‌تواند تا وقتیکه به شیاطین تقرب و نزدیکی نداشته باشد.

سحر از جمله گناهان کبیره است. و ساحران و کاهنانی هستند که به درجه کفر و ارتداد هم رسیده اند که جزای ایشان از جانب شرع سربریدن است.

سحر، غیب گوئی، فال بینی، طالع بینی، از طریق ستاره‌ها چیزی برای مردم چیدن، از طریق رمل و خطوط، پیشگوئی کردن، کلمات و الفاظ غیر مأنوس و ناشناخته را دمیدن وشف کردن در اسلام حرام قطعی است، بنا بر آن استادان گرامی در این مورد تفصیلات بیشتری به شاگردان عرضه بدارند.

روش تدریس: سؤال و جواب - تشریحی – مباحثه و گروهی.

مواد ممد درسی: کتاب شاگرد – قلم – کتابچه.

وقت	فعالیت‌ها
۵دقیقه	بعد از موضوعات مقدماتی باطرح سؤالات ذیل درس گذشته را ارزیابی کنید: - کی عزم را تعریف کرده می‌تواند؟ - کی می‌تواند توضیح دهد که چرا به بعضی از پیامبران اولوالعزم گفته میشود؟ بعد از شنیدن جواب‌ها عنوان درس جدید را نوشته نموده در مورد معجزه و سحر معلومات مختصری را طور شفاهی ایراد نمایید.
۲۵دقیقه	به شاگردان هدایت می‌دهید تا درس را خاموشانه مطالعه نمایند و خود در عین حال عناوین جانبی ذیل را در کنار تخته مینویسد: - تعریف معجزه - انواع معجزه - حکم معجزه - تعریف سحر - فرق سحر و معجزه با استفاده از عناوین جانبی درس را با بسیار مهربانی برای شاگردان تشریح نموده و بعداً از چند شاگرد

	میخواهد تا هر کدام نزد تخته آمده یک عنوان درس را برای دیگران شرح نمایند. شاگردان را به دو دسته تقسیم نموده از ایشان میخواهد تا از همدیگر سؤال نمایند و خود در عین حال با بسیار فطانت جواب‌ها درست و اشتباه را غرض اصلاح و تشویق نزد خود یاد داشت می‌کند.
۱۰دقیقه	**ارزیابی** توسط سؤالات کتاب درسی شاگردان را مورد ارزیابی قرار دهید. **خلاصه** این درس در نکات ذیل خلاصه میشود: - معجزه در لغت ناتوان و عاجز ساختن را گویند و در اصطلاح عبارت از کار و یا سخن عاجز کننده و خارق العاده است که خداوند متعال به قصد تایید نبی و یا رسول از او صادر می‌کند. معجزۀ به دو نوع است: معجزه محسوس، معجزۀ غیر محسوس. - ایمان داشتن به معجزات پیامبران فرض است. - سحر در لغت به نیرنگ باریکی تغییر دادن شکل یک چیز گفته میشود و در اصطلاح عبارت از کار خارق العاده یی که به کمک شیاطین از انفاس بد و خبیث صادر می‌شود. - یاد دادن و یاد گرفتن سحر حرام است و اگر بر بنیاد عقیده کفری باشد یاد گیرندۀ آن واجب القتل می‌باشد. - فرق عمده در بین معجزه و سحر این است که معجزه حقیقت یک چیز را تغییر میدهد و تبدیل می کند و سحر تنها شکل ظاهر ی را تغییر می‌دهد.

درس: هشتم در دو ساعت درسی تدریس می‌شود.

عنوان: قضا و قدر

صفحه: ۲۷

وقت: دو ساعت درسی

اهداف: شاگردان باید:

۱- معنای قضا و قدر را بدانند.

۲- دلیل اثبات قضا و قدر را بگویند.

۳- همه چیز در لوح محفوظ نوشته شده است را به استناد آیات قرآنکریم درک کرده و اهمیت آنرا به دیگران برسانند.

دانش لازمی

انسان مسلمان به قضا و قدر، حکمت و ارادهٔ خداوند متعال ایمان دارد و به این باور است که هیچ چیزی در جهان هستی به وجود نمی‌آید و هیچ پدیده حتی کارهای اختیاری بنده گان جز بر اساس علم و تقدیر خداوند ﷻ رخ نمی‌دهد و او تعالی در قضاء و قدر و تصرف و تدبیر خود براساس (عدالت و حکمت) عمل می‌نماید و حکمتش تابعی است از اراده او هر چه را او بخواهد به وجود می‌آید و هر چه راکه او اراده ننماید به وجود نمی‌آید و هیچ تحول و توانی جز در راستای خواست او کارساز نخواهد بود خداوند بزرگ خود در مورد چنین میفر ماید: (**إنَا کُلَ شيءٍ خَلقنه و بقدرٍ**) سوره قمر آیه ۴۹

پس قدر به معنای طرح و برنامه ریزی و معین نمودن مقدار مخلوقات و حجم حوادث است و قضاء به معنای اجرای آن بر اساس مقدار و اندازه در زمان و مکانهای مشخص شده می‌باشد.

بناءً هیچ رخداد در کاینات به وقوع نمی‌پیوندد یا برای شما پیش نمی‌آید؛ مگر آنکه پیش از آفرینش زمین و خود شما در کتاب (ثبت و ضبط) شده است و این کار برای خدا آسان است.

چه اشکالی دارد که خالق موجودات آن خدای که گنجینه‌های غیب و کلید آن در دست اوست که از جزئیات و کلیات همه آنچه در بر و بحر است علم کامل داشته باشد و هیچ چیزی برکسی رخ نمیدهد مگر آنکه او تعالی از آن باخبر است و هیچ دانه در تاریکی‌های زمین نیست؛ مگر آنکه خداوند از او واقف است و در لوح محفوظ ضبط و ثبت است. سوره انعام آیه ۵۹

حضرت رسول خدا در مورد حدیثی را فرموده است:

عَن إبن عَباسٍ قالَ کنتُ خَلفَ رَسُول الله ﷺ یوماً فقالَ یاغُلام إحفَظ اللهَ یحفَظکَ إحفظ الله تجدهُ تُجاهِکَ وَإذا سَألت فاسألَ الله وَإذا أستَعنتَ فَاستَعِن بِاللهِ وَأعلَم إن الامّة لوإجتَمَعَت عَلي أن ینفعُوکَ بِشیءٍ لَم ینفعُوکَ إلاّ بِشَيءٍ قَد کَتَبَهُ الله لَکَ وَلوإجتَمَعُوا عَلي أن یضُروکَ بِشَيءٍ لَم یضُروکَ إلاّ بِشَيءٍ قَد کَتَبَهُ اللهُ عَلیکَ رُفِعَت الاقلامُ وَجَفّت الصُحف {رواه احمد والترمذی}

از حضرت ابن عباس رضی الله عنه روایت است که روزی من در عقب رسول الله ﷺ سوار بر مرکب بودم. آنحضرت فرمود: ای پسر! حق خداوند تعالی را نگه دار و رعایت کن و طالب رضای آن ذات باش تا خداوند تعالی ترا نگه دارد. حق خداوند تعالی رانگه دار و مراقب باش که اورا پیش روی خود حاضر به نصرت و معاونت بیابی. و هرگاه چیزی را سؤال کردی از خداوند ﷻ سؤال کن و هرگاه یاری می‌جویی از خداوند ﷻ بجووبدان؛ اگر تمام مردم جمع شوند و

بخواهند که برای تواندکی نفع رسانند؛ نمیتوانند نفع رسانند؛ مگر به چیزی که آن را خداوندﷻ برایت نوشته و تقدیر کرده باشد و اگر جمع شوند و اتفاق کنند به زیان رساندن تو به چیزی نمی‌توانند زیان رسانند ترا مگر به چیزی که آنرا خداوندﷻ برایت نوشته و تقدیر کرده است. قلم‌ها برداشته شده و رنگ در کاغذها خشک شده (کنایه از اتمام تقدیر است)

پس بر ماست تا به قضا و قدر مطابق علم خداوندی یعنی چنان که علم خدا بر آن سرنوشت حکم کرده است ایمان داشته باشیم. و ایمان داشته باشیم که خداوند متعال باعلم ازلی و ابدی خود برهمه چیز عالم و دانا است و هم ایمان داشته باشیم که خداوند متعال انچه مقدر و سرنوشت است تا روز قیامت در لوح محفوظ نوشته است و خداوند آفرید گار همه چیز و حافظ و ناظر بر همه اشیاء است. خداوند برای بنده گان خود اختیار و قدرت اعطا نموده است تا با آن عمل خود را انجام دهند توجیه امر و نهی به بنده گان خود دلیل واضح اختیار ایشان است؛ زیرا اگر بنده گان اختیار و قدرت نمی‌داشتند امر و نهی کردن به ایشان از جمله تکالیفی می‌بود که توانایی و انجام آنرا هم نمی‌داشتند و این امریست که حکمت خداوندی و رحمت او آنرا نمی‌پذیرد.

ستایش نیکو کار به خاطر احسان و نکوهش بد کار بنا بر عمل بد و جزای نیک و بد برای هر یک. اگر عمل و کردار هر یک از نیکو کار و بد کار با اراده و اختیار شان انجام نمی‌شد در آنصورت مدح نیکو کار بی نتیجه و کیفر بد کار ظلم به شمار می‌آمد و خداوند بزرگ از کار بی ارزش و بی نتیجه و ظلم منزه است. در مورد قضا و قدر حضرت رسول خدا چنین می‌فرماید:

عَن ابن مَسعُود قالَ حَدّثنا رَسُولُ الله ﷺ وَهُوَ الصادق المَصدُوقُ أن خَلقَ أحَدِکُم یجمَع فِي بَطنِ اُمّهِ أربَعِینَ یوماً نَطفَةَ ثُمّ یکُونَ عَلَقةً مِثلَ ذَلِکَ ثُمّ یکُونَ مُضغةَ مِثلَ ذلِکَ ثُمّ یبعَثَ الله ُإلیهِ مَلکاً بِاَربَع کلِمَاتٍ فَکَتبَ عَمَلهُ وَأجَلهُ وَرزِقهُ وَشَقِي اَوسَعید ثُمّ ینُفخُ فِیهِ الرُّوحَ فَوَالذِي لاَ إلهَ غَیرُه إن أحَدکُم لِیعمَل بِعَملِ أهلِ الجَنّة حَتّي مَا یکُونُ بَینَهُ وَبَینهَا إلاّ ذِرَاعٌ فَیسَبقُ عَلَیهِ الکِتاب فَیعمَلَ بِعَملِ أهلِ النّار فَید خُلَهَا وَإن أحَدکُم یعمَلَ بِعمَل أهل النّار حَتّي مَا یکُونَ بَینَهُ وَبَینهَا إلاّ ذِرَاعَ فَیسبِقُ عَلیهِ الکِتابَ فَیعمَلَ بَعَمَلِ أهل الجَنّة فَید خُلُهَا. {متفق علیه}

از حضرت عبدالله ابن مسعودؓ روایت است که رسول اللهﷺ که راست گوست و چیزی که میگوید راست است برای ما فرمود: یقیناً که عنصر پیدایش یکی از شما آب منی است که در بطن مادر و در رحم وی فراهم میشود چهل روز به صورت نطفه میباشد و چهل روز بعد به خون بسته تبدیل میشود و چهل روز بعد به پارچه گوشت تبدیل میشود و بعد از سپری شدن این چهل آخر وطی سه مرحله خداوند متعال به سوی وی فرشته یی را میفرستد جهت نوشتن چهار چیز پس آن فرشته عمل بنده، عمربنده، رزق بنده و صفت بنده را که بد بخت است یا نیک بخت بنویسید. بعد دروی روح دمیده میشود. پس سوگند به آن ذاتی که نیست هیچ معبودی جز وی که به تحـــــقیق یکی از شما عمل میکند عمل اهل جنت را تا اینکه بین او وبین جنت به اندازۀ یک ذراع فاصله نمی‌ماند. بعد سبقت میکند بروی سرنوشت وی پس عمل میکند به عمل اهل دوزخ پس در آن داخل میشود. پس به تحقیق عمل میکند یکی از شما عمل اهل دوزخ را تا اینکه بین او وبین دوزخ به اندازه یک ذراع فاصله نمی‌ماند پس سبقت میکند بر وی سرنوشتش پس عمل میکند به عمل اهل جنت بعد در آن داخل میشود.

روش تدریس: سؤال و جواب ـ تشریحی، توضیحی و مباحثه...

مواد ممد درسی: تخته، تباشیر، کتاب درسی....

وقت	فعالیت‌ها
۵دقیقه	بعد از فعالیت‌های مقدماتی درس گذشته را طی سؤالات ذیل ارزیابی می کند: - کی می‌تواند بگوید ولی به چه کسی گفته میشود؟ - کی می‌تواند یک دلیلی به اثبات کرامت بیان کند؟ - کی می‌تواند استدراج را تعریف کند؟
۲۵دقیقه	بعد از شنیدن جواب‌ها و نوشتن عنوان درس جدید توجه شاگردان را به کتاب‌های شان معطوف داشته نصوص درس را با آواز مناسب میخواند برای شاگردان هدایت دهید تا درس را خاموشانه مطالعه نمایند و خود در عین حال معنای بعضی کلمات نصوص درس را در کنار تخته نوشته بعد یک شاگرد میخواهد تا آیات را از روی تخته بخواند و اگر مشکل داشت آنرا کمک می کند. سپس برای یک شاگرد وظیفه میدهد تا عناوین جانبی ذیل را روی تخته بنویسد: - تعریف قضا و قدر - علم ازلی الله تعالی - همه چیز در لوح محفوظ نوشته شده است - مشیت و رضای الله تعالی - دلیل اثبات قضا و قدر - حکم ایمان به قضا و قدر با استفاده از عناوین جانبی درس را تشریح نموده و بالای عنوان اول ودوم ترکیز بیشتر می‌نماید. بعد از چند شاگرد ی که امروز نوبت شان است میخواهد تا هر کدام یک عنوان درس را شرح نمایند. معلم محترم شاگردان را به دو دسته تقسیم نموده برای شان چند دقیقه وقت دهید تا در مورد درس بین هم بحث نمایند و خود نظم و نسق صنف را کنترول نموده بعضی نظریات را جهت واضح ساختن نزد خود یاد داشت میکند.
۱۰ دقیقه	**ارزیابی** توسط سؤالات کتاب درسی شاگردان را مورد ارزیابی قرار دهید. **خلاصه** این درس در نکات ذیل خلاصه میشود: - یکی از ارکان ایمان، عقیده به قضا و قدر است. - قضا در زبان عربی به معنی فیصله، پیدا کردن و حتمی بودن را گویند. - قدر در زبان عربی حکم فیصله و اندازه را گویند. - الفاظ قضا و قدر درعلم عقاید هر دو لفظ مترادف است که از آنها یک مقصد تعبیرمی شود و آن علم کامله الله تعالی در رابطه به مخلوقاتش می‌باشد. - همه چیزیکه در لوح محفوظ نوشته شده است ایمان داشتن به آنها فرض است. - الله تعالی خالق همه چیز است و نیز خالق تمام افعال و کردار انسان و خالق خیر و شر است؛ اما انسان کاسب افعال اند.

درس: نهم

عنوان: برزخ

صفحه: ۳۱

وقت: دو ساعت درسی

اهداف: شاگردان باید:

۱- معنی و تعریف برزخ را بدانند.

۲- دلایل اثبات برزخ (نکیر و منکر، مورد سؤال قرارگرفتن مرده گان در قبر) رابگویند.

۳- دلایل اثبات نعمت‌ها و عذاب قبر را بدانند.

۴- ایمان داشتن به عذاب قبر، سؤال نکیر و منکر و نعمت‌های را برای دیگران رسانده بتوانند.

دانش لازمی

مرگ یا قبض روح یعنی آخرین مرحلهٔ از سکرات موت و اولین وهله از قدم گذاشتن به عالم برزخ است، کیفیت قبض روح و حالت جان سپردن افراد متناسب با چگونگی اعتقادات و اعمال و بالآخره مجموعهٔ شخصیت آنان است. گروهی از اهل ایمان که در تمام طول حیات خود سر تسلیم در مقابل معبود فرود آورده اند و تا حد امکان خود را از رذایل دور نگهداشته اند قبض روح آنان از گناهکاران ظالمان و کافران فرق بسزایی دارد قرآنکریم حال این گروه ستم کرده بر خود و دیگران را چنین توصیف میکند (**وَلَوْ تَرَى إِذِ الظَّالِمُونَ فِي غَمَرَاتِ الْمَوْتِ وَالْمَلَائِكَةُ بَاسِطُوا أَيْدِيهِمْ أَخْرِجُوا أَنْفُسَكُمُ الْيَوْمَ تُجْزَوْنَ عَذَابَ الْهُونِ بِمَا كُنْتُمْ تَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ غَيْرَ الْحَقِّ وَكُنْتُمْ عَنْ آيَاتِهِ تَسْتَكْبِرُونَ**) سورهٔ انعام آیه **۹۳**

ترجمه: و کاش ستمکاران را در گردابهای مرگ می‌دیدی که فرشتگان [به سوی آنان] دستهایشان را گشوده اند [و نهیب می‌زنند] جانهایتان را بیرون دهید امروز به [سزای] آنچه به ناحق بر خدا دروغ می‌بستید و در برابر آیات او تکبر می‌کردید به عذاب خوارکننده کیفر می‌یابید.

و نیزخداوند متعال جل جلاله میفرماید:

(**وَلَوْ تَرَى إِذْ يَتَوَفَّى الَّذِينَ كَفَرُوا الْمَلَائِكَةُ يَضْرِبُونَ وُجُوهَهُمْ وَأَدْبَارَهُمْ وَذُوقُوا عَذَابَ الْحَرِيقِ**) **۵۰** سورهٔ انفال. ترجمه: و اگر ببینی آنگاه که فرشتگان جان کافران را می‌ستانند بر چهره و پشت آنان می زنند و [گویند] عذاب سوزان را بچشید.

انسان با مرگ و انقطاع روح از بدن به عالم برزخ که یکی از علایم وجودی نظام الهی بوده و احکام خاصی دارد وارد میشود و با یک نظام نا آشنا و نادیده مواجه می‌شود.

مراحل آنرا حضرت رسول الله ﷺ در احادیثی ارشاد فرموده که چندی را در این جا ذکر می‌کنیم: (**عَن البَرَاء بن عَازِب عَن النّبي ﷺ قالَ المُسلِمُ إذا سُئِلَ فِي القَبرِ يشهَد أن لاَ إِلهَ إلاّ الله وَأنّ مُحمّداً رَسُولِ الله فَذلِكَ قَولهُ «يثبِتُ الله الذِينَ آمَنُوا بِالقَولِ الثَابِتِ فِي الحَيوةِ الدُنيا وَفِي الآخِرَة» وَفِي رُوايةِ عَن النّبي ﷺ قالَ يثبِتُ اللهُ الذِينَ آمَنُوا بِالقَولِ الثَابِتِ فِي الحَيوةِ الدُنيا وَفِي الآخِرَةِ نزلَت فِي عَذابِ القَبرِ يقالُ لَهُ مَن رَّبُك فيقوُلُ رَبّي الله وَنَبي مُحمّد**) {متفق علیه}

از حضرت براء بن عازبﷺ روایت است که پیامبرﷺ فرمود: هنگامیکه مسلمان در قبر سؤال میشود. گواهی می دهد بر اینکه نیست هیچ معبودی مگر الله و محمدﷺ فرستاده اوست. پس آن گواهی دادن هماناست قول خداوند تعالی که فرموده خداوندﷻ مؤمنین را به قول ثابت در دنیا و در آخرت ثابت و محکم میدارد. و رسول اللهﷺ فرموده این آیت در مورد عذاب قبر است. برای مؤمن در قبر گفته میشود پروردگارت کیست؟ پس بنده مؤمن میگوید پروردگار من الله است و پیغمبر من حضرت محمّدﷺ است.

عَن أنسٍ قالَ قالَ رَسُولُ اللهﷺ إنّ العَبدَ إذا وُ ضِعَ فِي قَبرِه وَتَولّي عَنهُ أصحَابُهُ اِنّهُ ليسمَعُ قَرَعَ نِعالَهُم أتاه مَلَكانِ فيقعدُ انهُ فيقُولانَ مَا كُنتَ تَقُولُ فِي هَذا الرَجُل لِمُحمّد فأمَا المؤمن فَيقُولُ أشهدُ أنّه عَبدُالله وَرَسُولِهِ فَيقالُ لهُ انظُرإلي مَقعَدِكَ مِن النّار قَد أبدَلَكَ اللهُ بِه مَقعَداً مِن الجَنّةِ فَيرَاهُمَا جَمِيعاً وَأمَا المُنَافِق وَالكَافِر فيقَالُ لهُ مَا كُنتَ تَقُولُ فِي هَذا الرَجُل فَيقوُلُ لاَ أدرِي كُنتُ أقُولُ مَا يقُولُ النّاسُ فَيقَالُ لهُ لا دَرَيتَ لاَ تَليتَ وَيضرِبُ بِمَطارِقَ مِن حَدِيدٍ ضَربَةً فيصيحُ صَيحَةَ يسمَعَهَا مَن يليهِ غَيرَ الثَقلين {متفق عليه)

از حضرت انسﷺ روایت است که رسول اللهﷺ فرمود: وقتیکه بنده در قبرش گذاشته میشود و ازوی یارانش روی می‌گردانند به تحقیق وی صدای کفش‌های ایشان را می‌شنود. در همان وقت به نزد او دو فرشته می‌آیند بعد او را می‌نشانند پس آن دو فرشته برای وی میگویند در حق این مرد چه میگفتی؟ چهرهٔ مبارک رسول اللهﷺ ظاهر میشود. پس اگر مؤمن باشد میگوید گواهی میدهم که آن بنده خاص خداوند تعالی و فرستاده بر حق اوست. بعد بر مؤمن گفته میشود که نگاه کن به جای نشست خود از آتش دوزخ به تحقیق بدل کرد خداوند تعالی برای تو آنرا به جای نشستی در جنت پس آن مؤمن هر دو جای را میبیند. و برای منافق وکافر گفته میشود تو در حق این مرد یعنی حضرت محمّدﷺ چه میگفتی بعد میگوید نمیدانم. من میگفتم در شأن وی آنچه که مردم میگفت پس برایش گفته میشود آیا تو حق را به عقل خود نیافتی و قرآن را تلاوت نکردی. بعد توسط گرز آهنی به ضربهٔ شدید زده میشود که فریاد وی را هرکی نزدیکش است میشنود به جز انسان و جنیات و نیز می فرماید:

عَن أبِي سَعيد قَالَ قالَ رَسُولُ الله ﷺ ليسَلّطُ عَلي الكَافِرفِي قَبرِه تِسعَةٌ وَّ تِسعُون تَنيناً تنهيهُ وَتَلدُغُهُ حَتي يقُومَ السَّاعَةَ لَو أنّ تنيناً مِنهَا نَفَخَ بِالأَرضِ مَا أنبتَت خَضِراً {رواه الترمذي }

از حضرت ابی سعید ﷺ روایت است که رسول الله ﷺ فرمود: به تحقیق بالای کافر در قبرش ۹۹ مار بزرگ گماشته و مسلط میشود و آن مارها کافر را با دندان‌های زهردار خود تا روز قیامت میگیرند و میگزند. اگر ماری از آن مارها در زمین دم زند زمین در آن صورت هیچ سبزه نمی‌رویاند.

روش تدریس: سؤال و جواب، تشریحی توضیحی، مباحثه...

مواد ممد درسی: کتاب، تخته، تباشیر...

وقت	فعالیت‌ها
۵ دقیقه	ـ بعد از فعالیت‌های مقدماتی جهت ارزیابی درس گذشته سؤالات ذیل را از شاگردان بپرسید: - کی می‌تواند قضا و قدر را تعریف کند؟ - کی می‌تواند بگوید کسی که از قضا و قدر منکر شود چه حکم دارد؟
۲۵دقیقه	بعد از شنیدن جواب ها، عنوان درس جدید را بروی تخته نوشته و معنای آنرا برای شاگردان بیان می کند. سپس توجه شاگردان را به کتاب‌های شان معطوف داشته حدیثی که به روایت حضرت ابو هریره‌ﷺ در کتاب درسی وارد شده به دقت کامل و آواز مناسب آنرا خوانده. بعد از چند شاگرد میخواهد تا متون باقی مانده را بخوانند. برای شاگردان وظیفه میدهد تا درس را خاموشانه مطالعه نمایند و خود در عین حال عناوین جانبی ذیل را در کنار تخته مینویسد: - تعریف برزخ - دلایل اثبات برزخ - مورد سؤال قرار گرفتن مرده گان در قبر - نعمت‌ها و عذاب قبر - ایمان داشتن به قبر، سؤال نکیر و منکر و به نعمت‌ها و عذاب در قبر با استفاده از عناوین جانبی درس را برای شاگردان توضیح و تشریح نموده و بعد از چند شاگرد میخواهد تا هر کدام به نوبهٔ خود درس را برای دیگران شرح کند. برای شاگردان چند دقیقه وقت میدهد تا یکی از دیگر خود معنای کلمات نصوص درس را بپرسند و سعی شود تا جواب‌ها از ترجمه متن درس ارایه نشود و خود در عین حال نظم را بر قرار داشته متوجه معناهای ارایه شده می‌باشد. **ارزیابی** توسط سؤالات کتاب درسی شاگردان را ارزیابی می کند.
	خلاصه این درس در نکات ذیل خلاصه میشود: - انسان بعد از وفات با دو مرحلهٔ از زنده گی روبرو می گردد. - برزخ در لغت پرده وحایل راگویند و در اصطلاح علم عقاید حایلی است میان زنده گی دنیوی و اخروی. - دلایل اثبات برزخ به آیات متبرکه و احادیث نبی کریمﷺ ثابت گردیده است. - ایمان داشتن به برزخ و به تمام آن کوایفی که در عالم برزخ به وقوع می‌پیوندد و نبی کریمﷺ ما را از آن باخبر کرده است فرض است. - اگر انسان در قبر دفن شود و یا جسدش غرق آب گردد و یا در آتش حریق شود و یا هم توسط حیوانی خورده شود باز هم خداوند‌ﷻ در آخرت آنرا بر می‌انگیزد؛ چنانچه می‌فرماید: (**وانّ الله يبعثُ من في القبور**)

درس: دهم

عنوان: بعث و حشر

صفحه: ٣٦

وقت: دو ساعت درسی

اهداف

شاگردان باید:

١- معنای بعث و حشر را بدانند.

٢- دلیل اثبات بعث و حشر را به صورت دقیق بیان کنند.

٣- تفاوت بعث و حشر را درک کرده به دیگران برسانند.

دانش لازمی

بعث و حشر: بعث عبارت است از بر انگیختن مرده گان از قبور ایشان.

طوریکه جمع میکند خداوند متعال اجزای اصیله آنها را، میگرداند روح ایشان را دو باره در اجساد ایشان و نشر که مرادف بعث است؛ یعنی آنچه زنده گی میکند این اجساد بعد از زنده شدن پس از مرگ مسألهٔ معاد مسلمین، یهود و نصاری همه متفق اند و ایمان دارند؛ لذا منکرمعاد در دین اسلام و ملت یهود و نصاری کافر پنداشته می‌شود. قرآنکریم همه منکریش بعث بعد الموت و منکر روز آخرت را کافر پنداشته و عذاب الیم و درد ناک را به ایشان وعده میدهد طوریکه میفرماید: **(وَإِن تَعْجَبْ فَعَجَبٌ قَوْلُهُمْ أَئِذَا كُنَّا تُرَابًا أَئِنَّا لَفِي خَلْقٍ جَدِيدٍ أُوْلَئِكَ الَّذِينَ كَفَرُواْ بِرَبِّهِمْ وَأُوْلَئِكَ الأَغْلاَلُ فِي أَعْنَاقِهِمْ وَأُوْلَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدونَ)**[1] ترجمه: و اگر عجب داری عجب از سخن آنان [کافران] است که آیا وقتی خاک شدیم به راستی در آفرینش جدیدی خواهیم بود اینان همان کسانند که به پروردگارشان کفر ورزیده اند و در گردنهایشان زنجیرها ست و آنان همدم آتشند و در آن ماندگار خواهند بود. و در آیت دیگر خداوندﷻ میفرماید: **(وَمَن يهْدِ اللهُ فَهُوَ الْمُهْتَدِ وَمَن يضْلِلْ فَلَن تَجِدَ لَهُمْ أَوْلِياء مِن دُونِهِ وَنَحْشُرُهُمْ يوْمَ الْقِيامَةِ عَلَى وُجُوهِهِمْ عُمْيا وَبُكْمًا وَصُمًّا مَّأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ كُلَّمَا خَبَتْ زِدْنَاهُمْ سَعِيرًا (٩٧) ذَلِكَ جَزَآوهُم بِأَنَّهُمْ كَفَرُواْ بِآياتِنَا وَقَالُواْ أَئِذَا كُنَّا عِظَامًا وَرُفَاتًا أَإِنَّا لَمَبْعُوثُونَ خَلْقًا جَدِيدًا (٩٨) أَوَلَمْ يرَوْاْ أَنَّ اللهَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالأَرْضَ قَادِرٌ عَلَى أَن يخْلُقَ مِثْلَهُمْ وَجَعَلَ لَهُمْ أَجَلاً لاَّ رَيبَ فِيهِ فَأَبَى الظَّالِمُونَ إَلاَّ كُفُورًا)**[2] نیز دال بر این مدعا است. ترجمه: و هرکه راه نمود خدا، پس اوست راهیاب و هرکه گمراه سازش، پس هرگز نیابی برای ایشان دوستانی به جز خدا و بر انگیز یم ایشان را روز قیامت بر روهای ایشان نابینا و گنگ و کر؛ جای ایشان دوزخ است؛ هرگاه که فرونشیند (زبانه آتش) بیا فزاییم بر ایشان آتش را. این است جزای ایشان به سبب آنکه کافر شدند به نشانه‌های ما و گفتند: آیا چون شویم استخوانها و اعضای از هم پاشیده؛ آیا برانگیخته می‌شویم به آفرینش نو؟! آیا ندیده اند آن خدایی که آفریده آسمانها و زمین را، تواناست که بیافریند مانند ایشان؛ و مقرر کرده است برای ایشان میعادی هیچ شبه نیست درآن؛ پس قبول نکردند ستمگران مگر ناشکری (إنکار) را. بگو: اگر می‌بودید شما مالک

---

[1] - سوره رعد ایه (۵)

[2] - سورهٔ اسری ۹۷-۹۸- ۹۹ آیه

خزانه‌های بخشش پروردگار من؛ آنگاه هر آئینه بخیلی می‌گردید، از ترس آنکه همه را خرج کنید، و هست انسان تنگدل (بخیل)

اهوال قیامت دمیدن صور عذاب و نعیم قبر، سؤال منکر و نکیر حشر و نشر، صراط، میزان، جنت و دوزخ و هر آنچه که بعد از انقضای حیات یک انسان یا انقضای عالم فانی برای یک شخص رخ میدهد همه موقوف به سمع میباشند؛ زیرا عقل از درک و بیان کیفیت آنها بکلی عاجز است؛ بنا بر آنهم آنقدر به آنچه مکلف هستیم که آیات قرآنکریم و احادیث نبوی بر ملا نموده است و بر مسلمانان لازم است که در همچو مسایل از بحث و گفتگوی بیشتر خود داری نمایند؛ زیرا کوتاهی عقل و دخالت نظریات آنانیکه معتقد به کتاب‌های آسمانی نیستند نشود که خدای نخواسته انسانرا به بیراهه بکشاند به طور مثال: باید گفت قرآنکریم در مورد بعث و نشر در سوره یس می‌فرماید: (**وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَإِذَا هُم مِّنَ الْأَجْدَاثِ إِلَى رَبِّهِمْ ينسِلُونَ**) ترجمه: حینکه نفخه در صور (غرض بعث و نشر و قیام در پیشگاه خداوند تعالی دمیده میشود پس ناگهان انسان از قبرهای خود به سوی پرورد گارخود می‌شتابند) برای هر مؤمن همین بسنده است و هر فرد هم مکلف به ایمان آوردن به زنده شدن بعد از مرگ است نه بیان جزئیات تجسس و تفحص درآن.

روش تدریس: سؤال و جوا ب ـ تشریحی ـ مباحثه و گروهی

مواد ممد درسی: تخته، تباشیر، کتاب درسی....

وقت	فعالیت‌ها
	بعد از فعالیت‌های مقدماتی درس گذشته را باطرح چند سؤال ارزیابی می کند؛ طور مثال: -کی می‌تواند برزخ را در لغت و اصطلاح تعریف کند؟ - کی می‌تواند یک دلیل برای اثبات برزخ بگوید؟
۲۵دقیقه	بعد از شنیدن جواب ها، عنوان درس جدید را با دو آیهٔ سورهٔ المؤمنون و سورهٔ الحج روی تخته مینویسد و بعد هر دو را قدری توضیح داده بعد از شاگردان میخواهد تا درس را خاموشانه بخوانند. در جریان این فعالیت شاگردان آیت ۳۸ سوره مبارکه انعام را با ترجمه اش در کنار تخته بنویسند. اگر سؤال ایجاد شده بود آنرا حل نموده از دو شاگرد میخواهد تا یکی نص آیت را از روی تخته بخواند و دیگر شان ترجمه را. عناوین جانبی ذیل را توسط یک شاگرد در کنار تخته بنویسید: - شرح تعریف بعث - ایمان داشتن به بعث - شرح تعریف حشر - دلیل اثبات حشر - کی‌ها حشر می گردند با استفاده از عناوین جانبی، درس را برای شاگردان تشریح نموده بالای بعضی نکات ترکیز بیشتر می‌نماید.

	از شاگردانی که کمتر در فعالیت‌ها سهم میگیرند میخواهد تا هر کدام به نوبهٔ خود در مورد یک عنوان جانبی بر داشت خود را بازگو شوند. شاگردان را به دو دسته و یا هم به سه دسته تقسیم نموده برای شان هدایت میدهد تا هر دسته در مورد درس بین هم بحث نمایند. بعضی نظریات را جهت تبصره و شرح روی تخته نوشته و بعد از فعالیت گروهی نظریات یاد داشت شده را شرح میکند.
۱۰دقیقه	**ارزیابی** جهت اطمینان از یاد گیری درس شاگردان را توسط سؤالات کتاب درسی ارزیابی می‌کند. **خلاصه** این درس در نکات ذیل خلاصه میشود - بعث در لغت فرستادن، برانگیختن و زنده کردن را گویند و در اصطلاح شریعت عبارت از برانگیختن انسان‌ها از قبرهای شان است. - آیات ۱۶ و۷ سوره المؤمنون و الحج دلیل واضحی برای اثبات بعث میباشد. - حشر عبارت از تجمع انسان است جهت فیصله و حساب در روز قیامت و در اصطلاح جمع کردن انسان در موقف و میدان محشر است در روز قیامت. - الله ﷻ برای اثبات حشر آیاتی متعددی را فرموده است؛ طور مثال: آیت ۲۰۳ سوره بقره و یا هم آیت پنجم سوره التکویر و نیز آیت ۳۸ سوره انعام. - حشر از انسان ها، جنیات و حیوانات صورت میگیرد.
۵دقیقه	**کار خانه گی** شاگردان را به انجام کار خانه گی کتاب درسی مکلف می‌سازد.

درس: یازدهم

عنوان: شفاعت حضرت محمدﷺ

صفحه: ۳۹

وقت: دو ساعت درسی

اهداف: شاگردان باید:

۱- شفاعت را تعریف کرده بتوانند.

۲- دلیل اثبات شفاعت رابدانند.

۳- اقسام شفاعت را درک کرده و اهمیت آنرا به دیگران بگویند.

دانش لازمی

شفاعت که لغتاً وسیله و در عرف سؤال خیر برای غیر را گویند واین کلمه از شفع مشتق شده که شفع ضد وتر (تاق) میباشد گویا دراینجا هم شافع سؤال خود را با سؤال مشفوع له ضم مینماید.

و شفع به کسرفا آنرا گویند که قبول شفاعت میکند و شفع به فتح فاء کسی است که شفاعتش قبول میشود و شفاعت به دو نوع میباشد یکی شفاعت مثبت و دوم شفاعت منفی

شفاعت مثبت آنست که خداوندﷻ آنرا برای اهل اخلاص ثابت ساخته است و برای همچو شفاعت دو شرط است: یکی اذن خداوند برای شافع و دوم رضای الله تعالی است که هر دوی آنرا در این قول خداوندﷻ میتوان یافت (**وَكَمْ مِنْ مَلَكٍ فِي السَّمَاوَاتِ لَا تُغْنِي شَفَاعَتُهُمْ شَيْئًا إِلَّا مِنْ بَعْدِ أَنْ يَأْذَنَ اللَّهُ لِمَنْ يشَاءُ وَيرْضَى**) سورهٔ النجم آیه ۲۶

ترجمه: و بسا فرشتگانی که در آسمانها اند [و] شفاعتشان به کاری نیاید؛ مگر پس از آنکه خدا به هر که خواهد و خشنود باشد اذن دهد.

و شفاعت منفی آنست که کسی طلب کند او را ازغیر خداوند و یا به غیر اذن و یا برای اهل شرک. نزد علما انواع شفاعت مثبته زیاد است منجمله شفاعت عظمی یعنی شفاعت کبری است که خاص به نبی آخر الزمان است، یعنی برای حضرت محمد رسول الله است نه برای دیگرانبیاء.

و حکمت اعطای شفاعت همانا تکریم وعزت شافعین (شفاعت کننده گان) و بلند ساختن و دبدبه آنان بر دیگران و گردانیدن کرم الهی بر عاصیان است.

– حضرت رسول خدا در رابطه به شفاعت خویش ارشاداتی فرموده اند که چند آنرا طور نمونه بیان میکنیم:

عَن أبِي هُريرَة عَن النّبيﷺ قالَ أسعَدُ النّاس بِشَفَاعَتِي يومَ القِيمَةَ مَن قالَ لاإله إلاّ الله خَالِصاً مِن قَلبِه أو نَفسِه {رواه االبخاري}

از حضرت ابی هریرهؓ روایت است که رسول اللهﷺ فرمود: بهره مند ترین یا مستحق ترین مردم به شفاعت من در روز قیامت کسی است که از عمق قلب یا نفس خود مخلصانه گفته باشد لاإله إلاّ الله.

عَن أنسٍ قالَ قالَ رَسُولُ اللهﷺ إذا كانَ يوم القِيمَةِ مَاجَ النّاس بَعضُهُم فِي بَعضٍ فَيأ تُونَ آدَم فَيقُولُونَ إشفعَ إلي رَبّکَ فَيقُولُ لستُ لهَا وَلكِنَّ عَليكُم بِإبرَاهِيم فَإنّهُ خَليلُ الرّحمن فَيأتُونَ إبرَاهِيم فَيقُولُ لستُ لهَا وَلكِنَّ عَليكُم بِمُوسي فَإنّهُ كَلِيمُ اللهِ فَيأتُونَ مُوسي فَيقُولُ لستُ لهَا وَلكِنَّ عَليكُم بِعِيسي فإنّهُ رُوحُ الله وَكَلِمَتهُ فَيأتُونَ عَيسي فَيقولُ لستُ لهَا وَلكِنَّ عَليكُم بِمُحمّد فَيأتُونِي فأقولُ أنَا لهَا

فاستأذِنُ عَلي رَبّي فَيوذَنَ لِي وَيلهِمُنِي مَحامَداً حَمَدَهُ بِهَا لاَ تحضَرِنِي الان فاحمَدَهُ بِتِلک المَحامد وَأخِرُّ لهُ سَاجِداً فَيقال يا مُحمّد أرفعَ رَأسکَ وَقُل تَسمَع وَسل تَعطَه وَاشفَع تُشَفّعَ فَاقُولُ يا رَبّ أُمَّتِي أُمَّتِي فَيقال إنطَلَق فَاخرِجَ مَن کانَ فِي قَلبِه مِثقَالَ شَعِيرَة مِن إيمَانٍ فانطلق فافعلُ ثُمّ أعُودُ فاحمَدُه بِتِلکَ المَحامِد ثُمّ أخِرُّلهُ سَاجِداً فَيقالُ يا مُحمّد أرفع رَأسکَ وَقُل تَسمَع وَسَل تَعطَهِ وَاشفَع تَشَفَّع فَاقُولُ يارَبّ أُمَّتِي أُمَّتِي فَيقال إنطلق فَاخرِج مَن کانَ فِي قَلبِه مِثقَالَ ذَرّةٍ أو خَردَلَة مِن إيمانٍ فانطلق فافعلُ ثُمّ أعُودُ فَاحمَدُه بِتِلکَ المَحامِد ثُمّ أخِرُّلهُ سَاجِداً فَيقال يامُحمّد أرفَع رَأسکَ وَقُل تُسمَع وَسَل تَعطَهِ وَاشفَع تُشَفّع فَاقولُ يارَبِّ أُمَّتِي أُمَّتِي فَيقالَ أنطلقَ فَاخرِجَ مَن کانَ فِي قَلبِه أدنَي أدنَي أدنَي مِثقَالِ حَبَّةٍ خَردَلَةٍ مِن إيمانٍ فَاخرِجهُ مِن النّارفانطِلق فَافعلُ ثُمّ أعُودُ الرَابِعَةَ فَاحمَدَهُ بِتِلکَ المَحامِد ثُمّ أخِرُّلهُ سَاجِداً فَيقال يا مُحمّد أرفَع رَأسکَ وَقُل تُسمَع وَسَل تَعطَه وَأشفَع تُشفّع فاقـولُ يا رَبّ أئذن لِي فِيمَن قالَ لا إلهَ إلاّ الله قالَ لَيسَ ذٰلِکَ لَکَ وَلکِنَّ وَعِزتِي وَجَلالِي وَکِبريائي وَعَظمَتِي لأخرِجَنَّ مِنهَا مَن قالَ لا إلهَ إلاّ الله {متفق عليه}

از حضرت انس رضی الله عنه روایت است که رسول الله ﷺ فرمود: وقتیکه روز قیامت برپا میشود مردم یکی بر دیگرمختلط و درهم افتاده میباشند پس نزد آدم علیه السلام می‌آیند و میگویند از برای ما نزد پروردگارت شفاعت کن. پس حضرت آدم ﷺ میگوید من اهل شفاعت نیستم (اهلیت و قابلیت شفاعت راندارم) مگر لازم گیرید برای شفاعت حضرت ابراهیم علیه السلام را؛ زیرا وی دوست خداوند تعالی است بعد میایند نزد حضرت ابراهیم علیه السلام پس حضرت ابراهیم علیه السلام میگوید من اهل شفاعت نیستم؛ مگر لازم گیرید شما بر شفاعت حضرت موسی علیه السلام را؛ زیرا وی کلیم خداوند تعالی است پس میایند نزد حضرت موسی علیه السلام بعد حضرت موسی علیه السلام میگوید من اهل شفاعت نیستم مگر لازم گیرید به این مقام حضرت عیسی علیه السلام را؛ زیرا وی روح الله و کلمه اوست. پس میایند نزد حضرت عیسی علیه السلام بعد حضرت عیسی علیه السلام میگوید من اهل شفاعت نیستم؛ مگر لازم گیـرید به این امر حضرت محمّد ﷺ را؛ رسول الله ﷺ فرمود پس میایند نزد من و میگویم من اهل شفاعت هستم پس طلب اجازه میکنم از پرودگار خود بعد اجازه داده میشود برای من و الهام میکند خداوند تعالی در قلب من حمدها و ثناها را که من خداوند تعالی را به آن حمدها می‌ستایم که اکنون آن‌ها برایم حاضرنمیشود پس حمد میگویم خداوند تعالی را به آن محامد بعد می‌افتم به روی نزد خداوند تعالی سجده کننده از برای طلب شفاعت پس گفته میشود ای محمّد برداریا بلند کن سرخود را و بگو هر چه گوئی شنیده میشود و طلب کن هر چه خواهی داده میشود و شفاعت کن شفاعتت قبول میشود. پس میگویم ای پرودگارمن ببخش امتم را یا شفاعت میکنم امت خود را محدث دهلوی میگوید کلمه امتی دلالت به این امت میکند اما احتمال دارد که شفاعت از این امت آغاز و به امتان غیر تمام شود والله اعلم) پس گفته میشود برو وکسی را که در قلبش به مقدارجو از ایمان هست بیرون کن بعد میروم و آنچه راکه پروردگارم فرموده بود انجام می‌دهم بعد باز میگردم و خداوند تعالی را به آن حمدها که الهام شده بودم حمد میگویم پس نزد پروردگار سجده کننده از برای طلب شفاعت به روی می‌افتم. بعد گفته میشود ای محمد بردار سرخود را و بگو هر چه گوئی شنیده میشود و بخواه هر چه خواهی داده میشود و شفاعت کن شفاعت تو قبول میشود. پس میگویم ای پروردگارم شفاعت میکنم امت خود را پس گفته میشود برو وبیرون کن از دوزخ کسی را که در قلبش به اندازهٔ ذره یی یا دانه ارزن ایمان است. (در این مرتبه مبالغه در بخشایش است.) میروم و انجام میدهم آنچه را که پروردگارم فرموده بود؛ بعد باز میگردم و حمد میگویم خداوند متعال را به همان محامد و بعد می‌افتم به روی نزد خداوند تعالی سجده کننده از برای طلب شفاعت. پس گفته میشود ای محمد بردار سر خود را و بگو هر چه گوئی شنیده میشود و بخواه

هرچه خواهی داده میشود و شفاعت کن شفاعت تو قبول میشود. پس میگویم ای پروردگارم شفاعت میکنم امت خود را شفاعت میکنم امت خود را بعد گفته میشود برو و بیرون کن از دوزخ کسی را که باشد در قلبش کوچکتر از دانه ارزن چیزی از ایمان (در این مرتبه مبالغه بیشتر است) میروم و آنچه را پروردگارم فرموده بود انجام میدهم؛ بعد باز میگردم بار چهارم التماس میکنم؛ بعد حمد میگویم خداوند تعالی را به همان محامد. پس می‌افتم به روی نزد خداوند تعالی سجده کننده از برای طلب شفاعت. پس گفته میشود ای محمد بردار سر خود را و بگو هر چه گوئی شنیده میشود و بخواه هر چه خواهی داده میشود و شفاعت کن شفاعت تو قبول میشود پس میگویم ای پروردگارم اجازه شفاعت آنکس را به من ده که گفته است: لاإله إلاّ الله در حالیکه هیچ عمل ندارد. خداوند بزرگ می‌فرماید نیست اجازۀ شفاعت برای تو در حق کسی که تنها گفته باشد لا اله الا الله و نیست این کار مسؤولیت تو؛ اما سوگند به عزت و جلال و کبریای و عظمت ذات و اسماء و صفاتم که به تحقیق خارج میکنم از آتش کسی را که به صدق لاإله الاّ الله گفته است.

تعذیب، نتیجۀ گناه‌های شان میباشد. بعد ایشان را خداوندتعالی به فضل و رحمت خود در جنت داخل می‌کند؛ پس گفته میشود برای آنها دوزخیان. **عَن أنسٍ أنَّ النّبي ﷺ قالَ لَيصِيبَنَّ أقواماً سَقع مِن النّار بِذُنُوبٍ أصَابُوهَا عَقُوبَةَ ثُمّ يدخِلهمُ اللهُ الجَنّة بِفَضلِه وَرَحمَتِه فَيقال لهُم الجَهَنّمِيونَ** {رواه البخاری}

از حضرت انس رضی الله عنه روایت است که به تحقیق نبی کریم ﷺ فرمود: گروهی مسلمان را علامات و نشانه‌های اثر آتش دوزخ میرسد باز الله تعالی ایشانرا به فضل و کرم خویش داخل جنت نموده و (در جنت برای شان) جهنمیان گفته میشود.

روش تدریس: سؤال و جواب، تشریحی، توضیحی و مباحثه...

مواد ممد درسی

وقت	فعالیت‌ها
۵دقیقه	بعد از فعالیت‌های مقدماتی درس گذشته را با طرح چند سؤال ارزیابی می‌کند. طور مثال: - کی می‌تواند بگوید حیوانات به خاطر چه هدف در آخرت حشر میشوند؟
۲۵دقیقه	بعد از شنیدن جواب‌ها عنوان درس را روی نوشته نموده توجه شاگردان را به صفحۀ کتاب معطوف داشته فقط نصوص درس را میخواند. بقیۀ درس را توسط چند شاگرد مورد نظر میخواند. از شاگردان میخواهد تا درس را خاموشانه مطالعه نمایند و خود در عین حال عناوین جانبی ذیل را در کنار تخته بنویسید: - تعریف شفاعت - دلیل اثبات شفاعت - اقسام شفاعت پیامبر ﷺ - شفاعت کبری - شفاعت صغرا

	با استفاده از عناوین جانبی، درس را توضیح و تشریح نموده بالای شفاعت کبری و صغرا ترکیز بیشتر می کند. و بعد از یک شاگرد ممتاز می‌خواهد تا درس را شرح نماید شاگردان را به دو گروه تقسیم نموده از ایشان میخواهد تا در مورد درس از همدیگر سؤال نمایند و خود نظم را بر قرار داشته بعضی جواب‌ها را جهت اصلاح و تشویق آنها نزد خود یاد داشت می کند.
۱۰ دقیقه	**ارزیابی** توسط سؤالات کتاب درسی شاگردان را مورد ارزیابی قرار میدهد. **خلاصه** این درس در نکات ذیل خلاصه می‌شود: - شفاعت در لغت خواستن نیکی و بخشش برای کسی را گویند و در اصطلاح علم عقاید التماس و عفو خواهی از الله تعالی در روز قیامت است. - دلیل اثبات شفاعت رسول اکرمﷺ به قرآن کریم، احادیث نبوی و اجماع امت ثابت شده است - الله تعالی به حضرت محمدﷺ دو نوع شفاعت را اعزاز فرموده است: کبری، صغری - جهت تحقق شفاعت رسول اکرمﷺ موجودیت سه شرط ضروری و لازمی است. - اولین کسی که از قبرش بر میخیزد و شفاعتش مقبول درگاه حق قرار می‌گیرد آنحضرتﷺ است. حضرت عبدالله بن مسعود، حذیفه بن الیمان، عبدالله بن عمر، سلمان فارسی، و جابر بن عبدالله رضی الله تعالی عنهم می‌فرمایند: مراد از مقام محمود شفاعت کبرای آنحضرتﷺ است. - احادیث شفاعت رسول خدا به حد تواتر رسیده است.

بخش حدیث

درس: دوازدهم

عنوان: غیبت، گناه بزرگ است

صفحه: ٤٤

وقت: دو ساعت درسی

اهداف

شاگردان باید:

۱- نص حدیث شریف را درست خوانده بتوانند.

۲- مفهوم درس را بدانند.

۳- در رابطه به اضرار غیبت تقریر کرده بتوانند.

۴- از این گناه (غیبت) اجتناب نمایند.

دانش لازمی

- معرفی راوی حدیث: عبدالرحمن بن صخرکه قبل از اسلام آوردنش عبدالشمس بن صخر نام داشت در سال هفتم هجری قبل از غزوه خیبر به اسلام مشرف شد. حضرت رسول خدا از مدینه قصد رفتن به خیبر کرد و جانشین خود حضرت «سباع بن عرفطه غفاری» را در مدینه تعیین نمود. و در این وقت که ابوهریره تازه مسلمان شده بود خود را در نماز صبح نزد حضرت سباع بن عرفطه رساند. حضرت سباعﷺبعد از فارغ شدن از نماز وی را با تجهیزات جنگی مجهز ساخت. حضرت ابوهریرهﷺ بی درنگ راه خیبر را پیش گرفت و خود را به آنحضرتﷺ رساند حضرت رسول خدا هنگامیکه از اسلام ابوهریره آگاه شد در رابطه با او با مسلمین سخن گفت و بعد آنها حضرت ابوهریرهﷺ را در سهم خویش شریک ساختند. ([1])

- غیبت در لغت به معنای پنهان شدن و غائب شدن است و در اصطلاح غیبت عبارت از یاد کردن مسلمان به کلماتی است که اگر او حاضر باشد آن را بد پندارد.

غیبت از گناه‌های بزرگ به شمار میرود؛ چنانچه خداوند کریم می‌فرماید: (**وَلایغتَب بَّعضُکمُ بَعضاً أیحبُ أحَدکمُ أن یأکلَ لحمَ أخِیهِ مَیتا فَکرِهتُمُوه وَاتقُوا اللهَ إنّ اللهَ توَابٌ رّحیم**) (سوره حجرات ـ آیه۱۲)

ترجمه: و غیبت نکند بعضی شما بعضی دیگری را آیا دوست میدارد یکی از شما که بخورد گوشت برادر مرده خود را (هرگز دوست نمی‌دارد) پس بد پندارید غیبت را و بترسید از خداوند کریم به تحقیق خداوند کریم بسیار توبه پذیر و مهربان است.

امساک و خود داری از غیبت در اسلام ضرور و مهم است که باعث دخول جنت میشود. چنانچه حضرت رسول اللهﷺ می‌فرماید: **مَن یضمِن لِي مَا بَینَ لِحیِیهِ وَمَا بَینَ رِجلِیهِ أضَمَن لهُ الجَنّةَ** «رواه البخاری»

: از حضرت سهل بن سعدﷺ روایت است که رسول اللهﷺ فرمود: کسیکه بر من حفظ آنچه را که در بین دو لحن اوست، یعنی زبانش را و حفظ آنچه را که در بین دو پاه اوست، یعنی شرمگاه را ضمانت کند برای او دخول جنت را ضمانت می کنم.

---

[1] -الرحیق المختوم صفحه ۵۲۴

- گناه غیبت نسبت به گناه زنا از یک لحاظ بزرگتر است چنانچه رسول خدا در این حدیث می‌فرماید: (**الغِيبَةُ أشدُّ مِن الزّنا قَالوُا يا رَسُولُ اللهﷺ وَكيفَ الغِيبَة أشدُّ مِن الزِنَا قَالَ إنَّ الرّجُل لِيزنِي فَيتوُبَ فَيتوُبُ اللهُ عَليهَ وَفِي رواية أنس قالَ صاحِبُ الزّنا يتوب وَصَاحِب الغِيبةِ ليسَ لهُ تَوبة)**{رواه البيهقي}

: از حضرت ابی سعید و حضرت جابر رضی الله عنهما روایت است که رسول اللهﷺ فرمود گناه غیبت سخت تر است نسبت به گناه زنا.

اصحاب کرام گفتند: ای رسول خدا چگونه گناه غیبت سخت تر است نسبت به گناه زنا؟ رسول خدا در جواب فرمود: به تحقیق که هرگاه مرد زنا میکند پس رجوع و توبه می‌کند از آن (زنا) پس خداوند تعالی به رحمت خویش توبه اش را قبول میکند. و در روایت حضرت انس نیز به همین معنا آمده است: وی می‌گوید رسول اللهﷺ فرمود: زنا کننده توبه میکند و برای غیبت کننده توبه نیست؛ یعنی توبه نمی‌کند و باکی هم از این گناه ندارد.

و نیز حضرت رسول اللهﷺ فرموده ا ست: (**أتدرُونَ مَاأكثرَ يدخِل النّاس الجَنّة تَقوي الله وَحُسنُ الخُلق أتدرُون مَا أكثريدخِل النّاس النّارالاجوفَان الفَم وَالفَرج**)

: از حضرت ابی هریره‌ﷺ روایت است که رسول اللهﷺ فرمود: آیا میدانید چیزی را که بیشتر باعث دخول مردم به جنت میشود چیست؟ آن ترس از خداوند متعال و خلق نیکوست و نیز فرمود آیا میدانید چیزی را که بیشتر باعث دخول مردم به دوزخ میشود چیست؟ و آن عبارت از دو چیز میان خالی است، یعنی زبان و فرج(البته استعمال این دو به طریق نامشروع) متأسفانه در عصر حاضر اکثریت مردم به این گناه(غیبت)آلوده و مبتلا اند خداوند توفیق اجتناب را نصیب ما مسلمانان نماید.

معنای کلمات: (وداع: ترک کردن) (وقار: شرف) (تحقیر: کم شمردن)

روش تدریس: - سؤال و جواب، انفرادی و گروهی، توضیحی و تشریحی و مباحثوی

مواد ممد درسی: کتاب، تخته، تباشیر

وقت	فعالیت‌ها
۵دقیقه	بعد از سلام و احوالپرسی خود را برای شاگردان معرفی می‌نماید و نیز در مورد مضمون تعلیم و تربیهٔ اسلامی که حاوی سه بخش (حدیث، عقاید، فقه) است برای شاگردان معلومات مختصر دهید. در مورد غیبت از شاگردان سؤالات ذیل را میپرسد. غیبت از کدام گناه هان به شمار میرود؟
۲۵دقیقه	حرمت غیبت به قرآن ثابت شده است و یا به حدیث؟ عنوان درس را توسط یک شاگرد روی تخته صنف می‌نویسد. و بعد نص حدیث را با دقت کامل میخواند. برای شاگردان هدایت دهید تا درس را خاموشانه مطالعه نمایند و اگر به کدام مشکلی برمی خورند آنرا نزد خود یاد داشت کنند. و خود در عین حال کلمات وداع، وقار و تحقیر را با معنای شان روی تخته می‌نویسد. نص حدیث را بالای دو شاگرد با دقت تام میخواند سپس عناوین جانبی ذیل را بنویسید: - آموختن تعالیم اسلام

	- از چیزهای بد خود را آگاه نمودن - غیبت عمل نارواست - تهمت بستن به کسی گناه بزرگ است راوی حدیث را معرفی نموده با استفاده از عناوین جانبی درس را برای شاگردان تشریح می‌کند و در صورت ضرورت بالای بعضی نکات تمرکز بیشتر نموده و آنها را در تخته رونویس می‌کند. بعد از یک شاگرد می‌خواهد تا مقابل تخته آمده درس را طور شفاهی برای دیگران توضیح و تشریح کند. شاگردان را به گروپ‌های مناسب گروه تقسیم نموده و برای شان هدایت دهید تا در مورد اضرار غیبت بین هم گفتگو و بحث نمایند و خود در جریان کار گروهی صنف را کنترول نموده بعضی از نظریات را نزد خود یاد داشت می‌کند. **ارزیابی** جهت اطمینان خود با استفاده از سؤالات کتاب درسی، شاگردان را ارزیابی می‌کند. **خلاصه** این درس در نکات ذیل خلاصه میشود: - مسلمان باید عزت، وقار و آبروی برادر مسلمانش را در نظر گیرد. - هر مسلمان باید بداند که غیبت گناه بزرگ است. - همه مسلمانان با هم برادر اند. - بعضی گفته‌ها در غایب غیبت شمرده نمیشود؛ طور مثال:
۱۰دقیقه	- شکایت کردن مظلوم - به خاطر جلوگیری از اعمال بد - به خاطرخواستن فتوا - به خاطر مشوره خواستن
۵دقیقه	- غیبت کردن یک مسلمان به مثابهٔ خوردن گوشت برادر آن است. **کارخانه گی** شاگردان را به انجام کارخانه گی کتاب درسی که نوشتن ترجمه حدیث مبارک است مکلف می‌سازد.

درس: سیزدهم

عنوان: مسلمان آیینهٔ مسلمان است

صفحه: ٤٨

وقت: دو ساعت درسی

اهداف

شاگردان باید:

۱- متن حدیث مبارک را درست خوانده بتوانند.

۲-معنای حدیث مبارک را بفهمند.

۳-از فواید درس استفاده عملی کرده بتوانند.

دانش لازمی

- این یک حقیقت روشن است که مسلمان برادر مسلمان است. چون خداوند متعال فرموده است: «**إِنَّمَا المؤمنُون إخوَةٌ**» (سورهٔ حجرات- ۱۰). و از همین لحاظ است که پیغمبرﷺ یکی را آیینه دیگر خوانده پس مسلمان باید همیش عزت برادر مسلمان خود را عزت خود و ذلت وی را ذلت خود بداند و هیچگاه حاضر نشود که در مقابل متاع دنیوی برادر مسلمان خود را عوض کند یا بفروشد؛ زیرا که رعایت این امر ناشی از ایمان است؛ چنانچه آنحضرتﷺ در حدیثی می‌فرماید: (**وَالذِي نفسِي بِيدِهِ لايومِن أحدكم حَتي يحِبُ لاخِيهِ مَا يحِبُ لِنفسِه) (متفق عليه)**

از حضرت انس رضی الله عنه روایت است که رسول اللهﷺ فرمود: قسم به ذاتی که جان من در دست او ست، هیچ بنده مؤمن کامل شده نمی‌تواند تا اینکه چیزی را که برای خود دوست میدارد برای برادرش دوست نیز نداشته باشد.

از مصداق این حدیث مبارک معلوم میشود که مسلمان نباید اندک ترین چیز قبیح را برای برادر مسلمانش روا داشته باشد.

- مولانا محمود حسن «دیوبندی» در رابطه به این موضوع در تفصیل سورهٔ العصر می‌فرماید: چون دو مسلمان یکجا شوند یکدیگر را به قول و فعل در دین حق و در هر معامله به اختیار نمودن صداقت و راستی تأکید نموده و به یکدیگر توصیه و نصیحت کنند و اگر در راه حق و صلاح افراد و ملت‌ها متحمل هر گونه سختی و تکالیف گردند همه را به صبر و استقامت تحمل نموده و از راه نیکی پا نکشند. (تفسیر کابلی جلد اخیر).

- پس کسانیکه که خود را به این اوصاف (ایمان، اعمال صالحه، توصیه به حق و اصلاح، و توصیه به صبر و استقامت) چهارگانه آراسته و کامل می‌سازند. و بعد به تکمیل و اصلاح هم نوع خود می‌پردازند مسلماً نام نیکو و آثار خیر را از خویش به جا می گذارند. که تا قیامت اجر آن برای شان افزوده میشود.

روش تدریس: سؤال و جواب، انفرادی و گروهی، توضیحی، تشریحی و مباحثوی

مواد ممد درسی: کتاب، تخته، تباشیر

وقت	فعالیت‌ها
۵ دقیقه	بعد از موضوعات مقدماتی با طرح چند سؤال درس گذشته را ارزیابی کنید؛ طور مثال: کی می‌تواند بگوید فرق بین غیبت و تهمت چیست؟ کی می‌تواند غیبت را تعریف و حکم آن را بیان دارد؟
۲۵دقیقه	اولاً نص حدیث درس را میخواند و بعد بالای دو شاگرد نص حدیث را دقیقاً میخواند. اگر در تلفظ مشکل داشتند ایشان را همکاری می کند. برای دو شاگرد وظیفه می‌دهد تا یکی عناوین جانبی ذیل را خوانده و دیگرش آنها را روی تخته بنویسد: - مسلمان برادر مسلمان است - از بین بردن منکر - مسلمان عزت برادر مسلمان خود را بخواهید با استفاده از عناوین جانبی درس را برای شاگردان توضیح و تشریح نموده بالای بعضی از نکات درس تمرکز بیشتر می کند. از چند شاگرد می‌خواهد تا هر کدام به نوبهٔ خود یک عنوان جانبی درس را برای دیگران تشریح کند. در جریان این فعالیت شاگردان را همکاری و همراهی می کند. برای شاگردان وقت دهید تا در این مورد: (در حقیقت پیروان اسلام همه باهم برادر و آیینه روشن همدیگر اند) بین هم بحث کنند. و خود نظم صنف را برقرار داشته بعضی نظریات را جهت شرح بیشتر نزد خود یاد داشت می کند.
۱۰دقیقه	**ارزیابی** معلم محترم جهت اطمینان خود، شاگردان را با استفاده از سؤالات کتاب درسی ارزیابی می کند. **خلاصه** درس در نکات ذیل خلاصه میشود: - انسان موجود نا توان است و خالی از عیب نیست باید متوجه حال خود باشد. - در حقیقت مسلمان برادر مسلمان است پس نباید یک مسلمان از نصایح برادرش آزرده شود و آن را گوش ندهد. - مسلمانان باید همیشه عزت و کرامت هم دیگر را در نظر داشته باشند و برای حفظ آن بکوشند. - مسلمانان باید در اصلاح همدیگر کوشا باشند.
۵دقیقه	**کارخانه گی** معلم محترم شاگردان را به انجام کارخانه گی کتاب درسی مکلف می‌سازد. و برای شان بگویید که در رابطه به عنوان درس یک مقاله پنج سطری بنویسند

درس: چهاردهم

عنوان: اهمیت مشوره

صفحه: ۵۱

وقت: دو ساعت درسی

اهداف

شاگردان باید:

۱- متن حدیث مبارک را دُرست خوانده و حفظ نمایند.

۲- معنای کلمات حدیث را بدانند.

۳- اهمیت مشوره را از نظر اسلام بدانند.

۴- در امورات زنده گی با بزرگان خود مشوره کنند.

دانش لازمی

- مشوره در اسلام یک اساس مهم میباشد که خداوند کریم در آیات مبارکهٔ قرآنکریم آن را اصل قرار داده است. رسول گرامیش مسلمانان را به رعایت آن (مشوره کردن) امر فرموده است. از این لحاظ آنحضرتﷺ همیشه در انجام کارها و اتخاذ تصامیم از یاران گران قدرش مشوره می‌گرفت؛ طور مثال: در سال پنجم هجری آنحضرتﷺ از پلان شوم مشرکین و کفار اطلاع به دست آورد. از اینکه آنها با همکاری یهود و منافقین به طور دسته جمعی بالای مدینه منوره حمله می‌کنند حضرت رسول اللهﷺ قبل از اینکه دست به کدام کاری زند. جلسه مشورتی را به خاطر نجات مسلمین و شهر مدینه برگزار می کند. و با اصحاب کرام مشوره می‌نماید. بعد از تبادل افکار، طرح حضرت سلمان فارسیؓ را تأیید میکند، طرح ایشان این بود که باید در اطراف مدینهٔ خندق حفر شود. حضرت سلمان فارسیؓ گفت: وقتیکه ما در فارس به محاصره و مشکلات جنگی روبرو میشدیم اطراف خود را حفرمی کردیم تا دشمن نتواند به ما دست یابد. بعد از تأیید نظروی رسول خدا برای هر گروه ده نفری به مسافه چهل ذراع را تعیین نموده و ایشان را به حفر کردن خندق امر می کند. حتی جناب خود ایشان در این کار سهم فعال می‌گیرند.

صلح حدیبیه

حضرت رسول اللهﷺ بعد از کار صلح برای اصحاب خود می‌گوید: برخیزید مواشی خود را ذبح نموده و سر خویش را بتراشید. آنحضرت این سخن را سه بار تکرار می کند؛ اما کسی برنمی خیزد چون ایشان با رسول خدا یکجا به قصد حج عمره آمده بودند؛ اما از سوی مشرکین برای ایشان اجازه عمره داده نشد و آنها زیارت خانه کعبه را طواف نکرده بودند. خیلی‌ها اندوهگین بودند به خصوص حضرت عمرؓ حضرت رسول اللهﷺ به خیمه حضرت ام سلمه رضی الله عنها داخل شد و موضوع را برای وی باز گو نمود. حضرت ام سلمه برای آن جناب مشوره دادند: برو بدون اینکه با کسی سخن بگویی قربانی خود را ذبح کن وسلمانت را بگو تا موهایت را حلق کند. حضرت رسول اللهﷺ می رود و چنین می‌کند. بعد اصحاب کرام که ایشان را می‌بینند مواشی خویش را ذبح نموده و موی سر یکدیگر را می‌تراشند. بلی با وجود اینکه برای رسول اللهﷺ وحی نازل می‌شد، در انجام کارهای خود از مشوره کارمی گرفت. پس ما نباید این اصل را فراموش نماییم.

- واضح است کاری که به اساس مشوره صورت گیرد پشیمانی ندارد. مسلمان باید در انتخاب مشاور (مشوره دهنده) دقیق باشد. شخصی را انتخاب کند که صاحب ایمان و تقوای کامل باشد. و نیز شخص مشاور باید درک کند که امین تعیین شده است و برای امین خیانت مناسب نیست؛ زیرا در مورد خیانت ورزیدن در امانات وعیدی آمده. (**قالَ رَسولَ الله ﷺ لاایمَان لِمَن لا امَانة لهُ وَلا دِینَ لِمَن لاعَهدَ لهُ**)

حضرت رسول الله ﷺ می فرماید: ایمان کامل برای کسی نیست که در امانت خیانت ورزد و دین داری برای کسی نیست که به عهد خود وفا نکند.

بدین اساس مسلمانان باید در امورات خویش با برادران شان مشوره کنند و از نظریات سالم آنها استفاده نمایند، خداوند کریم برای ما در این عرصه توفیق خویش را عنایت فرماید.

معنای کلمات: نهفته: پنهان، امین: امانتدار، دیانت: دین داری، عوامل: جمع عامل به معنای علت و سبب.

روش تدریس: سؤال و جواب، انفرادی و گروهی، توضیحی و تشریحی

مواد ممد درسی: کتاب، تخته، تباشیر

وقت	فعالیت‌ها
۵ دقیقه ۲۵دقیقه	بعد از تطبیق موضوعات مقدماتی با طرح چند سؤال درس گذشته را ارزیابی می‌کند؛ طور مثال: کی می‌تواند این جز حدیث مبارک را ترجمه کند؟ (**إنّ أحدُکمُ مرأة اخیهِ فإن رأي بهِ أذي**) بعد از ترجمه جزء حدیث مبارک و ارایهٔ جواب‌ها توسط شاگردان در مورد (اهمیت مشوره قبل از انجام کار و یا گرفتن تصمیم) برای شاگردان مختصراً صحبت میکند. توجه شاگردان را به درس معطوف داشته نص حدیث مبارک را قرائت میکند. برای شاگردان هدایت می‌دهد تا درس را خاموشانه مطالعه نمایند و خود در عین حال کلمات نهفته، امین، دیانت و عوامل را روی تخته صنف می‌نویسد. از یک شاگردی که در قطار اخیر صنف است می‌خواهد تا کلمات را معنا نماید بعد از یک شاگرد دیگر می‌خواهد تا نص حدیث را دقیقاً بخواند. از دو شاگرد می‌خواهد تا یکی از ایشان عناوین جانبی ذیل را خوانده و دیگرش آنها را روی تخته بنویسد: - اهمیت مشوره را دادن - حفظ امانت - مشوره از کی باید گرفت؟ با استفاده از عناوین جانبی درس را برای شاگردان توضیح و تشریح می‌نماید در صورت ضرورت بالای بعضی نکات تمرکز بیشتر نموده روی تخته نکات مهم را بیرون نویس می کند. از چند شاگرد می‌خواهد تا هر کدام یک عنوان جانبی درس را به همصنفان خود تشریح کند. سپس از شاگردان بخواهید تا در رابطه به اهمیت موضوع درس از هم دیگر سؤال نمایند و خود متوجه جواب‌ها میباشد

برای شاگردان هدایت می‌دهد تا همه کلمات را از روی تخته رونویس نمایند. برای شاگردان چند دقیقه وقت دهید تا در در رابطه به اهمیت مشوره بین هم بحث نموده نتایج بحث خود را روی کاغذ بنویسند.	
ارزیابی شاگردان را با استفاده از سؤالات کتاب درسی ارزیابی می‌نماید. **خلاصه** درس در نکات ذیل خلاصه میشود: - مشوره در دین اسلام یک اصل مهم است که مسلمانان به رعایت آن همواره فرا خوانده شده اند. - در مورد مشوره آیات و احادیث متعددی وجود دارد. - یکی از رازهای موفقیت در کارها مشوره است. - برای گرفتن مشوره باید شخص امین و با تقوا انتخاب شود. - مشوره دهنده در حقیقت امانتدار است و باید متوجه مسؤولیتش باشد.	۱۰دقیقه
کارخانه گی شاگردان را به انجام کارخانه گی کتاب درسی مکلف می‌سازد. و برای شان دستور دهید که ترجمه حدیث مبارک را در کتابچه‌های شان بنویسند.	۵ دقیقه

درس: پانزدهم

عنوان: کمک به مساکین

صفحه: ٥٤

وقت: دو ساعت درسی

اهداف

شاگردان باید:

۱- نص حدیث مبارک را درست خوانده و معنای آن را بفهمند.

۲- پیام درس را در زنده گی روزمره شان به شکل خوبتر عملی نمایند.

۳- اهمیت و ارزش کمک و حب مساکین را درک نمایند.

۴- در آینده اشخاص دلسوز، با احساس و با سخاوت بار آیند.

دانش لازمی:

- کمک و معاونت یکی از وجیبه‌های اسلامی به شمار میرود که در این مورد خداوند کریم در بسا آیات متبرکه فرموده است که چند آیه مبارک را طور مثال: ذکر می نماییم (**وَاعبُدوا اللهَ وَلا تُشرِكُوا بِهِ شَيئاً وّ بِالوَالدَينِ إحسناً وّبِذِي القُربِي وَاليتمي وَالمَسَاكِينِ**) الآیه. سوره النساء آیت ۳۶

ترجمه: خداوند را عبادت کنید و سپس به او چیزی را شریک نسازید. و با پدر و مادر تان نیکی نمایید و نیز با اقارب، یتیمان و مساکین نیکی کنید. و همچنان خداوند تعالی می‌فرماید (**فَاتِ ذَاالقُربِي حَقَّهُ وَالمِسكِينَ وَابنَ السّبِيلِ ذلِکَ خَيرٌ لِلذِينَ يرِيدُونَ وَجهَ اللهِ وَأُولئِکَ هُمُ المُفلِحُون**) (سوره روم — ۳۸).

ترجمه: پس بده حق صاحب قرابت خویش را و حق مسکین و مسافر را و این بهتر است برای کسانیکه می‌خواهند رضای الله را و این گروه رستگار و کامیاب اند.

البته خیر و نیکی دنیا و آخرت نصیب همچوبنده گان خداوند تعالی میشود که هدف ایشان از انجام کارهای خیر فقط رضای پروردگار است. و نیز خداوند کریم برای رسول گرامیش می‌فرماید که در حقیقت این امر متوجه همه امت است (**وَامَّا السَّآئلَ فَلا تَنهَر**)

ترجمه: و اما سؤال کننده و یا فقیر را زجر و توبیخ مکن. تفسیر: از فقرا و مساکین همواره دلجویی کن و تاحد توان حاجت ایشان را برآورده ساز. در این آیه مبارک آنحضرت ﷺ مخاطب است؛ اما مراد عام امت است به خصوص اشخاص غنی و ثروتمند.

- حضرت رسول الله ﷺ نیز احادیث گران بهایی را در رابطه به موضوع (کمک به مساکین) ارشاد فرموده است که چند حدیث مبارک را به گونهٔ نمونه ذکر می نماییم:

(**عَن نُعمَان بِن بَشِيرقالَ قالَ رَسُولُ اللهِ ﷺ تَري المؤمنين فِي تَراحِمُهُم وَتَوَادّهُم وَتَعاطِفُهُم كَمَثلِ الجَسَدِ إذا إشتَكي عُضوَ تَداعي لهُ سَائِرالجَسَد بِالسَّهروَالحمّي**) {**متفق عليه**}

از حضرت نعمان بن بشیر رضی الله عنه روایت است که رسول الله ﷺ فرمودند مؤمنان را در مهربانی، دوستی و عاطفه با هم دیگر شان؛ مانند: جسد واحد می‌بینی. هر گاه یکی از اعضای آن به درد آید، بقیه اعضای بدن در بیخوابی و تب با آن شریک می‌شوند.(مشکوۀ ص ۴۲۲)

بنـی آدم اعـضـای یـکـدیـگرانــد   که در آفرینش زیک گوهر اند
چو عضوی به درد آورد روز گار   دیـگـرعضـوهـارا نمـانــد قرار
تـوکـز محنت دیـگران بـی غمـی   نـشـایـد کـه نامـت نـهنـد آدمـی

سعدی

حضرت نعمان بن بشیرﷺ نخستین مولود از مردم انصار در اسلام است؛ مثلیکه نخستین مولود از مهاجرین در اسلام حضرت عبدالله بن زبیرﷺ است.

(عَن ابن عُمرأنّ رَسُولَ الله ﷺ قالَ مَن كانَ فِي حَاجَةِ أخِيهِ كانَ اللهُ فِي حَاجَتِه وَمَن فَرّجَ عَن مُسلمٍ كُربَةً فَرّجَ اللهُ عَنهُ كُربَةً مِّن كُربَاتِ يومَ القِيمَةِ وَمَن سَتَرَمُسلِماً سَتَرَهُ اللهُ يومَ القِيمَة) {متفق عليه}

از حضرت ابن عمرﷺ روایت است که به تحقیق رسول اللهﷺ فرمود: کسیکه که در حل مشکل برادرش تلاش کند، خداوند تعالی مشکل وی را حل میکند. و کسیکه از مسلمانی غم و اندوه را دورکند خداوند از وی اندوه بزرگی را از اندوه‌های روز قیامت دور می کند. و کسیکه عیب مسلمانی را بپوشاند خداوندﷻ عیوب وی را در روز قیامت میپوشاند. (مشکوۀ ص ۴۲۲)

واقعاً این احادیث برای مسلمانان پیام خوشی و امیدواری را بار می‌آورد دروازۀ یأس و افسرده گی را می‌بندد. خداوند رحیم برای اغنیای ما توفیق بخشد تا خود را از این فضایل محروم نسازند. در حدیث ذیل نیز با همین محتوا و با الفاظ دیگری چنین آمده است:

(عَن أنسٍ قالَ قالَ رَسُولُ اللهِ ﷺ مَن قَضي لأحدٍ مِن أُمَّتِي حَاجَه يرِيدُ أن يسرّهُ بِهَا فَقد سَرَّنِي وَمَن سَرَّنِي فَقد سَرَّالله وَمَن سَرّالله أدخَلهُ اللهُ الجَنّة) {رواه البيهقي}

از حضرت انسﷺ روایت است که رسول اللهﷺ فرمودند: کسیکه از امت من حاجت مسلمانی را برآرد و بخواهد که او را شاد گرداند پس در حقیقت من را شاد گردانیده و کسی که من را شاد گرداند پس در حقیقت خداوند متعال را شاد گردانیده. و کسی که خداوند تعالی را شاد گرداند خداوند تعالی او را به جنت داخل می‌کند. (مشکوۀ ص ۴۲۵)

معنای کلمات: (مجاهد – کوشش کننده) (سان – برابر) (فوق الذکر- یاد شده بالا)(اذعان اقرار و یا اعتراف)

اذعان: اقرار یا اعتراف، مجاهد: کوشش کننده، سان: برابر، فوق الذکر: یاد شده بالا.

روش تدریس: سؤال و جواب، انفرادی و گروهی، توضیحی و تشریحی

مواد ممد درسی: کتاب، تخته، تباشیر...

وقت	فعالیت‌ها
۵ دقیقه	بعد از موضوعات مقدماتی با طرح چند سؤال درس گذشته را ارزیابی می‌کند؛ طور مثال: کی می‌تواند بگوید مستشار به کدام شخص گفته میشود. معلم محترم در مورد عنوان درس از شاگردان سؤال میکند: در اموال ثروتمندان حقوق کدام اشخاص وجود دارد؟
۲۵دقیقه	بعد از ارایۀ جواب توجه شاگردان را به درس معطوف داشته نص حدیث را با دقت تام میخواند معلم محترم عناوین جانبی ذیل را روی تخته بنویسید: - ثواب کمک به نیازمندان - نیکی با مردم عبادت است - کمک با مردم نیازمند کامیابی است

برای شاگردان هدایت دهید تا درس را از روی کتاب‌های شان خاموشانه بخوانند و خود در عین حال کلمات مجاهد، سان، فوق الذکر و اذعان را روی تخته می‌نویسد. بعد از مطالعه خاموشانه از یک شاگرد می‌خواهد تا در جای خود ایستاده شود و معنای کلمات را بیان دارد. نص حدیث را توسط چند شاگرد میخواند. سپس با استفاده از عناوین جانبی درس را برای شاگردان توضیح و تشریح می‌نماید و در هنگام ضرورت بالای بعضی نکات تمرکز بیشتر می کند. در جریان تشریح متوجه شاگردان میباشد که آیا آنها با نشاط تام به تشریح درس گوش فرا داده اند یاخیر از چند شاگرد می‌خواهد تا هر کدام یک عنوان جانبی درس را برای همصنفان خود تشریح نماید. برای شاگردان هدایت دهید تا برداشت خویش را در چند سطر بنویسند و هر کدام در جای ایستاده شده آنرا بخواند اگر وقت کم بود به طور نمونه از هر ناحیه صنف یک نفر بخواند. **ارزیابی** جهت اطمینان خود با استفاده از سؤالات کتاب درسی شاگردان را ارزیابی می کند. **خلاصه** درس را در نکات ذیل برای شاگردان خلاصه کنید: - دین مبین اسلام همواره مسلمانان غنی و ثروتمند را به کمک و معاونت مساکین تشویق می‌نماید. - اجر و پاداش کمک کننده به فقرا و مساکین مثل اجر و پاداش یک مجاهد فی سبیل الله است. - دادن صدقه و یا کمک کردن به اشخاص تنگ دست یک عبادت مالی است. - کاهش فقرا در یک کشور اسلامی مبنی بر احساس ایمانی اغنیاء میباشد. - کمک کردن با مساکین باعث فلاح و رستگاری انسان در دنیا و آخرت میشود.	۱۰دقیقه
کارخانه گی شاگردان را به انجام کارخانه گی کتاب درسی مکلف می‌سازد. و برای شان هدایت دهید که در مورد کمک نمودن با مساکین یک مقاله هفت سطری بنویسند.	۵دقیقه

درس: شانزدهم

عنوان: تعلیم و تربیت دختران

صفحه: ۵۷

وقت: دو ساعت درسی

اهداف

شاگردان باید:

۱- نص حدیث را درست خوانده بتوانند.

۲- معنای کلمات حدیث را بیاموزند.

۳- فواید محتوای حدیث مبارک را بدانند.

۴- راوی حدیث را به طور کامل بشناسند.

دانش لازمی

- راوی حدیث حضرت انسﷺ بن مالك بن نضر است. ایشان مدت ده سال خدمتگذار رسول خدا بودند. امام بخاری و امام مسلم از وی حدیثی را روایت می‌کنند: (عن انسٍ قال خدمتُ النّبیﷺ عَشرَ سِنینَ فمَا قالَ لِی اُفٍ وَلا لِمَ صنعتَ وَلا اَلاّ صَنعتَ)«متفق علیه»

از حضرت انس روایت است که گفت من مدت ده سال خدمت حضرت رسول اللهﷺ را نمودم. پس رسول اللهﷺ در همین مدت برایم نگفت اُف و همچنان برایم هرگز نگفت چرا این کار را کردی و چرا آن کار را نکردی؟

- حضرت انسﷺ در زمان خلافت حضرت عمرﷺ به شهر بصره مسکن گزین شد و آخرین صحابی بود که در شهر بصره در سال ۹۱ هجری قمری وفات کرد.

تعلیم و تربیه دختران در دین اسلام جای خاصی را دارد؛ چنانچه در مورد، احادیث زیادی موجود است که چند آنرا طور نمونه ذکر می کنیم: **(عن عائشة قَالت جَاءَتنِي إمرَأةٍ وَمَعَهَا إبنَتانِ لَهَا تسألنِي فَلمتجِ دعِندِي غَيرَتَمَرَةٍ واحدة فاعطَيتُهَا إياهَا فقسِمةها بَينَ ابنتيها ولم تأكل منها ثمّ قامت فخرجت فدخل النّبيﷺ فحدثتهُ فقال مَن ابتلي في هذه البنات بشئي فأحسن إليهنّ كنّ لهُ ستراً من النّار) «متفق علیه»**

ترجمه: از حضرت عائشه صدیقه«رض» روایت است که گفت: زنی با دو دخترش نزدم آمد و سؤال کرد و من در آن هنگام به جزیک دانه خرما چیزد یگری نداشتم. من آن خرما را برایش دادم وی آن خرما را در بین دخترانش تقسیم کرد و خودش از آن نخورد. بعد بر خاست و بیرون شد. سپس نبی کریمﷺ داخل شد من جریان را برایش گفتم ایشان فرمودند: کسی که در این دختران (مراد جنس است) مورد آزمایش قرار گیرد و آن شخص برای آنها نیکی کند نیکی وی در مقابل آتش دوزخ برایش پرده میباشد.

- متأسفانه با وجود این همه دستورات دینی بعضی کسان هنوز هم نسبت به دختران تعصب دارند و پسران را بر آنها ترجیح میدهند و حتی نسبت به مادر دختر که تنها گناه وی تحمل مشقت و سختی است در دل بعضی اشخاص نفرت پیدا میشود که این کار و خصال در حقیقت یک رسم زمان جاهلیت است؛ چون: مشرکین دختران را زنده به گور

می کردند که قرآنکریم شاهد این ظلم آنها است. خداوند کریم در سوره مبارک تکویر در آیت هشتم و نهم می‌فرماید: «**وَاذَا المَوءُدَةُ سُئِلت بأَي ذنبٍ قُتِلت**» ترجمه: و چون از آن دخترک زنده به گور پرسند که به کدام گناه کشته شده است.

حضرت رسول خدا شخصاً نسبت به دختران خویش بسیار مهربان بود و همیشه آنها را مورد شفقت و نوازش خود قرار میداد و حتی پسران ایشان را به دوش کشیده بر زانوهای مبارکش می‌نشاند. چنانچه حضرت براء حدیثی را روایت می کند: (**عَن البَرَاَء قالَ رَايتُ النّبيﷺ وَالحَسن بِن عَلي عَلي عَاتِقهِ يقوُل ألهمّ إنّي أحبّهُ فاحبّهُ**) « متفق علیه»

از حضرت براء راویت است که گفت: من نبی کریمﷺ را در حالی دیدم که حضرت حسن بن علی کرم الله وجهه به دو شش بود و می‌گفت ای خداوند من وی را دوست دارم و تو نیز دو ستش دار. پس تعلیم دهنده و مربی اطفال به خصوص از دختران نزد خداوند کریم بسیار معزز و مکرم بوده است.

و باید گفت: فرا گرفتن تعلیم و تربیه حق مسلم هر مسلمان است؛ اگر پسر باشد یا دختر، پس نباید هیچ ذی حقی از حقش محروم شود. تنها یک چیزی که قابل نگرانیست همانا عدم فضای مطمئن اسلامی و اخلاقیست.

معنای کلمات: بلوغ: جوانی، مصونیت: نگهداری، اولویت: برتری.

روش تدریس: سؤال و جواب، انفرادی و گروهی، توضیحی و تشریحی

مواد ممد درسی: کتاب، تباشیر، تخته و غیره

وقت	فعالیت‌ها
۵دقیقه	بعد از تطبیق موضوعات مقدماتی با طرح چند سؤال درس گذشته را ارزیابی می کند؛ طور مثال: کی می‌تواند بگوید برای کدام شخص اجر و پاداش جهاد داده میشود؟ عنوان درس را روی تخته نوشته و در مورد اهمیت پرورش و تربیه دختران چند دقیقه صحبت می کند. نص حدیث را با ترجمه آن برای شاگردان میخواند.
۲۵دقیقه	از یک شاگرد می‌خواهد تا عناوین جانبی ذیل را در کنار تخته بنویسد: - ثواب تربیت دختران - حقوق دختران - نیکی با دختران توجه اسلام به زنده گی زنان - فهماندن دین به شکل درست بعد برای شاگردان وظیفه دهید تا درس را خاموشانه مطالعه نمایند و اگر به کدام مشکلی برمی خورند آنرا یاد داشت کنند در عین حال کلمات بلوغ، مصونیت و اولویت را روی تخته می‌نویسد. از یک شاگرد می‌خواهد تا کلمات را معنی کرده و نص حدیث را به آواز مناسب به دقت بخواند. با استفاده از عناوین جانبی درس را برای شاگردان توضیح و تشریح می‌کند. در جریان تشریح درس معلم محترم بالای بعضی نکات اساسی و کلیدی تمرکز بیشتر می نماید. از چند شاگرد می‌خواهد تا هر کدام یک عنوان جانبی درس را برای همصنفان خود تشریح نمایند.

	از یک شاگرد جواب این سؤال را جویا میشود: حضرت رسول خدا کدام شخص را برای قرب و نزدیکی خودش در روز قیامت وعده کرده است. شاگردان را به گروپ‌های مناسب تقسیم نموده از ایشان میخواهد تا در مورد از همدیگر سؤال نمایند و خود نظم را کنترول نموده سؤالات اشتباه را جهت اصلاح نزد خود یاد داشت میکند.
۱۰دقیقه	**ارزیابی** با استفاده از سؤالات کتاب درسی، شاگردان را ارزیابی می کند. **خلاصه** این درس در نکات ذیل چنین خلاصه میشود: - پرورش دهنده و مربی دختران در آخرت اجر عظیم و بهترین قرب را نصیب میشود - پرورش دختران را اشخاص متقی و پرهیزگار در نظر می گیرند؛ زیرا این کار ناشی از ایمان راسخ میباشد. - حقوق دختران بالای والدین شان نه تنها در هنگام طفولیت بلکه بعد از آن نیز نافذ است - اگر چه در حدیث مبارک دو دختر ذکر شده است؛ اما این اجر در پرورش یک دختر هم مرتب میشود.
۵دقیقه	**کارخانه گی** شاگردان را به انجام کارخانه گی کتاب درسی مکلف می کند. و برای شان هدایت دهید تا در مورد حقوق زن از نظر اسلام یک مقاله شش سطری بنویسند.

درس: هفدهم

عنوان: کسب روزی حلال

صفحه: ٦١

وقت: دو ساعت درسی

اهداف

شاگردان باید:

۱- متن حدیث مبارک را درست خوانده بتوانند.

۲- معنای کلمات و ترجمه حدیث را بهتر بدانند.

۳- سعی کنند روزی حلال به دست آرند.

۴- در مورد اهمیت روزی حلال مقاله یی نوشته کرده بتوانند.

دانش لازمی

- طلب و کسب روزی حلال یکی از وجیبه‌های مهم اسلامی است که اسلام همواره پیروانش را در به دست آوردن آن فرا خوانده و به طور جدی در مقابل تنبلی و بیکاری مبارزه می‌نماید. از این جهت است که بیشترین انبیا (علیهم السلام) گذشته، به کار و پیشه اشتغال داشتند؛ چنانچه از زنده گی و سیرت درخشان حضرت رسول خدا ﷺ معلوم است که قبل از بعثت یک تجارت پیشهٔ امین بودند و همچنان بعد از بعثت هم از تنبلی و بیکاری نفرت داشته دوری می‌جستند، و شخصاً در بعضی موارد در کارها سهم فعال می‌داشتند؛ به طور مثال: در کار بنای مسجد نبوی، در ساختن حجرات ازواج مطهرات، در حفر کردن خندق و غیره.

- در رابطه به کسب حلال خداوند کریم می‌فرماید (**فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَانتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ وَابْتَغُوا مِن فَضْلِ اللَّهِ وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَّعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ**) (سوره جُمعه آیت ١٠).

ترجمه: (پس هنگامیکه نماز اداء شد پراگنده شوید در زمین و طلب کنید از فضل خداوند و یاد کنید الله تعالی را بسیار تا باشد که شما رستگارشوید).

مفسرین کرام در مصداق این آیه مبارک می‌نگارند: شما بعد از نماز به خاطر به دست آوردن روزی حلال جهد و تلاش کنید؛ اما متوجه باشید که این تلاش باعث فراموشی ذکرخداوند برای شما نشود. مسلمان باید همیش به خاطر به دست آوردن روزی حلال بکوشد و همواره سعی کند که تا خود و اهل بیت خود را از روزی حلال تغذیه نماید. و از تغذیه خوراک حرام در هر حال بپرهیزد؛ زیرا حضرت عائشه«رض» حدیثی را نقل کرده که حضرت رسول خدا ﷺ در این مورد وعیدی فرموده است (**لایدخُل الجَنّةَ جَسدٌ غُذي بِالحَرَام**)[1] ترجمه: به جنت داخل نمی‌شود بدنی که از حرام تغذیه شده باشد.

---

[1] - الترغیب والترهیب للامام المنذری.

- مسلمان باید در به دست آوردن روزی حلال خیلی‌ها محتاط باشد و هیچ گاه از بررسی طُرق عایدات خود غافل نشده و ترس خداوند را فراموش نکند. مسلماً کسانیکه از پروردگار شان ترس و حیاء ندارند برای آنها حلال و حرام فرقی نمی‌کند؛ چنانچه حضرت سعدی علیه الرحمه می گوید:

هرآنکه از خـــــــداوند نهر اسد   فرق بین حلال و حرام کی شناسد

- در مورد فضیلت به دست آوردن روزی حلال آن حضرت ﷺ ارشادات گران بهایی فرموده که چند آنرا ذکر می کنیم:
(عَنَ عائشةَ«رض» قَالَتُ قالَ رَسُول اللهِ ﷺ إنّ أطيبَ مَآ أكلتُم مِن كسبكمُ وإنّ أولادَكُم مِن كسبِكُم) رواه الترمذی.
ترجمه: از حضرت عائشه «رض» روایت است که: آن حضرت ﷺ فرمود بهترین خوردنی‌های شما آنست که از کسب و عمل تان باشد و اولاد تان از کسب شماست.
و نیز حضرت رسول الله ﷺ در مورد فرموده است: (طَلب كسبَ حَلالِ فريضَةٌ بَعد الفَرِيضَةِ قِيلَ يا رَسُولُ اللهِ ﷺ اى الكسب أطيبُ قالَ عَمل الرّجُل بِيدهِ وَكُل بَيعِ مَّبرُور) {رواه احمد}
حضرت رسول خدا فرمود بعد از فرایض اسلامی یعنی نماز، روزه، زکات و حج فریضه که به دوش مسلمانان است طلب کسب حلال است. گفته شد و یا از آن حضرت ﷺ پرسیده شد که کدام است آن کسب خوبتر. رَسُولُ اللهِ ﷺ در جواب فرمود: عمل شخص به دستش؛ یعنی صاحب هر کار، فن و پیشه مشروعی که باشد؛ مانند: خیاطی، نجاری، بنایی، آهنگری، فلز کاری و غیره تجارتی که درست و مشروع باشد، یعنی عاری از دروغ، فریب و قسم ناحق باشد.
- با در نظر داشت نصوص فوق؛ ما مسلمانان باید در پهلوی طاعت پروردگار خود طالب رزق حلال و مشروع باشیم و به خاطر پیش برد و ادامه زنده گی خود راه‌ها و موارد مشروع را انتخاب نماییم تا باشد که سعادت دارین نصیب ما شود.

معنای کلمات: قبیله: طائفه، صدد: قصد، جستجو، هیزم: چوب.

روش تدریس: سؤال و جواب، انفرادی و گروهی، توضیحی، تشریحی و مباحثوی

مواد ممد درسی: کتاب، تخته، تباشیر......

وقت	فعالیت‌ها
۵دقیقه	بعد از موضوعات مقدماتی با طرح چند سؤال درس گذشته را ارزیابی می‌کند؛ طور مثال: - کی می‌تواند بگوید کلمه جاریتین مفرد است یا تثنیه و یا هم جمع؟ - کی می‌تواند راوی حدیث درس گذشته را معرفی کند؟
۲۵دقیقه	در روشنایی نصوص شرعی در مورد کسب روزی حلال مختصراً برای شاگردان معلومات داده از یک شاگرد میخواهد تا عنوان درس را روی تخته بنویسد. نص حدیث را با دقت کامل برای شاگردان میخواند و بعضی کلمات آنرا معنا میکند. برای شاگردان وظیفه می‌دهد تا درس را خاموشانه مطالعه نمایند و خود در عین حال کلمات قبیله، صدد و هیزم را روی تخته می‌نویسد. توسط یک شاگرد کلمات را معنی میکند. نص حدیث را توسط چند شاگرد به آواز مناسب و دقیق می‌خواند. از یک شاگرد می‌خواهد تا عناوین جانبی ذیل را در کنار تخته بنویسد: - به دست آوردن روزی عملی ستوده است

	- به دست آوردن روزی از طریق کار - کار کردن منافی توکل نیست - فضیلت کسب با استفاده از عناوین جانبی درس را برای شاگردان توضیح و تشریح می‌کند و بالای بعضی نکات کلیدی توجه و تمرکز بیشتر نموده آنها را بیرون نویس می‌کند. توسط چند شاگرد درس را تشریح می‌کند البته از هر یک بخواهید تا یک عنوان جانبی درس را تشریح نماید. برای شاگردان وقت دهید تا در مورد بدست آوردن طریقه‌های مشروع و غیر مشروع کسب روزی از هم دیگر سؤال نمایند. و خود متوجه جواب‌ها میباشد. **ارزیابی** جهت اطمینان خود از یادگیری درس شاگردان را توسط سؤالات کتاب درسی ارزیابی می‌کند.
۱۰دقیقه	**خلاصه** این درس در نکات ذیل خلاصه میشود: - بهترین بنده آنست که در پهلوی عبادتش در صدد به دست آوردن روزی حلال است - به دست آوردن رزق حلال در حقیقت یک نوعی از عبادات است. - اکثریت انبیآ علیهم السلام گذشته صاحب کسب و پیشه بودند. - فضیلت کسب حلال به آیات و احادیث نبوی ثابت شده است. - کارکردن توکل را نفی نمی‌کند بلکه به اثر کار نتایج توکل به دست می‌آید.
۵دقیقه	**کارخانه گی** شاگردان را به انجام کارخانه گی کتاب درسی مکلف می‌سازد. و نیز برای شان وظیفه دهید تا متن حدیث را با ترجمه اش در کتابچه‌های خود بنویسند.

درس: هژدهم

عنوان: آسانی در دین

صفحه: ٦٤

وقت: دو ساعت درسی

اهداف

شاگردان باید

۱- متن حدیث مبارک را درست خوانده بتوانند.

۲- معنای کلمات حدیث مبارک را بفهمند.

۳- مفهوم درس را برای دیگران بیان کرده بتوانند.

۴- راوی حدیث مبارک را درست و کامل بشناسند.

دانش لازمی

- دین مبین اسلام دین کامل و عاری از تحریف بوده که تمام امورات زنده گی بشر در ابعاد مختلف در آن جا داشته و پاسخ گو برای همه مشکلات فطری بشریت میباشد. در انجام هر امر خداوند متعال برای بنده گانش تسهیلاتی را وضع کرده که همه مطابق توان انسان میباشند. خداوند یکتا در رابطه به این موضوع می‌فرماید: (**وَمَا جَعلَ عَليكمُ فِي دِينِ مِن حَرج**) در سوره حج آیت ۷۸.

ترجمه: خداوند دین را برای شما سخت و دشوار نگردانیده است.

مفسرین کرام می‌نویسند: در دین اسلام چنین مطلبی وضع نشده که برداشت آن برای بشر دشوار باشد؛ بلکه در احکام دین رخصت‌ها و تسهیلات گونا گونی وجود دارد. بلی، هنگامی ما به احکام شرعی نظرمی کنیم رخصت و سهولت‌های را در میابیم؛ مانند: قصر نماز که خداوند کریم می‌فرماید: «**وَإذاضَربتمُ فِي الارضِ فَليسَ عَليكمُ جُناحٌ أن تَقصُرُوا مِن الصّلوةِ**»

ترجمه: وقتی که شما سفر کردید در زمین «معیارمسافه را تکمیل کردید» پس گناهی نیست بر شما به اینکه نماز تان را کوتاه کنید.

و همچنان اسلام عزیز برای کسانیکه مریض و یا در سفر اند افطار روزه ماه مبارک رمضان را اجازه داده. خداوند متعال می‌فرماید: «**فَمَن كانَ مِنكمُ مَريضاً أوعَلي سَفرٍ فَعِدَةٌ مِّن أيامٍ أُخَر**»

کسیکه از شما مریض و یا در سفر بود افطار کند و روزهای افطا رشدهٔ خود را بشمارد. «بعد از اینکه شفا یافت و یا از سفر برگشت روزه گیرد». و هکذا آیات دیگری هم وجود دارد که انسان را در انجام امورات زنده گی به اندازهٔ توانش مکلف گردانیده است؛ طور مثال: خداوند کریم در اخیر سوره بقره می‌فرماید: (**لايكلف الله نفساً إلاّ وسعها**)

ترجمه: خداوند هیچ نفسی را مکلف نساخته؛ مگر به اندازهٔ توانش.

- پس اگر ما دقیق شویم به این نتیجه می‌رسیم که تمام احکام و فرامین اسلام برای نفع و حسب طاقت بشر بوده و هیچ گونه حرجی در آن جا ندارد. از همین لحاظ است که این دین شامل و مکمل تمام ادیان آسمانی گذشته است چون در بعضی از احکام ادیان گذشته نسبت به احکام دین اسلام به مراتب مشکلاتی وجود داشت از قبیل: نماز، روزه و غیره؛ اما

در اسلام سهولت‌های فراوانی وضع شده؛ طور مثال: اگر یک شخص، معذور باشد می‌تواند نمازش را نشسته بخواند و اگرنشسته هم نتوانست می‌تواند به پهلو و یا به اشاره بخواند. و یا در عدم موجودیت آب می‌تواند از خاک پاک جهت طهارت خود استفاده کند. هم اینکه یک خانم به حالات مخصوص فطری اش دچار میشود برای وی بسا تسهیلاتی وجو دارد. که حتی ترک نماز و افطار روزۀ ماه مبارک رمضان برایش جایز میشود.

حضرت رسول گرامی ﷺ در مورد این موضوع (آسانی در دین) احادیث گرانبهایی را ارشاد فرموده است که چندی آنرا ذکر می کنیم: (**عَن عَائشة رضی الله عنها قالت قالَ رَسُولُ اللهِ ﷺ إنَّ اللهَ رَفِيقٌ يحِبُ الرِفقَ فِي الأمرِكُلهِ**) {**متفق علیه**}

از حضرت عائشه صدیقه رضی الله عنها روایت است که رسول الله ﷺ فرمود: «به تحقیق خداوند کریم مهربان است و در تمام کارها نرمی و مدارا را دوست میدارد».

و نیز حضرت عائشه صدیقه در مورد آنحضرت ﷺ می‌فرماید: (**مَاخُيرِرَسُولُ اللهِ ﷺ بَينَ امرَين إلاّ اختَارأيسَرهُمَا مَا لَم يكُن إثماً فَإن كَان إثماً كَانَ أبعَد الناس عَنهُ وَمَا انتقمَ رَسُولُ اللهِ ﷺ لِنفسِهِ فِي شَيءٍ قَطٌ إلاّ أن ينتهَک حُرمَة اللهُ فينتقمَ لله بِهَا**) {**متفق علیه** }

حضرت عائشه صدیقه رضی الله عنها گفت هیچ گاه رسول الله ﷺ در بین دو کار مخیر نشده مگر اینکه آسان آنها را اختیار کرده (البته انتخاب رسول خدا مشروط به این بود) که در همان کار گناه نباشد. پس اگر در آن گناهی میبود. آنحضرت ﷺ نسبت به همه مردم از آن دوری میکرد. و هیچ گاه رسول خدا از برای نفسش از کسی انتقام نگرفته است؛ مگر به خاطر قایم بودن حرمت و حدود خداوند تعالی انتقام گرفته است.

و نیز حدیثی دیگری در رابطه به این الفاظ از جابر رضی الله عنه روایت شده است: (**قالَ رَسُولُ اللهِ ﷺ إذا أرادَ الله بِقَومٍ خَيراً دَخَلَ عَليهِم الرِفقا**) **رواه احمد**.

حضرت رسول الله ﷺ فرمود هنگامیکه خداوند تعالی به یک قوم اراده خیر کند در بین شان نرم دلی و نرم خویی را ایجاد میکند. یعنی در میان شان نرمی رایج میشود که به اثر آن همه ایشان نسبت به همدیگر مشفق و مهربان میباشند. نفاق و اختلاف از بین آن قوم رخت می‌بندد.

معنای کلمات: کوفه: یکی از شهرهای کشور عراق است، فطرت: سرشت و طبیعت انسانی، ابعاد: جمع بعد بمعنی جوانب، عفو: بخشش، توقع: آرزو و امید، بغض: دشمنی، ضد دوستی.

روش تدریس: سؤال و جواب، انفرادی و گروهی، توضیحی، تشریحی و مباحثوی

مواد ممد درسی: کتاب، تخته، تباشیر.....

وقت	فعالیت‌ها
۵دقیقه	بعد از رعایت موضوعات مقدماتی با طرح چند سؤال درس گذشته را ارزیابی می کند؛ طور مثال: کی می تواند بگوید داود علیه السلام چه خصوصیاتی داشت؟
۲۵دقیقه	بعد از شنیدن جواب‌ها عنوان درس را نوشته نموده نص حدیث مبارک درس را با دقت تام میخواند. در رابطه به عنوان توضیحات لازم ارایه می‌نماید و بعد از یک شاگرد می‌خواهد تا مفهوم عنوان را شرح کند. برای شاگردان هدایت دهید تا درس را خاموشانه مطالعه نمایند و خود در عین حال کلمات: کوفه، فطرت،

	ابعاد، عفو، توقع و بغض را روی تخته می‌نویسد. از یک شاگرد می‌خواهد تا کلمات روی تخته را معنی کند؛ البته سعی می‌ورزد تا معنای کلمات را شاگردان بازگو شوند. معنای کلمات را توسط یک شاگرد در مقابل لغات مربوط می‌نویسد. بعد از دو شاگرد بخواهید تا هر یک نص حدیث را دقیقاً بخواند. از شاگرد دیگرمی خواهد تا عناوین جانبی ذیل را بالای تخته صنف بنویسد: - حکمت حدیث شریف - در دعوت از نرمی کار گرفتن - دوری جستن از ایجاد تنفر - دوری جستن از اختلاف با استفاده از عناوین فوق، درس را برای شاگردان تشریح می‌نماید. در جریان تشریح کوشش می‌ورزد تا توجه همه شاگردان را به خود جلب کند. از چند شاگردی که در روزهای گذشته در فعالیت تشریحی کمتر سهم گرفته اند بخواهید تا هر کدام یک عنوان جانبی درس را برای دیگران تشریح و توضیح نماید. برای دو شاگرد وظیفه دهید تایکی ایشان نص حدیث مبارک را دقیقاً از روی کتاب بخواند و دیگری آن را ترجمه نماید. برای شاگردان چند دقیقه محدود وقت دهید تا آنچه به نظر شان در دین آسان است روی کاغذ جهت اظهار برای دیگران بنویسند. **ارزیابی** جهت اطمینان خود با استفاده از سؤالات کتاب درسی شاگردان را ارزیابی می کند.
۱۰دقیقه	**خلاصه** درس در نکات ذیل خلاصه میشود - دین اسلام دین سهولت، آسایش، امن و عاری از هر گونه حرج و سختی است. - حضرت رسول خدا مسلمانان را از بد بینی و بغض منع فرموده است. - تسهیلاتی که در دین اسلام وضع شده است در ادیان گذشته وجود نداشت. - در مورد آسانی در دین آیات متعدد و احادیث نبوی وارد شده است. - تنفر و اختلاف باعث بدبختی و از هم پاشی شیرازه مسلمانان میشود. - حضرت سعید بن ابی بُرده نواسه حضرت ابوموسی اشعری بود که در سال ۱۶۸ هجری در شهرکوفه وفات کرد.
۵دقیقه	**کارخانه گی** شاگردان را به انجام کارخانه گی کتاب درسی که نوشتن مقاله است مکلف می‌سازد.

درس: نزدهم

عنوان: لعنت گفتن

صفحه: ٦٨

وقت: دو ساعت درسی

اهداف:

شاگردان باید:

۱- متن حدیث مبارک را درست خوانده بتوانند.

۲- ترجمهٔ حدیث مبارک را بفهمند.

۳- از زشت گفتن و لعنت کردن اجتناب کنند.

۴- معنای کلمات را بدانند.

دانش لازمی

- برای هر مسلمان لازم است که از لعنت کردن و از گفتن اقوال بد و قبیح اجتناب ورزد. و همواره سعی کند که زبانش را از گفتن همچو اقوال بد حفظ داشته به تمام فرامین اسلام عامل باشد. خداوند کریم در سورهٔ بقره از عهد و پیمان بنی اسرائیل یاد می‌کند که یک جزء آن گفتن سخن نیکوست برای مردم. و می فرماید:

«**وَإذأخذنَامِيثاقَ بَنِي إسرَائِيلَ لا تَعبُدوُن إلاّ اللهَ وَبِالوَالدَينِ إحسناً وّذِي القُربَي وَاليتمي وَالمَسكِين وَقُولوُا لِلنّاسِ حُسناً وّأقِيمُوا الصّلوةَ وَآتوُالزّكوةَ**» (آیت ۸۳)

ترجمه: و چون ما گرفتیم از بنی اسرائیل عهد و پیمان بر اینکه عبادت نکنید چیزی را مگر ذات الله را عبادت کنید و با پدر و مادر و صاحبان قرابت و با یتیمان و مساکین نیکویی نمایید و برای مردم سخن نیک بگویید و برپا دارید نماز را و بدهید زکات را.

پس برای ما مسلمانان نیز لازم است تا در مقابل مردم سخن نیکو گفته و از سخنان بد و فحش پرهیز کنیم. زیرا برای کسی که خود را مسلمان می‌خواند لعنت کردن و فحش گفتن مناسب نیست؛ چنانچه در حدیث ذیل از آن نهی شده است:

(عن ابي هريرة أن رسول الله ﷺ قال لا ينبغي لصديق أن يكون لعاناً) (رواه المسلم)

ترجمه: از حضرت ابی هریرهٔ رضی الله عنه روایت است که به تحقیق رسول الله ﷺ فرمود: «مناسب نیست و نمی‌سزد برای هیچ صدیقی (برای هیچ مسلمانی) که بسیار لعنت گویا لعنت کننده باشد.»

مؤمن باید همیش متوجه زبانش باشد و کوشش کند که هیچگاه از زبانش الفاظ کفر، بد، دشنام، لعنت، و فحش صادر نشود. و باید در هر حال به خصوص در حالت قهر خیلی‌ها محتاط باشد؛ زیرا حفظ زبان از الفاظ بد بستگی به ایمان دارد. در حدیث دیگری حضرت رسول خدا می‌فرماید:«**مَن يضمِن لِي مَا بَينَ لِحِيبِهِ وَمَا بَينَ رِجليهِ أضَمَنُ لهُ الجَنّةَ**»

ترجمه: از حضرت سهل بن سعد روایت است که رسول الله ﷺ فرمود: «کسیکه به من حفظ آنچه را که در بین دو لحنش است؛ یعنی زبان و حفظ آنچه را که در بین دو پایش «فرج» است ضمانت کند. من برایش دخول جنت را ضمانت می کنم.»

حضرت رسول الله ﷺ حتی از لعنت کردن یهود منع فرمودند؛ چنانچه در حدیثی آمده است.

(عَن عَائِشةَ قَالت إستأذن َرهطٌ مِن اليهُود عَلي النّبي ﷺ فَقالُوا السَّامُ عَليكُم فَقلتُ بَل عَليكُم السَّام وَاللعنَةَ فقالَ يا عَائشةَ إنَّ اللهَ رَفِيق يحِبُّ الرِّفق فِي الاَمرِكُلهُ قُلتُ أولَم تَسمَع مَا قَالُوا قالَ قَد قُلتُ وَعَليكُم){متفق عليه}

ترجمه: از حضرت عائشه «رضی الله عنها» روایت است که: گروهی از اهل یهود از رسول الله ﷺ اجازه دخول خواستند بعد گفتند السام علیکم(مرگ بر تو) دعای بد کردند. پس گفتم بلکه بر شما باد مرگ و لعنت. پس رسول الله ﷺ فرمودند: ای عائشه به تحقیق خداوند تعالی لطیف است لطف و نرمی را در تمام امور دوست میدارد. عائشه صدیقه میگوید برای رسول الله ﷺ گفتم آیا نشنیدی چیزی را که آنها گفتند؟ رسول الله ﷺ فرمود: به تحقیق گفتم بر شما باد «هر آنچه را که گفتید».

در عصر رسول الله ﷺ اصحاب کرام بیشتر از همه میکوشیدند که از منکرات دوری جویند و هیچگاه یکی بر دیگری لعنت نمی‌کردند؛ اما متأسفانه در عصر ما کسانی هستند که والدین دیگران را دشنام می‌دهند و لعنت میگویند که در نتیجه لعنت به والدین خود شان بر می گردد و این حالت را رسول خدا برای اصحاب گرامیش گفتند و آنها همه تعجب کردند. که آیا شخص پدر و مادرش را دشنام میدهد برای شان چنین فرمود:

(عَن عَبدالله بِن عَمروقالَ قالَ رَسُولُ الله ﷺ مِن الکَبَائِرشَتمَ الرَّجُل وَالدَیهِ قَالوُا یا رَسُولَ الله ﷺ وَهَل یشتِمُ الرّجُل وَالدیه قالَ نَعم یسّبَ أبا الرَّجُل فَیسّبُ أباهُ وَیسّبَ ا ُمّهُ فیسّبُ اُمّهُ) {متفق علیه}

ترجمه: از حضرت عبدالله بن عمرو رضی الله عنه روایت است که رسول الله ﷺ فرمود: از جمله گناه هان کبیره یکی این است که کسی پدر و مادر خود را دشنام دهد. یاران گفتند یا رسول الله ﷺ آیا کسی پدر و مادر خود را دشنام میدهد؟ رسول الله ﷺ فرمود: بلی، شخصی پدر کسی را دشنام میدهد بعد آن کس پدر وی را دشنام میدهد. پس در حقیقت پدر خود را دشنام داده است و مادر کسی را دشنام میدهد، بعد آن کس مادر وی را دشنام میدهد. پس در حقیقت مادر خود را دشنام داده است.

معنای کلمات: مسؤول: سؤال شونده، تند خو: زشت، ملعون: لعنت شده، شریعت: راه و روش دین.

روش تدریس: سؤال و جواب، انفرادی و گروهی، توضیحی و تشریحی

مواد ممد درسی: کتاب، تخته، تباشیر.....

وقت	فعالیت‌ها
۵دقیقه	بعد از موضوعات مقدماتی با طرح چند سؤال درس گذشته را ارزیابی می کند؛ طور مثال: کی می‌تواند ترجمه این جزء حدیث مبارک را (یسّرَا وَلا تُعَسّرَا وَبَشّرَا وَلا تُنفرَا) روی تخته بنویسد. بعد از شنیدن جواب‌ها در مورد اهمیت حفظ زبان و گناه لعنت کردن برای شاگردان در روشنایی نصوص صحبت مختصر می نماید.
۲۵دقیقه	عنوان درس (لعنت گفتن) را توسط یک شاگرد روی تخته می‌نویسد. و بعد توجه شاگردان را به کتاب‌های شان معطوف داشته نص حدیث مبارک درس را با دقت تام میخواند از دو شاگرد می‌خواهد تا یکی از ایشان عناوین جانبی ذیل را بخواند و دیگر شان آنها را بنویسد: - حکمت حدیث شریف - لعنت گفتن گناه بزرگ است - دعای بد کردن لعنت گفته میشود - آمدن رسول الله ﷺ رحمت است

وقت	فعالیت‌ها
	برای شاگردان هدایت دهید تا درس را خاموشانه مطالعه نمایند و خود در عین حال کلمات مسؤول، ملعون و شریعت را روی تخته می‌نویسد. کلمات را توسط یک شاگرد معنا میکند. نص حدیث را بالای یک شاگرد میخواند و توسط شاگرد دیگر آنرا ترجمه میکند با استفاده از عناوین جانبی درس را برای شاگردان تشریح می کند. از چند شاگرد می‌خواهد تا هر کدام یک عنوان جانبی درس را به نوبهٔ خود در مقابل تخته تشریح کند. شاگردان را به دو دسته تقسیم نموده برای شان وظیفه دهید تا در مورد اضرار لعنت گفتن از هم دیگر سؤال نمایند و خود در عین حال نظم صنف را بر قرار داشته جواب‌ها درست و اشتباه را جداگانه نزد خود یاد داشت می کند بعد از ختم فعالیت گروهی جواب‌ها درست را تمجید نموده و جواب‌ها غلط را بدون توبیخ و نکوهش اصلاح می کند.
۱۰دقیقه	**ارزیابی** جهت اطمینان خود از یادگیری درس شاگردان را با سؤالات کتاب درسی ارزیابی می کند. **خلاصه** درس در نکات ذیل خلاصه میشود: - لعنت کردن گناه بزرگی است که حتی رسول خدا از لعنت کردن مشرکین خود داری نموده است. - برای هیچ مسلمانی مناسب نیست که لعنت گو باشد. - دعای بد در ذات خود یک نوع لعنت گفتن است باید مسلمان از آن پرهیز نماید.
۵دقیقه	**کارخانه گی** شاگردان را به انجام کارخانه گی کتاب درسی مکلف می‌سازد.

درس: بیستم

عنوان: اسباب بر خورداری از سایه عرش الهی در آخرت

صفحه: ۷۱

وقت: دو ساعت درسی

اهداف

شاگردان باید:

۱- نص حدیث مبارک را درست خوانده بتوانند.

۲- حدیث مبارک را ترجمه کرده بتوانند.

۳- در جوانی و حتی قبل از ایام جوانی به عبادت خداوند تعالی بپردازند.

۴- صفات اشخاص سعادتمند و نیک بخت را بشناسند.

دانش لازمی

- بنده گی و طاعت حق پروردگار عالم بالای بنده گانش میباشد و هدف از خلقت انسان و جنیات در این دنیا فقط همین است و بس؛ چنانچه خداوند ﷻ می‌فرماید: (**وَمَا خَلقتُ الجِنَّ وَالاِنسَ إلاّ لِيعبُدوُن**)(**سوره ذاریات آیه ۵۶**).

ترجمه: و من خلق نکرده ام جن و انس را مگر برای عبادت و بنده گی.

سرمشق دعوت و تبلیغ تمام انبیآ علیهم السلام برای امت و قوم شان فقط همین بوده که عبادت نکنید چیزی را به جز از الله؛ چنانچه در بسا آیات قرآن کریم این موضوع «عبادت خدای یکتا»: (**ألاّ تَعبُدُوآ إلاِ اللهَ**) وجود دارد.

- پس در هر زمان و عصر پیروان هر دین سماوی به عبادت خداوند تعالی مکلفیت داشتند و اگر ما به قرآن کریم دقت کنیم در بسیاری از آیات در میابیم که خداوندمتعال همه نظام کاینات و همه مخلوقات زمین را برای نفع انسان آفریده و برای بنده گانش همه را مسخر گردانیده و نیز انسان را برای طاعت و بنده گی آفریده است. یک آیت مبارک را طور نمونه بیان می کنیم (**وَسَخّرلَكُم الشّمسَ وَالقمَرَدَآئبَين وَسَخَّرلَكُمُ الّيلَ وَالنّهَار**)

ترجمه: و مسخر کردیم و یا رام (مطیع) ساختیم برای شما آفتاب و مهتاب را به طور همیشه و نیز مسخر کردیم برای شما شب و روز را حضرت سعدی علیه الرحمه این آیۀ مبارک را در قالب شعر تفسیر کرده است:

ابرو باد ومه و خورشید و فلک در کار اند

تا تونانی به کف آری و به غفلت نخوری

همه از بـــــهر سر توگشته فرمان بردار

شرط انصـــاف نباشد که تو فرمان نبری

- عبادت خداوند تعالی به دو قسم است. یک عبادت جسمی یا بدنی؛ مانند: نماز، روزه، تعلیم و تدریس... قسم دوم آن عبادت مالی است. مانند زکات، صدقات، اعمار مسجد و یا مدرسه. حج بیت الله... هر دو را در بر میگیرد یعنی جسمی و مالی است.

به طور عموم باید گفت که انجام هر آن کاری که مطابق قواعد اسلامی بوده باشد و مورد رضای خداوند تعالی قرار گیرد؛ در حقیقت آن در ذاتش یک نوع عبادت است، زیرا اگر ما تنها نماز و روزه را عبادت شماریم معیار بنده گی را

تکمیل کرده نمیتوانیم چون خداوند(**إلاّ لِیعبُدُونَ**) فرموده است. مسلماً بهترین عبادت آنست که توام با اخلاص باشد و در جوانی صورت گیرد.

به روایت حضرت عمر فاروقﷺ حدیثی آمده است که: حضرت رسول الله ﷺ در رابطه به اخلاص می‌فرماید: (**ان تَعبُدالله کَأنّک تَرَاهُ فَإن لَم تَکُن تَرَاهُ فَإنَّهُ یرَاکَ**) رواه مسلم: اخلاص آنست که عبادت کنی الله را مثلیکه او را میبینی پس اگر تو آن ذات را دیده نمی‌توانی پس یقیناً آن ذات ترا میبیند.

انسان باید بکوشد هنگامیکه به ادای فرامین خداوند تعالی مکلف می‌گردد؛ یعنی وقتیکه بالغ میشود به عبادت پروردگارش بپردازد. معلوم است که نزد خداوند منان عبادت در جوانی محبوبتر است؛ چون در این ایام تمام غرایض نفسانی و شهوانی انسان در وجودش فعال میباشد. و همواره آنرا به سوی انجام کارهای نا مشروع دعوت می‌کند؛ اما جوان مسلمان بالای همه خواهشات پا گذاشته به عبادت خالقش می‌پردازد؛ پس بدون شک از همین لحاظ است که جوان عابد و پرهیزگار در قطار سعداء و خوشبختان قرار گرفته است. این حدیث نزد محدثین کرام به نام حدیث سعداء مشهور است.

روش تدریس: سؤال و جواب، انفرادی و گروهی، توضیحی و تشریحی

مواد ممد درسی: کتاب، تخته، تباشیر..

وقت	فعالیت‌ها
۵دقیقه	بعد از موضوعات مقدماتی باطرح چند سؤال درس گذشته را ارزیابی می کند؛ طور مثال: کی می‌تواند بگوید لعنت گفتن از جمله کدام گناه‌ها به شمار میرود؟ کی می‌تواند این کلمه (لعّاناً) را معنا کند؟ بعد از شنیدن و در یافت جواب ها؛
۲۵دقیقه	از یک شاگرد می‌پرسد انسان با استفاده از نیروی جوانی اش به خاطر به دست آوردن رضای خداوند و پاداش آخرت باید چه کاری را انجام دهد. بعد از ارایه جواب توجه شاگردان را به کتاب‌های شان معطوف داشته نص حدیث مبارک را با دقت تام میخواند. به شاگردان هدایت دهید تا درس را خاموشانه مطالعه نمایند معلم از دو شاگرد می‌خواهد تا یکی ایشان عناوین جانبی درس را از روی کتاب بخواند و دیگرش آنها را بنویسد. - بنده گی در جوانی - علاقه مندی زیاد - محبت و دوستی به خاطر خداوند تعالی - صدقه دادن به شکل پنهان - گریه کردن از ترس خداوند متعال متن حدیث مبارک را توسط یک شاگرد خوانده و ترجمه آنرا از شاگرد دیگری میپرسد. از چند شاگرد بخواهید تا هر کدام یک عنوان جانبی درس را شرح کند.

	برای شاگردان وظیفه دهید تا در مورد مفاهیم درس بین هم بحث نمایند. بعد از دو شاگرد بخواهید تا هرکدام در رابطه به بهترین عبادت روی تخته دو سطر بنویسد. **ارزیابی** با استفاده از سؤالات کتاب درسی، شاگردان را ارزیابی می‌کند. **خلاصه** درس در نکات ذیل خلاصه میشود:
۱۰دقیقه	زیر سایه عرش خداوند در روز آخرت هفت طبقه قرار می گیرند: ۱- پادشاه عادل ۲- جوانی که در عبادت پروردگار نشو و نمو کرده باشد. ۳- مردی که قلبش به مسجد معلق و مرتبط باشد. ۴- دو کسی که خاص به خاطر رضامندی خداوند باهم محبت و دوستی می‌کنند و نیز به خاطر رضای پروردگار شان از هم جدا میشوند. ۵- کسیکه آن را زن زیبای به عمل نا مشروع دعوت می‌کند و او خاص از ترس خداوند اجتناب می‌ورزد. ۶- کسیکه در هنگام ذکر خداوند از چشمانش اشک جاری میشود. ۷- کسیکه صدقه اش خالی از ریا و خاص به خاطر رضای خداوند تعالی باشد و حتی المقدور کوشش می‌کند که هیچ فردی از دادن صدقه اش آگاه نشود.
۵دقیقه	**کارخانه گی** شاگردان را به انجام کارخانه گی از متن کتاب درسی مکلف می‌سازد. اینکه در مورد محتوا و مفهوم حدیث هر کس نسبت به بر داشتش یک مقاله پنج سطری بنویسد.

درس: بیست و یکم

عنوان: حالت اعتدال در کارها

صفحه: ۷۵

وقت: دو ساعت درسی

اهداف

شاگردان باید:

۱- متن حدیث مبارک را درست خوانده بتوانند.

۲- ترجمهٔ حدیث مبارک را خوبتر بدانند.

۳- راوی حدیث را دقیق بشناسند.

۴- در تمام کارهای خود معتدل باشند.

دانش لازمی

- دین اسلام دین اعتدال است و همه قواعد و احکامش به اعتدال استوار است.

بلی، اگر ما به اوقات نماز دقیق شویم به این نتیجه میرسیم که وضع این اوقات پنجگانه با طاقت و فطرت ما کاملاً ساز گار بوده و خالی از افراط و تفریط میباشد. و هیچگونه منافات با اوقات کاری ما ندارد. و به همین طور روزه ماه مبارک رمضان که در یک سال یک ماه فرض شده است؛ کاملاً موافق توان و طاقت انسان میباشد؛ اما متأسفانه بعضی اشخاص بدون کدام برهان و دلیل شرعی بالای خود مشقاتی را وضع می‌کنند؛ در صورتی که خداوند متعال در قرآن کریم از بنده گان معتدلش صفت کرده است؛ چنانچه می‌فرماید: «**وَالذِينَ إذَا أنفَقوُا لَم يسرِفوُا وَلَم يقتُرُوا وَكانَ بَينَ ذَلِکَ قوَاماً**» (سوره فرقان آیت ۶۷)

ترجمه: و کسانیکه چون خرج و انفاق می‌کنند؛ اسراف نمیکنند و همچنان در خرج و انفاق تنگدستی نمی‌کنند و در بین این دو معتدل می‌باشند.

و نیز خداوند کریم در مورد اعتدال در سوره بنی اسرائیل آیت ۲۹ می‌فرماید: «**لاتَجعَل يدَکَ مَغلوُلةً إلي عُنُقِک وَلا تَبسُطهَا كُلَّ البَسطِ فَتقعُدَ مَلوُماً مَحسُورًا**»

ترجمه: و مکن دست خود را بسته به گردن خود (هیچ انفاق نکنی). و نیز آنرا کاملاً باز مکن (که تمام دارایی خود را انفاق کنی). که بعد بنشینی ملامت شده و در مانده.

- انسان باید در هر معامله، اقتصاد و اعتدال را در نظر گیرد. نباید دستش را آنقدر بند کند که به گردنش بچسپد، یعنی هیچ گاه صدقه و انفاق نکند و نه آنقدر باز دستی کند که در نتیجه خودش به فقر دچار شود ابن کثیر می نویسد: (**فتُعطي فوقَ طاقتِک وَتخرُج أكثرمِن دَخلِک**) یعنی بالاتر از طاقت و یا بیشتر از عایدات خرج کردن هم اسراف است و تحت مصداق (**وَلاتبسُطهَا كُلّ البَسطِ**) می‌آید- تفسیر کابلی جلد ۳

حضرت رسول الله ﷺ در مورد اعتدال ارشادات گران بهای فرموده است که چند آنرا در این بحث ذکرمی کنیم: (**قالَ رَسُولُ اللهﷺ مَا عَالَ مَن اَقتصِدَ**) ترجمه: رسول خدا فرمود: کسیکه میانه روی و اعتدال کرد تنگ دست و محتاج نشد. و نیز رسول خدا در مورد اعتدال در عبادات فرموده است:

(عَن عَبدالله بِن عَمروبِن العَاص قالَ قالَ لِي رَسُولَ اللهﷺ يا عَبدالله ألم أخبر إنّکَ تَصُوم النّهَار وَتَقُوم اللَيل فَقلتُ بَلي يا رَسُولَ اللهﷺ قالَ فلا تَفعَل صُم وأفطِروَقُم وَنَم فَإنَّ لِجَسَدِکَ عَليکَ حَقاً وَإنَّ لِعَينِکَ عَليکَ حَقاً وَإنَّ لِزَوجِکَ عَليکَ حَقاً وَإنَّ لِزَورِکَ عَليکَ حَقاً لا صَام مَن صَام الدّهرِ صَوم ثَلاثة أيامٍ مِن كُلِّ شَهرٍ صَوم الدّهرِكُلّه صُم كُلّ شَهرٍ ثَلاثةَ أيامٍ وَاقرأ القُرآنَ فِي كُلِّ شَهرٍ قُلتُ إنّي أُطِيقُ أكثَرمِن ذلِکَ قالَ صُم أفضَل الصَومِ صَومَ دَاوُد صِيامِ يومٍ وَإفطَاريومٍ وَاقرَأ فِي كُلِّ سَبعِ ليالٍ مَرّةً وَلا تَزُد عَلي ذلِکَ) (متفق عليه)

از حضرت عبدالله بن عمرو رضی الله عنه روایت است که رسول الله ﷺ برای من فرمود: ای عبدالله آیا من خبرندارم (خبردارم) که تو روز را روزه میداری و شب را قیام می‌کنی پس گفتم بلی، چنین است یا رسول الله ﷺ فرمودند: پس چنین مکن. روزه گیر و نیز افطار کن شب خیزی کن و نیز خواب کن. پس یقیناً بدنت بالای توحقی دارد و چشم تو بالای تو حقی دارد و خانم تو بالای توحقی دارد و دوستان و مهمانان تو بالای تو حقی دارند. (به دیدن تومیایند یا تو باید به دیدن و زیارت شان روی) کسیکه روزه گرفت همه سال را در حقیقت روزه نداشت. سه روز روزه از هر ماه، روزه تمام سال است. روزه گیر در هر ماه سه روز و بخوان قرآن را در هر ماه گفتم من طاقت بیشتر دارم از این (در گرفتن روزه و خواندن قرآن) رسول الله ﷺ فرمود روزه گیر افضل ترین روزه را که آن روزه داوُد عليه السلام است. یک روز روزه و یک روز افطار. و بخوان قرآن را در هر هفته یک بار و زیاد مکن از این مقدار که برایت تعیین کردم.

حدیث فوق بیانگر اعتدال در همه طاعات؛ چون: نماز، روزه، تلاوت قرآنکریم، قیام شب است.

در حدیث ذیل حضرت رسول خدا اصحاب گرامیش را از افراط در دین منع و ایشان را به اعتدال امر فرموده است.

(عَن أنسٍ قالَ جَاءَ ثلاثة رَهطٍ إلي أزواجِ النبيﷺ يسألُونَ عَن عِبادةِ النبيﷺ فلمَّا أُخبِرُوا بِهَا كأنّهُم تقالُّوهَا فَقالوُا أينَ نحنُ مِن النبيﷺ وَقد غَفَرَاللهُ مَا تقدَمَ مِن ذنبهِ وَمَا تأخّرفقالَ أحَدهُم أمّا أنا فأصَلِي الليلَ أبداً وَقالَ الآخِرِ أنا أصُوم النّهارأبداً وَلا أُفطِرُ وَقالَ الآخِرأنا أعتَزلُ النّساءَ فلا أتزَوّجُ أبداً فَجاءَ النبي ﷺ إليهِم فقالَ أنتُم الّذِينَ قلتُم كَذا وَكذَا أمّا وَالله إنّي لاخشَاكُم للهِ وَأتقَاكمُ لهُ لكِنِي أصُومُ وَأفطِروَأُصَلّي وَأرقُدُ وَأتزَوّجُ النّساءَ فَمَن رَغِبَ عَن سُنّتِي فلِيسَ مِنّي) {متفق عليه}

ترجمه: از حضرت انس رضی الله عنه روایت است گفت: سه تن از اصحاب کرام نزد ازواج رسول الله ﷺ آمدند و از عبادت رسول خدا می‌پرسیدند. پس وقتیکه از کیفیت و مقدار عبادت رسول خدا برای شان خبرداده شد گویا آنرا (عبادت رسول الله را) کم پنداشتند. (چون گمان داشتند همانا که درجه و فضیلت آنحضرت عالی است عبادت اش هم بیشتر باشد) پس گفتند کجا رسیم ما به شأن رسول خدا به تحقیق خداوند آمرزیده گناه‌های قبلی و بعدی او را. پس یکی از ایشان گفت آگاه باشید من همیشه شب را در نماز سپری می‌کنم و دیگری گفت من همیشه روزه می‌گیرم و افطار نمی کنم. و دیگری گفت من همیشه از زنان دوری می‌جویم و نکاح نمی‌کنم. بعد رسول الله ﷺ نزد ایشان آمد و فرمود: آیا شمایید که چنین و چنان گفته اید؟ آگاه باشید به خدا سوگند که من ترسنده ترو پرهیزگارتر هستم به خداوند تعالی نسبت به

شما. مگر روزه می‌گیرم، افطار هم می‌کنم، نماز می خوانم، خواب هم می‌کنم و با زنان نکاح هم میکنم، پس کسی که از سنت من اعراض کند یا روی گرداند پس آن کس از امت من نیست.

روش تدریس: سؤال و جواب، انفرادی و گروهی، توضیحی، تشریحی و مباحثوی

مواد ممد درسی: کتاب، تخته تباشیر.....

وقت	فعالیت‌ها
۵دقیقه	بعد از موضوعات مقدماتی با طرح چند سؤال درس گذشته را ارزیابی می‌کند؛ طور مثال: کی می‌تواند آن هفت کسی را که خداوند آنها را در روز آخرت زیر سایه عرشش پناه میدهد نام ببرد؟ بعد از ارایه جواب‌ها شاگردان، توسط یک شاگرد عنوان درس را روی تخته بنویسید.
۲۵دقیقه	راوی حدیث حضرت جابرﷺ را برای شاگردان معرفی نموده نص حدیث مبارک را با ترجمه اش میخواند و حتی بعضی کلمات را در صورت احساس ضرورت تکرار می‌کند. در رابطه به عنوان درس جدید برای شاگردان معلومات مختصری را طور شفاهی ارایه می‌کند. برای شاگردان وظیفه دهید تا درس را خاموشانه مطالعه نمایند و خود عناوین جانبی ذیل را روی تخته صنف می‌نویسد: - اختیار نمودن حالت وسط در دین - بهترین عبادت آنست که همیشه باشد - اسلام دین اعتدال و میانه است با استفاده از عناوین جانبی درس را برای شاگردان تشریح کرده بالای بعضی نکات کلیدی تمرکز بیشتر می‌نماید. از چند شاگرد مورد نظر یعنی کسانیکه در روزهای گذشته در فعالیت تشریحی سهم نگرفته اند بخواهید تا هر کدام به نوبهٔ خود یک عنوان جانبی درس را تشریح کند. از شاگردان می‌خواهد تا در مورد مفاهیم و اهداف درس بحث و گفتگو نمایند و خود در عین حال بعضی نظریات را جهت واضح ساختن یاد داشت می‌کند. **ارزیابی** جهت اطمینان خود شاگردان را توسط سؤالات کتاب درسی ارزیابی می‌کند.
۱۰دقیقه	**خلاصه** درس در نکات ذیل خلاصه میشود: - راوی حدیث حضرت جابربن عبداللهﷺ است که ایشان نسبت خوردی سن در غزوه اُحد و بدر اشتراک نکرده اند؛ اما در تمام غزوات دیگر اشتراک فعال داشتند حضرت جابرﷺ در سال ۸۴ هجری به سن ۹۴ سالگی از دنیا رحلت نمود. - حضرت رسول اللهﷺ دین اسلام دین قوی محکم و مقتدر معرفی کرده و پیروانش را به اعتدال فرا خوانده است. - مسلمان موفق آنست که تمام امورات خود را به اعتدال استوار میدارد. - نتیجه اعتدال در انجام کارها ترقی و کامیابی است.
۵دقیقه	**کارخانه گی:** شاگردان را به انجام کارخانه گی از متن کتاب درسی مکلف میسازد.

درس: بیست و دوم

عنوان: آداب نشستن در راه

صفحه: ۷۸

وقت: دو ساعت درسی

اهداف

شاگردان باید:

۱- متن حدیث مبارک را درست خوانده و تلفظ کرده بتوانند.

۲- ترجمه حدیث مبارک را بفهمند.

۳- مفهوم محتوای درس را بدانند.

۴- از نشستن و ایستاده شدن بیجا در راه‌ها اجتناب ورزند.

۵- آداب استفاده از راه‌ها را درک کنند.

دانش لازمی

- دین اسلام در تمام امور آداب خاصی را در نظر گرفته است. بلی در نشستن و ایستاده شدن در راه‌های عمومی و یا فرعی هم آداب خاصی وجود دارد؛ چنانچه در حدیث همین درس آنحضرتﷺ آداب و حقوق راه را ارشاد فرموده است که عبارت از پوشیدن چشم از غیر محارم، اذیت نکردن مردم، جواب دادن سلام، امر به کارهای نیک و منع از کارهای بد و نا شایسته است. رهنمایی اشخاص نابلد نیز یکی از حقوق راه میباشد که باید رعایت شود.

بر یک مسلمان لازم است که در قسمت حفظ الصحه، محیط زیست، پاکی راه ها، کوچه و سرک‌ها محتاط و جدی باشد. و همیشه بکوشد بر اینکه برای همنوع خود دسترسی، کمک و خیر اندیشی نماید. و در کارهای عام المنفعه؛ مانند: ساختن مسجد، راه، پل، سرک، کلینک، مکتب و غیره سهیم باشد. تا در زنده گی از عزت و کرامت انسانی و اسلامی برخوردار گردد و بکوشد که حتی بعد از مرگ برایش اجر و ثواب عطاء شود؛ چنانچه در حدیثی آنحضرتﷺ می‌فرماید: «**إذا مَاتَ الإنسان انقَطعَ عَنهُ عَملهُ إلاّ مِن ثَلاثة إلاّ مِن صَدقةٍ جارية أو عِلمٌ ينتفَعُ بِه أو وَلَدٌ صَالِح يدعُولهُ**»(رواه مسلم)

ترجمه: از حضرت ابی هریره‌رضی الله عنه روایت است که رسول اللهﷺ فرمود: وقتیکه انسان میمیرد از وی ثواب اعمالش قطع میشود به جز ثواب سه چیز، صدقهٔ جاریه (مانند ساختن مسجد، مدرسه، پل، سرک و غیره) و علمیکه نافع باشد؛ مانند: تدریس، تعلیم، تصنیف، تألیف و غیره. و فرزند نیک کردار و صالح که برای وی بعد از مرگش دعا می‌کند.

فرزند صالح همانا فرزند نماز خوان است، زیرا معمولاً دعا درپی نماز صورت میگیرد پس باید در اخلاق و تربیه اسلامی فرزندان کوشید.

- دین اسلام به مسایل اخلاقی؛ چون: نشستن در راه و دور کردن اشیای مضر از سر راه؛ هم در آن شامل است توجه خاصی داشته و پیروانش را به رعایت آن دستور داده تشویق می‌کند. در حدیث دیگری رسول خدا ثواب دورکردن اشیای مضر را از سر راه با ثواب استغفار، تسبیح، تهلیل، تکبیر و امر به معروف و نهی از منکر برابر خوانده چنانچه می‌فرماید: «**خُلقَ كُلّ إنسان مِن بَنِي آدَم عَلي سِتينَ وَثلثَمِائَةَ مَفصِل فَمَن كَبَّرَاللهَ وَحَمدِاللهَ وَهلّل الله وَسَبّحَ اللهَ وَاستَغفِرالله وَعَزل**

حَجراً عَن طَرِيقِ النَّاس أو شَوكَةً أوعَظماً أوأمرَبِمَعرُوفٍ أونَهي عَن مُنكرٍ عَدَدَ تِلكَ السَتّين وَالثّلثمِائةَ فَإنَّهُ يَمشِي يومَئِذٍ وَقَد زَحزَحَ نَفسَهُ عَن النَّار) «رواه مسلم»

ترجمه: از حضرت عائشه «رضی الله عنها» روایت است که رسول الله ﷺ فرمود: هر فرزند بنی آدم با سه صدو شصت بند یا مفصل خلق شده. پس کسیکه به خداوند تعالی تکبیر گوید(اللهُ اکبر) و خداوند تعالی را ستایش کند و (الحمدُ لله) گوید و خداوند تعالی را تهلیل کند. (لاإله إلاّ الله) بگوید و خداوند تعالی را به پاکی یاد کند (سبحان الله) گوید و از خداوند بی نیاز آمر زش طلبد.

(استغفرالله) یا اللهمّ اغفرلی گوید یا سنگی، خاری، استخوانی یا چیز مضر دیگری را از راه مردم دور کند یا امر به معروف و نهی از منکرکند. پس اگر این اقوال را گفت و یا انجام داد به شمار سه صدو شصت بند به تحقیق که آن شخص میرود در حالیکه نفس خود را از آتش دوزخ نجات داده است.

معنای کلمات: اجتهاد: کوشش کردن و در اصطلاح فقه استنباط مسایل شرعی از نصوص، اذیت: آزار، تکلیف، عابرین: جمع عابر، گذرنده گان، تجسس: جستجوکردن، غزوات: جمع غزوه معرکه ای که رسول اکرمﷺ خود در آن اشتراک نموده است

روش تدریس: سؤال و جواب، انفرادی و گروهی، توضیحی، تشریحی و مباحثوی

مواد ممد درسی: کتاب، تخته، تباشیر....

وقت	فعالیت‌ها
۵دقیقه مقدمه	بعد از موضوعات مقدماتی با طرح چند سؤال درس گذشته را ارزیابی می کند؛ طور مثال: کی می‌تواند فواید اعتدال را در یک جمله مختصراً بیان کند؟ بی عدالتی باعث چه میشود؟ بعد از شنیدن جواب ها، از شاگردان می‌پرسد آیا شما کدام واقعه و یا حادثه یی را به یاد دارید که به اثر نشستن در راه عامه به اتفاق افتاده باشد؟
۲۵دقیقه تقدیم درس	به حرف‌های شاگردان گوش فراه داده نتیجه حادثات زنده را با درس ارتباط می‌دهد. برای یک شاگرد وظیفه دهید تا عنوان درس را روی تخته بنویسد. توجه شاگردان را به کتاب‌های شان جلب نموده نص حدیث مبارک را با دقت کامل قرائت میکند و نیز بعضی کلمات آنرا در کنار تخته صنف رونویس میکند. برای دو شاگرد وظیفه دهید تا یکی عناوین جانبی ذیل را خوانده و دیگرش آنها را بنویسد: - دوری گزیدن از نشستن در راه - دوری نمودن از نظربد - دعوت به کارهای نیک و منع از کارهای بد - جواب دادن سلام برای شاگردان وظیفه دهید تا درس را خاموشانه مطالعه نمایند. و خود در عین حال کلمات اجتهاد،

اذیت، عابرین، تجسس، و غزوات را روی تخته بنویسید. از دو شاگرد مورد نظر (کم سهم در فعالیتها) بخواهید تا به همکاری یکدیگر کلمات روی تخته را معنا نموده در مقابل کلمات مربوط بنویسند. اگر شاگردان در معنا کردن کلمات مشکل داشتند ایشان را همکاری می‌نماید. متن حدیث مبارک را توسط یک شاگرد و بقیه درس را توسط چند شاگرد دیگر میخواند. با استفاده از عناوین جانبی درس را برای شاگردان تشریح نموده بالای بعضی نکات ترکیز بیشتر می کند. شاگردان را به گروپ‌های مناسب تقسیم نموده از ایشان می‌خواهد تا در مورد درس از همدیگر سؤال نمایند. و خود نظم صنف را کنترول نموده جواب‌ها اشتباه را جهت اصلاح نزد خود یاد داشت میکند. **ارزیابی** جهت اطمینان خود از یاد گیری درس شاگردان را توسط سؤالات کتاب درسی ارزیابی می کند.	
خلاصه درس در نکات ذیل خلاصه میشود: ۱- حضرت ابوسعید خدری﷜ از اهل مدینه منوره بود که در فقه و اجتهاد دست بالای داشت ایشان در سال ۷۴ هجری وفات کردند - نشستن در سر راه‌ها و کوچه‌ها بدون ضرورت کار خوبی نیست باید اجتناب شود. - اگر کسی ضرورت دارد اینکه سر راه بنیشیند باید آداب و حقوق آن را مراعات کند. - حقوق راه عبارت از پوشیدن چشم از زنان نامحرم، نر ساندن ضرر بر دیگران، جواب دادن سلام، امر به کارهای پسندیده و نهی از کارهای بد میباشد.	۱۰دقیقه
کارخانه گی شاگردان را به انجام کارخانه گی مکلف میسازد. و برای شان یاد آور میشود اینکه در مورد آداب نشستن در راه عام یک مقاله شش سطری بنویسند.	۵دقیقه

بخش فقه

درس: بیست و سوم

عنوان: خانواده

صفحه: ۸۳

وقت: دو ساعت درسی

اهداف

شاگردان باید:

۱- بدانند که خانواده یک مدرسهٔ انسانیت است.

۲- معنی و مفهوم خانواده را درست درک نمایند.

۳- در رابطه به اهیمت خانواده صحبت کرده بتوانند.

دانش لازمی

خانواده چیست؟

خانواده عبارت از مرد، زن، فرزندان و اقارب است و در اصطلاح شرعی خانواده متشکل از گروه و جماعتی اند که زیربنای جامعه را تشکیل می‌دهند و بنای آن بر روابط همسری میان زن و مرد استوار است و پیامد آن وجود فرزندانی است که به صحنه زنده گی گام می گذارند. خانواده در ارتباط نزدیک با پدرکلان، مادرکلان، برادران و خواهران آنها، نوادگان، فرزندان پسر و دختر، کاکاها، عمه‌ها، خاله‌ها و فرزندان آنها خواهد بود.

مفهوم لغوی و شرعی خانواده شامل معنای حمایت، نصرت و وجود روابط تفاهم و همکاری مبنی بر اساس دین مقدس اسلام می‌باشد.

نظام خانواده: عبارت است از احکام و قوانینی که در آغاز و انتهای زنده گی خانوادگی امور و شئون آن را سرو سامان می‌بخشد.

انواع خانواده‌ها

خانواده سه نوع است: کوچک، متوسط و بزرگ.

خانوادهٔ کوچک: به زن و شوهر وفرزندان محدود می‌شود که موضوع درس ما هم همین است.

خانوادهٔ متوسط: شامل اقوام و خویشاوندان؛ مانند: پدر، مادر، پدرکلان، مادرکلان، برادر، خواهر، کاکا، عمه، خاله و... می‌شود و این‌ها کسانی هستند که در ارتباط با اصطلاح «صله رحم» مورد نظر می‌باشند و رعایت محبت و ارتباط با آنان زمینه ساز برکت در عمر و روزی می‌شود؛ زیرا در حدیث قدسی آمده است که: «من خداوندم، من مهربانم، خود مهربانی را آفریده‌ام و از آن اسمی را برای خود برگزیده‌ام، هر کس آنرا مراعات نماید از او حمایت و مراقبت می‌نمایم و هر کسی آن را قطع کند، با او قطع رابطه خواهم نمود».([1])

[1]- اخرجه ابوداود و الترمذی.

خانوادهٔ بزرگ: عبارت از جامعه است که شامل: همسایگان دوستان،خویشاوندان و دیگران میشود و خداوند اساس ارتباط‌شان را بر برادری قرار داده و همه را با «محبت» ارتباط متقابل و تفاهم فراخوانده است و میفرماید: (**إِنَّمَا الْمُؤمنونَ إِخْوَةٌ**) (الحجرات / ١٠) ترجمه: «مؤمنین با هم برادرند».

هم‌چنین همه جامعه بشری و انسانی را در بر می‌گیرد و خداوند همه انسانها را به تعاون و همبستگی متقابل فراخوانده و فرموده است:

(**يا أَيهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُم مِّن ذَكَرٍ وَأُنثَى وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِندَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ**) (الحجرات / ١٣)

ترجمه: «ای مردم! ما شما را از مرد و زنی (به نام آدم و حوّا) آفریده‌ایم و شما را به صورت قبیله و عشیره در آوردیم، تا همدیگر را بشناسید (و با هم در ارتباط باشید) و گرامی ترین شما نزد خداوندﷻ پرهیزگار ترین شماست».

خانواده و اهمیت آن:

خانواده مدرسه یی انسانی و ضرورت اساسی برای پرورش نفس و ادامهٔ زنده گی آرام و کمک به انتظام جامعه و تقویت آن به عواملی سازنده، بقاء و ماندگاری نوع بشری است.

اما پرورش نفس انسانی متکامل که ظهور رشد جسمی و عاطفی انسان اعم از زن و مرد باشد، از طریق ازدواج تحقق میابد، ازدواجی که به اشباع غرائز فطری پاسخ مثبت دهید و نیازهای غریزی را برآورده می‌سازد و خواسته‌های روحی، عاطفی و جسمی را تأمین می‌نماید و همه این‌ها در راستای تحقق اعتدال و توازن است که از محرومیت انسان از مسایل غریزی از یک طرف و از طرف دیگر از بی‌بندوباری و زیر پا نهادن فضیلت و اختلاف و ناهنجاری‌ها پیشگیری می‌نماید.

اما در پیش گرفتن زنده گی سالم و آرام از خلال خانواده است که تحقق پیدا می‌نماید؛ همکاری سازنده و نیرومندی برای چیره شدن بر مشکلات زنده گی به وجود می‌آورد و فضای پر از عشق، محبت، الفت، آرامش و سلامت را فراهم میگرداند و در مقابل دشمنی‌های دشمنانِ پیدا و پنهان می‌ایستد و در برابر همه لغزش‌ها و ضعف‌ها و بیماری‌ها مقاومت می‌نماید و مهربانانه دست کودکان را میگیرد و آنان را به سوی رشد و تکامل پیش می‌برد و سالمندان را از تنهایی، اهمال، بی پناهی و بی سرپناهی نجات دهید تا در زمان ضعف، ناتوانی و نیازشان به مساعدت و محبت، مورد بی توجهی قرار نگیرند.

از این نظر خانواده پشتیبان نظام اجتماعی و ادامهٔ نسل بشری است که از هنگام پا به صحنهٔ زنده گی گذاشتن فرزندانی سالم و پاک از نسل، نسب و وجود بشری پاسداری کنید و جامعه را در مقابل بیماری‌های ناشی از روابط نامشروع مصون می‌دارد.

در زیر چتر خانواده می‌باشد که در انسان روح فرمانبرداری و احساس مسؤولیت برای اثبات ذات و شخصیت و آباد نمودن عرصه‌های زنده گی و آموختن ارزش‌هایی مانند: ایثار، فدا کاری، صبر، تحمل، سخاوت، بخشنده گی و امانتداری رشد می‌نماید و نهال اخلاق، فضیلت و معنای زنده گی حقیقی در جامعه‌یی کوچک رشد و نمو می‌نماید. جامعه کوچکی که یار و پشتیبان جامعه انسانی بزرگتر و میدانی برای تربیت مستقیم و عملی در جهت تحقق معنای همبستگی اجتماعی مادی و معنوی آن‌چنانی است که برای هر جامعه یی ضرورت اساسی به شمار می‌آید؛ زیرا همه جامعه را به صورت پیکر واحدی در میدان زنده گی مشترک، محبت متقابل، دلسوزی، احساس مسؤولیت و گسترش

همکاری برای پیشرفت در همه عرصه‌های زنده گی اجتماعی است می‌دانند و سدی را در برابر اندیشه‌ها و گروه‌های مخالف و ناهنجاری‌ها ایجاد می‌نماید و از همه انواع عقب مانده گی؛ لغزش؛ و شیوع بیماری‌های سه‌گانه خطرناک فقر، نادانی و بیماری جلوگیری می‌نماید.([1])

روش تدریس: سؤال و جواب، تشریحی، مباحثه.

مواد ممد درسی: کتاب، تخته و تباشیر.

وقت	فعالیت‌ها
۵دقیقه	بعد از ادای سلام و احوال پرسی راجع به مضمون فقه برای شاگردان معلومات لازم دهید و بخش فقه را با موضوعات آن مختصرا معرفی می‌نماید. عنوان درس جدید (خانواده) را بر تخته بنویسید. برای شاگردان هدایت دهید تا درس را خاموشانه مطالعه نمایند.
۲۵دقیقه	برای شاگردان هدایت دهید تادر مورد اینکه: در صورت عدم نکاح، اطفال از نعمت پدر محروم میشوند، و هم در مورد نقش مادران در امر ترتیب خانواده بین هم مباحثه نمایند. نتیجه بحث را از چند شاگرد میپرسد. معلم محترم عناوین جانبی درس - خانواده چیست؟ - زیربنای تشکیل خانواده - ازدواج سبب تحقق مصالح اجتماعی است - حفظ نسل انسانی - حفظ و نگهداری نسب را بالای تخته می‌نویسد و با استفاده از عناوین جنابی درس را برای شاگردان تشریح و توضیح مینماید. از چند شاگرد میخواهد تا هر کدام یک عنوان را شرح کند. **ارزیابی** با استفاده از سؤالات کتاب درسی شاگردان را ارزیابی می کند. **خلاصه** خانواده عبارت از: اعضای یک فامیل و خویشاوندان نزدیک میباشد و راه تشکیل یک خانواده سالم ازدواج بوده که ثمرات آن تولد فرزندان میباشد. انسان باداشتن یک خانواده سالم و خوشبخت می‌تواند برمشکلات گوناگون فایق آید و فضایی پر از محبت، و دوستی را در جامعه ایجاد نماید. و زنده گی زیر چتر خانواده ارزشهایی؛ مانند: صبر، تحمل، سخاوت و امانتداری و..... را تقویت می‌بخشد.

[1]– فقه خانواده دردنیا معاصر:دوکتوروهبه زحیلی.

ادامه درس: بیست سوم

عنوان: خانواده

صفحه: ۸۳

وقت: دو ساعت درسی

اهداف

شاگردان باید:

۱- بدانند که خانواده یک مدرسهٔ انسانی است.

۲- به معنی و مفهوم خانواده آگاهی حاصل نموده و در مورد آن نظریات خود را ارایه کرده بتوانند.

۳- اهیمت خانواده را در جامعه خوبتر درک کرده بتوانند.

دانش لازمی

ویژه گی‌های بنیادی در یک خانواده مسلمان:

خانواده مسلمان خانواده یی است که پابند مقررات شریعت اسلامی و اخلاق و آداب اسلامی می‌باشد و برای به دست آوردن خیر و منافع این دنیا و دنیای پس از مرگ تلاش می‌نماید و برای زنده گی در جامعه یی سالم با روشی هوشیارانه و اسلوبی آرام برای تحقق سربلندی دنیا و سعادت آخرت از هیچ سعی و تلاش دریغ نمی‌ورزد.

به همین خاطر خانوادهٔ مسلمان همیشه میان آرمان گرایی واقع بینی و دیدگاه فراگیر و جزئی نگری و عوامل ثابت و متغیر تعادل لازم را فراهم می‌نماید.

در عرصه آرمان گرایی و واقع بینی، خانواده مسلمان تلاش کنید که از زنده گی خوب و سالم و در آمدی کافی و آینده یی روشن و در حال ترقی برخوردار باشد و خیر و سعادت خویش را در عملی نمودن مسؤولیت‌های دینی و احکام اسلامی می‌داند و هیچ یک از رهنمودهای قرآن و سنت را به دست فراموشی نمی‌سپارند.

آنان از همان روزهای خواستگاری و نگاه‌های پاک و تفاهم ابتدایی با نشست‌ها و دیدارهای صریح و صادقانه و به دور از شک، شبهه و فریب کاری سنگ بنای سعادت خود را در زمین استوار می‌مانند توانایی‌ها و ویژه گی ها، تناسب و شایستگی میان دختر و پسر را مورد توجه قرار می‌دهند و هر یک از آنان به مسؤولیت‌های فطری و اجتماعی خویش عمل می کنند و مرد از طریق کار و تلاش مخارج زنده گی را فراهم می‌سازند و زن هم به ادارهٔ امور منزل و سر پرستی فرزندان می‌پردازد. در خانوادهٔ مسلمان مرد براساس مشورت، بررسی، تعاون و هماهنگی که اساس سالم برای هرگونه زنده گی اجتماعی است قوامت، سر پرستی و نظارت را بر دوش دارد.

اساس روابط زن و مرد بر اطمینان متقابل و در کلام و معاشرت براساس اعتبارات انسانی ارزشمند استوار میباشد. در رابطه با هزینه‌های زنده گی از ریخت و پاش پرهیز نموده و راه اعتدال را در پیش می‌گیرند و زن شوهرش را به خریداری چیزهایی که با درآمد او سازگاری ندارد مجبور نکنید و مرد نیز همسرش را به کارهایی که در حد توان و استعداد او نیست مجبور نمی‌سازد و در حالت بیماری او را مورد مراقبت قرار می‌دهد.

معیار این روابط مشترک بر اساس: میانه روی در جدیت، قاطعیت، تسامح، نرمش، عشق، متابعت، احترام متقابل، معرفت، تجمع مخاطر و مشکلات و پرهیز از افراط و تفریط و تلاش برای جلب رضایت خداوند است.

رعایت اعتدال در زمینه «فراگیری و جزئی نگری» بدین مناسبت که خانواده برای سر و سامان دادن به امور خود به صورت گام به گام عمل نماید و کاخ زنده گی خود را مرحله به مرحله بسازد و برای رسیدن به آرزوها و امیدهایش نخواهد که راه یک ساله را در یک روز طی کند و به اندک و حد اقل هم قناعت ننماید و مبنای روابط خود را با خویشاوندان براساس روش مطلوب و جدی و در عین حال واقع بینانه و آرمان گرایانه، پایه ریزی کند.

اما در رابطه با مراعات «ثوابت و متغیرات»: خانوادۀ مسلمان به اصول و ارزش‌ها و روش‌های قطعی و ضروری اسلام احترام می‌گذارد و در عین حال اوضاع، احوال، تحولات زمان و مخاطر آینده را مورد توجه قرار می‌دهد، حدود و موازین شریعت خداوند را زیر پا نمی‌نهند.

تربیت فرزندان

یکی از محورهای اساسی بنای کاشانۀ سالم و پاسداری از هویت و ویژه گی‌های آن، اهتمام تام و تمام به آموزش و پرورش فرزندان است و لازم به یاد آوری است که معنای تربیت و پرورش بسیار گسترده تر از معنای تعلیم و آموزش است.

تربیت: به معنای بارآوردن و رشد بخشیدن به فرزند تا رسیدن گام به گام به مرحله کمال است و همه جوانب تربیت مادی و جسمی، نفسی و روحی، عقلی و فکری، رفتاری و اجتماعی را شامل می‌شود.

تعلیم: جزئی از تربیت به شمار می‌آید و متضمن در اختیار گذاشتن معلومات مورد نیاز کودکان برای اصلاح امور زنده گی است که تنها به جنبۀ عقلی و اندیشه ارتباط پیدا می‌نماید؛ اما تربیت همه جوانب جسمی، عقلی، شخصیتی، معنوی و دیگر جوانب وجودی او را شامل می‌شود.

برای رشد و بالنده گی فرزندان هم تربیت لازم است و هم تعلیم ؛ زیرا آنان امانت هایی هستند که به پدر و مادران‌شان سپرده شده اند. رسول خدا ﷺ می‌فرماید: «بهترین هدیه والدین به فرزندان خود، تربیت خوب آنها است».([1])

امام محمد غزالی می‌فرماید:

«باید دانست که روش تربیت فرزندان یکی از مهم ترین و اساسی ترین امور زنده گی است. فرزندان نزد والدین شان امانت‌اند و قلب پاک آنها گوهرهای گرانبها و بی غل و غشی است که از هرگونه نقش و تصویر خالی‌اند و پذیرای هرگونه نقشی می‌باشند و به هر سویی که خواسته شود، متمایل می‌شوند و چنانچه به کار و گفتار خیر و آموزنده عادتشان دهند، براساس آنها بزرگ می‌شوند و سعادت دنیا و آخرت را کسب می‌کنند پدر و مادر، معلم و مربی نیز با آنان سهیم خواهند بود.

اما چنانچه به شرارت و بدکاری خو کنند و هم چون چهارپایان مورد بی مهری و بی توجهی قرار گیرند، بدبخت و نابود می‌گردند. والدین، معلم و مربی ـ که در مورد تعلیم و تربیت شان کوتاهی کرده باشند ـ در مجازات گناه و خلا فکاری آنها شریک خواهند بود. خداوند متعال می‌فرماید: (**يا أَيهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا**) (التحریم / ۶)

ترجمه:«ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خود و خانواده‌هایتان را از(عذاب) آتش مصون دارید».

---

[1]- اخرجه الترمذی و قال هو مرسل.

اصول پرورش اسلامی

۱- پرورش ایمانی

سلامت عقیده و ایمان انسان‌ها روح رسالت اسلام است که به وسیلۀ کاشتن نهال ارکان ایمان به خداوند و ملائک و کتاب‌های آسمانی و پیامبران و جهان آخرت و قضا و قدر و زنده گی پس از مرگ در قلب و روح آنان تحقق می‌یابد.

برای معلم و مربی قبل از همه لازم است با زبان ساده و دلایل قابل درک بر روی اثبات وجود خداوند و توحید و یکتا پرستی تلاش کنند و سعی نمایند که نهال محبت خداوند و شکر نعمت‌ها و بخشش‌های او را در دل کودکان غرس کنند و او را متوجه این حقایق بسازند که حاکم و فرمانروایی مطلق در دنیا با ایجاد جاندار و بیجان و در آخرت با زنده نمودن و حساب و کتاب تنها از آنِ خداوند است.

پس از آن معلم و مربی کودک را با منزلت و عظمت قرآن آشنا سازند و به او بگوید که قرآن به خاطر آن که کلام و هدایت خداوند است با دیگر کتاب‌ها که از آنِ انسان‌هاست، بسیار فرق دارد و ابتدا روخوانی و سپس روش حفظ بعضی یا همه قرآن را به او بیاموزند. به ویژه معلمان تلاش کنند تا که کودکان چهار جزء آخر آن را حفظ کنند. زیرا خداوند متعال می‌فرماید: ﴿ **إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يِهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ** ﴾ (الاسراء / ۹)

ترجمه: «این قرآن (مردم را) به راهی رهنمایی می‌نماید که مستقیم ترین راه‌ها (برای رسیدن به سعادت دنیا و آخرت) است».

همچنین رسول خداﷺ می‌فرماید: «بهترین شما کسانی هستند که قرآن را بیاموزند و آن را به دیگران آموزش بدهند». ([۱])

یکی از روش‌های تربیت قرآنی اهتمام به آموزش سوره‌های «نور و لقمان و حجرات» به کودکان است.

پس از آن مربی برای ایجاد و تقویت محبت رسول خداﷺ در دل کودک تلاش نماید و به او بفهماند که حضرت محمدﷺ آخرین و گرامی ترین پیامبران است و پیروی از سنت و روش او و حفظ فرموده‌هایش قبل از همه بسیار ضروری است.

و بعد از آن نهال محبت نیک مردان و پیشگامان «ایمان و عمل صالح» به ویژه فضیلت و کرامت اصحاب رسول خداﷺ را بر زمین دل او غرس کند، زیرا آنان به رسول خداﷺ آگاهانه ایمان آوردند و از او پشتیبانی کردند و از نوری که برای رسول خداﷺ نازل گردیده بود، بهره گرفتند و به راستی پیروز و سعادتمند گردیدند.

همچنین برمربی لازم است که عشق به ایمان و جهاد در راه خداوند و رویارویی با دشمنان اسلام و مسلمانان را در دل شان تقویت نماید. به ویژه دشمنانی که کینه مسلمانان را در دل دارند و برعلیه آنها توطئه چینی می‌کنند و به سرزمین و اموال و آبروی آنان تعرض می‌نمایند و به آنها بیاموزند که مدام برای رویا روی با آنها لازم است امکانات و تدارکات مادی و معنوی ضروری را فراهم کنند تا در موقع مناسب بتوانند سرزمین‌های اشغال شده مسلمانان را آزاد و حقوق از دست رفتۀ آنها را دوباره به دست بیاورند.

---

[۱]- اخرجه البخاری و مسلم و ابوداود.

ممکن است آموزش صحیح حدیث زیر به آن چه که گفته شد به صورت مطلوب مثمر باشد. ترمذی از ابن عباسﷺ روایت می‌نماید که: روزی همراه رسول خداﷺ بودم. ایشان خطاب به من فرمود:

«ای نو جوان، مسایلی را به تو می‌آموزم. (به آنها خوب توجه کن). از هدایت خداوند محافظت کن تا خداوند از تو محافظت نماید، خداوند را حاضر و ناظر بدان، تا او را پیشِ روی خود ببینی، هرگاه خواسته یی داشتی، آن را تنها از خداوند بخواه! و هرگاه به کمکی نیاز پیدا کردی تنها از خداوند استعانت بجوی! بدان اگر همه مردم با هم دست به یکی کنند و بخواهند نفعی را به تو برسانند، هیچ نفعی را به جز همان چیزی که خداوند قرار داده است، به تو نخواهند رسانید. و اگر همه با هم جمع شوند تا زیانی را متوجه تو بنمایند، جز همان زیانی را که خداوند مقدر کرده به تو نخواهند رسانید، قلم‌ها از نوشتن بازایستاده و صحیفه‌ها خشک شده اند».(۱)

در روایت‌های دیگر ـ به جز روایت ترمذی ـ در ادامه آن حدیث آمده است:

«... در آسایش خداوند، را فراموش مکن، تا او هم تو را در سختی‌ها فراموش ننماید. بدان آن چه که برایت پیش نیامده، قرار بر آن بوده که برای تو اتفاق نیفتد. و آن چه را که برایت روی داده، قرار نبوده که برای تو پیش نیاید. بدان که پس از صبر نوبت پیروزی است و به دنبال گرفتاری، نوبت گشایش و پس از هر آزردگی نوبت آسودگی است».

هرگاه کودکی معنای این حدیث را به خوبی بفهمد و به آن ایمانی استوار پیدا نماید، از شخصیتی قوی و با اراده برخوردار خواهد شد که با همه سختی‌ها و مشکلات مقابله خواهد نمود.

۲- پرورش بدنی

سلامت شخصیت انسانی و توانایی جسمانی دو پایه اساسی پرورش درست فرزندان است؛ زیرا عقل سلیم در بدن سالم است و لازمهٔ عمل به مسؤولیت‌های زنده گی، برخور داری از توانایی جسمی می‌باشد و ضعف و سستی جسمی مانع از قیام به بسیاری از مسؤولیت‌ها می‌شود.

خداوند متعال بر بنده گان خود به خاطر برخوردار نمودن آنها از بهترین خلقت و آفرینش منت نهاده و فرموده است:

﴿ لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ﴾ (التین / ۴)

ترجمه: «ما به راستی انسان را (از نظر جسم و روح) در بهترین شکل و زیباترین سیما آفریده ایم».

و پیامبر بزرگوار اسلام می‌فرماید: «**الْمؤمن الْقَوِيُّ خَيرٌ وَأَحَبُّ إِلَى اللَّهِ مِنَ الْمؤمن الضَّعِيفِ وَفِى كُلٍّ خَيرٌ** ا» (۲)

ترجمه: «مؤمن قوی و توانا نزد خداوند بسیار محبوب تر و بهتر است از مؤمن ضعیف و ناتوان و در هر یک (به درجاتی) خیر و منفعت وجود دارد».

۳- پرورش عبادی

عبادت در اسلام ثمره و بازتاب طبیعی ایمان و عقیده و دلیل وجود و درستی آن است. کودکان پیش از بلوغ تکلیفی متوجه آنان نمی‌شود؛ زیرا رسول خداﷺ فرموده است: سه کس اند که در مقابل تکالیف شرعی مسؤولیت ندارد و

۱- الاربعین النوویه.

۲- اخرجه مسلم عن ابی هریره.

مکلف نیستند دیوانه تا زمانی که بهبود می‌یابد. خوابیده تا زمانی که از خواب برمی خیزد و کودک تا وقتی که به سن بلوغ میرسد».

اما آماده سازی کودک برای گام نهادن به مرحله بلوغ و پس از آن از نظر دینی و شرعی به تربیت و پرورش عبادتی او نیازمند است تا عبادت به عنوان بخشی حیاتی و ریشه دار در زنده گی و رفتار او مبدل گردد و او را به ضرورت ارتباط با خداوندﷻ و استقامت در ادای اوامر و اجتناب از نواهی به صورت مداوم یادآور شود.

عادت دادن کودکان به عبادت از سن هفت ساله گی آغاز شود و در سن ده ساله گی مورد تأکید قرار گیرد؛ زیرا رسول خداﷺ میفرماید:

«فرزندان خود را در هفت سالگی به ادای نماز فرمان بدهید و در ده ساله گی ـ اگر آن را ترک کنند و با تشویق و ترغیب حاضر به خواندن آن نبودند ـ آنان را تنبیه بدنی نمایید».([1])

عمر هفت ساله گی سر آغاز تعلیم و تمرین و عادت دادن است و عمر ده ساله گی زمان تثبیت رفتار و پایبندی است؛ چنانچه کودکان در مورد عبادت اهمال و تنبلی نمایند، باید تنبیه مناسب شوند.

سرپرست کودک در مورد ادای نماز و دیگر مسؤولیت‌های کودک باید مراقبت لازم را انجام دهند و در مورد آن به هیچ وجه کوتاهی ننمایند؛ زیرا خداوندﷻ میفرماید: (**وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيهَا**) (طه / ۱۳۲)

ترجمه: «خانواده خویش را به نماز خواندن فرمان بده! و خود نیز بر اقامه آن ثابت قدم باش».

طوریکه دین مقدس اسلام در همه ابعاد زنده گی رهنمودهای کامل و ارزشمندی برای مسلمانان داشته طوریکه در فوق به طور فشرده بیان گردید که رهنمودهای اسلامی دیگری؛ چون: پرورش اخلاقی، معنوی، اجتماعی، صحی، آموزش زبان عربی و علوم مفید و... را نیز در برمیگیرد.

روش تدریس: سؤال و جواب، تشریحی، مباحثه، کار گروهی.

مواد ممد درسی: کتاب، تخته و تباشیر.

وقت	فعالیت‌ها
۵ دقیقه	بعد از موضوعات مقدماتی، باطرح چند سؤال درس گذشته را چنین ارزیابی کنید: خانواده چطور یک مدرسه برای انسان است؟ کی می‌تواند نقش خانواده سالم را در جامعه بیان کند؟ بعد از در یافت جواب‌ها عنوان درس جدید (ادامه درس اول، خصوصیت‌های یک خانواده مسلمان)را توسط یک شاگرد روی تخته می‌نویسد. به شاگردان هدایت می‌دهد تا درس را خاموشانه مطالعه نمایند و خود نکات کلیدی و عناوین جانبی درس جدید را بر تخته بنویسید.
۳۰ دقیقه	- خصوصیت‌های یک خانواده مسلمان

[1]- اخرجه ابوداود.

- پابند شریعت الهی
- شروع زنده گی با صداقت
- استوار بودن رابطه‌ها بر اساس میانه روی و اعتماد متقابل
- حفظ ارزشهای مادی و معنوی
- تربیت سالم فرزندان

و با استفاده از عناوین جانبی درس را برای شاگردان شرح و توضیح می کند.

بعد از چند شاگرد می‌خواهد تا هر کدام به نوبهٔ خود یک عنوان جانبی را شرح نمایند.

شاگردان را به گروپ‌های ۴ نفری تقسیم نموده و از ایشان میخواهد تا در مورد آغاز زنده گی باصداقت و راستی بین هم بحث کنند.

در اخیر درس را جمع بندی نموده و خلاصه آن را چنین بیان می کند. و خود در عین حال نظم صنف را برقرار داشته بعضی نظریات را نزد ش یاد داشت میکند.

ارزیابی

جهت اطمینان خویش با استفاده از سؤالات کتاب درسی شاگردان را ارزیابی می کند.

خلاصه

- خانواده مسلمان خانواده یی است که پابند مقررات شریعت الهی و اخلاق و آداب اسلامی میباشد
- حرمت و حیثیت در خانواده همچون گوهری گرانبها محافظت می‌شود و اعضای آن از آمیختن و اختلاط مردان و زنان نامحرم پرهیز می‌نمایند در خانواده صدای چیغ و داد، دشنام، ترانه‌های مبتذل و ساز، دُهل، تار و عود نامشروع به گوش نمی‌رسد.
- سرود و آواز شان آوای قرآن و اذان و زمزمه لبانشان گفتن سبحان الله، لا اله الا الله و الحمدالله و الله اکبر است.

درس: بیست و چهارم

عنوان: نکاح

صفحه: ۸۷

وقت: دو ساعت درسی

اهداف

شاگردان باید:

۱- حکمت نکاح را بدانند.

۲- در بارهٔ حکمت نکاح نظریات خویش را بگویند.

۳- فواید و انواع نکاح را درک نموده و اهمیت آن را به مردم رسانده بتوانند.

دانش لازمی

در شریعت اسلام ازدواج در موقع داشتن قدرت مالی و غلبهٔ شهوت واجب است.

در حدیثی پیامبراکرمﷺ فرموده اند: (هرکس ازدواج نماید دو سوم دین خودرا در امان خدا درآورده است) زیرا هدف مهم ازدواج حفظ عفت و پاکدامنی مرد و زن مسلمان است.

و همچنان از حضرت عایشه رضی الله تعالی عنها روایت است که پیامبرﷺ فرمودند: «**النِّكَاحُ مِنْ سُنَّتِي فَمَنْ لَمْ يَعْمَلْ بِسُنَّتِي، فَلَيسَ مِنِّي**» ([1]).

ترجمه: ازدواج از جمله سنتهای من است؛ پس کسیکه به سنت من عمل نکند از جملهٔ امتان من نیست.

پس چنانچه جوان مسلمان، خواهان تهذیب نفس و سلامت اخلاق و ارضای قوه فطری و غریزی شان هستند، هیچ راه و چاره‌یی جز روی آوردن به ازدواج مبتنی بر آگاهی و بینشا عمیق همراه با میل صادقانه، وجود ندارد؛ البته نباید از سختیها و دشواریهایی که مانع ازدواج می‌شوند، بهراسند. به قول معروف

مشکلی نیست که آسان نشود   مرد آنست که هراسان نشود

مهمترین ثمرات پیمان زناشویی

۱- حفظ و بقای نوع نسل بشر

بدیهی است که بقای نسل بشر بوسیله ازدواج است و پیوند زناشویی بین انسانها راهی است برای تداوم نسل بشر تا پایان زنده گی او بر این کره خاکی. در قرآن کریم نیز به این حکمت اجتماعی چنین اشاره‌یی شده: «ای مردمان! از (خشم) پروردگار تان بترسید. پروردگاری که شما را از یک انسان بیافرید و (سپس) همسرش را از نوع او آفرید، و از آن دو نفر مردان و زنان فراوانی (بر روی زمین) منتشر ساخت»([2])

«خدا از جنس خودتان همسرانی برای شما قرار داد (تا در کنار آنان بیاسایید) و از همسرانتان پسران و نوادگانی به شما داد.» ([3])

---

[1]- سنن ابن ماجه .

[2]- نساء: ۱.

[3]- نحل: ۷۲.

همچنین پیامبر اکرمﷺ در روایتی، به حکمت زاد و ولد و افزایش و پیدایش انسانها اشاره کرده و میفرماید: «ازدواج کنید، تا جمعیت شما افزایش یابد؛ زیرا من در روز قیامت در بین سایر امّتها، به فراوانی شما افتخار میکنم.» (روایت بیهقی و عبدالرزاق)

۲- حفظ روابط نسبی

فایدۀ دیگر ازدواج که خداوند به آن امر کرده، افتخار کردن فرزندان به نسبهایشان است؛ زیرا اصل و نسب دار بودن باعث اعتبار، ارزش و خوشبختی میشود و چنانچه ازدواج نمیبود جامعه از فرزندان نامشروع که هیچ اصل و نسب نداشتند، پر میشد و در چنین جامعه‌یی ارزشهای اخلاقی لطمۀ اساسی می‌خورد، فساد و بی بندو باری در جامعه گسترش می‌یافت.

۳- مسؤولیت جامعه از انحرافات و بی بندوباریهای اخلاقی

یکی دیگر از اثرات ازدواج، مصون ماندن جامعه از هرج و مرج و بی بندوباری اخلاقی و محفوظ ماندن افراد آن از مفاسد اجتماعی است؛ زیرا غریزۀ جنسی و تمایل به جنس مخالف تنها از طریق ازدواج اشباع می‌شود و از این جهت می‌بینیم که رسول گرامی اسلامﷺ خطاب به جوانان با شیوه‌یی جالب و زیبا و دقیق فلسفۀ اخلاقی ازدواج را اینگونه بیان می‌فرماید: «ای گروه جوانان! هر کس از شما استطاعت (قدرت جنسی و هزینه زنده گی را) دارد، ازدواج کند، زیرا که ازدواج چشم را بهتر کنترول می کند و ناموس را محفوظ می‌دارد؛ اما کسی که نتواند هزینه ازدواج را تأمین کند باید روزه بگیرد، زیرا روزه باعث کم شدن شهوت و غریزۀ جنسی است.» [رواه الجماعه]

٤- تعاون و همکاری زوجین در تشکیل خانواده

به وسیلۀ ازدواج است که زن و شوهر برای بقای خانواده با یکدیگر همکاری می‌نمایند تا بتوانند فرزندانشان را تربیت کنند و مسؤولیتهای زنده گیشان را به انجام رسانند. در پرتو نظام خانواده است که زن و مرد مکمّل همدیگرند و هر یک دیگری را کامل می کند: در این میان زن به تناسب سرشت و طبیعتش عهده‌دار توانایی‌های ویژه‌اش، نقش خاصّ خود را ایفا می کند، تلاش و کوشش برای تأمین نیازهای خانواده، حل مشکلات و مسایل جانبی خارج از خانه، حمایت و نگهداری از خانواده در برابر حوادث و مصیبت‌های روزگار، از عمده ترین روحیه همکاری بین زوجین، تکامل یافته و به بالاترین مرتبه خود می‌رسد و در پرتو چنین روحیه‌یی، کانون خانواده بر پایۀ مستحکم و تربیت و پرورش کامل بنا شده و از نعمت محبّت و دوستی که در سایه حقوقی که اسلام آن را برای سعادت جامعه مقرر کرده بهره مند می‌شوند.

٥- مصونیت جامعه از امراض

یکی دیگر از حکمتهای خداوند از امر به نکاح و تشکیل خانواده، سالم ماندن جامعه از امراض است. امراض مضر و کشنده که از نتیجه روابط نامشروع و گسترش زنا در جامعه به وجود آید. در ذیل به نمونه‌هایی از این بیماریها که پیامد روابط آزاد جنسی و زنا در جامعه میباشد، اشاره میکنیم.

- **سوزاک Gonorrheol**: از جمله امراضی است که در اثر زناکاری انتقال می‌یابد. این بیماری در زنان باعث التهاب شدید در رحم و در مردان موجب ملتهب شدن مثانه و بیضه‌ها می‌شود. این بیماری گاهی اوقات باعث عقیم شدن مرد یا زن می گردد و بعضی وقتها باعث التهاب در مفاصل میشود و حتی بالای طفل تأثیرات سوء می گذارد که باعث التهاباتی در چشم طفل شده و خطر کوری به دنبال دارد.

• **سفلیس Syphilis**: علت اصلی انتقال این بیماری بدون شک از طریق تماسهای جنسی نامشروع (زنا و...) می‌باشد که باعث التهابات شدید پوستی و مفصلی، استخوانی، عضلانی و قلبی، ریوی، کلیوی و عصبی و غیره می‌شود.

• **شانکر یا آتشک Chancroid**: به علت روابط نا مشروع و عمل زنا غده‌های لمفاوی ورم کرده که در نهایت منجر به ترشحات مزمن چرکین خواهد شد، دردهای مفصلی و التهابات مجاری ادرار و تورّم اعضا از اثرات این بیماری می‌باشد.

• **ضایعات پوستی نرم بر عضو تناسلی**: بر اثر زنا زخمهای نرم و دردناکی بر دستگاه تناسلی بیمار ظاهر می‌گردد، این زخمها انتشار پیدا کرده و باعث تخریب پوست می‌شود.

• **بلوغ زودرس (نابهنگام)**: این بیماری بر اثر تحریکات مداوم عصبی قبل از زمان طبیعی خود، ایجاد می‌شود و قبل از آنکه غدد مولّد هورمونهای جنسی شروع به فعالیت کنند، احساسات غریزی تحریک میشود، نتیجۀ این تحریکات به صورت امراض عصبی، روانی و ناهنجاریهای عضوی بروز میکند.

علاوه بر امراضی که بیان کردیم، بیماریهای زیاد دیگری نیز هستند که در اثر شیوع فحشای زنا به تندرستی انسان صدمه می‌زنند و دکتوران در باره آنها به تفصیل بحث کرده و نسبت به خطرات آن هشدار داده اند.([1])

خطرات زنا در جوامع غربی و شرقی

-پیدایش جوانان شهوتران و هوسبازی که غرق در شهوتند و در خمار هروئین و تریاک و یا مشروبات الکلی به سرمی‌برند.

- ظهور نسلی منحرف و بیمار که از نظر جسمی، روانی، اخلاقی و عقلی اختلال و ضعف شدید دارند.
- زیاد شدن باندهای قاتل و کشتار، جنایت و دزدی و تجاوزات جنسی.
- تجارت و داد و ستد شهوات و غرایز جنسی و نیز خرید و فروش دختران و...
- در چنین جوامعی باندهای دوکتورا، وکلای مدافع، حکّام و دولتمردان برای سرپوش گذاشتن جرم و پایمال کردن حقوق دیگران، اقدام به رشوه گیری می‌نمایند.
- تعبیه مکانهایی که در آن زنان و مردان با چشم‌پوشی از همه ارزشها و فضایل اخلاقی، بدون هیچگونه شرم و حیایی، لخت و عریان ظاهر می‌شوند.
- پیدایش فاحشه‌هایی که برای خوش گذرانی و به دست آوردن مخارج زنده گی تن به زنا و خود فروشی می‌دهند.
- افزایش چاپ و نشر کتابهایی مربوط به مسایل و روابط جنسی، مجلات حاوی عکسهای لخت و عریان، کافی شاپ‌ها و اماکن رقص و فساد و فحشا و...
- ظاهر شدن گروههای (هیپی) که بیشتر به حیوانات و جانورانی؛ مانند: حشرات مضره شباهت دارند و گروههای (پوچ گرا و بی‌هدف) که غرق در مستی و فساد و فحشایند.

---

[1]- کتاب «طب در قرآن» اثر عبدالحمید دیاب و احمد قرقوز.

و نیز تعداد بسیار زیاد دیگری از مظاهر فساد و بی بندوباری که مجال بحث و فرصت ذکر آنان نیست و نتیجهٔ بروز اینها بود که خروشچف در سال ۱۹۶۲ صراحتاً اعلام کرد که آینده کشور روسیه در خطر است و به آینده جوانان روس نمی‌توان امید داشت؛ زیرا آنان نسلی بی‌بندوبارند که دایماً در شهوات و تمایلات جنسی غرق هستند.

و مقارن با همان زمان «کندی» نیز صراحتاً اعلام داشت که آینده کشور آمریکا در خطر است، زیرا جوانان کشور غرق در شهوات و مسایل جنسی هستند و صلاحیت انجام وظایف و مسؤولیتهایی که بر دوش آنهاست را ندارند و از هر هفت جوانی که برای خدمت سربازی مراجعه می‌کنند، شش نفر آنها صلاحیت لازم را ندارند؛ زیرا غرق شدن در شهوات، توانایی روحی و جسمی آنها را از بین برده است.

(یو ان ایدز) یا اداره خاص ملل متحد برای مقابله با مرض ایدز می‌گوید: مصاب شدن به ایچ آی وی ایدز از سال ۲۰۰۴ تا ۲۰۰۹ ۳۰ ٪ افزایش یافته است که ۲٫۱ میلیون نفر سال گذشته در اثر بیماری‌های وابسته به ایدز هلاک شدند که این رقم در سال ۲۰۰۴ ۸،۱ ملیون نفر بود.

کشورهای جنوب افریقا بیشترین قربانیان این مرض را داشته اند رقم مصاب شده گان به مریضی ایدز در کشورهای اروپای شرقی و آسیای میانه، افزایش نگران کننده را نشان می‌دهد.

تعداد مصاب شده گان این مرض در آسیای میانه و اروپای شرقی به حدود ۴،۱ میلیون نفر می‌رسد. ۹۰ در صد از مصاب شده گان به مریضی ایدز در روسیه و اوکراین به سر می‌برند.

خطرات اجتماعی زنا

از جمله این نوع خطرات، فروپاشی و عدم تشکیل کانون خانواده است. ظلم به کودکان و اطفال و خطر شقاوت و بدبختی زنان و مردان و قطع صلهٔ رحم و روابط خویشاوندی است.

زیان‌های اقتصادی زنا

کسانی که مرتکب چنین اعمال زشت و ناپسندی می‌شوند، افرادی هستند که برای برآورده ساختن شهوانی لذّت خویش، اقتصاد جامعه را مختل می‌کنند چرا که اینان انسانهای ضعیف و ناتوانی هستند که توانایی تولید و اعمال اقتصادی را ندارند و برای دستیابی به ثروت به روشهای نا مشروع متوسل می‌شوند.

خطرات دینی و اخروی زنا

و بالآخره مرد یا زن مجردی که عفّت و پاکدامنی خویش را حفظ نمی‌کند و دست به اعمال نا مشروع جنسی می‌زند و در شهوات و انحرافات غوطه ور است به چهار چیز منفور و بد مبتلا خواهد شد که پیامبر اکرمﷺ آنها را این چنین برشمرده است: «از عمل زنا دوری کنید زیرا موجب چهار ضرر خواهد شد:

«۱- زیبایی و طراوت صورت انسان را زایل می‌کند. ۲- موجب قطع رزق و روزی می‌شود. ۳- خشم و غضب خداوند رحمان را بر می انگیزد. ۴- باعث جاودانه ماندن در آتش (قیامت) می‌شود.»

و از دیگر خطراتی که زنا برای دین انسان ایجاد میکند اینکه انسان زناکار در هنگام انجام زنا از محدوده ایمان خارج می‌شود، در این مورد «شیخین» ([1]) از پیامبر اکرمﷺ روایت نموده‌اند که فرمود: «زناکننده، هنگام انجام زنا ایمان ندارد.» و خداوند متعال در آخرت فرد زناکار را دو چندان عذاب خواهد کرد. در سورهٔ فرقان در بارهٔ خطر اخروی زنا، آمده

[1]- حضرت ابوبکر وحضرت عمر رضی الله تعالی عنهما.

است که: [و بنده گان خوب خدای رحمان] کسانی اند که با الله، معبود دیگری را نمی‌خوانند و پرستش نمی‌نمایند، و انسانی را که خداوند خونش را حرام کرده است، به قتل نمی‌رسانند؛ مگر به حق، و زنا نمی کنند. چرا که هرکس (یکی از) این (کارهای ناشایست شرک، قتل و زنا) را انجام دهد، کیفر آن را می‌بیند و (کسی که مرتکب یکی از کارهای زشت و پلید شرک و قتل و زنا شود) عذاب او در قیامت مضاعف می‌گردد و خوار و ذلیل جاودانه در عذاب می‌ماند».([1])

آنچه برشمردیم، مهمترین پیامدهای رهبانیت و مجرد ماندن بود و شکی نیست که اینها نتایج خطرناک و دردناکی است که به عقل و اخلاق، دین، روان، خانواده، جامعه و سلامت و صحت و حتّی امور اقتصادی لطمه می‌زند.

اینجاست که پیامبرﷺ با بیان استوار و شیوا، هنگامی که برای یاران خود در مورد اینکه مجرّدان بدترین خلق اند و کسانی که در حالت تجرّد می‌میرند، پست‌ترین مرده گان هستند، می فرماید: «بدترین شما کسانی اند که ازدواج نکرده اند و پست ترین مردگان شما کسانی اند که مجرد مرده اند».([2])

٦- آرامش روحی و روانی

به وسیلهٔ پیوند زناشویی بین زن و شوهر، رابطهٔ دوستی و مهربانی برقرار می‌شود و هر یک بر اثر انس گرفتن با دیگری به سعادت و خوشبختی نایل می‌آید.

هنگام غروب که شوهر، کار روزانه‌اش را به پایان می‌رساند و به خانه برمی‌گردد و در جمع صمیمی زن و فرزندانش قرار می‌گیرد، تمام غم، اندوه و مشکلاتی که در طول روز با آنها مواجه شده، فراموش می‌کند و خستگی و رنج ناشی از تلاش و زحمت کار زیادی که به وجود آمده از بین می‌رود. زن هم در چنین شرایطی، زحماتش را فراموش کرده و در محیط باصفای خانواده احساس آرامش و سکون می‌کند. این چنین است که زن و شوهر با هم و در کنار همدیگر، لحظات خوشی را در سایهٔ آرامش و سعادت زنده گی زناشویی تجربه می‌کنند.

و به این ترتیب هر یک از آنها با جدّیت، نشاط و اراده به استقبال روز جدید می‌روند تا بتوانند برای ادای وظیفه و تکلیف مخصوص خویش آماده باشند.

واضح است که در پرتو چنین آرامش روحی روانی، هر یک از زوجین می‌تواند به طور کامل به مسؤولیت و وظایف خود عمل کرده و در راه خوشبختی خانواده، همسر و فرزندان خویش گام بردارد.

چه راست گفته پروردگار بزرگ در قرآن عظیم؛ آنجا که فرموده: **(وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيهَا وَجَعَلَ بَينَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يتَفَكَّرُونَ)**

ترجمه: «و از نشانه‌های خداوند آن است که همسرانی از خودتان برایتان آفرید تا در کنار آنان آرام گیرید و بین شما محبّت و الفتی پایدار و استوار قرار داده و در آن نشانه‌هایی است برای اهل تفکّر و اندیشه»[3] [سوره روم: آیه ۲۱]

روش تدریس: سؤال و جواب، تشریحی، کار گروهی.

مواد ممد درسی: کتاب، تخته و تباشیر.

---

[1]- فرقان، ۶۹-۶۸

[2]- آداب خواستگاری وحقوق زوجین مؤلف: (عبدالله ناصح علوان)

[3]- در این آیه شریفه، خداوند، فلسفه ازدواج را سکون و آرامش قلبی و آسایش روحی و دوستی پایدار در خانواده دانسته است. بنابراین اگر ازدواجی این ویژه گی را در برنداشته باشد، نمی‌تواند ازدواج موافق با فلسفه آن و معقول باشد و در واقع، مباین با فلسفه زناشویی است.

وقت	فعالیت‌ها
۵ دقیقه	بعد از رعایت موضوعات مقدماتی باطرح چند سؤال درس گذشته را چنین ارزیابی کنید: - یک خانواده مسلمان دارای کدام اوصا ف میباشد؟ - کی می‌تواند بگوید که دریک خانوادۀ مسلمان کدام روش و اخلاق رعایت میشود؟ بعد از در یافت جواب ها، عنوان درس جدید را بر تخته می‌نویسد. از شاگردان بخواهید تا درس را خاموشانه مطالعه نمایند.
۳۰دقیقه	در عین حال عناوین جانبی ذیل را روی تخته نوشته و هر یک را شرح می‌نماید. - تعریف نکاح - حکم نکاح - تأخیرنکاح از چند شاگرد بخواهید تا نظریات خود را در باره نکاح بیان کنند. از دو شاگرد بخواهید تا یکی نص حدیث مبارک درس را با استفاده از کتاب روی تخته بنویسد و دیگرش آنرا خواند ه و ترجمه کند. **ارزیابی** جهت اطمینان خویش شاگردان را ضمن سؤالاتی از کتاب درسی، ارزیابی کنید. **_ خلاصه**
۱۰دقیقه	- نکاح در لغت به معنای ضم کردن و یک جا ساختن است و در اصطلاح شریعت نکاح به عقدی گفته می‌شود که استفاده جنسی مرد و زن را بر یکدیگر حلال می‌سازد. نکاح به سه نوع است: ۱_سنت موکد ۲_ واجب ۳_ مکرو حضرت رسول خدا در مورد نکاح فرموده است: نکاح سنت من است هر کس به سنت من عمل نکند از من نیست.

درس: بیست و پنجم
عنوان: مقدمات نکاح
صفحه: ۹۰
وقت: دو ساعت درسی

اهداف

شاگردان باید:

۱. اصول و ارزشهای اسلام در رابطه با تشکیل خانواده را بهتر بدانند.
۲. برخی از رواج‌های خواستگاری را بیان و با شریعت مقایسه کرده بتوانند.
۳. در مورد اینکه درانتخاب زن کدام نکات باید در نظرگرفته شود را دانسته ودر زنده گی خویش تطبیق کرده بتوانند.
۴. به فواید درس متوجه شده و آنرا در زنده گی روزمرهٔ خویش تطبیق کرده بتوانند.

دانش لازمی

اسلام با نظام جاودانه و اصول آسان و استوارش قوانین، دستورات و اصول عملی را وضع کرده تا خواستگار در مورد دختر مورد نظرش رعایت نماید؛ اگر جوانان این اصول و قوانین را در نظر داشته باشند و بر اساس آن همسرشان را انتخاب نمایند، خود و همسرانشان خوشبخت و بین آنان محبت و صمیمیت حکم فرما خواهد شد و آبرومندانه زنده گی خواهند کرد.

اصول خواستگاری

خواستگاری آن است که قبل از انجام مراسم عقد نکاح، مردی که تصمیم به ازدواج گرفته، ابتدا دختری را که برای این منظور انتخاب نموده مورد تحقیق و بررسی قرار دهد و یا یکی از اقربا و نزدیکان خود را می‌فرستد تا با دختر او لیای وی صحبت و گفتگو نماید و خواسته‌ها و شرایط آنان را برای ازدواج بپرسد و آنگاه تصمیم بگیرد که این وصلت را قبول کند یا آن را نپذیرد.

هدف از این مقدمات قبل از ازدواج این است که ازدواج از همان روز اول بر پایه بصیرت و شناخت صورت گیرد و باعث رفع مشکلات و تنازعات آینده آنها شود.

۱- دیدن خواستگار دختر مورد نظرش را

شریعت اسلام به خواستگارچه مردباشد ویا زن اجازه داده که وقتی تصمیم به ازدواج را میگیرد([1]) قبل از عقد، او را ببیند و [از اوصاف ظاهری و باطنی او باخبر شود]، چرا که انتخاب از روی آگاهی و شناخت، زنده گی زناشویی را

---

[1]- لازم به ذکر است که خواستگاری از طرف دختر یا پسر، هیچ مشکلی ندارد و کسانیکه فامیل دختر را برای ازدواج با پسربد میپندارند، در شریعت اسلامی چنین نیست. کسانی بوده‌اند در تاریخ اسلام و بین اصحاب رسول‌اللهﷺ که برای دخترانشان از مرد مورد نظر خواستگاری میکردند؛ مانند: امیر مؤمنان عمربن‌خطاب که پیشنهاد ازدواج حفصه را به حضرت عثمانؓ نمود و چون ایشان نپذیرفت به ابوبکر صدیق پیشنهاد کرد وی هم نپذیرفت که علّت نپذیرفتن آنها، تمایل پیامبرﷺ به حفصه بود و در نهایت پیامبرﷺ با حفصه عروسی نمود و حتی شاهد داریم که گاهی خود زنان می‌آمدند و می گفتند یا رسول‌اللهﷺ ما را برای خود نکاح نمایید. لذا اگر عرف جامعه ما چنین است که مرد به خواستگاری زن میرود به نوعی احترام قائل شدن به زن است؛ اما اگر برعکس زن به مرد پیشنهاد ازدواج داد، به هیچ وجه جای ملامت و بد پنداشتن نیست و نباید آنها را مورد طعنه وتمسخر قراردهیم.

گواراتر، سعادتمندتر و با دوام تر خواهد نمود. دلیلی که این عمل را جایز دانسته، حدیثی است که «ترمذی»، «نسایی»، «ابن‌ماجه» و «بخاری» روایت کرده‌اند که مغیره‌بن شعبه نزد پیامبرﷺ آمد تا به ایشان خبر بدهد که یک زن را خواستگاری نموده است، پیامبرﷺ فرمود: «او را ببین که برای ادامه زنده گی شما، این عمل بهتر و شایسته تر است». یعنی اُنس و اُلفت و معاشرت میان شما دو نفر بدین شیوه گرمتر و شیرین‌تر خواهد شد زیرا که چشم، پیک قلب و پیام‌آور عاطفه است و بعضی اوقات برخورد دو چشم با هم باعث ایجاد الفت بین دو خانواده می‌شود.

«مسلم» و «نسایی» روایت کرده‌اند که مردی نزد پیامبرﷺ شرفیاب شده و خبر داد که با زنی از انصار ازدواج نموده است. پیامبرﷺ فرمودند: «آیا او را دیده‌ای؟ گفت: نه، حضرتﷺ فرمودند: «برو او را ببین؛ زیرا در چشمهای انصار چیزی است که لفظ حدیث شریف به چندین معنی آمده است الف- چون چشمهای انصار آبی هست. ب- زرد است. ج- یا کوچک) هستند.» [1]

اما نگاه کردن به مخطوبه([2]) آدابی دارد که باید رعایت شود:

۱- خواستگار باید عزم جدّی و صادقانه بر ازدواج گرفته باشد و قصدش از نگاه کردن فقط تصمیم بر ازدواج باشد و در غیر این صورت (نگاه کردن به قصد لذت بردن) جایز نیست؛ چرا که از پیامبرﷺ روایت شده که فرمودند: «اگر خداوند در دل شخصی تمایل به خواستگاری زنی را پدید آورد، اشکالی ندارد که او را ببیند و نگاهش کند».

۲- موضع و حدودی که مباح است به هنگام خواستگاری نگاه شود، صورت و دو دست مخطوبه می‌باشد. چون مظهر محاسن و زیبایی‌های ظاهری زن در صورت متجلّی شده و کفین هم در حالت عادی، ظاهر هستند؛ لذا بر خواستگار مجاز نیست جز دست و صورت مخطوبه‌اش، اعضای دیگرش را نگاه کند.

آنچه موید این قول است که مراد از نگاه کردن، نگاه کردن به صورت است. این فرمایش حضرت رسول خداﷺ به مردی از انصار است که فرمودند: «برو او را نگاه کن چون در چشمان انصار مختصر عیوبی است که بعد از نگاه کردن برایتان معلوم می‌شود.» این جمله برای ما مشخص می کند منظور از نگاه کردن، صورت می‌باشد.

۳- خواستگار می‌تواند با نامزدش صحبت و گفتگو کند و در مجلس خواستگاری و یا هنگام دیدنش با وی صحبت نماید؛ زیرا جمهور فقها، اتفاق نظر دارند که صدای زن عورت نیست؛ زیرا پیامبر اکرمﷺ با زنان سخن میگفت و سخنانشان را نیز میشنید، همچنین اصحاب گرانقدر ایشان بعد از رحلت حضرت رسولﷺ در مورد احادیث و احکام شرعی همسران پیامبر اکرمﷺ از پشت پرده به سؤالهایشان پاسخ میدادند.

۴- جایز نیست، خواستگار با نامزدش مصافحه کند و با هم دست دهند، زیرا هنوز عقد شرعی، منعقد نشده و پسر و دختر نسبت به هم نامحرم هستند و شریعت اسلام دست دادن مرد بیگانه با زنها را تحریم نموده است.

«بخاری» از عایشه(رض) روایت کرده که فرمودند: «پیامبرﷺ هنگام بیعت گرفتن از زنان، دست هیچ زنی را لمس نکرده و بیعتشان با خانمها فقط کلامی بود»

[1]- حاشیه مشکوۀ ص ۲۶۸

[2]- زنی است که از او درخواست ازدواج شده (المنجد).

۶- جایز نیست که خواستگار و نامزدش در فاصلهٔ خواستگاری تا اجرای صیغهٔ عقد، در یک مکان تنها با هم، خلوت کنند؛ مگر اینکه همراهشان یکی از محارم خانواده دختر باشد؛ زیرا خلوت کردن با زن بیگانه و تنها بودن با او در یک مکان، از نظر اسلام حرام است.

«بخاری و مسلم» از پیامبرﷺ روایت کرده‌اند که ایشان میفرمایند: «کسی که به خدا و روز قیامت ایمان دارد، به هیچ وجه نباید با زنی که محرمش نیست خلوت کند چون در چنین حالی شیطان سومین نفر آنان است و زن نیز بدون محرم حق سفر کردن؛ ندارد مگر اینکه محرمی همراهش باشد.»

۷- مردی که تصمیم ازدواج با زنی را دارد، می‌تواند بدون اطلاع آن زن و خانواده‌اش او را ببیند [یعنی اجازهٔ موافقت زن برای دیدن لازم نیست].

پیامبر اکرمﷺ می‌فرماید: «هرگاه شخصی ارادهٔ خواستگاری از زنی نمود، می‌تواند او را ببیند و نگاهش کند، گرچه آن زن اطلاعی نداشته باشد. [جابربن عبدالله در مورد زنش میگوید: در پشت دیوار خود را پنهان میکردم تا او را ببینم].

اما آنچه که در بین مردم و جامعه کنونی ما رسم است، افراط و تفریط در رابطه با این موضوع است که اکثر مردم در خواستگاری به دو شیوه متناقض برخورد می کنند.

۱- دسته یی از مردم که به آداب و دستورات اسلامی مقید نمی‌باشند، بدون در نظر داشت بیانات فوق به دخترشان اجازه می‌دهند که بدون محرم، هر جا که بخواهید با نامزدش بگردد و هر کاری که دوست دارد آزادانه انجام دهند، به این بهانه که قصد آنان از این کار آشنایی با اخلاق، رفتار و طبیعت و اطلاع از فهم و شعور همدیگر است.

واضح است که این ادّعایشان، ادعایی بی اصل و اساس و باطل است که اسلام به هیچ وجه آنرا نپذیرفته؛ بلکه آنرا حرام می‌داند و با آن مبارزه میکند. چرا که این عمل با مبادی اصول اخلاق و ارزشها منافات دارد و حیثیت و آبروی زن مسلمان و نظام اسلامی را خدشه دار میکند.

بر انسانهای عاقل و صاحب بصیرت، روشن است که اینگونه اختلاطهای نامشروع بین دختر و پسر در اکثر اوقات، منجر به فجایع اخلاقی و ارتباطات نامشروع میشود، که پیامدهای بد و ناگواری خواهد داشت؛ البته که ضرر این کار بیشتر متوجه دختر میشود تا پسر و آبروی دختر را لکّه دار میکند؛ زیرا اگر پس از این ارتباطات، از ازدواج با دختر منصرف شود، می‌تواند با بهانه‌هایی از قبیل عدم تفاهم و عدم تجانس اخلاقی، انصراف خود را توجیه کند و قطعاً این کارش عامل شبهه‌انگیز و سبب بدنام شدن دختر خواهد شد و حیثیت دختر بر سر زبانها می‌افتد و نهایتاً به کسادی بازارش می‌انجامد و باعث می‌شود. تا از نظر بیفتند.

همچنین بر صاحبان خرد و اندیشه، پوشیده نیست، اهداف این اختلاط غیر اخلاقی که شناخت روحیات طرف مقابل است، تحقق نمی‌یابد؛ زیرا هر یک در مقابل دیگری خود را به تکلّف انداخته و شخصیتی مصنوعی و غیر واقعی ـ آن هم شبیه دلقک و حقه بازان ـ از خود نشان دهید. و چه بسا از این نوع خواستگاری‌های غیراخلاقی سراغ داریم که نه تنها منجر به ایجاد زنده گی زناشویی توأم با الفت و محبّت، نگشته؛ بلکه بعد از این همه آمیزش گناه آلود، سرانجامی جز طلاق و جدایی نداشته است.

پس چه شد نتیجه شناختی که ادّعا داشتند در دوره نامزدی حاصل شده؟ اما با کمال تأسف معاندان، این حقیقت را نمی‌پذیرند.

۲- در مقابل این گروه بی‌مبالات، دسته‌های دیگر از مردم هستند که آداب اسلامی را نادیده می‌گیرند، این گروه مقدّس نماهای متحجّر؛ و متعصّبان افراطی هستند که با پشت پازدن به سنّت رسول خداﷺ در این مورد، نه تنها قبل از عقد به خواستگار دخترشان اجازه رویت نامزدش را نمی‌دهند، بلکه اعلان می‌دارند که دامادشان تا شب زفاف، اجازه ندارد دخترشان را ببیند.

[در این باره شیخ محمّد ابوزهره می‌گوید: «اسلام به روش افراطی برخی از مقدس‌نماهای متحجّر که در خواستگاری از دیدن ممانعت مطلق به عمل می‌آورند، توجه نکرده است، چرا که با این رویه خواستگار تنها به اوصاف توصیف شده تکیه می‌کند و چه بسا کسانی که دختر را دیده باشند، نپسندند، در حالی که اگر خود خواستگار او را ببینه، بپسندد؛ همچنین ممکن است زنانی که عروس را مشاهده کرده باشند او را بپسندند؛ و در نزد داماد از او تعریف و تمجید نمایند و داماد نیز مورد را زیبا و جالب تصوّر کند، در حالی که اگر بعداً او را ببیند چه بسا بر خلاف تصورش باشد در این صورت کینه و بیزاری در او پدید می‌آید که همواره در آینده، زنده گی زناشویی او را تهدید می‌نماید و چه بسا اگر در وهلهٔ اول خواستگاری، دختر را می‌دید او را می‌پذیرفت.[1]

بر انسانهای فهیم و دانا روشن است که اتخاذ این موقف، و مقید بودن به این آداب، تناسبی با شریعت اسلام ندارد و اغلب اوقات زن و شوهر به آرامش نفسی و خوشبختی و سعادت نمی‌رسند، و چه بسا این عمل منجر به خانه‌نشین شدن و کسادی ازدواج دختر می‌شود و دختر آن قدر در کنج خانه می‌نشیند که دوشیزه‌یی سالخورده و پیر دختری می‌شود که از ازدواج باز می‌ماند.

«پس اینها حدود الهی است، از آنها تجاوز نکنید. و هر کس از حدود و مرزهای الهی تجاوز کند، بی‌گمان این چنین کسانی ستمگرند»

حلقهٔ نامزدی (چله بدلی)

چله بدلی در دین اسلام اساس شرعی نداشته؛ بلکه این روش بیشتر به اهل هنود اتکامی یابد در اینجا لازم به ذکر میدانم حکم اسلام را در مورد حلقهٔ نامزدی، جهت روشن شدن آن برای اساتید محترم تا شاگردان را از این موضوع آگاه سازند.

پوشیدن انگشتر و «چله» که از طلا باشد برای مردان حرام است؛ زیرا پیامبرﷺ مردان را از پوشیدن طلا نهی فرمود: «اصحاب سنن» و «امام احمد» از علی‌ﷺ نقل کرده‌اند که فرمود: پیامبر ﷺ یک تکه پارچه حریر را در دست راست و قطعه طلایی را در دست چپش گرفت و فرمود: این دو تا بر مردان امّت من حرام است» ابن‌ماجه افزوده: «و بر زنانشان حلال است».

---

[1]- به نقل از تنظیم‌الاسلام للمجتمع، ص ۶۹-۷۰.

«مسلم» و «ابن‌حبان» از ابن‌عباس نقل کرده‌اند که رسول خداﷺ شخصی را دید که انگشتر طلا در دست داشت، حضرت آن را از دستش بیرون آورد و دور انداخت و سپس فرمود: «بعضی از شما عمداً تمایل به پاره یی آتش پیدا می‌کند و آن را در دستش قرار دهید» [یعنی استفاده از انگشتر طلا برای مردان موجب آتش جهنّم است]. بعد از اینکه رسول خداﷺ تشریف برد، به آن مرد گفتند: برو و انگشترت را بردار و به طریقی از آن استفاده کن، آن مرد پاسخ داد: به‌خدا قسم چیزی که پیامبرﷺ آن را دور انداخته، من دیگر آن را برنمی‌دارم» ([1]).

اما استعمال انگشتر نقره برای مردان نه تنها جایز؛ بلکه مستحب می‌باشد. [بخاری از ابن‌عمر روایت می‌کند که گفت: «پیغمبرﷺ یک انگشتر نقره در دست داشت، بعد از وفات پیامبرﷺ در دست ابوبکرس بود و بعد از ابوبکر در دست عمر بود و بعد از عمر، عثمان آن را در انگشت می‌کرد تا اینکه در چاهی به نام اریس افتاد و گم شد.] [2]

روش تدریس: سؤال و جواب، تشریحی، مباحثه، کار گروهی.

مواد ممد درسی: کتاب، تخته و تباشیر.

وقت	فعالیت‌ها
۵ دقیقه	بعد از موضوعات مقدماتی باطرح چند سؤال درس گذشته را چنین ارزیابی کنید: - نکاح را کی تعریف کرده می‌تواند؟ - اضرار تأخیر نکاح را کی شرح کرده می‌تواند؟ - حکمت مشروعیت نکاح چیست؟
۳۰ دقیقه	بعد از در یافت جواب ها، عنوان درس جدید را بر تخته می‌نویسد. برای شاگردان هدایت دهید تا درس را خاموشانه مطالعه کنند و اگر به کدام مشکلی برمیخورند آنرا نشانی نمایند. در عین حال عناوین جانبی ذیل را روی تخته بنویسید و با استفاده از عناوین جانبی درس را برای شاگردان شرح می‌کند. - تعریف خطبه - حکم خطبه - انتخاب همسر - انتخاب داماد - بین دختر و پسر تفاوت سنی زیاد نباشد - دیدن دختر که خواستگاری می‌شود - خواستگاری بالای خواستگاری کسی دیگر

[1]- دلیل و حکمت تحریم طلا برای مردان، حفظ و صیانت شخصیت و جوهره مردانگی اوست، زیرا اینها از مظاهر ضعف، شکست و زن‌نمایی است. لذا شایسته نیست که مردان در استفاده زینت‌آلات با زن رقابت کنند و به‌وسیله زیورآلات و پوشش حریر مباهات نمایند.

[2]- آداب خواستگاری و حقوق زوجین ص ۵۰/ ۵۴

از چند شاگرد بخواهید تا هر کدام یک عنوان را به نوبهٔ خود توضیح نماید.
برای شاگردان چند دقیقه وقت دهید تا درمورد درس فکر کنند و بعد به سؤالات ذیل پاسخ دهند در انتخاب داماد کدام اوصاف باید در نظر گرفته شود؟ در انتخاب همسرکدام مراتب باید در نظر گرفته شود؟

آیا با یک دختر زیبا که دیندار نیست میتوان یک زنده گی خوب را پیش برد؟

به جواب‌ها دقیق گوش دهید اگر کدام جواب درست نبود آنرا اصلاح نمایید.

در صورت امکان برای شاگردان هدایت میدهد تا در مورد مقدمات نکاح، اوصاف ناکح و منکوح بین هم بحث نمایند.

ارزیابی: جهت اطمینان خویش با استفاده از سؤالات کتاب درسی شاگردان را ارزیابی می کند.

خلاصه:

- خطبه در لغت به معنای طلب نکاح و در - اصطلاح عبارت تمایل ناکح است برای ازدواج بازن مورد نظرش.
- حکم خطبه به نزد تمام فقها مستحب می‌باشد.
- در انتخاب همسر باید موارد ذیل در نظر گرفته شود:

۱- دینداری ۲- دوشیزه باشد۳- با محبت و ولادت کننده باشد.۴- خانواده عزتمند و با آبرو باشد. ۵- جهت صحتمندی و تندرستی بیشتر اولاد شان از لحاظ نسب دورتر باشد.

- در انتخاب داماد نیز موارد ذیل باید در نظر گرفته شود:

لازم است که داماد یک شخص دیندار، با اخلاق و شجاع باشد.

بین دختر و پسر تفاوت سنی زیاد نباشد.

درس: بیست و ششم

عنوان: ارکان و شرایط نکاح

صفحه: ۹۵

وقت: دو ساعت درسی

اهداف

شاگردان باید:

۱- ارکان و شرایط نکاح را دانسته و آنرا بیان نمایند.

۲- نکاح را منعقد کرده بتوانند.

۳- به فواید درس آگاهی کامل حاصل نمایند.

دانش لازمی

عقد ازدواج پیمانی دو جانبه است که باید از طرف مرد وزن یا وکیل آنان در حضور دو نفر شاهد ایراد گردد، که همانا ایجاب و قبول میباشد. زن بگوید خود را به نکاح تو در آوردم و مرد بگوید قبول کردم. و یا وکیل زن به وکیل مرد بگوید: سکینه دختر غلام علی را وکالتاً به نکاح دایمی به موکل تودادم. وکیل مرد بگوید: سکینه دختر غلام علی را به نکاح دایمی برای موکل خود احمد قبول کردم. و باید گفت که ثبوت موکلین از قبل شرعاً ثابت باشد. ارکان نکاح که عبارت از ایجاب و قبول میباشد باید به زمان گذشته دلالت کند. مثل اینکه شخصی بگوید: (من دختر خود را به نکاح تودادم) و طرف دیگرمی گوید (قبول کردم) یا یکی عنوان مطالبه را داشته باشد مثل اینکه پدر داماد و یا داماد برای پدر دختر بگوید: دختر خود را به نکاح من بده و پدر دختر در جواب بگوید: من دخترم را به تو دادم. این الفاظ اگر از طرف هر یک از موکلین مرد وزن هم اجرا گردد، عقد صحیح می‌باشد.

خواندن خطبهٔ عقد که مشتمل بر آیه و حدیث حمد و ستایش خداوندﷻ است، به وسیلهٔ یک نفر دانا و فهیمده مستحب است.

یکنفر می‌تواند وکیل مرد وزن شود که آنان را برای یکدیگر عقد کند، مثلاً در حضور دو شاهد بگوید: سکینه موکله خود را برای محمود موکل خود عقد نمودم.

اگر زنی به مردی اجازه داد که او را برای خودش عقد کند مرد می‌تواند در حضور دو شاهد زن را برای خود و کالتاً عقد نماید.

اگر شخصی چند دختر دارد باید در موقعی که یکی از آنها را عقد می‌کند اسم وی حتماً گفته شود.

اگر شخصی به دیگری گفت دختر خود مریم را به نکاح من بده و اوگفت «دادم»، نکاح بسته شده خواه طرف اول بگوید قبول کردم یا نگوید.

اگر زن در مجلس عقد حاضر بود و در موقع عقد به طرف او اشاره شد که این شخص را به نکاح تو دادم و طرف مقابل گفت قبول کردم نکاح جایز است اگر چه اسمش را نبرند.

اگر زن در مجلس عقد حاضر نبود، نام خود زن و پدر زن و اگر پدرش مشهور نبود نام پدر کلان وی باید گفته شود تا حاضرین مجلس بدانند که کدام زن عقد میشود.

نکاح باید در حضور دو مرد یا یک مرد و دو زن عاقل، بالغ، آزاد که به گوش خود گفتهٔ طرفین را بشنوند انجام گیرد.

اگر در خلوت و یا در حضور چند زن و یا در حضور یک مرد کسی بگوید: که دختر خود سکینه را به تو دادم و طرف هم بگوید: قبول کردم. این عقد صحیح نیست.

اگر دو شاهد کافر، یا صغیر باشند یا یک مرد مسلمان و دو زن صغیره باشند، نکاح جایزنیست.

اگر دختر و پسر بالغ با تعیین مهر نکاح خود را منعقد نمودند و بعد در حضور دو شاهد گفتند که مایکدیگر را نکاح کرده ایم این گفته نکاح مجدد است «زیرا قبلا شاهدی در میان نبوده نکاح صحیح نبوده و انجام نشده است»و نکاح منعقد می‌شود.

الفاظی که نکاح به آنها منعقد می‌شود:

ازدواج به الفاظ:۱- نکاح، ۲- تزویج،۳- بخشش،۴- تملیک، ۵- صدقه منعقد می‌شود؛ مانند: اینکه وکیل زن بگوید صدیقه را به نکاح یا ازداوج تو دادم و یا او را به تو بخشیدم و یا تو را مالکش گردانیدم و یا او را به صدقه (خیرات) به تو دادم و طرف یا وکیل وی بگوید: قبول کردم.

اگر کسی گفت فلان زن یا دختر را به تو فروختم و مرد گفت قبول کردم ازدواج صحیح است چون فروختن آزاد صحیح نیست، لذا مجاز از نکاح گرفته میشود.

نکاح به لفظ اجاره یا عاریه مثل اینکه بگوید دختر خود را به اجاره و یا عاریه به تو دادم طرف مقابل هم بگوید قبول کردم صحیح نیست.([1])

روش تدریس: سؤال و جواب، تشریحی.

مواد ممد درسی: کتاب، تخته و تباشیر.

وقت	فعالیت‌ها
۵ دقیقه	بعد از موضوعات مقدماتی باطرح چند سؤال از شاگردان درس گذشته را چنین ارزیابی کنید: - کی می‌تواند خطبه را تعریف کند؟ - کی می‌تواند بگوید که حکم خطبه چیست؟ - مرد باید دارای کدام اوصاف باشد؟
۳۰دقیقه	بعد از در یافت جواب ها، عنوان درس جدید را بر تخته می‌نویسد و برای شاگردان هدایت دهید تا درس را خاموشانه مطالعه نمایند در عین حال عناوین جانبی درس را روی تخته بنویسید. - ارکان نکاح

[1]- خلاصهٔ المسایل جلددوم.

محتوا	زمان
- الفاظ نکاح - چگونگی الفاظ نکاح - شرایط نکاح با استفاده از عناوین جانبی درس را تشریح نموده بالای بعضی نکات مهم ترکیز بیشتر می‌نماید. از چند شاگردی که امروز نوبت تشریح شان است میخواهد تا هر کدام یک عنوان را شرح نماید. شاگردان را به گروپ‌های مناسب تقسیم نموده از ایشان بخواهید تا در مورد درس از هم دیگر سؤال نمایند.	
ارزیابی جهت اطمینان خویش شاگردان را توسط سؤالات کتاب درسی ارزیابی می‌کند. **خلاصه** - نکاح دارای دو رکن ایجاب و قبول میباشد. نکاح را میتوان با الفاظ؛ مانند: نکاح، تزویج، هبه، صدقه، وعطیه (بخشش) مشروط به اینکه نیت نکاح باشد و شاهدان هم مقصد را بدانند عقد نمود. و الفاظ نکاح باید به زمان گذشته دلالت کند و اگر یک لفظ ماضی و دیگری مضارع باشد بازهم نکاح درست است. ایجاب و قبول باید در یک مجلس؛ یعنی مجلس عقد صورت گیرد. رضایت زن در نکاح شرط است.	۱۰دقیقه

درس: بیست و هفتم

عنوان: ولایت

صفحه: ۹۸

وقت: دو ساعت درسی

اهداف

شاگردان باید:

۱- تعریف لغوی و اصطلاحی ولایت را بدانند.

۲- انواع ولایت نفس را بیان کرده بتوانند.

۳- معلومات کافی راجع به شرایط ولی و ترتیب اولیا حاصل نمایند.

دانش لازمی

ولی در لغت به معنای دوست و در اصطلاح فقها به کسی گفته میشود که اختیار ازدواج پسر و دختر را دارد.

ولی عقد نکاح به کسانی گفته میشود که حق شوهر دادن دختران کم سن و سال را داشته باشند که از نظر امام شافعی عبارتند از: پدر، پدرکلان دختر و از نظر امام مالك و حنابله عبارتند از پدر و وصی او و حاکم وقت. و امام ابوحنیفه بر این قول رسول اللهﷺ عمل می‌نماید که: ترتیب عصبات در ولایت نکاح؛ مانند: ترتیب در ارث است و دورتر در موجودیت اقرب محروم میگردد ـ پس از جلب رضایتش ـ او را شوهر بدهند.

ممانعت ولی از ازدواج زنان با کسی که او را دوست می‌دارد و هم شأن اوست، حرام و نارو است؛ زیرا خداوند متعال می‌فرماید: (**وَإِذَاطَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَبَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَلَا تَعْضُلُوهُنَّ أَنْ يَنْكِحْنَ أَزْوَاجَهُنَّ إِذَا تَرَاضَوْابَيْنَهُمْ بِالْمَعْرُوفِ**) (البقره/ ۲۳)

«و هنگامی که زنان را طلاق دادید و مدت عدهٔ خود را به پایان رسانیدند، مانع از آن نشوید که با شوهران (سابق) خویش (یا کسانی دیگر) ازدواج کنند». ([1])

[1]- فقه خانواده درجهان معاصر. دکتر وهبه زُحَیلی

روش تدریس: سؤال و جواب، تشریحی، مباحثه، کار گروهی.

مواد ممد درسی: کتاب، تخته و تباشیر.

وقت	فعالیت‌ها
۵ دقیقه	بعد از موضوعات مقدماتی، باطرح چند سؤال از شاگردان درس گذشته را چنین ارزیابی کنید: - نکاح دارای چند رکن است؟ - نکاح به کدام الفاظ بسته میشود؟ - آیا از طریق مکتوب نکاح بسته میشود و یا خیر؟
۳۰ دقیقه	بعد از در یافت جواب ها، عنوان درس جدید (ولایت) را روی تخته می‌نویسد. و از شاگردان میخواهد تا درس را خاموشانه مطالعه نمایند. از دو شاگرد میخواهد تا یکی عناوین جانبی ذیل را از روی کتاب خوانده و دیگر شان آنها را بنویسد: - تعریف ولایت - انواع ولایت - اختیار ولی در نکاح - دوشیزه نباید بر خلاف رضایتش به نکاح باکسی مجبور ساخته شود - شرایط ولی - ترتیب اولیاء با استفاده از عناوین جانبی درس را شرح می کند. از چند شاگرد می‌خواهد تا هر کدام یک عنوان جانبی را به نوبۀ خود برای دیگران توضیح نمایند برای شاگردان چند دقیقه وقت دهید تا در مورد درس بین هم بحث و گفتگو نمایند. **ارزیابی** جهت اطمینان خویش شاگردان را توسط سؤالات کتاب درسی ارزیابی کنید: **خلاصه** - ولایت در لغت قرابت، امارت و صلاحیت را گویند. - در اصطلاح فقها عبارت از داشتن قدرت، صلاحیت و تصرف در کاری بدون اجازه شخص، ولایت گفته میشود. - ولایت به سه قسم است: ۱ – ولایت نفس ۲- ولایت مال ۳- ولایت نفس و مال.
۱۰دقیقه	- ولایت نفس بر دو قسم است: - ۱- ولایت اجبار ۲- ولایت اختیار

درس: بیست و هشتم

عنوان: کفائت

صفحه: ۱۰۱

وقت: دو ساعت درسی

اهداف

شاگردان باید:

۱- معنای لغوی و اصطلاحی کفائت را بدانند.

۲- در باره کفائت نظریات خویش را بنویسیند.

۳- به فواید درس آگاهی حاصل نمایند.

دانش لازمی

تعریف کفائت: کفائت به فتح کاف درلغت به معنای مساوات و برابری بوده و مقصد از آن اینست که شوهر در سطح اجتماعی، علمی، اخلاقی، مالی بازن خود برابر باشد. و در اصطلاح فقها عبارت از مساوات مرد بازن در اموری که بر نکاح اعتبار دارد میباشد.

اصولاً معیار و مقیاس شرافت، دیانت و تقوا است، خداوند متعالﷻ در قرآن مجید می‌فرماید: «إنَّ أكرَمَكُم عِندَالله أتقكُم» یعنی همانا گرامی ترین شما در نزد خداوند متعالﷻ پرهیزگار ترین شما است؛ ولی چون شریعت مقدس اسلام و مجتهدین کرام رحمه الله علیهم دور اندیشی نموده و برای استحکام هر چه بیشتر در امر زناشویی اهتمام ورزیده اند، کفائت را در امر ازدواج معتبر شمرده تا در آینده هم از مخاطرات و قطع روابط بین مسلمین بر اثر وصلتهائی که ممکن است اختلال در زنده گانی اجتماعی به وجود آورد جلوگیری به عمل آید.

و پیامبر اکرمﷺ می‌فرماید: (**الا لا یزوج النساء الا الاولیاء ولایزوجن إلا من الاکفاء ولاانتظام المصالح بین المتکافین**...)

ترجمه: پیامبرﷺ می‌فرماید: « آگاه باشید باید به ازدواج ندهند زنان را مگر اولیای آنها و به ازدواج داده نمیشوند آنها؛ مگر از کفو آنها» به جهت آنکه انتظام و مصالح نکاح چون الفت و محبت کامل نمی‌شود میان دو شخص تا اینکه کفو یکدیگر نباشند؛ زیرا زن شریفه إبا کنید از اینکه شوهرش مرد خسیس باشد.

مالکیه می‌گویند در «دیانت و سلامت» باید با هم متناسب باشند؛ اما اکثریت علما بر این باورند که دختر و پسر یا زن و مردی که قرار است با هم ازدواج نمایند باید در موارد زیر با هم کفائت و تناسب داشته باشند. در دین و اخلاق و پاکی و پرهیزگاری، نسب و خانواده، حرفه، شغل، تحصیل، ثروت و مقام.

از نظر مذاهب چهارگانه وجود کفائت و تناسب جزئی ملزومات ازدواج هستند؛ اما عدم کفائت مانع صحت ازدواج به شمار نمی‌روند و دلیل ضرورت وجود کفائت احادیث ضعیفی هستند؛ از جمله این حدیث ابن عمرؓ که: «برخی از

مردم عرب با برخی دیگر و قبیله یی با قبیله یی دیگر و مردی با مرد دیگر و برده گان هم به همین صورت با هم همشأن هستند».([1])

واقعیت این است که دلیل مراعات شایسته گی (همشأن بودن) و تناسب به عرف رایج و هماهنگی میان مصالح مرد و زن برمیگردد؛ زیرا آدم با شرافت و با کرامت حاضر به زنده گی با آدم پست و بی شخصیت نیست. لازم به یادآوری است که موضوع کفائت و تناسب باید در ارتباط با مرد مورد ملاحظه قرار گیرد، نه در ارتباط با زن. زیرا زن شریفه ابا می‌ورزد از اینکه همسرش مرد خسیس باشد، اما از جانب شوهر باکی ندارد که خانمش زن خسیس باشد؛

در صورتیکه زن شریفه با مرد خسیس ازدواج نماید عقد نکاح به خاطر در خواست اولیا و پیشگیری از عیب و عار دچار فسخ میگردد. هرگاه زنی با کسی که در شأن او نیست، ازدواج نماید عقد او صحیح است و اولیای او حق دارند به او اعتراض کنند و تقاضای فسخ عقد را بنمایند، مگر آن که به اختیار خود از این حق شان صرف نظر نمایند.

رأی برتر از نظر امام ابو حنفیه این است که نکاح انسان طبیعی و سالم با کسی که در شأن او نیست، به خاطر امکان بروز ناهنجاری‌های مختلف فردی و اجتماعی جایز نیست.

اوصاف کفائت و شرح آنها:

۱- در نسب معتبر پدر است، اگر پدر از نسب خوب باشد فرزندان وی نیز از همان نسب به شمار میروند. و اگر پدر دارای نسب خوب نباشد اولاد وی نیز نسب خوب ندارند؛ اگر چه مادر شان از نسب خوب باشد.

۲- برابری در اسلام بین اقوام معتبر است، لذا مردی که خودش و پدرش مسلمان است کفو زنی که پدر و پدرکلانش مسلمان گذشته باشد نیست و کسیکه خودش مسلمان باشد کفوی زنی نیست که خودش و پدرش مسلمان باشد.

۳- مردی که پدر و پدرکلانش مسلمان است کفو زنی است که چند پشت آن مسلمان است.

۴- مرد شرابخوار و بی بندوبار کفو زن دیندار و پارسانیست؛ اما با تأسف در عصر ما تعداد زیادی از مردم این موضوع را سطحی شمرده توانایی مال را بر منزلت تقوا و علم ترجیح داده و آنرا مقام اجتماعی میدانند حال آنکه آینده دختران شان در معرض خطر قرار گرفته و بالآخره سبب طلاق و جدایی در آیند میگردد.

۵- کفائت از لحاظ ثروت: اینست که مرد قدرت پرداخت مهریه زن را داشته باشد، لذا اگر مردی قدرت نفقه و مهریه (معجل) زن را نداشته باشد کفو یک دختر ثروتمند نیست؛ ولی اگر قدرت پرداخت نفقه و مهریه را داشت و از لحاظ ثروت از زن کمتر بود کفوش می‌باشد.

۶- برابری در کسب و پیشه این است که هم کسب باشند و یا دو کسب نزدیک باهم داشته باشند.

۷- مرد دیوانه کفو زن هوشیار نیست.

هم کفونبودن زن و مردی که در آینده می‌خواهند ازدواج نمایند مانع ازدواج نیست، ولی اگر یک زن بدون اجازه ولی خود به ازدواج غیر کفو در آمد ولی می‌تواند ازدواج را فسخ نماید. ([2])

---

[1]- اخرجه الحاکم.

[2]- هدایه نکاح . الفقه الحنفی فی ثوبه الجدیدجلد دوم . خلاصۀ المسائل.

روش تدریس: سؤال و جواب، تشریحی، مباحثه، کار گروهی.

مواد ممد درسی: کتاب، تخته و تباشیر.

وقت	فعالیت‌ها
۵ دقیقه	بعد از موضوعات مقدماتی باطرح چند سؤال از شاگردان درس گذشته را چنین ارزیابی کنید: - کی می‌تواند ولایت را تعریف کند؟ - ولی چه کسی است؟ - ولایت چند نوع است؟ - ولی چه شرایطی دارد؟
۳۰ دقیقه	بعد از در یافت جواب ها، عنوان درس جدید را بر تخته می‌نویسد. برای شاگردان هدایت می‌دهد تا درس را خاموشانه مطالعه نموده و هر گاه به کدام مشکلی مواجه شدند آنرا جهت پرسش یاد داشت نمایند. از یک شاگرد می‌خواهد تا عناوین جانبی ذیل را به خط خوانا روی تخته بنویسد. - تعریف کفائت. - حق خواستن کفائت. - اوصاف کفائت. درس را برای شاگردان شرح کنید. از چند شاگرد مورد نظر می‌خواهد تا هرکدام به نوبهٔ خود یک عنوان جانبی را برای دیگران توضیح نماید. برای شاگردان چند دقیقه وقت دهید تا در مورد مفاهیم درس از یک دیگر سؤال نمایند و خود در جریان این فعالیت جواب‌ها اشتباه را جهت اصلاح نزد خود یاد داشت کنید. **ارزیابی:** توسط سؤالات کتاب درسی، شاگردان را ارزیابی کنید. **خلاصه** - کفائت در لغت مساوات و برابری را گویند. - در اصطلاح فقها عبارت از برابری مرد و زن درآنچه که در نکاح اعتبار دارد. - حق خواستن کفائت از زن و اولیای زن میباشد. اوصاف کفائت ۱- دین ۲- اسلام ۳- حریت ۴- نسب ۵- مال ۶- کسب میباشد. اگر دختر به غیر کفوش ازدواج نمود ولی حق اعتراض را دارد.

درس: بیست و نهم

عنوان: محرمات نکاح

صفحه: ۱۰٤

وقت: دو ساعت درسی

اهداف:

شاگردان باید:

۱- تعریف محرمات را بدانند.

۲- انواع محرمات را مشخص کرده بتوانند.

۳- در باره حکمت حرمت نکاح با محرمات نسبی نظریات خویش را بگویند.

دانش لازمی

خداوندﷻ در قرآن کریم می‌فرماید: (**حُرِّمَتْ عَلَيكُمْ أُمَّهَاتُكُمْ وَبَنَاتُكُمْ وَأَخَوَاتُكُمْ وَعَمَّاتُكُمْ وَخَالَاتُكُمْ وَبَنَاتُ الْأَخِ وَبَنَاتُ الْأُخْتِ**) ([1])

ترجمه: حرام کرده شده برشما مادران تان و دختران تان و خواهران تان و عمه‌های تان و خاله‌های تان و دختران برادر و دختران خواهران تان.

زنانیکه ازدواج با ایشان حرام است سه نوع اند؛ حسب ذیل:

۱- محرمات نسبی ۲- محرمات به رضاعی (شیرخواره گی) ۳- محرمات با خویشاوندی.

۱- محرمات نسبی:

آیۀ کریمه فوق ازنگاه نسب به تحریم (هفت نوع) اشاره کنید و آنان: (مادران، دختران، خواهران، عمه ها، دختران برادر و دختران خواهر)، با اینان ازدواج برای ابدی حرام است،یعنی در هیچ حالی از احوال با آنان ازدواج جایز نیست و در (مادران) مادر کلان‌ها نیز شاملند (هر قدر که بالا برود) همچنان دختران و دختران آنان نیز شامل میشود (هر قدر پایین بیاید) و هم خواهران خواه (اعیانی) یعنی از یک پدر و مادر باشند یا از پدر و یا از مادر دیگر، و عمه‌ها و خاله‌ها هم خواه از طرف پدر باشند و یا از طرف مادر برای همیش حرام هستند.

۲- محرمات به سبب خویشاوندی یا (مصاهرت)

محرمات به سبب خویشاوندی (مصاهرت) را خداوندﷻ در قرآن کریم حسب ذیل ذکر کرده است:

الف- زوجۀ پدر(خانم پدر) نظر به آیه کریمه: (**وَلَا تَنْكِحُوا مَا نَكَحَ آبَاؤكُمْ مِنَ النِّسَاءِ**) آیه ۲۲ سوره النساء

ترجمه: و نکاح نکنید آنرا که پدران شما نکاح کرده اند از زنان.

[1]- سوره النساء آیه ۲۳

ب- زن پسر نظر به قول اوتعالی (وَحَلَائِلُ أَبْنَائِكُمُ الَّذِينَ مِنْ أَصْلَابِكُمْ) آیه ۲۳ سورۀ النساء

ترجمه: و حرام است بر شما زنان پسران تان که از پشت شما باشد.

ج- مادر زن نظر به قول اوتعالی که می‌فرماید: (وَأُمَّهَاتُ نِسَائِكُمْ) آیه ۲۳ سورۀ النساء

ترجمه: و حرام است بر شما مادران زنان شما.

د- دختر زن در صورتیکه با مادرش مجامعت کرده باشد. نظر به قول اوتعالی که می‌فرماید: (وَرَبَائِبُكُمُ اللَّاتِي فِي حُجُورِكُمْ مِنْ نِسَائِكُمُ اللَّاتِي دَخَلْتُمْ بِهِنَّ فَإِنْ لَمْ تَكُونُوا دَخَلْتُمْ بِهِنَّ فَلَا جُنَاحَ عَلَيكُمْ) سورۀ النساءآیه ۲۳

ترجمه: و حرام کرده شده است بر شما مادران زنان شما و دختر اندران شما که در پرورش شما میباشند از زنان تان که با آنها همبستر شده اید و اگر همبستر نشده اید گناهی نیست در گرفتن دختران آنان بر شما. و اصل در این مورد چنان است که مادر زن به مجرد عقد با دخترش حرام میگردد و اما دخترتا زمانیکه با مادرش مجامعت نکرده باشد حرام نمیشود، نظر به آیه کریمه (اللَّاتِي دَخَلْتُمْ بِهِنَّ) و علماء از آن قاعده، اصولی را استنباط کرده اند و آن اینست که (عقد با دختران و مادران را حرام میسازد و مجامعت با مادران، دختران را حرام میسازد).

مردی می‌تواند با یک زن و دختر شوهر قبلی او که از زن دیگری داشته ازدواج نماید؛ مثلاً: احمد دو زن دارد یکی بنام سکینه و دیگری به نام زینب و از زینب دختری دارد به نام ستاره. احمد زن خود سکینه را طلاق نموده است، مردی دیگری می‌تواند سکینه و ستاره را به نکاح خود در آورد.

۱- پسر خوانده گی که امروزه در جامعه ما به کثرت دیده میشود که شخصی اولاد ندارد به خاطر اینکه احساس بی اولادی نکند طفل را از شفاخانه‌ها و یا از اشخاصیکه توانایی مالی زیاد ندارند از آنها گرفته و یا خریداری میکنند و او را بزرگ مینمایند و یا اکثرا دیده میشود که مادران پسران را پسر خوانده با آنها مانند پسر عینی خود رفتار میکنند که این پسرخوانده گی در شریعت مقدس اسلام هیچ اعتبار نداشته و در قسمت ازدواج خطرات بزرگی را در قبال دارد و خداوندﷻ در بارۀ آن چنین میفرماید: (وَمَا جَعَلَ أَزْوَاجَكُمُ اللَّائِي تُظَاهِرُونَ مِنْهُنَّ أُمَّهَاتِكُمْ وَمَا جَعَلَ أَدْعِيَاءَكُمْ أَبْنَاءَكُمْ ذَلِكُمْ قَوْلُكُمْ بِأَفْوَاهِكُمْ وَاللَّهُ يَقُولُ الْحَقَّ وَهُوَ يَهْدِي السَّبِيلَ) (۴)

ترجمه: و خداوند آن همسرانتان را که مورد ظهار قرار میدهید مادران شما نگردانیده و پسرخوانده گانتان را پسران واقعی شما قرار نداده است این گفتار شما به زبان شماست ولی خدا حقیقت را میگوید و اوست که به راه راست هدایت کنید.

و همان پسر می‌تواند با آن زن ازدواج نماید و از جمله محرمات نکاح محسوب نمیشود.([1])

[1] - خلاصۀ المسائل وزیبایی های بیان درآیات احکام.

روش تدریس: سؤال و جواب، تشریحی، مباحثه، کار گروهی.

مواد ممد درسی: کتاب، تخته و تباشیر.

وقت	فعالیت‌ها
۵ دقیقه	بعد از موضوعات مقدماتی با طرح چند سؤال از شاگردان درس گذشته را چنین ارزیابی کنید: چی کسی حق تقاضای کفائت را دارد؟ اوصاف کفائت را بگویید؟ اگر دختر عاقل بالغ یک شخص غیر کفوش را انتخاب نمود، آیا ولی حق اعتراض را دارد؟
۳۰ دقیقه ۱۰دقیقه	بعد از شنیدن جواب ها، عنوان درس جدید را بر تخته می‌نویسد. و برای شاگردان هدایت دهید تا درس را خاموشانه مطالعه کنند و اگر بکدام مشکلی برمیخوردند آنرا نزد خود یاد داشت نمایند. در عین حال عناوین جانبی ذیل را روی تخته نوشته و متوجه شاگردان میباشد. - تعریف محرمات. - انواع محرمات. - حکمت حرام بودن نکاح با این زنان. - حرمت مصاهرت. - حرمت مصاهرت بر اثر زنا. با استفاده از عناوین جانبی، درس را برای شاگردان شرح کنید. از چند شاگرد میخواهد تا هر کدام یک عنوان جانبی را توضیح نمایند. برای شاگردان هدایت دهید تا نصوص درس را با ترجمه شان با دقت خوانده و از هم دیگر معنای کلمات نصوص را بپرسند. **ارزیابی** جهت اطمینان خویش شاگردان را توسط سؤالات کتاب در سی ارزیابی کنید. **خلاصه** - محرمات در لغت جمع مُحرَم ومُحرَم به چیزی حرام (منع) ساخته شده گفته میشود. - در اصطلاح به مرد و زنی گفته میشود که به دلیل قرابت و خویشاوندی نکاح با او حرام است. - محرمات به دو نوع است: - ۱- محرمات ابدی ۲- محرمات موقتی. و محرمات ابدی به سه قسم است ۱- محرمات نسبی ۲- مصاهرت ۳- رضاع

درس: سی ام

عنوان: محرمات رضاعی

صفحه: ۱۰۷

وقت: دو ساعت درسی

اهداف

شاگردان باید:

۱- محرمات رضاعی را بشناسند.

۲- مدت شیرخواره گی را بدانند.

۳- تفاوت حکم حرمت میان شیردهنده و شیرخورنده را بیان کرده بتوانند.

دانش لازمی

وقتی نوزادی متولد شود بر مادر شیردادن او واجب است؛ ولی اگر پدر ثروتمند باشد و زنی شیردهنده که شیرش با نوزاد سازگاری داشته باشد پیدامیشد طفلش را توسط او شیر داد باکی ندارد.

زن نمی‌تواند بدون اجازۀ شوهر فرزند بیگانه را شیردهد، اگر چه آن کودک از خواهرش باشد ولی اگر طفل از گرسنه گی در معرض هلاکت باشد؛ بدون اجازه شوهر می‌تواند شیر دهد.

حدا کثر مدت شیرخواره گی برای طفل بنا بر مقرارت مذهب حنفی دونیم سال است عده یی از فقهای اسلامی مدت شیرخواره گی را دو سال بیان فرموده اند. و اگر طفلی را بعد از دو سال شیر نوشیدن از شیر باز گرفتند و کودک عادت به خوردن طعام نمود بعد از این اگر از پستان زنی شیر نوشید احکام شیرخواره گی و حرمت در بارۀ وی ثابت نمی‌شود.

مقدار شیری که شیرخواره گی را ثابت میسازد:

مقدار شیری که شیرخواره گی را ثابت کنید و موجب حرمت می‌شود نوشیدن یک قطره شیر یا یک بار مکیدن است.

اگر پیر زنی نواسه خود را به پستان خود مشغول نمود و پستان او دارای شیر گردید آن نواسه اگر پسر باشد پسر رضاعی جده (بی بی) خود میشود و اگر دختر باشد دختر رضاعی جده میشود و اگر همه نواسه‌ها ی پسری و دختری خود را به پستان خشک خود مشغول می‌داشته که بعداً پستانش دارای شیر شده بین همه آنها ازدواج حرام است.

آنچه از نسب بر شخصی حرام است از رضاعت یعنی شیرخواره گی بر شخص حرام میشود.

اگر شخصی دو زن داشت که یکی از آنها دختر عبدالقیوم را شیر داد و زن دیگر پسر عبدالمجید را این دختر و پسر نمی‌توانند با یکدیگر ازدواج نمایند اگر چه از دو زن شیر نوشیده اند؛ زیرا شیر این دو زن از مجامعت یک مرد است خواهر و برادر علاتی رضاعی می‌شوند؛ چنانچه ازدواج بین خواهر و برادر علاتی نسبی جایز نیست؛ همانگونه بین خواهر و برادر علاتی رضاعی جایز نمیباشد. برای ثبوت رضاعت اتحاد شیر دادن در یک زمان شرط نیست؛ بلکه شیر از یک پستان اگر چه در زمانهای متفرق مکیده شده باشد اعتبار دارد. مثلا یک زن طفلی را در سن بیست ساله گی خود شیر می دهد و طفلی دیگری را در سن سی ساله گی خود شیر میدهد، حرمت رضاعت (شیرخواره گی) بین این زن و اطفالی که در سالهای مختلف شیر نوشیده اند ثابت میشود و آن زن برای تمام این اطفال که در زمانهای مختلف از او شیر نوشیده اند مادر می‌شود.

اگر مردی از پستان زن خود شیر نوشید، زن بر او حرام نمی‌شود.

مسایل متفرقه رضاعت (شیرخواره گی):

۱- اگر زنی در بینی کودکی شیر دو شید شیرخواره گی ثابت می‌شود و اگر در گوش او دوشید شیرخواره گی ثابت نمی‌شود.

۲- اگر شیر زن مخلوط با آب یا دوا گردید و به کودکی نوشانیده شد در صورتی که شیر بیشتر و آب و دوا کمتر یا هر دو برابر باشند احکام شیرخواره گی ثابت می‌شود؛ اما اگر آب و دوا بیشتر و شیر کمتر بود رضاعت ثابت نمی‌شود و همچنین اگر شیر زنی را با شیرحیوانی مخلوط نمودند اکثریت اعتبار دارد.

۳- در مان کردن با شیر زن جایز نیست. ([1])

روش تدریس: تشریحی و سؤال و جواب.

مواد ممد درسی: کتاب، تخته و تباشیر.

وقت	فعالیت‌ها
۵ دقیقه	بعد از موضوعات مقدماتی باطرح چند سؤال درس گذشته را چنین ارزیابی کنید: حکمت حرمت نکاح با محرمات نسبی چیست؟ مقصد از حرمت مصاهرت چیست؟ و به چند قسم است؟ آیا با زنا حرمت مصاهرت ثابت می‌شود؟
۳۰دقیقه	بعد از شنیدن جواب‌ها عنوان درس را بر تخته می‌نویسد. و برای یک شاگرد هدایت می‌دهد تا با استفاده از کتاب درسی عناوین جانبی ذیل را روی تخته بنویسد. - محرمات رضاعی - چه کسانی بر شیر دهنده و شیرخورنده حرام اند شیری که حرمت با آن ثابت می‌شود. - شیرکم یا زیاد با استفاده از عناوین جانبی درس را برای شاگردان تشریح می کند. از چند شاگرد میخواهد تا هر کدام یک عنوان جانبی را توضیح نماید. شاگردان را به گروپ‌های ۶ نفری تقسیم نموده برای شان هدایت دهید تا در مورد مفاهیم درس بین هم بحث نمایند و خود متوجه نظریات ایشان میباشد. **ارزیابی** جهت اطمینان خویش شاگردان را توسط سؤالات کتاب درسی ارزیابی می کند.
۱۰دقیقه	**خلاصه** - محرمات رضاعی آنست که به سبب خوردن شیر به شیرده حرام میشود. - از جانب شیرده همه خویش شوند و از جانب شیرخواره زوجان و فروع - شیری که شیرخواره گی را ثابت کند و موجب حرمت می‌شود نوشیدن یک قطره شیر یا یک بار مکیدن است.

[1]- الفقه الحنفی فی ثوبه الجدید صفحه ۱۵۴- خلاصة المسایل صفحه ۲۵

درس: سی و یکم
عنوان: محرمات موقت
صفحه: ۱۰۹

وقت: دو ساعت درسی

اهداف

شاگردان باید:

۱- محرمات موقت را بشناسند.

۲- بدانندکه حکم نکاح با زنان اهل کتاب چیست؟

۳- فواید درس را بالای مردم تطبیق کرده بتوانند.

دانش لازمی

۱- خداوند ﷻ در سوره النساء آیه ۲۳ به کسانی اشاره کنید که ازدواج با آنان موقتاً حرام میباشد و به دو نوع ذکر شده اند.

الف – جمع بین الاختین (دو خواهر):

جمع بین الاختین (دو خواهر) نظر به قول او تعالی که چنین می‌فرماید: «**وَأَنْ تَجْمَعُوا بَيْنَ الْأُخْتَيْنِ**»

یعنی و حرام است اینکه: جمع کنید بین دو خواهر. سنت مطهره (جمع بین زن و عمه او) و(جمع بین زن و خاله او) را نیز بران افزوده است. «بخاری» و «مسلم» از ابی هریره روایت کرده اند که پیامبر بزرگ اسلامﷺ از جمع بین دو خواهر و بین زن و عمه اش و بین زن و خاله اش نهی کرده است.

و حکمت در آن خوف قطع صلهٔ رحم است، نظر به حدیث ابن عباس رضی الله عنه که فرموده است: (**نهى رسول اللهﷺ أن يتزوج الرجل المرأة على العَمَّة، أوعلى الخالة. وقال:** ((**إنكم إذا فعلتم ذلك قطعتم أرحامكم**)).

ترجمه: رسول اکرمﷺ نهی کرده ازینکه مرد زنی را بالای عمه اش(عمه همان زن) یا بالای خاله اش بگیرد. و فرموده است که اگر چنین کنید ارحام خود را قطع کرده اید.

ب- خواستگاری از زنی که در حالت عدّه است

برای شخص مسلمان، حلال نیست که زن مطلّقه و یا زنی که شوهرش فوت نموده است را تا وقت سپری شدن مدت عدّه‌اش به تصریح([1]) خواستگاری نماید [چون مدت عدّه حریم و جزو متعلقات ازدواج قبلی است و جایز نیست به این حریم تجاوز شود] ولی خواستگار می‌تواند از طریق کنایه و اشاره (نه به صراحت) به زنی که شوهرش فوت نموده و هنوز در عدّه می‌باشد، بفهماند که مایل است بعد از انقضای عدّه با او ازدواج کند.

دلیل ما در این باره، آیه قرآنی است که خداوندﷻ می‌فرماید: «و بر شما گناهی نیست که از زنانی (که شوهر انشان فوت کرده‌اند و در عدّه به سر می‌برند) به طور کنایه خواستگاری کنید، و یا در دل خود تصمیم بر این کار بگیرید

[1]- منظور از خواستگاری به تصریح اینست که مرد از زن به صراحت درخواست ازدواج کند، این درخواست از زنی که در حال عده بسر می‌برد، جایز نیست. مقابل این خواستگاری به تعریض است و آن به این معنی است که مرد به کنایه از زن در حال عدّه خواستگاری می کند، مثلاً بگوید چه بسیار افرادی که تمایل ازدواج با تو را دارند، یا تو زن زیبایی هستی، اینگونه خواستگاری اشکالی ندارد.

(بدون آنکه اظهار نمایید) خداوند می‌دانست شما آنان را یاد خواهید کرد؛ ولی به آنان پنهانی وعده ازدواج ندهید.» [بقره: ۲۳۵].

ج- مردی که چهار زن در خانه دارد نمی‌تواند زن پنجم را نکاح کند

البته اگر یکی از چهار زن راطلاق داد و عدتش گذشت می‌تواند زن دیگری را نکاح کند.([1])

۲- ازدواج مرد غیر مسلمان با زن مسلمان

ازدواج زن مسلمان با مرد غیرمسلمان، چه کتابی و چه غیرکتابی یا مشرک جایز نیست؛ زیرا:

الف ـ از نظر شریعت اسلام، ولایت و سرپرستی کافر بر مسلمان حرام است. خداوند متعال می‌فرماید:

(وَلاَ تُنكِحُواْ الْمُشِرِكِينَ حَتَّى يومِنُواْ وَلَعَبْدٌ مؤمن خَيرٌ مِّن مُّشْرِكٍ وَلَوْ أَعْجَبَكُمْ)

ترجمه: «زنان مسلمان را به عقد مشرکین در نیاورید تا اینکه مسلمان شوند. (اگر چه ناچار شوید آنها را به همسری، غلامان با ایمان درآورید زیرا: یک غلام با ایمان، از یک مرد آزاد بت‌پرست، بهتر است، هر چند (مال و موقعیت و زیبایی او) شما را به شگفتی آورد» [بقره: ۲۲۱] و در جای دیگر می‌فرماید: **(يا أَيهَا الَّذِينَ آمَنُواْ لاَ تَتَّخِذُواْ الْيهُودَ وَالنَّصَارَى أَوْلِياء بَعْضُهُمْ أَوْلِياء بَعْضٍ وَمَن يتَوَلَّهُم مِّنكُمْ فَإِنَّهُ مِنْهُمْ إِنَّ اللّهَ لاَ يهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ)**

ترجمه: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! یهود و نصاری را ولی (دوست و تکیه‌گاه انتخاب نکنید، آنها اولیای یکدیگرند! و کسانی از شما که با آنان دوستی کنند؛ از آنها هستند خداوند گروه ستمکار را هدایت نمی‌کند.» [مائده: ۵۱]

بدون شک ولایت و سرپرستی شوهر بر زن امری مسلم است؛ چرا که زن باید از شوهر اطاعت کند مرد است که رئیس خانواده و مسلّط بر زن و مسؤول زنده گی اوست.

ب ـ دومین علت تحریم این است که مردان غیر مسلمان قرآن را قبول ندارند و حضرت محمدﷺ را به عنوان پیامبر نمی‌شناسند. اسلام را انکار می‌کنند، پس زن مسلمان توان این را ندارد که تحت سلطه چنین شوهری آزادی دینی داشته باشد و عبادات و شعایر دینی خود را انجام دهد، چون چنین شوهر کافری هیچ احترامی برای دین و عقیده او قایل نیست و بر او فشار می‌آورد که دین خود را رها کند و به دین او بگراید.

ب ـ فرزندان معمولاً پیرو پدران خود هستند و دین او را برای خود برمی‌گزینند، در چنین موقعیتی زن مسلمان هیچگونه تسلّط و سیطرۀیی ندارد که عقیده صحیح اسلامی را بیاموزد و بچه‌ها را با مسأله تربیت دینی بار آورد و این او را آزار دهید.

ج ـ زن بر اثر طبیعت عاطفی، فطرت و احساسات زنانه مخصوص به خود، احتمالاً سعی خواهد کرد خود را هماهنگ و هم جهت شوهرش کند، بدین منظور دین و اعتقادات همسرش را بپذیرد. خصوصاً اگر شوهر اصرار کند یا با تهدید و ترغیب او را در جهت تغییر دینش اغواء نماید.

۳- ازدواج مرد مسلمان با زن اهل کتاب

اما ازدواج با زنان اهل کتاب (مسیحی و یهودی) یعنی زنانی که به یکی از ادیان آسمانی باور دارند، به دلیل این آیه جایز است:

۱- خلاصۀ المسائل جلد دوم.

(الْيَوْمَ أُحِلَّ لَكُمُ الطَّيِّبَاتُ وَطَعَامُ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حِلٌّ لَكُمْ وَطَعَامُكُمْ حِلٌّ لَهُمْ وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الْمؤمناتِ وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ) (المائده / ۵)

«امروزه (با نزول این آیه) همه چیزهای پاکیزه (و طبع سالم پسند) بر ایتان حلال گردید، و (ذبائح و) خوراک اهل کتاب (به جز آن چه با آیات دیگر تحریم شده) برای (شما حلال گردیده) و خوراک شما نیز برای آنها حلال است.

و (ازدواج با) زنان پاکدامن و مؤمن و زنان پاکدامن اهل کتاب پیش از شما، حلال است».

اما ازدواج با زنان اهل کتاب کراهت دارد و به خاطر محافظت از مصالح مسلمانان از ازدواج با نظامیان و سیاستمداران نظام اسلامی با زنان (یهودی و مسیحی) باید جلوگیری شود تا زمینه برای نفوذ و کسب اطلاعات از طرف دشمنان فراهم نشود.

برخی از جوانان به خاطر گران بودن هزینهٔ ازدواج در ممالک اسلامی یا شرایط تحصیل و زنده گی در ممالک بیگانه، یا دستیابی به اقامت، یا زیبایی یا طمع در مال و ثروت و گاهی به خاطر مسلمان نمودن و هدایت آنها و یا فرهنگ و دانش برخی از زنان غربی، با آنها ازدواج می‌نمایند که گاهی متأسفانه عواقب بسیار زیان باری را برای آنها در پی دارد.

هرگاه خانمی از اهل کتاب یا... مسلمان شود و شوهرش حاضر به ترک دین خود نشود، نکاح آنها به اتفاق علما باطل می‌گردد.

روش تدریس: سؤال و جواب، تشریحی، مباحثه،کار گروهی.

مواد ممد درسی: کتاب، تخته و تباشیر.

وقت	فعالیت‌ها
۵ دقیقه	بعد از موضوعات مقدماتی باطرح چند سؤال از شاگردان درس گذشته را چنین ارزیابی کنید محرمات رضاعی کدام است؟ تفاوت حکم حرمت میان شیردهنده و شیرخورنده را بگویید. با کدام شیر حرمت ثابت می‌شود؟
۳۰دقیقه	بعد از شنیدن جواب ها، عنوان درس جدید را بر تخته می‌نویسد. و برای شاگردان هدایت میدهد تا درس را خاموشانه مطالعه کنند. در عین حال عناوین جانبی ذیل را روی تخته مینویسد: - محرمات موقت - ازدواج بیش از یک زن - ازدواج بازن کسی دیگر و یا زنی که بعد از طلاق یا مرگ شوهر در عدت نشسته باشد - نکاح با زنی که به هیچ دین آسمانی ایمان ندارد - نکاح با زنان اهل کتاب - نکاح زن مسلمان با کافر با استفاده از عناوین جانبی درس را برای شاگردان توضیح و تشریح کنید.

متن	
از چند شاگرد میخواهد تا هر کدام به نوبهٔ خود یک عنوان را شرح کند. شاگردان را به گروپ‌های مناسب تقسیم کرده و از آنها بخواهید تا در بارهٔ (ازدواج با بیش از یک زن و ازدواج با زنان اهل کتاب و کافر) بحث نمایند و خود متوجه نظریات شان بوده بعضی از نظرها را نزد خود یاد داشت میکند **ارزیابی** جهت اطمینان خویش شاگردان را توسط سؤالات کتاب درسی ارزیابی می‌کند. **خلاصه** - محرمات موقت به کسانی گفته میشود که بنا بر اسباب خاصی نکاح با آنها حرام است و با از بین رفتن سبب، ازدواج با آنها جایز می شود. - شخصی که توانایی عدالت میان همسران خود را داشته باشد می‌تواند با بیشتر از یک زن تا چهار زن ازدواج نماید.	

درس: سی و دوم

عنوان درس: متعه

صفحه: ۱۱۳

وقت: دو ساعت درسی

اهداف: شاگردان باید:

۱- تعریف لغوی و شرعی متعه را بدانند.

۲- فرق میان نکاح موقت متعه را کرده بتوانند.

۳- حکم نکاح متعه را بیان نمایند.

۴- نکاح شغار را تعریف و حکمش را برای مردم رسانده بتوانند.

دانش لازمی

۱- نکاح متعه و ازدواج موقت

ازدواج در اسلام، عبارت از عقدی محکم و پیمان ناگسستنی است، که بر پایه نیت زنده گی مشترک و دایمی، توالد و فرزند آوری استوار میباشد، لذا ازدواج موقت جایز نیست.

نکاح متعه یا نکاح موقت این است که زن و مردی تنها به خاطر بهره برداری جنسی از یکدیگر برای مدت زمان مشخصی با هم اتفاق کنند و پس از پایان آن مدت بدون طلاق از یکدیگر جدا شوند.

قبل از اینکه شریعت اسلام استقرار یابد و در دلها رسوخ نماید، پیامبرﷺ اجازه نکاح موقت را در سفر و غزوات به اصحاب داد؛ اما بعد برای همیشه آنرا حرام نمود.

فلسفهٔ اجازهٔ پیامبرﷺ و مباح نمودن متعه در اوایل اسلام این بود که مسلمانان در مرحله یی قرار داشتند که میتوان آن را به دوره انتقال از جاهلیت به اسلام نام نهاد و زنا در زمان جاهلیت زیاد و شایع بود ؛ زمانی که اسلام آمد و از مردم خواست به منظور غزا و جهاد به ترک خانه هایشان اقدام نمایند، دوری از زنان شان برای آنها سنگین و مشکل بود و بیم آن می‌رفت که برخی اصحاب دچار زنا که بد ترین گناه و شنیع ترین انحراف است شوند؛ اما تعدادی از اصحاب تصمیم گرفتند که خود را خصی کنند و یا آلت تناسلی خود را قطع نمایند همانطوری که ابن مسعودؓ می‌گوید: «ما با پیامبرﷺ غزا می‌کردیم و همسرانمان با ما نبودند گفتیم: آیا خود را خصی نکنیم؟

پیامبرﷺ ما را از این کار منع کرد و اجازه داد که زنانی را به طور موقت در مقابل خریدن لباس نکاح نماییم»([1]).

پس اباحه متعه در اوایل اسلام رخصتی به منظور حل مشکلات و قدمی بود در مسیر تکاملی زنده گی مشترک زناشویی حقیقی، که تمام اهداف عالیه را تضمین نموده و عفت، آرامش، دوام نسل، مهر و محبت و گسترش دایره خویشاوندی را به ارمغان می‌آورد.

همان گونه که قرآنکریم در مورد تحریم شراب و ربا که در زمان جاهلیت رواج و تسلط زیادی در جامعه داشتند به صورت تدریجی اقدام کرد، در این مورد هم ابتدا در مواقع اضطراری و ناچاری و ضرورت اجازه داد که از نکاح

[1]- متفق علیه .

موقت استفاده شود؛ ولی بعد این نکاح را حرام نمود. ناگفته نباید گذاشت که: این نکاح در اوایل اسلام جواز داشت و روز خیبر به روایت حضرت علی (کرم الله وجهه) پیغمبرﷺ آنرا حرام قرار داده و حرام بودن آنرا اعلان نمود.

۲- نکاح شغار

تعریف شغار: شغار در لغت به کسر شین معجمه به معنی بلندکردن است؛ چنانچه گفته میشود: الکلب اذا رفع رجله لیبول: (سگ بلند کرد پای خود را تا بول نماید)([۱])

و همچنین شغار مشغاره و شغاراً: که یکی از نکاح‌های زمان جاهلیت است که در اسلام منع شده و به معنای بدون مهر ازدواج کردن است و در اصطلاح امروزی افغانستان مشهور به (سربدل و یا بدل) میباشد.

نکاح شغار یکی از نکاحهای زمان جاهلیت بوده که آن را دین مقدس اسلام حرام نموده است. و در این مورد حدیث شریفی از ابن عمرؓ روایت است که رسول اللهﷺ می‌فرماید: (**نَهَى النَّبِيّ،عَلَيهِ السَّلام، عَنِ الشِّغَارِ**).

ترجمه: (رسول اللهﷺ منع کرده است از نکاح شغار).

نکاح شغار آن است که ولّی، دختری را به شرطی به نکاح دیگری در آورد که او هم خواهر و یا دختر خود را راضی به ازدواج با او بنماید و این مبادله یا معامله به صورتی باشد که برای هر یک از آنها مهر جداگانه یی معین نشود، این نوع نکاح به اتفاق علما باطل است؛ زیرا رسول خداﷺ از نکاح شغار نهی فرموده است. و امام ابوحینفه (رح) این نهی را بر کراهت تحریمی حمل نموده و نکاح به مهر مثل صحیح میگردد و اگر پس از عقد و قبل از زفاف برای هر یک از آنها مهر جداگانه یی معین شود نکاح شان صحیح است. [۲]

روش تدریس: سؤال و جواب، تشریحی، مباحثه، کار گروهی.

مواد ممد درسی: کتاب، تخته و تباشیر.

وقت	فعالیت‌ها
۵ دقیقه	بعد از موضوعات مقدماتی با طرح چند سؤال از شاگردان درس گذشته را چنین ارزیابی می کند. نکاح با زنی که در حال سپری کردن عده است چه حکم دارد؟ در وقت ازدواج با بیش از یک زن، رعایت چه نکاتی لازم است؟ حکم نکاح با زنان اهل کتاب چیست؟
۳۰ دقیقه	بعد از در یافت جواب ها، عنوان درس را بر تخته می‌نویسد. با استفاده از دانش لازمی در بارهٔ نکاح متعه معلومات مختصری ارایه میکند. برای دو شاگرد وظیفه میدهدتا یکی عناوین جانبی ذیل را خوانده و دیگرش آنها را در کنار تخته بنویسد. - نکاح موقت یا متعه - تعریف لغوی متعه

[۱]- فتح الملهم ج ۶ ص ۵۶۵

[۲]-الفقه الحنفی فی ثوبه الجدید وفقه خانواده درجهان معاصر.

- حکم متعه - نکاح شغار - حکم نکاح شغار با استفاده از عناوین درس را برای شاگردان تشریح میکند. از چند شاگرد بخواهید تا هر کدام یک عنوان جانبی را توضیح نماید. شاگردان را به دو دسته تقسیم نموده از ایشان بخواهید تا در مورد درس از هم دیگر سؤال نمایند. **ارزیابی** جهت اطمینان خویش شاگردان را ضمن چند سوا ل ارزیابی می کند. متعه چیست؟ حکم نکاح متعه چیست؟ حکم نکاح شغار را بیان کنید. **خلاصه** - متعه در لغت اسم مصدر بوده و از تمتع گرفته شده است، و متاع به چیزی گفته می‌شود که از آن فایده گرفته می‌شود و شرعا عبارت است از ازدواج کردن بازنی برای یک وقت معین بدون در نظرداشت مقاصد نکاح از قبیل داشتن اولاد و تربیت سالم آنها و تشکیل یک خانواده سالم. - آزروی حکم نکاح متعه باطل و حرام است. - شغار مصدر شَاغَرَ و به معنای خالی بودن است، و نکاح شغار هم از عوض که مهر است خالی می‌باشد. - در مذهب امام ابوحنیفه (رح) همراه با کراهیت درست بوده و قبل از زفاف مهر مثل بالای شوهر لازم میگردد.	۱۰ دقیقه

درس: سی و سوم

عنوان: مهر

صفحه: ۱۱۵

وقت: دو ساعت درسی

اهداف

شاگردان باید:

۱- تعریف مهر را بدانند.

۲- به دلیل مشروعیت مهر معلومات حاصل نمایند.

۳- میزان مهر را دانسته ودرجامعه تطبیق کرده بتوانند.

۴- راجع به حکمت مهر نظریات خویش را بگویند.

دانش لازمی

مهر

مَهر درلغت: به فتح میم ـ کلمهٔ عربی است که آنرا، مهریه و قباله نیز گویند. در قرآن الفاظ دیگری در معنای مَهر استعمال شده است؛ مانند: صَدُقُه، نِحلَه، فریضَه، أجرْ

مهر عبارت از مالی است که به محض عقد و معاشرت بر عهدهٔ مرد قرار گرفته و زن مستحق آن میشود. خداوند متعال ﷻ در قرآنکریم چنین میفرماید: ﴿ وَآتُواْ النَّسَاء صَدُقَاتِهِنَّ نِحْلَةً ﴾ (النساء / ۴)

ترجمه:«با طیب خاطر مهریه‌هایشان را به آنان بدهید».

هم‌چنین فرموده است: ﴿ فَمَا اسْتَمْتَعْتُم بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً ﴾ (النساء / ۲۴)

ترجمه: «اگر با زنی ازدواج کردید و با او همبستر شدید مهر اش را (به طور کامل) بپردازید و این فریضه‌یی (خدایی) است».

بنابراین چون مهر رکنی از ارکان عقد ازدواج است، نادیده گرفتنش به هیچ‌وجه جایز نیست.[۱]

هدف مهر

هدف از مهر اظهار اهمیت عقد، ازدواج، اکرام و احترام به شخصیت زن و اظهار حُسن نیت و صداقت مرد برای ازدواج با او و زمینه‌یی برای دوام معاشرت و زنده گی زناشویی است و علت اینکه مرد باید متعهد پرداخت مهر شود این است که معمولاً مردها با توجه به کار و تجارت و درآمد حاصل از آن توانایی مالی شان بیشتر از زنان است و معمولاً زنان در صورت جدایی یا فوت همسر بیشتر به توشه و سرمایهٔ مادی احتیاج پیدا می‌کنند؛ زیرا خداوند متعال فرموده است:

(الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاء بِمَا فَضَّلَ اللّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنفَقُواْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ)(النساء/ ۳۴)

---

[۱]- زیبایی های بیان درآیات احکام جلداول .

ترجمه: «مردان (مسؤولیت) سرپرستی و خدمت زنان را بر عهده دارند؛ زیرا خداوند برخی را (به خاطر توانایی‌های جسمی و ارادی) بر برخی دیگر برتری بخشیده و نیز به این دلیل که (معمولاً مردان) از اموال خود (برای خانواده) هزینه می‌نمایند».

اینک در غرب تأدیهٔ مهر به ذمهٔ زن است و آنها باید مهر را پرداخت کنند درست عکس فطرت بشری و توهین به شخصیت و کرامت زن و بهره کشی از اوست؛ زیرا زن مجبور است که مدت‌های زیادی را برای جمع آوری مهر به کار و تلاش بپردازد و چنانچه موفق به این کار نشود ممکن است دچار انحراف و برده گی جنسی شود.([1])

مقدار مهر

عده یی زیادی از اهل حدیث و شافعی و احمد بدین قایل اند که مهر چه کم باشد و چه زیاد، جایز است؛ ولی فقهای حنفی اندازه اقلّ مهر را«ده درهم شرعی» که معادل آن مساوی است با ۷۵،۲۹ گرام نقره که قیمت فی گرام آن بتاریخ ۱۳۹۰/۰۷/۰۶ هـ ش (۱۰۰ افغانی) میباشد که مجموعاً به پول رایج امروز مبلغ (۲۹۷۵ افغانی) می‌شود؛ تعین کرده اند زیرا در حدیثی از رسول اکرمﷺ روایت شده که «مهر از ده درهم کمتر، مهر نیست».

با همه این موارد، شریعت اسلام مقدار و میزان مشخصی برای مهر تعیین نکرده است؛ اما تشویق و تأکید کرده که مهرها سبک و کم باشد تا زمینه برای ازدواج فراهم شود و جوانان قادر بر تشکیل خانواده باشند، حتی می‌بینیم که پیامبرﷺ به پدران و اولیای دختران توصیه کرده که در مورد مهر دختران شان آسان بگیرند و مهرهای سنگین بر دوش جوانان نگذارند تا اینکه در جامعه ازدواج ترویج پیدا کند [و این هم وقتی امکان دارد که راه ازدواج و وسیله آن آسان و ساده باشد به‌گونه یی که فقیران و افراد تنگدست که اکثریت جامعه را تشکیل می‌دهند از عهده مهر آن برآیند، لذا اسلام مهرهای سنگین و نامتعارف را مکروه می‌داند.]

در اینجا به رهنمودهای کریمانه پیامبر اکرمﷺ در این رابطه توجه می کنیم:

- «ابن‌حبان» از پیامبر اکرمﷺ روایت کرده که: «خیر و برکت زنانی بیشتر است که مهر آنان سبک‌تر باشد».
- «احمد و بیهقی» روایت کرده‌اند که: «با برکت‌ترین زنان، آنانی هستند که مهرهای آنها کمتر و سبک‌تر باشد».
- «آلوسی» از عایشه رضی الله تعالی عنه روایت کرده است: «میمنت و مبارکی زن در کم بودن مهر و آسان بودن نکاح اوست.»

متأسفانه بیشتر مردم این تعالیم بزرگ و هدفمند اسلام را نادیده گرفته و از آن تجاوز کرده و عادات و رسوم دوران جاهلیت را پیش گرفته و آنچه را خداوند بر آنها آسان گرفته، برخود سخت کرده‌اند، مهر را سنگین می گیرند و صدها هزار و یا مبالغی سنگین تر از آن مطالبه می کنند، گویی که زن به صورت کالایی درآمده که در معرض تجارت قرار گرفته است. این کار سبب شده بسیاری از مفاسد و انحرافات شیوع پیدا کند و بازار ازدواج تنگ گردد و دسترسی به حلال از حرام سخت‌تر باشد. راستی آن مسلمانی که خود را ملتزم به سنّت نبوی و آداب اسلامی می‌داند؛ آیا دختر آنها از دختران پیامبرﷺ برتر است که آنحضرت ﷺ هنگام ازدواج دخترانش مهر کم و سبک تعیین کرد و با مراسمی ساده

---

[1]- آداب خواستگاری وحقوق زوجین.

آنها را شوهر داد. بنا براین مسلمان باید این رسم جاهلیت را ترک نماید و مانند سلف صالح خویش، به دنبال مال و دارایی مرد و میزان بلند عقد نباشد، فضیلت و کرامت را در اسلام، اخلاق، تدین و... بجوید. [1]

مهر معلوم و مهر نامعلوم

چنانچه مردی زنی را براساس دو مهر، یکی آشکار و یکی پنهان عقد نماید؛ اکثریت فقها ـ به جز حنابله ـ رأی شان بر این است که همان مهر یی که در هنگام عقد مورد توافق علنی قرار گرفته به زن تعلق می گیرد؛ زیرا مهر در رابطه با عقد است که واجب می گردد و هر مقداری که در عقد مورد توافق قرار گرفته همان واجب می‌شود و همچنین اظهار آن چه که مخفی بوده جزو عقد به شمار نمی‌آید و چیزی از آن به زن تعلق نمی گیرد.

اما حنابله بر این باورند: مهر ی که آشکار و علنی است به زن تعلق می گیرد، هر چند عقد بر اساس مهر سرّی جاری شده باشد؛ زیرا هرگاه عقد علنی پس از عقد سرّی انجام گرفت؛ در واقع مثل آن است که مبلغ دیگری را به مهر سرّی اضافه نموده باشد و هرچه را که از آن اضافه بود، حساب می‌شود و به زن تعلق می گیرد. [2]

روش تدریس: سؤال و جواب، تشریحی، مباحثه،کار گروهی.

مواد ممد درسی: کتاب، تخته و تباشیر.

وقت	فعالیت‌ها
۵ دقیقه	بعد از موضوعات مقدماتی باطرح چند سؤال از شاگردان درس گذشته را چنین ارزیابی می کند: کی می‌تواند شغار را تعریف کند؟ کی می‌تواند بگوید که حکم شغار چیست؟ حکم نکاح متعه چیست؟
۳۰ دقیقه	بعد از شنیدن جواب‌ها عنوان درس جدید (مهر) را بر تخته می‌نویسد. و برای شاگردان هدایت میدهد تا درس را خاموشانه مطالعه کنند و اگر به کدام مشکلی برمیخوردند آنرا نشانی نمایند. در عین حال عناوین جانبی ذیل را در کنار تخته مینویسد: - تعریف مهر - مشروعیت مهر - حکمت وجوب مهر - حکم مهر - اندازه مهر - چه چیزی می‌تواند مهر واقع شود؟ - مهر چه وقت لازم میشود؟ - انواع مهر

[1] - آداب خواستگاری وحقوق زوجین.

[2] - فقه خانواده درجهان معاصر.

- حالات وجوب مهر مثل با استفاده از عناوین جانبی درس را برای شاگردان تشریح نموده بالای بعضی نکات مهم ترکیز بیشتر می‌کند. از چند شاگرد بخواهید تا هر کدام به نوبهٔ خود یک عنوان را شرح نماید. شاگردان را به به گروپ‌های مناسب تقسیم نموده و برای آنها هدایت دهید تا در مورد (مشروعیت، حکمت و انواع مهر و اینکه مهر حق زن است) باهم بحث نمایند و خود در عین حال نظم را بر قرار داشته بعضی نظریات را جهت اصلاح نزد خود یاد داشت میکند. **ارزیابی** جهت اطمینان خویش با استفاده از سؤالات کتاب درسی شاگردان را ارزیابی می‌کند. **خلاصه** - مهر به مالی گفته میشود که پرداخت آن بر اساس عقد نکاح بر مرد واجب میشود و مهر در قرآنکریم و احادیث نبوی ﷺ ثابت شده است. - دادن مهر نشاندهندهٔ اهمیت و جایگاه والای عقد نکاح بوده و نیز ارج گذاشتن به عزت، احترام و شخصیت زن است. - کم ترین اندازه مهر ده درهم شرعی است و اکثر آن حد ندارد - هر چیزی معلوم و دارای ارزش که سپردن آن در توان و صلاحیت مرد باشد می‌تواند مهر زن قرار گیرد. - در نظر فقها مهر بر دو قسم است: ۱- مهرمسمی ۲- مهرمثل	۱۰دقیقه

درس: سی و چهارم

عنوان: ولیمه

صفحه: ۱۱۹

وقت: دو ساعت درسی

اهداف

شاگردان باید:

۱- تعریف ولیمه را بدانند.

۲- حکمت ولیمه را بیان کرده بتوانند.

۳- فواید درس را بیاموزند.

دانش لازمی

اسلام با شریعت کامل و فراگیرش، به خاطر اهداف مهم و ارزشمندی، همچون مشارکت شخص مسلمان در مراسم شادی و سرور و حضور در جشن‌های اقشار مختلف جامعه به تدارک غذای عروسی امر کرده، تا اقوام مختلف مردم گرد هم آیند و دوستان، نزدیکان و اهالی یک محل یا قریه دور هم جمع شوند و با صرف غذا، الفت و اخوّت اسلامی بین آنها قوی تر شود.

بدیهی است که در چنین جشنی که همه در کنار همدیگر، اجتماع می‌کنند، اهداف شارع از وضع چنین مجالس و مراسم، تحکیم رابطه برادری و وحدت و یکپارچه گی بین افراد جامعه میباشد.

ولیمه: غذایی است که به مناسبت جشن شادی و مراسم عروسی تدارک دیده می‌شود.

حکم ولیمه بین فقها از مسایل اختلافی است، در نظر بعضی از ایشان واجب و نزد عده یی دیگر سنّت است؛ اما اکثریت فقها ولیمه دادن در مجلس عروسی را سنّت (مستحب) می‌دانند.

۱- رعایت آدابی که در ولیمه ضروری است

الف ـ اینکه شخص ولیمه دهنده در صورتی که ثروتمند و داراست با یک گوسفند یا بیشتر غذای عروسی را تهیه نماید. در این باره شیخین از انس﷛ روایت کرده‌اند که گفته: «پیغمبرﷺ به مناسبت ازدواج با زینب دختر جحش طعام و مهمانی ترتیب داد که برای هیچ یک از همسرانش مانند آن تدارک ندیده بود و گوسفندی را برای این مراسم ذبح نمود».

ب ـ مقصود صاحب مجلس از ولیمه دادن تبعیت و پیروی از روش و سنّت رسول گرامی اسلام در اکرام مهمانان و طعام دادنه به انسانهای خوب باشد. دلیل ما حدیثی است که پیامبرﷺ فرمودند: «جز با انسان مؤمن دوستی مکن و جز به انسان پرهیزگار و متقی طعامت را مخوران.» [ابوداوود، ترمذی، حاکم]

ج ـ جایز نیست که دعوت‌شده گان فقط از اغنیاء و ثروتمندان باشند و فقراء دعوت نشوند. بنا بر حدیثی که «مسلم و بیهقی» از پیامبرﷺ روایت کرده‌اند، فرمودند: «بد ترین غذا، غذای ولیمه یی است که تنها ثروتمندان به خوردن آن دعوت شوند و فقیران در آن شرکت نداشته باشند، چنانچه شاعر معروف می‌گوید:

ضیافتی که در آنجا توانگران باشند　　　شکنجه یی است فقیران بی‌بضاعت را

صائب

و کسی که دعوت مراسم را قبول نکند (مراسم مشروع) از امر خدا«ج» و پیامبر خداﷺ سرپیچی کرده است».
و ـ واجب است که داماد و کسانی که غذای عروسی را تدارک می‌بینند، از هر عمل نامشروع و رفتار ناپسند که شریعت آن را منکر دانسته خود داری کنند؛ مانند: اختلاط زنان و مردان نامحرم، آواز خواندن، خوانندگان با اسباب و آلات موسیقی، گذاشتن جام شراب بر سفره و...

۲- آیا بر شخص دعوت شده، واجب و ضروری است که دعوت را اجابت نماید و در مراسم شرکت کند؟
کسی که برای ولیمه دعوت شده، واجب است که حاضر شده و در مراسم عروسی شرکت کند. دلیل ما حدیثی است که بخاری از پیامبر ﷺ روایت نموده که حضرت فرمودند: «اسیران را آزاد کنید، دعوت را اجابت کنید و مریضان را عیادت نمایید.»

همچنین «شیخین» و دیگران از حضرت رسولﷺ روایت نموده اند که «هرگاه یکی از شما برای صرف غذا در مراسم عروسی دعوت شد، باید در آن شرکت کند و کسی که دعوت را قبول نکند از فرمان خدا و رسولش، سرپیچی نموده است».
این حدیث دلیلی است بر اینکه اجابت دعوت واجب است چرا که لفظ [عصیان] که در حدیث شریف آمده جز بر ترک امر واجبی اطلاق نمی‌شود.

حتی اگر شخص دعوت شده به ولیمه، روزهٔ نفلی داشته باشد و به سبب عدم شرکتش در ولیمه، صاحب مجلس از او ناراحت و دلخور شود، بهتر است که روزه‌اش را بشکند و بر غذای عروسی حاضر شود، در این مورد از پیامبرﷺ روایت شده که فرمودند: «هر کس از شما برای خوردن طعام دعوت شد واجب است در آن شرکت کند، پس اگر روزه نداشت طعام بخورد و چنانچه روزه دار بود [روزه نفلی را] باید افطار کند [و عوضش بعداً روزه بگیرد]».
آنچه به ما اجازه داد تا روزهٔ نفلی را افطار کنیم، حدیثی است که «حاکم و بیهقی» از رسول خداﷺ روایت نموده اند.شخصی که روزه مستحب گرفته، اختیار دارد، اگر می‌خواهد روزه دار باشد و اگر هم می‌خواهد، افطار نماید.» لکن بنابر مذهب احناف اگر شخصی روزه مستحبی را خورد، واجب است قضایی آن روزه را بگیرد.

۳- اجابت دعوت

الف ـ مستحب است در مناسبت ولیمه [که افراد مسلمان و مؤمن جمع می‌شوند برای خوشبختی زوجین دعای خیر و برکت کرده و به آنها تبریک و تهنیت بگویند. بهتر است برای دعای خیر، این ادعیه مأثوره را بخوانند]:

«**بارک الله لک و بارک علیکما، و جمع بینکما في خیر**»[ترمذی]

«خدا برایت برکت دهد، مبارکت باشد و پیوند تان را به خیر گرداند».

«**اللهم اغفر لهم وارحمهم و بارک لهم في ما رزقتهم**»[مسلم]

«خداوندا! ایشان را مورد رحمت و مغفرت خود قرار ده، و در رزق و روزی آنها برکت بخش.»

«**اکل طعامکم الابرار، وصلت علیکم الملائکه و افطر عندکم الصائمون**»

«نیکان بر سر سفرهٔ شما بنشیند و ملایک بر شما درود بفرستد و روزه داران نزدتان افطار کنند.» [امام احمد]

ب ـ از خوردن و نوشیدن در ظروف طلا و نقره باید خود داری کنند، زیرا رسول خداﷺ فرمودند: «در ظروف طلا و نقره ننوشید و در کاسه و بشقاب طلا و نقره نخورید.»[بخاری و مسلم]
همچنین «شیخین» از پیامبرﷺ روایت کرده‌اند که فرمود: «کسی که در ظروف طلا و نقره غذا بخورد یا بیاشامد، آتش جهنّم را در درون خود شعله ور می‌سازد.»

د ـ چنانچه در مراسم ولیمه، معصیت و منکری مشاهده کند و توان تغییرش را نداشته باشد باید از شرکت در آن خود داری کند؛ زیرا «بیهقی» از ابن مسعود ﷺ روایت کرده که: «مردی برای او [ابن‌مسعودﷺ] غذایی آماده کرد و او را به خوردن آن دعوت کرد. ابن مسعود در منزل میزبان مجسمه یی مشاهده کرد، لذا از رفتن به خانه امتناع ورزید تا اینکه میزبان مجسمه را شکست، سپس داخل شد.»
و ابن ماجه از عایشه «رض» روایت نموده که فرمود: «غذایی آماده کردم و رسول خداﷺ را دعوت نمودم، حضرت تشریف آوردند؛ ولی چون در خانه تصاویری مشاهده نمودند، برگشتند.»
ابوالحسن حربی از امام اوزاعی روایت نموده که گفته: «در مراسم ولیمه‌یی که آلات موسیقی و دهل باشد، حاضر نمی‌شویم».

هـ ـ در تبریک و تهنیت گفتن به عروس و داماد از به کار بردن عبارات جاهلیت پرهیز کنید؛ چنانچه در جاهلیت می‌گفتند: «بالرَفاه والبنین» زنده گی مرفه و اولاد داشته باشی. در یین مورد «ابن ابی شیبه و نسایی» از امام حسن روایت نموده اند که گفته عقیل بن ابوطالب با زنی از قبیلهٔ جَشم ازدواج نمود و اقوامش برای تبریک گویی به دیدارش می‌آمدند و می‌گفتند: «**بالرَفاه والبنین**». حضرت رسولﷺ از گفتن این تبریک نهی فرمودند، گفتند: پس چه بگویم ای ابازید؟! فرمودند: بگوئید: «**بارک‌الله لک و بارک علیکم**» «خداوند به شما برکت دهد و بر شما مبارک گرداند» به راستی که تبریک گویی این گونه به ما دستور داده شده است.

٤- مساعدت و مشارکت کسانی که تمکّن مالی دارند در تهیهٔ ولیمه

کسانی که از وُسع مالی و وضعیت مادّی بهتری برخوردارند، مستحب است که جهت اظهار شادمانی و شرکت در خوشی و شادمانی مراسم عروسی، و نیز همکاری در تأمین مخارج و هزینه بر گزاری مراسم و محکم نمودن رابطه محبّت و برادری در خرج و مخارج، داماد را یاری دهند؛ چنانچه «شیخان» در مورد کیفیت ازدواج پیامبرﷺ با ام‌المؤمنین صفیه روایت نموده‌اند که انس گفته: «در سفر بودیم که پیامبرﷺ با صفیه ازدواج کرد، او را به ام‌سلیم سپرد ایشان را آرایش‌کرده و آماده ساخت و شب هنگام او را نزد پیامبرﷺ آورد، حضرت شب تا صبح با ایشان سپری نمود و صبحگاه فرمودند: «هرکس آنچه غذا و خوردنی همراه دارد بیاورد»، انس می‌گوید: سفره‌یی چرمی هموار شد، هر کس چیزی آورد، پنیر و روغن و خرما در سفره گذاشته شد. از مجموع، غذایی آماده شد، سپس شروع به تناول نمودند و از آب حوضهایی که کنارشان بودند، می‌نوشیدند، این بود ولیمه عروسی رسول خداﷺ آنچه بیان شد مهمترین آداب و احکامی بود که اسلام در مراسم ولیمهٔ عروسی به انجام آن سفارش نموده بود.

خداوند متعال یاور کسانی است که مخلصانه عامل و تطبیق‌دهندهٔ شریعت او هستند و به دستوراتش گردن می‌نهند و پایبند احکامش هستد.

بدعت‌ها و منکرات جشن‌های عروسی

یکی از اعمال زشت و منکر مراسم عروسی؛ مصارفات بیجا اسراف و خرج کردن از حرام، تماس و اختلاط زنان و مردان نامحرم است، خصوصاً در جشن‌های عروسی و موقعی که عروس را در نهایت جمال با زیبایی و آرایش‌جذّاب و فتنه‌انگیز نزد داماد می‌برند در حالی که فامیل و خویشاوندان داماد؛ مانند: برادر، کاکا، ماما و... آنها را همراهی می‌کنند، که با عروس خانم محرم نیستند که امکان دارد این‌کار باعث تحریک غریزه و باز شدن راه فتنه بر مردان و زنان شود و عواقب نامطلوبی را به دنبال داشته باشد، لذا پیامبر اکرمﷺ شدیداً مسلمانان را از این امر برحذر داشته و میفرماید: «از رفتن پیش زنان خود داری کنید» شخصی از انصار گفت: ای رسول خدا! اقوام نامحرم شوهر زن؛ مانند: برادر و پسران کاکا و... چطور هستند؟ پیغمبرﷺ فرمودند: «خلوت کردن با نزدیکان شوهر خطرناک و موجب مرگ و هلاکت است». در بخاری و مسلم و نیز از قول اسامه بن زید آمده که پیامبرﷺ فرمودند: «بعد از من هیچ فتنه یی برای مردان زیانبارتر از فتنهٔ زنان نیست»([1]).

برگزار کردن مراسم عروسی از نظر شرعی مانعی ندارد؛ اما گاهی در مراسم عروسی کارها و برنامه‌های نامشروع و زشتی؛ مانند: اسراف و ریخت و پاش، شرابخواری، رقص و پایکوبی، ترانه‌های مبتذل و آوازهای وسوسه انگیز، آرایش و نمایش نیمه عریان عروس در حضور مردان و جوانان نامحرم، در سالون‌های عروسی و یا در منازل و راه انداختن کاروان‌های عروسی همراه با جار و جنجال و فریاد و... بسیاری امور ناروای دیگر همراه می‌شود.

همه آن موارد، حرام و ناروا بوده و عاداتِ زشت و قبیح اند و با مسؤولیت‌های انسان مسلمان در ارتباط با حفظ حرمت، کرامت و غیرت در مورد ناموس خویش سازگارنیست؛ زیرا انسان مسلمان اهل شرف و غیرت هیچگاه به خود اجازه نمی‌دهد که همسرش را در همان ساعات آغاز زنده گی مشترک در مقابل چشم مردان بیگانه نیمه عریان ببیند و ریخت و پاش و اسراف و تبذیر را در اموال و دارایی خود و خویشاوندان حرام میداند و اجازه چنین کاری را نمی‌دهد و از کارهای خلاف دیگری؛ مانند: ریختن پول به جیب آوازخوان‌ها و رقاصه‌ها جلوگیری می‌نماید و در مقابل تلاش می‌کند که در صورت توان خود و خانواده، کمک هایی را برای تهیه غذا و پوشاک برای مستمندان انجام بدهد و یا به اشخاص نیازمند، عمومی کمک نماید.

[1]- بخاری، مسلم و اصحاب سنن

روش تدریس: سؤال و جواب، تشریحی، مباحثه، کار گروهی.

مواد ممد درسی: کتاب، تخته و تباشیر.

وقت	فعالیت‌ها
۵ دقیقه	بعد از موضوعات مقدماتی با طرح چند سؤال از شاگردان درس گذشته را چنین ارزیابی کنید. مهر چیست؟ دلیل مشروعیت مهر کدام است؟ حکم مهر چیست؟ مقدار مهر به چه اندازه است؟
۳۰ دقیقه	بعد از در یافت جواب ها، عنوان درس جدید (ولیمه) را بر تخته می‌نویسد. و برای شاگردان هدایت دهید تا درس را خاموشانه مطالعه کنند و اگر به کدام مشکلی برمیخورند آنرا نشانی نمایند. در عین حال عناوین جانبی ذیل: - تعریف ولیمه - حکمت ولیمه - حکم ولیمه - قبول کردن دعوت ولیمه - ولیمه یی که در آن منکرات باشد - برخی از آداب ولیمه را روی تخته بنویسید. و بعد توجه شاگردان را به خود جلب نموده درس را تشریح می کند. از چند شاگرد میخواهد تا هرکدام به نوبهٔ خود یک عنوان را شرح نماید. چند دقیقه برای شاگردان وقت دهید تا هر کس با هم پهلوی خود در مورد درس تبادل نظر کند. **ارزیابی** جهت اطمینان خویش از یاد گیری درس با استفاده از سؤالات کتاب درسی شاگردان را ارزیابی کنید.
۱۰ دقیقه	**خلاصه** - ولیمه در لغت از ولمه گرفته شده است که به یکجا شده و تکمیل گشتن یک چیز گفته میشود. - ولیمه در شریعت به غذایی گفته می‌شود که به مناسبت عروسی و یا کدام خوشحالی دیگر تهیه می‌شود. - حکم ولیمه سنت موکد است. - قبول کردن ولیمه سنت است و اگر شخصی بدون عذر شرعی نرفت گنهکار میشود. بستن نکاح در مسجد سنت است و در غیر از مسجد اگر بسته میشود باکی ندارد.

درس: سی و پنجم
عنوان: حقوق زن و شوهر
صفحه: ۱۲۲
وقت: دو ساعت درسی
اهداف

شاگردان باید:

۱- حقوق که زن بالای شوهر دارد آنرا بدانند.

۲- در بارهٔ حقوق زن نظریات خود را بنوسیند

۳- درس خوانده شده را در زنده گی روزمره خویش عملی کرده بتوانند.

دانش لازمی

دین مقدس اسلام برای هر کدام از زوجین [زن و شوهر] وظایف و مسؤولیتهایی در قبال شریک زنده گیش وضع نموده که از هر حیث کامل و جامع، صریح و روشن است به نحوی که جای هیچگونه جدال و کشمکش باقی نمی‌ماند.

چنانچه زن و شوهر، تکالیف و وظایفی که نسبت به همدیگر دارند آنرا مطابق دستوراتی که اسلام مشخص کرده، اداکنند و از زیر بار مسؤولیت هایشان شانه خالی نکنند، نتیجه این خواهد شد که آرامش و آسایش، سعادت و کامیابی در زنده گی مشترک زناشویی کامل شده مشکلات و اتفاقاتی که روزانه رخ می‌دهد، صفای کانون خانواده آنها را تیره و تار نخواهد کرد.

حقوق زناشویی بر سه قسم است:

۱- حقوق زن بر شوهر

۲- حقوق شوهر بر زن

۳- حقوق مشترک بین همسران

حقوق زن بر شوهر

۱- **اولین حق زن «مهر»**

خداوند متعال می‌فرماید: [وَآتُوا النِّسَاءَ صَدُقَاتِهِنَّ نِحْلَةً] {النساء:٤} یعنی مهرهای زنان را به‌عنوان هدیه ای خالصانه و فریضه یی خدایی به آنان پرداخت نمایید.»

طبق نصّ قرآن کریم، مهر زن حق خودش است و متعلّق به اوست نه به دیگری و هیچ یک از اولیای دختر چیزی از مَهر وی را نمی‌توانند از او بگیرند و نیز پدر و مادر و شوهر زن حق ندارند چیزی از مهر ش را به نفع خود اخذ کنند.([1])

۲- **پرداخت نفقهٔ زن:** دومین حقّی که زن بر شوهر دارد «نفقه» و تأمین هزینه و مخارج زنده گی است و همچنین تهیه غذا، لباس، مسکن و مداوای همسر و... (بر اساس عرف مردم و در حدّ توانایی) بر عهده شوهر است. دلیل وجوب

[1]- در اسلام چیزی به نام «شیربها» وجود ندارد و این چیزی است که در میان مردم مرسوم شده و به وجود آمده است، بنابراین ربطی به اسلام و آداب اسلامی ندارد.

نفقه، سخن خداوند تبارک و تعالی می‌باشد که می‌فرماید: «بر آن کسی که فرزند برای او متولد شده (یعنی پدر) لازم است خوراک و پوشاک مادران را به گونه شایسته بپردازد».([1])

رسول خداﷺ نیز در مورد حقوق زنان می‌فرماید: «در مورد زنان تان از خدا بترسید، چون آنها به حکم خدا بر شما حلال شده اند و امانت اند نزد شما، پس بر شماست که نفقه و لباس زنان را به حدّ اعتدال و متعارف تأمین کنید.» [روایت مسلم]

۳- حق سوم، معاشرت صحیح و رفتار نیکو است. خداوند متعال می‌فرماید: «و با همسران تان به نیکی و به صورت پسندیده رفتار کنید و اگر هم از آنها کراهت داشتید (شتاب نکنید و زود تصمیم به جدایی نگیرید) زیرا چه بسا از چیزی بدتان بیاید و خداوند در آن خیر و خوبی فراوان قرار بدهد.»

٤- حفاظت خانواده از آتش جهنّم: خداوند متعال به مؤمنان امر فرموده که برای نجات و حفظ اهل و اولاد خویش از عذاب جهنّم، اقدامات لازم را انجام دهند: «ای مؤمنان! خود و خانوادهٔ خویش را از آتش دوزخ برکنار دارید که افروزینه آن انسانها و سنگهاست. فرشته گانی بر آن گمارده شده اند که خشن و سختگیر، زورمند و توانا هستند. آنچه خداوندﷻ به ایشان دستور داده است نافرمانی نمی‌کنند و همان چیزی را انجام می‌دهند که بدان مأمور شده اند.» ([2])

علیؓ در تفسیر این آیه می‌فرماید: «مراد از آن تربیت و تأدیب زن و فرزندان است». و نیز روایت شده که عُمر فاروقؓ موقع نزول این آیه از پیامبرﷺ پرسید: ما خود را از آتش حفظ می‌کنیم؛ اما خانواده را چگونه حفظ کنیم؟ پیامبرﷺ پاسخ دادند: «فرزندانتان را به اطاعت اوامر الهی و اجتناب از نواهی، دستور دهید از گناهان دوری جویند. این محافظت آنان از آتش سوزان جهنم است.»

«قتاده» می‌گوید: «مرد باید فرزندانش را به اطاعت از دستورات خداوند و ترک معاصی و نواهی او، دستور دهد و آنها را در این راستا یاری دهد و چنانچه نافرمانی کردند، آنها را سرزنش کند [و اجازه ندهد برخلاف راه و رسم دین خدا و سنّت پیامبر گرامی عمل کنند]».

لذا حقّ زن و فرزند، تنها لباس و طعام خوب نیست؛ بلکه آنچه واجب‌تر از اینهاست تعلیم دین، اخلاق و انسانیت است؛ امام غزّالی می‌فرماید: «شیوه محفوظ نگه داشتن فرزند این است که او را پاک، مودّب و مهذّب بار آورد؛ رفتارهای نیکو و زیبا به او یاد دهد و از رفیق بد دور نگه دارد. و نیز او را به خوشگذرانی و نازپروری عادت ندهد و به تجملاّت و رفاه خوشگذرانی علاقمند نسازد. تا به هنگام بزرگ شدن، تمام عمر خود را صرف به دست آوردن آنها نکند و برای همیشه بدبخت نگردد.»

آنچه بیان گردید، از جمله حقوقی است که شوهر نسبت به زن برعهده دارد، چنانکه اسلام عزیز امر کرده است. و این حقوق که اسلام برای زن در نظر گرفته و بر مرد واجب کرده آنها را رعایت کند از بزرگترین حقوقی است که زن در سایهٔ تعالیم اسلامی به آن دست یافته است.

---

[1]- نساء: ۲۰.

[2]- تحریم:۶.

روش تدریس: سؤال و جواب- بحث – تشریحی و کار گروهی.

مواد ممد درسی: تخته و تباشیر، کتاب درسی...

وقت	فعالیت‌ها
۵دقیقه	بعد از موضوعات مقدماتی باطرح چند سؤال از شاگردان درس گذشته را چنین ارزیابی کنید. ولیمه را تعریف کنید. حکم ولیمه چیست؟ رعایت کدام آداب در وقت ولیمه لازم است؟
۳۰دقیقه	بعد از شنیدن جواب‌ها عنوان درس جدید (حقوق زن و شوهر) را توسط یک شاگرد به روی تخته می‌نویسد. به شاگردان وظیفه می‌دهد تا درس را خاموشانه مطالعه نمایند و خود نکات کلیدی و عناوین جانبی ذیل را در کنار تخته مینویسد: - حقوق زن برشوهر - دادن مهر - نفقه - زنی که کار میکند - احسان و زنده گی در فضای مسالمت آمیز - برخی از آداب حسن معاشرت با استفاده از عناوین جانبی درس را برای شاگردان تشریح نموده و بالای بعضی نکات ترکیز بیشتر می کند. طبق معمول از چند شاگرد مورد نظر میخواهد تا هر کدام یک عنوان را برای دیگران شرح کند. شاگردان را به گروه‌ها تقسیم نموده از ایشان بخواهید تا در مورد درس از هم دیگر سؤال نمایند و بعد نظریات شان را در مورد رعایت معاشرت مردان مناطق خود بازگو شوند. **ارزیابی** با استفاده ازسؤالات کتاب درسی شاگردان را ارزیابی می کند.
۱۰ دقیقه	**خلاصهٔ درس** - مهر و نفقه از حقوق مسلم زن بر شوهر میباشد. - از اینکه زن یک امانت الهی نزد مرد است و به خانه اش آمده است، لذا بر مرد واجب است که با زنش به خوبی رفتار نماید تا زنده گی شان در فضای پر از مهر و محبت سپری گردد. - برخی از آداب حسن معاشرت اینست که: مرد بر اشتباهات زن صبرکند، با دادن تحایف گاهگاهی اورا نوازش دهد. باخانمش خوش طبیعتی و خوش کلامی نماید. مسایل ضروری دین را به همسرش یاد بدهد درکارهای خانه او را کمک نماید.

درس: سی و ششم

عنوان: حقوق شوهر بر زن

صفحه: ۱۲٦

وقت: دو ساعت درسی

اهداف

شاگردان باید:

۱- حقوق شوهر بالای زن را بدانند.

۲- مسؤولیت‌های زن در برابر شوهر را دانسته و بر دیگران انتقال داده بتوانند.

۳- حقوق مشترک زن و شوهر را دانسته و آنرا بر فامیل برسانند.

۴- فواید درس را برای دیگران گفته بتوانند.

دانش لازمی

حقوق شوهر بر زن

زن خوب فرمانبر پارسا — کند مرد درویش را پادشاه

روز اگر غم خوری غم مدار — چوشب غمگسارت بود در کنار

اگر پارسا باشد و خوش‌سخن — نگه در نکویی و زشتی مکن

کِرا خانه آباد و همخوابه دوست — خدا را به رحمت نظر سوی اوست

کسی برگرفت از جهان کام دل — که یکدل بود با وی آرام دل

برآن بنده حق نکویی خواسته است — که با او دل و دست زن راست است

بوستان سعدی

دین مقدس اسلام، همچنانکه حقوق و وظایفی را برای مرد مشخّص کرده که باید به بهترین نحو نسبت به همسرش ادا کند، وظایف و مسؤولیتهایی هم بر زن واجب نموده که شایسته است آنها را در نظر گرفته و رعایت نماید و اگر در انجام آن کوتاهی نماید، در پیشگاه خداوند عزّوجل مسؤول خواهد بود. این حقوق عبارتند از:

۱- اطاعت و فرمانبرداری از شوهر به شیوه یی پسندیده؛ خداوند متعال می‌فرماید: «و برای همسران (حقوق و واجباتی) است (که باید شوهران ادا کنند) همانگونه که بر آنان(حقوق و واجباتی) است که (باید همسران ادا کنند) به‌گونه یی شایسته »([1]).

پیامبر خداﷺ فرمودند: اگر زن نمازهای پنج گانه را به جا آورد و روزه ماه رمضان را بگیرد، عفت خود را حفظ کند و اطاعت شوهر را بجا آورد، وارد بهشت می‌شود».

در حدیثی که «بزّار» و «طبرانی» روایت کرده اند، آمده است که در زمان رسول خداﷺ زنی خدمت آن حضرت رسید و عرض کرد: ای رسول خداﷺ من نماینده زنان هستم، که خدمت شما رسیده و از شما سؤالی دارم که در ارتباط با جهاد

[1]- بقره: ۲۲۸.

است. خداوند متعال جهاد را بر مردان فرض کرده است که اگر پیروز شوند، پاداش می‌گیرند و اگر شهید شوند، نزد پروردگار خویش روزی می‌خورند؛ اما ما گروه زنان که به آنان خدمت می‌کنیم، چرا از چنین اجر عظیمی محرومیم؟!

پیامبر اکرمﷺ فرمودند: «به زنان بگو اگر از شوهرانشان اطاعت کنند و وظایف زناشویی که بر عهدهٔ آنهاست رعایت کنند، این اعمالشان برابر با جهاد در راه خداست؛ اما کمتر کسی از شما زنان می‌تواند این کار را به طور کامل انجام دهد».

اطاعت زن از شوهرش، امر طبیعی است که مقتضای زنده گی زناشویی مشترک بین آن دو است. بدون شک فرمانبرداری زن از شوهرش موجب حفظ اساس و هستی خانواده از نابودی و انحلال شده و باعث برانگیختن مهر و محبّت قلبی شوهر به همسرش می‌گردد و در نتیجه دوستی و الفت بین اعضای خانواده عمیق و ریشه دار می‌شود و نیز موجب دور شدن جدال و سرکشی شده، که در اکثر اوقات تبدیل به نزاع و دعوا می‌گردد.

بدیهی است، اطاعت و فرمانبرداری زن از شوهر در امور پسندیده و معروف می‌باشد [یعنی در غیر اموری که گناه و نافرمانی خداوند است و یا اعمال و کارهایی که توانابیش را ندارد و یا انجام آن برایش مشقّت دارد، از شوهرش اطاعت نماید] اما اگر شوهرش چیزی به او امر کرد که معصیت و نافرمانی خداست، آن وقت نباید اطاعت نماید؛ زیرا پیامبر خداﷺ می‌فرماید: «هیچ اطاعتی از مخلوق در معصیت و نافرمانی خالق وجود ندارد.» [حاکم و احمد]

۲- زن باید حافظ مال و حیثیت شوهر باشد و از آن محافظت کند. خداوند متعال می‌فرماید: «زنان صالحه آنانی هستند که فرمانبردار (اوامر خدا و مطیع دستور شوهران خود) بوده (و خویشتن را از زنا به دور و اموال شوهران را از تبذیر محفوظ و اسرار (زناشویی) را نگه می‌دارند، چرا که خداوند به حفظ آنها دستور داده است».

زن باید از لحاظ شخصیت زنانه گی«عفت» خود را حفظ نموده و به مال شوهر خیانت نکند، مال و آبروی او را حفظ کند، در این مورد پیامبرﷺ می‌فرمایند: «آیا شما را از ارزشمندترین گنج یک شخص با خبر کنم؟ آن زن شایسته و درستکاری است که هرگاه شوهر نگاهش کند، مسرور و شادمان می‌شود و هنگامی که او را به کاری امر می‌کند، اطاعت می‌نماید و در نبود همسرش، مال و ناموسش را حفظ می‌کند». [ابوداوود و نسایی]

[و در جایی دیگر فرموده: «چهار چیز است که به هر کس داده شود خیر دنیا و آخرت نصیب او خواهد شد.» که یکی از آنها زن نیکوکاری است که به جان و مال همسرش خیانت نمی‌کند.]

از مصادیق محفوظ داشتن مال شوهر اینکه، بدون اجازه و رضایت او در مالش تصرّف نکند و نیز به دیگران هم ندهد؛ مگر با مشورت و صلاح دید شوهر و اینکه فرزندانش را آنگونه که خواست اوست، تربیت نیکو نماید.

منظور از حفاظت از آبرو و حیثیت شوهر این است که زن از لحاظ شخصیت زنانه گی اش به شوهر خیانت نکند؛ مثلاً: به مردان نامحرم نگاه خاینانه نداشته باشد، سخن فتنه انگیز نزند و به جاهایی که امکان آلوده شدن به گناه است نرود و فرزندانش را نیز اینگونه بر اساس شئونات صحیح تربیت کند.

۳- زن باید احساسات همسرش را مراعات کند: زن باید چنان نظر شوهرش را با زیبایی و زینت و تنظیم امور خانه جلب و جذب کند که شوهر آنچه در منزل می‌بیند، می‌شنود و احساس می‌کند که همه اش در نظر او زیبا و پسندیده باشد [اسباب خوشحالی همسرش را فراهم کند].

حقیقتاً اگر شوهر در خانه اش و نزد همسرش زیبایی، نظافت و پاکی را نیابد و محبّت و مودّت، الفت و عواطف شاداب و زنده را احساس نکند و سخنان شیرین و اخلاق متعالی و دستان پرمهر و محبّت و رئوفی را نیابد، پس کجا می‌تواند طعم اینها را بچشد؟

بد بخت ترین مردمان، کسانی اند که در خانه شان بین زن و فرزندان بد بختی را ببینند و هم خوشبخت ترین انسانها کسانی هستند که سعادت و خوشبختی را در کانون خانواده بین زن و بچه‌هایشان مشاهده کنند. !!!

اسماء دختر خارجه الفزاریه، هنگامی که دخترش را در شب عروسیش نزد شوهرش فرستاد به او اینگونه سفارش می‌کرد: «ای دخترکم! همانا تو از آشیانه یی که در آن رشد و نمو یافتی، خارج شدی و به سوی شوهری می‌روی که شناخت چندانی از او نداری، قرین کسی میشوی که با او الفت نگرفته یی، پس برایش زمین باش تا اینکه برایت آسمان باشد، گهواره‌اش باش تا او پایه‌های آن شود، کنیزش باش تا بنده و برده‌ات شود، ناسزا مگو به او که از تو بیزار می‌شود و از او دور نشو که فراموشت می‌کند، گر به تو نزدیک شود، نزدیکش شو و اگر از تو فاصله گرفت، از او دور شو، گوش و چشم و بینی اش را محفوظ بدار که از تو جز خوشبویی به مشامش نرسد و جز خوبی و نیکویی گوشش نشنود و چشمش جز زیبایی و قشنگی نبیند...»

۴- خدمت به شوهر، انجام کارهای منزل و تربیت فرزندان: این کارها وظیفه طبیعی زن است که به خاطر آن آفریده شده؛ بلکه واجب است این امور اساسی و مهم را رعایت کند و در ساختن خانواده‌ای خوشبخت و آماده کردن نسلی نجیب، اصیل و ریشه دار، نهایت سعی و تلاش نماید، انس رضی الله عنه می‌گوید: «هرگاه اصحاب رسول خدا ﷺ عروس را نزد همسرش میفرستادند، به او سفارش می‌کردند که حقوق شوهر را رعایت کند، به شوهر خدمت نماید و فرزندانش را تربیت و پرورش دهد).

«بخاری ومسلم» از اسماء دختر ابوبکر صدیق رضی الله عنه روایت کرده اند که می‌گوید: «زبیر مرا وقتی به ازدواج خود درآورد، هیچ مال و ثروت و خدمتگزاری به جز یک اسب و شتری آبکش نداشت، اسپش را علف می‌دادم و به تیمار آن میپرداختم به نحوی که زبیر را از مشغول شدن به امورات آن فارغ البال کرده بودم. شتر آبکش را نیز علف می‌دادم و با آن آب می‌آوردم و مشکهای آب را میدوختم، خمیر کردن و پخت و پز نان را انجام می‌دادم و شاخه‌های درخت خرما را از مسافت دو میل بر دوش می‌گرفتم و به خانه می‌آوردم تا اینکه ابوبکر زن خدمتگزاری را برایم فرستاد و کارهای مربوط به علف دادن و نگهداری اسب رابدو واگذار کردم. گویی ابوبکر رضی الله عنه با این کار از برده گی آزادم کرد».

اما مسؤولیت زن در ارتباط با تربیت و پرورش فرزندان و سرپرستی و رسیده گی به اوضاع و احوال آنان، از مهمترین وظایف اوست. خداوند متعال می‌فرماید: «مادران، فرزندان خود را دو سال تمام شیر می‌دهند.» ([1])

ابوبکر وعمر رضی الله تعالی عنها از پیامبر ﷺ روایت کرده اند که فرمود: «زن در خانهٔ شوهرش مسؤول و سرپرست بوده و مسؤولیت اداره خانه و فرزندانش با اوست و [در مورد افراد تحت سرپرستی‌اش بازخواست خواهد شد]».

شاعری چه زیبا فرموده:

الأم مدرسهٔ اذا اعددتها	اعددت شعبا طیب الاعراق
مادر مدرسه است که گر کردی مهیا	آماده کردی ملتی نیکو و والا ([2])

---

[1]- بقره: ۲۳۲.

[2]- ترجمه منظوم بیت، برگرفته از مجموعه شعر «برون آی از فراموشی» استاد دکتر محمد ابراهیم ساعدی است .

[و به راستی مادر به مثابه پوهنتونی است که با یکٔ دست گهواره شیرخواره گان را می‌جنباند و با دست دیگر پرچم نهضت و هدایت و دعوت اسلامی را، تا اینکه خوب و صحیح تربیت شود.]

شاعری میگوید: «گیاهی که در باغ باصفا می‌روید با گیاهی که در لجن زار می‌روید، یکی نیست، پس آیا میتوان از بچه هایی که از پستانهای زنان نالایق و منحرف شیر مینوشند امید کمال و بزرگی داشت؟!!».

گلی که تربیت دست باغبان نخورد   اگر زچشمه خورشید سرزند خود روست

گلی که تربیت دست باغبان بخورد   اگر زگلخـن حمام سـرزنـد خـوشبـوست

۵- نیکی به خانواده و اقوام نزدیکٔ شوهر: از بزرگترین و مهمترین این حقوق، نیکی کردن زن به والدین، خواهر، برادر شوهرش و ارتباط حسنه و رفتار نیکو با آنهاست؛ زیرا تعامل حسنهٔ زن با اقوام شوهر موجب خوشحالی و شادمانی شوهر شده، انس و الفت شوهر با زن بیشتر شده و از این طریق رابطهٔ زناشویی آن دو مستحکم شده و مهر و محبّت بین شان پایدار می گردد.

آنچه گفتیم مهمترین وظایف زن بود که باید نسبت به همسرش ادا نماید (چنانکه اسلام دستور داده) و اینها حقوق ارزشمندی است که با اصول انسانی و وظیفهٔ طبیعی زن ـ که به خاطر آن آفریده شده ـ کاملاً هماهنگٔ و سازگار است.

حقوق مشترک بین همسرا

اسلام زن و شوهر را مکلف کرده که هر دو در جهت ادای حقوق مشترکٔ همدیگر، نهایت سعی و کوشش را نموده و آنها را مراعات نمایند.

مهمترین حقوق مشترکٔ بین زوجین به ترتیب ذیل است.

- تعاون و همکاری زوجین برای جلب سرور و شادی و زدودن غم و اندوه از محیط خانواده تا جایی که امکان دارد.

چقدر زیباست، این سخن ابودرداء به همسرش آنگاه که می گوید: «هرگاه تو از من ناراحت و دلخور شدی، تحمل کن و اگر من نیز از تو ناخشنود شدم، صبر و تحمل را برمی گزینم و اگر این‌طور نباشد، تداوم مصاحبتمان ممکن نیست.»

- همکاری و یاری دادن همدیگر در ارتباط با اطاعت خدای تعالی و سفارش نمودن هم به رعایت تقوای الهی. پیامبر اکرمﷺ بر چنین همسرانی که یکدیگر را در طاعت و عبادت خدا یاری می‌دهند، آفرین می گوید. در این حدیث که «احمد و ابوداوود» از آن حضرت روایت نموده‌اند که فرموده‌اند: «خداوند رحمت کند بر مردی که شب از بستر برمی خیزد و نماز می‌گزارد و همسرش را نیز بیدار میکند و اگر بلند نشد، آب به صورتش می پاشد و رحمت کند خدا بر زنی که برای نماز شب از خواب بلند میشود و شوهرش را برای نماز از خواب بیدار میکند و اگر بلند نشد آب بر صورتش می پاشد.»

خداوند سبحان در سورهٔ مبارکه نساء، شوهران را مخاطب قرار داده، میفرماید: «اما آن دسته زنان را که از سرکشی و مخالفتشان بیم دارید، پند و اندرز دهید» و معنای وعظ در این آیه نصیحت نمودن و امر کردن به تقوای الهی مورد نظر است.

- احساس مسؤولیت در زنده گی مشترکٔ و بنای خانواده و تربیت فرزندان... «شیخان» از پیامبر اکرمﷺ روایت نموده اند که فرموده: «مرد، مسؤول اهل بیت خویش است و به خاطر آنها مورد سؤال و باز خواست قرار میگیرد، زن نیز مسؤول [اموال و ناموس] شوهر است و در این باره مواخذه میشود».

«ابن‌حبان» نیز روایت نموده که حضرت فرمودند: «روز قیامت از هر کس که مسؤول و عهده دار کاری است، پرسیده می‌شود که آیا افراد تحت سرپرستی اش را تباه نموده یا حفظ کرده است».

بدون تردید، هر فرزندی که نسبت به تربیت و پرورش او سهل انگاری و بی توجهی شود از تربیت صحیح محروم خواهد ماند و مانند کسی زنده گی خواهد کرد که بی سرپرست بوده، بلکه حتی از یتیمی که پدرش را از دست داده و کسی که به او توجهی نکرده هم بدتر است...

یتیم کسی نیست که پدر و مادرش مرده باشند و او را درمانده و بی پناه برجای گذاشته باشند.

بلکه یتیم واقعی آن کسی است که مادری بی توجه و پدری مشغول به کار خود دارد.

زن و شوهر نباید اسرار خود [اسرار مربوط به مسایل زناشویی و آمیزش و جماع را نزد دیگران بیان کنند و یا نزد مردم از همدیگر بدگویی کنند]

بنابر حدیثی که ذکر کردیم، که پیامبر فرمودند: «همانا بدترین مردم از نظر مقام و منزلت در روز قیامت نزد پروردگار، مردی است که [با همسرش آمیزش جنسی نماید] و سپس راز او را برملا کند و بالعکس» ([1]).

واضح است که این افشای اسرار و غیبت کردن از مفاسد و گناهان است که شایسته کرامت خانواده و اخلاق زن و شوهر نمی‌باشد.

«طبرانی» از انس بن مالکس از قول پیامبرﷺ روایت نموده که فرمودند: «آیا شما را آگاه سازم از مردانی که در بهشتند؟» گفتیم: بلی، ای رسول خداﷺ. فرمود: «پیامبران در بهشتند و مردی که برادرش را در شهر دور به‌خاطر خدا ملاقات می‌کند [به دیدارش می‌رود].» پیامبر فرمودند: «آیا شما را باخبر سازم از زنان بهشتی؟» گفتیم: بلی، ای رسول خداﷺ فرمود: «زنانی که زاینده هستند و نسبت به شوهرانشان محبّت می‌ورزند که اگر شوهرشان از آنها ناراحت و خشمگین شود بگوید: دستم در دست تو [اختیار دارم هستی] تا از من راضی نشوی به چشمم آرامش و خواب نمی‌آید و سر بر بستر نمی‌گذارم».

از ابوهریره روایت شده که پیامبر فرمودند: «کاملترین مؤمن از حیث ایمان کسی است که اخلاق نیکوتر داشته باشد و بهترین شما کسانی اند که نسبت به همسران شان رفتار نیکو دارند». [روایت ترمذی]

و نیز فرمودند: «بهترین شما کسی است که برای همسرش بهترین باشد و من از همه شما به زنانم بهترم». [روایت ابن‌حبان به روایت از عایشه«رض»]

---

[1]- راوه مسلم

روش تدریس: سؤال و جواب، تشریحی، مباحثه، کار گروهی.

مواد ممد درسی: کتاب، تخته و تباشیر.

وقت	فعالیت‌ها
۵دقیقه	بعد از موضوعات مقدماتی با طرح چند سؤال از شاگردان درس گذشته را چنین ارزیابی کنید. حقوق زن بر مرد چیست؟ هدف ازتأمین نفقه چیست؟
۳۰ دقیقه	بعد از شنیدن جواب‌ها عنوان درس جدید را روی تخته می‌نویسد. به شاگردان وظیفه می‌دهد تا درس را خاموشانه مطالعه نمایند و خود نکات کلیدی و عناوین جانبی ذیل را در کنا ر تخته مینویسد: - اطاعت شوهر - بدون اجازه شوهر از خانه خارج نشدن - حفاظت و نگهداری از عزت، خانه، مال و فرزندان - زینت کردن برای شوهر - حقوق مشترک زن وشوهر با استفاده از عناوین درس را تشریح و توضیح می‌کند. از چند شاگرد میخواهد تا هر کدام به نوبهٔ خود یک عنوان را شرح کند. برای شاگردان میگوید که می‌تواند بگوید چطور میتوانیم یک زنده گی خوش وعاری از جنجال‌ها و کشمکش‌ها داشته باشیم پنج دقیقه صحبت کند به نظریات و سخن‌های شاگرد ارج گذاشته وی را تشویق می‌کند. از شاگردان بخواهید تا در مورد: - اطاعت شوهر تاچه حد بر زن لازم است، و به کدام دلیل. - در حدیث شریف اوصاف زن نیک چگونه بیان شده است؟ - زن و شوهر چه حقوق مشترکی بر یکدیگر دارند. از هم دیگر سؤال کنند و خود صنف را کنترول نموده جواب‌ها اشتباه را جهت اصلاح نزد خود یاد داشت می‌کند. **ارزیابی** با استفاده از سؤالات کتاب درسی شاگردان را ارزیابی کنید.
۱۰ دقیقه	**خلاصهٔ درس** - دین مقدس اسلام بر زن اطاعت شوهرش را در موارد مشروع واجب ساخته است. - شوهر بر زن این حق را دارد که زن بدون اجازه اش از خانه خارج نشود تا به کارهای خانه و تربیت فرزندان رسیده گی بتواند. - شوهر بر زن حق دارد که او آبرو، خانه، مال و فرزندان شوهر را محافظت نماید. - حقوق مشترک زن و شوهر اینست که: هر دو درکنار هم به خوبی و در فضای اعتماد و مسالمت آمیز زنده گی نمایند.

درس: سی و هفتم

عنوان درس: حجاب

صفحه: ۱۳۰

وقت: دو ساعت درسی

اهداف:

شاگردان باید:

۱- معنای حجاب را بدانند.

۲- حکمت مشروعیت حجاب را دانسته و برای دیگران رسانده بتوانند

۳- حکم حجاب را بدانند.

دانش لازمی

معنی حجاب چیست؟

حجاب عبارت است از ستر بدن، و مجموعه ای از احکام اجتماعی که به چگونه گی وضع زنان در نظام اسلامی ربط داشته، و خداوند آن را تشریح نموده است تا برای حمایت زن قلعه یی شامخ و محکم بوده و مجتمع را از فتنه‌ها محفوظ دارد و زن را در قالب و چهار چوبی منضبط برای انجام وظیفه اش که همانا ساختن نسلها و تأمین آینده است و به عبارت دیگر همکاری در پیروزی اسلام و تمکین دادن آن در کره ارضی است.

اسلام به خاطر حفظ وقار، شخصیت و اخلاق زن حجاب را در قرآن کریم بر آنها واجب اعلام نموده است. بدون شک خطر شهوت و غرایز جنسی به مراتب بیشتر از خطرات اجتماعی دیگری است که به منظور جلوگیری از آنها قوانین و مقرراتی وضع می‌گردد تا با آنها مبارزه شود. الله تعالی در آیه **۳۳** سورهٔ احزاب خطاب به زنان پیامبر و تمام زنان می‌فرمایند:(**وَقَرْنَ فِي بُيوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيةِ الْأُولَى وَأَقِمْنَ الصَّلَاةَ وَآتِينَ الزَّكَاةَ وَأَطِعْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنَّمَا يرِيدُ اللَّهُ لِيذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيتِ وَيطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا**)

ترجمه:«و در خانه هایتان قرار گیرید و مانند روزگار جاهلیت قدیم زینتهای خود را آشکار مکنید، نماز برپا دارید، زکات بدهید و الله و رسولش را فرمان برید، الله فقط می‌خواهد آلوده گی را از شما خاندان (پیامبر) دورکند و شما را پاک و پاکیزه گرداند» ([1]).

حجاب پاکی و پاکدامنی است

الله متعال پایبند بودن به حجاب اسلامی را، عفت یاد کنید و می‌فرمایند: ((**يا أَيهَا النَّبِي قُلْ لِأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يدْنِينَ عَلَيهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يعْرَفْنَ فَلَا يؤْذَينَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا**)) احزاب/**۵۹**

ترجمه: «ای پیامبر به زنان و دخترانت و زنان مؤمن بگو چادرهای خود را بر خود فروتر گیرند. این برای آنکه شناخته شوند و مورد آزار و اذیت قرار نگیرند بهتر است و الله، آمر زنده و مهربان است».

در واقع پوشش زنان برای این است که از اذیت و آزار در امان باشند. آیهٔ شریفه اشاره به این است که شناختن معارف و مشخصات زن برای افراد نامحرم در واقع باعث فتنه است و برای خود زن. حال برای اینکه زن از این اذیت و آزارها در امان باشد چه بهتر که به ندای حق گوش دهد.

الله ﷻ می‌فرماید: ((**وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَاسْأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ**)) الاحزاب/**۵۳**

[1]- زیبایی های بیان در آیات احکام .جلد اول .

ترجمه: « هنگامی که از زنان چیزی خواستید آن را از پشت پرده بگیرید، این کار پاکیزه تر است برای قلبهای شما و قلبهای ایشان» -[1].

روش تدریس: سؤال و جواب، تشریحی، مباحثه، کار گروهی.

مواد ممد درسی: کتاب، تخته و تباشیر.

وقت	فعالیت‌ها
۵دقیقه	بعد ازارایه موضوعات مقدماتی باطرح چند سؤال از شاگردان درس گذشته را چنین ارزیابی می کند. در کدام امور، زن باید از شوهر اطاعت نماید؟ حقوق مشترک زن و شوهر کدام است؟ آیا زن می‌تواند بدون اجازه شوهرش از خانه خارج شود؟
۳۰دقیقه	بعد از شنیدن جواب ها، عنوان درس جدید (حجاب) را روی تخته می‌نویسد. به شاگردان وظیفه می‌دهد تا درس را خاموشانه مطالعه نمایند و خود نکات کلیدی و عناوین جانبی ذیل را روی تخته می‌نویسد: - تعریف حجاب - حکم حجاب - حکمت مشروعیت حجاب - تشریح احکام حجاب - مسایل ستر عورت است با استفاده از عناوین درس را برای شاگردان شرح کنید. از چند شاگرد میخواهد تا هر کدام به نوبهٔ خود یک عنوان درس را شرح کند. برای شاگردان چند دقیقه وقت دهید تا در مورد فواید حجاب نظریات خود را برای یک دیگر بیان دارند. **ارزیابی** جهت اطمینان خود از یاد گیری درس شاگردان را توسط سؤالات کتاب درسی ارزیابی می کند.
۱۰دقیقه	**خلاصهٔ درس** - حجاب در لغت ستر و پوشش را گویند و در شریعت: عبارت است از: اینکه زن عورت خود را بپوشاند، و نگاهش را حفاظت کند، و از نشست و بر خاست بیجا با مردان و خلوت با بیگانگان بپرهیزد. - وقتی زن به سن بلوغ رسید حجاب بالایش واجب میگردد. - حکم حجاب به قرآن کریم و سنت نبوی ثابت شده است

[1]- نگاهی به وضعیت زن در غرب

درس: سی و هشتم

عنوان درس: راه حل مشکلات زن و شوهر

صفحه: ۱۳٦

وقت: دو ساعت درسی

اهداف

شاگردان باید:

۱- برای حل مشکلات زن و شوهر راه حلی را پیشنهاد کرده بتوانند.

۲- تصویر اصلی یک خانواده خوشبخت را بیان کرده بتوانند.

۳- در باره حکمت اینکه اختیار طلاق به شوهر داده شده است نظریات خویش را ارایه نمایند.

دانش لازمی

اسلام برای جلوگیری از وقوع طلاق، احتیاط‌های لازم را در نظر گرفته تا جز در مواقع ضرورت طلاق واقع نگردد، لذا آن را ناپسندترین حلال‌ها نزد خداوند متعال محسوب می کند، «ابن‌ماجه و ابوداوود» از پیامبر اکرمﷺ روایت کرده‌اند که فرمودند: «مبغوض ترین و ناپسندترین حلال نزد خداوند، طلاق است».

اینک به بررسی احتیاط‌ها [پیشگیری‌ها] قبل از ازدواج و اقدامات بعد از ازدواج میپردازیم؛ اما تدابیر و اقداماتی که زن و شوهر قبل از انجام عقد زناشویی باید رعایت کنند تا کانون خانواده‌شان از گزند خطرات احتمالی محفوظ و مصون بماند و کار به طلاق نکشد عبارتند از:

۱- اسلام به زن و مرد دستور داده تا در انتخاب یکدیگرمنحیث زن وشوهر، نهایت دقت را به خرج دهند و اساس انتخاب شان را نخست از همه بر صفت تدین و اخلاق، استوار سازند نه جاه و مقام یا مال و جمال.

۲- به دختر و پسر توصیه شده، پیش از عقد همدیگر را ببینند و با میزان زیبایی و ظاهر یکدیگر به‌طور مشروع و شایسته آشنا شوند، زیرا دیدار آنان در آن شرایط و آشنا شدن با تفکر و خصوصیات فردی، در آن موقعیت، زمینه ساز عشق و محبّت و انتخاب آگاهانه تر می‌شود.

در دروس گذشته، این اقدامات و احتیاط‌ها به طور مفصّل درکتب شاگردان و رهنمایی معلم عرض گردید، که با مطالعه آنها جای هیچگونه بحث و مناقشه یی نمی‌ماند.

شکی نیست، که اگر دختر و پسر هنگام انتخاب شریک آینده زنده گی خود، اصول و راهکارهایی را که بیان شد، در نظر داشته باشند، آرامش خانواده گی آنها، کانون اختلاف و نزاع نمی‌شود.

رهنمودهای اسلامی برای زوجین (زن و شوهر).

معاشرت نیکو

خداوندﷻ در قرآنکریم مسلمانان را در قبال خانمان شان متوجه وظیفه آنها ساخته و می فرماید: (**وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ**([1])).

ترجمه: و با آنها به شایسته گی رفتار کنید.

اسلام به زوجین دستور داده، با هم رفتاری شایسته و محبّت آمیز داشته باشند؛ مخصوصاً مرد را به اعتبار اینکه زمام طلاق در اختیار اوست، خطاب قرار داده و فرموده: «با زنان خود به گونۀ پسندیده رفتار کنید و چنانچه (به خاطر چیزی)

---

[1]- سورۀ النساء جزءآیه ۱۹

از آنان دلخور شدید (شتاب نکنید و زود عکس‌العمل نشان ندهید) چه بسا از چیزی بدتان بیاید و در عین حال خداوند خیر فراوانی در آن برایتان قرار داده باشد».

در این باره، در درس حقوق زوجین، مباحثی را بیان نمودیم.

نصیحت و راهنمایی

از اینکه دین مقدس اسلام دین نصیحت و دین کامل و حلال همه مشکلات انسانها است؛ خداوندﷻ در قرآنکریم ارشاد می‌فرماید: «**وَاللَّاتِي تَخَافُونَ نُشُوزَهُنَّ فَعِظُوهُنَّ**» [1].

ترجمه: و زنانی را که از نافرمانی آنان بیم دارید [نخست] پندشان دهید.

هنگامی که شوهر احساس کرد همسرش، حقوقش را رعایت نمی‌کند و در انجام وظایفی که برعهدهٔ دارد؛ از قبیل: کارهای خانه و رسیده گی به فرزندان کوتاهی می‌کند، در این مرحله اسلام به شوهر دستور داده که همسرش را با نصیحت و موعظه، تذکر دهد و وظایفش را به او گوشزد نماید. و از عاقبت بدرفتاری و رابطه نامطلوبش، وی را برحذر دارد. به گونه یی که عذاب خداوند، مرگ و روز قیامت و حساب را به او یادآوری می‌کند، امید است تحت تأثیر واقع شده، رفتارش تغییر کرده و اخلاق و معاشرت را با شوهرش اصلاح نماید و وظایف و مسؤولیتهای خود را درست انجام دهد و حقوق همسر و فرزندانش را حفظ نماید.

ترک همبستری

{**وَاهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ**} ([2]). ترجمه: و [بعد] در خوابگاه‌ها از ایشان دوری کنید.

اگر نصیحت و ارشاد سودی نبخشید، مرد باید در بستر از زن دوری کرده و با وی همبستر نشود؛ امید است از این طریق اصلاح شده و نسبت به انجام وظایف زناشویی و مسؤولیت‌هایش در قبال خانواده، اقدام کند.

ضرب غیر مبرح

{**وَاضْرِبُوهُنَّ**} ([3]). ترجمه: آنها "زنان" را "به خاطر تأدیب بزنید"

هرگاه اگر ترک همبستری موثر واقع نشد، از ارشاد الهی که در فوق ذکراست به این نتیجه میرسیم که برای شوهر به عنوان سرپرست و رئیس فامیل جهت اصلاح و جلوگیری از هم پاشیدن کانون خانواده و متوجه ساختن زن به خانه، فرزندان و شوهر اجازه داده شده که بعد از طی مرحله اول «وعظ و نصیحت» مرحله دوم» دورساختن بستر(و وسیله اخیر مجبوراً که تأدیب فزیکی است وآن هم مقید به ضرب غیرمبرح) تأدیب فزیکی طوری که سبب کسر یا جرح عضوی از اعضایش نگردیده و اثری هم از ضرب تأدیب در وجودش نماند؛ به کارگیرد و همچنان ضرب به روی و سر شامل (ضرب تأدیب) نبوده و شرعاً جواز ندارد. و نیز نباید مواضعی؛ چون: بطن و صدر را مورد ضرب قرار دهد که باعث ایجاد عیب و نقص و یا تلف شدن عضوی شود چون این نوع ضرب، تأدیب و تهدید است نه آزار جسمی و اتلاف و زیان وی، چنانکه معاویه بن حیده می‌گوید: گفتم ای رسول خداﷺ حق همسر بر ما چیست؟ فرمودند: «حق زن بر شما

---

[1]- سورهٔ النساء جزءآیه ۳۴

[2]- سورهٔ النساء جزءآیه ۳۴

[3]- سورهٔ النساء جزءآیه ۳۴

این است که هرگاه خودت طعام خوردی به وی نیز بدهی و هرگاه خود لباس پوشیدی به وی نیز لباس بپوشانی [برایش لباس تهیه کنی]، بر صورتش نزنی و به وی حرف زشت نگویی [مثلاً نگویی خدا تو را زشت گرداند] و او را ترک نکنی؛ مگر در خانه خود [از منزل بیرونش نکنی]».

نظر فقها در مورد زدن و تأدیب همسر

هرگاه شوهر تمرّد و عدم اطاعت همسرش را مشاهده کرد، لازم است او را با نصیحت و راهنمایی اصلاح نماید، [اگر موثر واقع نشد] به‌عنوان تأدیب، از زن خود در بستر دوری گزینند.

هرگاه هیچ یک از این راه حل‌ها مفید نبود، جایز است همسرش را تا حدّ معینی به منظور اصلاح و تربیه به آرامی تأدیب فزیکی، به اندازه یی که منجر به فتنه و مصیبت بدتری نگردد.

البته همانطور که گفتیم نباید صورت یا موضعی مثل شکم یا سینه را مورد ضرب قرار دهد که باعث عیب و نقص یا تلف شدن عضو می‌شود و در هر صورت این مورد فقط بین زن و شوهر می‌باشد. بهتر است مرد متوسل به زدن زن نشود و روش رسول خداﷺ را پیشه خویش سازد، آنچه که ابن سعد از عایشه (رض) در این مورد روایت نموده که پیامبرﷺ هیچگاه زنان و خادمانش را نزده و هیچگاه چیزی را با دست مضروب نساخته است؛ مگر در جهاد در راه خدا».

همچنین ابن‌سعد در طبقاتش، ماجرای هفتاد تن از زنانی را آورده که نزد رسول خداﷺ آمده و از شوهران خود به‌خاطر لت و کوب، شکایت نمودند. پیامبرﷺ از این موضوع غضبناک شده و فرمودند: «من هرگز دوست ندارم این وضعیت را ببینم».

و موقعی که زنی از شوهرش لت خورده بود به ایشان شکایت نمود، پیامبرﷺ فرمودند: «چگونه یکی از شما همسرش را مانند برده لت وکوب می‌کند و سپس در آغوشش می‌گیرد و گردن به گردن او می‌گذارد و (از این عملش) حیا هم نمی‌کند؟!» ([1]).

در این حدیث نهی شده از اینکه مردی با زنش معامله کنیز را کند، و پس از آن در برابر وی وضع عاشق و معشوق اختیار نماید.

حکمیت: (داوری)

هرگاه اختلافات میان زن و شوهر چنان شدتی پیدا کرد که هیچکدام از راه حل‌های قبلی موثر واقع نشد و زن و شوهر نتوانستند با هم به تفاهم برسند، چاره یی نیست جز اینکه افراد عاقل و خیراندیش از طرف دو خانواده با هم بنشینند و مشکلات موجود بین زوجین را بررسی و ریشه یابی نمایند و راه حل‌های عملی را برای برگرداندن مجدد تفاهم، صلح و سازش را به زوجین پیشنهاد کنند تا منجر به جدایی نشود و از بلای طلاق و مصیبت و بدبختی فراق، دورشان سازند.

---

[1]- ابن سعد، طبقات، ج۸، ص ۱۱۸.

بر مرد واجب است، که قبل از اقدام به طلاق، مراحل فوق را که از اصول و مبادی قرآن کریم در تربیت اجتماعی و برای وفاق و همدلی و اصلاح بین زوجین می‌باشد، اجرا نماید. در این رابطه، باز هم گوش می‌سپاریم به آیات حکیمانه قرآن کریم که برای اصلاح و برگشت زن به طریق حق و کانون صفا و صمیمیت زنده گی، به ترتیب برایمان بیان فرموده است: «**وَاللَّاتِي تَخَافُونَ نُشُوزَهُنَّ فَعِظُوهُنَّ وَاهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ وَاضْرِبُوهُنَّ فَإِنْ أَطَعْنَكُمْ فَلَا تَبْغُوا عَلَيْهِنَّ سَبِيلًا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيًا كَبِيرًا**»

ترجمه:« و زنانی را که از نافرمانی آنان بیم دارید نخست پندشان دهید و بعد در خوابگاه‌ها از ایشان دوری کنید و اگر تاثیر نکرد آنان را ترک کنید پس اگر شما را اطاعت کردند دیگر بر آنها هیچ راهی برای سرزنش مجویید که خدا والای بزرگ است». ای مسلمانان! اگر بیم جدایی آنها را داشتید حَکَمی از نزدیکان مرد و حَکَمی از نزدیکان زن نزد ایشان بفرستید، اگر نیت اصلاح داشته باشند خداوند آنان را توفیق می‌دهد، به درستی که خداوند آگاه و کاردان است».

در سوره مبارکه نساء: آیات ۳۴ و ۳۵. در این سفارش حکیمانهٔ خداوند متعال چند نکتهٔ لطیف وجود دارد که لازم به یادآوری است:

الف ـ برای اینکه عواطف و احساسات همسران جریحه دار نشود و اسرار خانواده به بیرون سرایت ننماید، توصیه فرموده دو داور از خانواده‌های زن و مرد نزد آنان فرستاده شود.

ب ـ این داوران به علت روابط سببی یا نسبی و عاطفی که با دو خانواده دارند با سوز و علاقه بیشتری مشکل را پیگیری نموده و برای اصلاح آن تلاش می کنند تا از فروپاشی کانون خانواده و آواره گی فرزندان معصوم، جلوگیری شود.

ج ـ مشکل آمد و رفت و سایر معضلاتی که در رابطه با داوران بیگانه وجود دارد، در داوران خانواده گی وجود ندارد، البته باید در انتخاب داوران دقت شود، تا افرادی مجرّب، با درایت و با تقوی باشند.

بنا بر این فقهای کرام مقرر کرده اند در صورتیکه شوهر در هریک از مراحل مذکور [به ترتیب] به نتیجه رسید، نباید متوسل به موارد شدیدتر شود، یعنی اگر موعظه و نصیحت مفید واقع شد، دیگر جایز نیست که شوهر با زن ترک همخوابگی نماید، همچنین اگر ترک همخوابگی موثر بود، جایز نیست همسرش را بزند یا طلاقش دهد.

لذا لازم است شوهر به جهت اصلاح همسرش و برگردانش به حق و هدایت، بر منهج و روشی که در قرآن کریم مقرر شده گام بردارد و در نحوه رفتار با همسرش متوجه مراقبت خداوند سبحان باشد و حدود الهی را رعایت نماید و نسبت به زنش ظلم و آزار بی حد روا ندارد. «پس اینها حدود الهی است، از آنها تجاوز نکنید و هر کس از حدود و مرزهای الهی تجاوز کند، بی گمان این چنین کسانی ستمگرند».

روش تدریس: سؤال و جواب، تشریحی، مباحثه، کار گروهی.

مواد ممد درسی: کتاب، تخته و تباشیر.

وقت	فعالیت‌ها
۵دقیقه	بعد از ارایه موضوعات مقدماتی با طرح چند سؤال از شاگردان درس گذشته را چنین ارزیابی کنید. حجاب را تعریف کنید. حکم حجاب چیست؟ زن به چه کسانی می‌تواند زینتش را آشکار کند؟
۳۰ دقیقه	بعد از در یافت جواب‌ها عنوان درس جدید (راه حل مشکلات زن و شوهر) را توسط یک شاگرد به روی تخته می‌نویسد. به شاگردان وظیفه می‌دهد تا درس را خاموشانه مطالعه نمایند و خود نکات کلیدی و عناوین جانبی ذیل را روی تخته مینویسد: - تصویر اصلی یک خانواده مسلمان خوشبخت - راه حل مشکلات زن و شوهر - میانجگری خانواده زن و شوهر - آخرین راه حل - اگر مشکل از طرف مرد باشد - اختیار طلاق می‌باشد توجه شاگردان را به خود جلب نموده درس را با نشاط و مهربانی تشریح میکند و در صورت احساس ضرورت بعضی نکات را بیشتر شرح میدهد. از چند شاگرد میخواهد تا هر کدام یک عنوان جانبی را شرح نماید. شاگردان را به گروپ‌های مناسب تقسیم نموده از ایشان بخواهید تا در مورد مفاهیم درس از هم دیگر سؤال نمایند؛ طور مثال: - برای حل مشکلات زن و شوهر چه راه حلی پیشنهاد شده است؟ - اگر مشکل از طرف مرد باشد، چه باید کرد؟ - چرا اختیار طلاق به شوهر داده شده است؟ **ارزیابی** با استفاده از سؤالات کتاب درسی شاگردان را ارزیابی می کند.
۱۰ دقیقه	**خلاصهٔ درس** - خداوند متعال انسانها را مکلف دانسته است تا با یکدیگر به خوبی رفتار کنند و به فکر برآوردن نیازهای همدیگر باشند به خصوص زن و شوهر که نزدیک ترین افراد به یکدگرهستند بیش از دیگران به صبر و فداکاری و خلق نکردن مشکل به همدیگر تشویق شده اند. - هرگاه مشکلاتی در زنده گی زناشویی پیدا شد و زن به ناحق از شوهر نا فرمانی می کرد، شریعت راه حل هایی نشان داده است که بانصیحت و جدا ساختن بستر خواب ان شاء الله نزاع خاتمه می‌یابد.

درس: سی و نهم

عنوان: طلاق

صفحه: ۱۴۱

وقت: دو ساعت درسی

اهداف

شاگردان باید:

۱- تعریف، شرایط و حکم طلاق را بدانند.

۲- حکمت مشروعیت طلاق را بیان کرده بتوانند.

۳- در بارهٔ اینکه اسلام مرد را به صبر و تحمل فرامی خواند نظریات خویش را بگویند.

۴- به فواید درس آگاهی کامل حاصل نموده آنرا به دیگران برسانند..

دانش لازمی

هرگاه هیچ یک از راه حل هایی که در درس قبل بیان گردید مفید واقع نشد و کوشش برای اصلاح و توافق بی نتیجه ماند سازش زن و شوهر حاصل نشد و زن عناد و سرکشی کرد و بر بد رفتاری و سوء معاشرتش اصرار می‌کرد و از طرفی کاسه صبر شوهر هم لبریز شد، در این هنگام اسلام مراتبی دیگر برای اصلاح زن و بازگشتن به کانون خانواده و اصلاح معاشرتش با شوهر مقرر فرموده است، به این خاطر به شوهر امر کرده است که:

زنش را در هنگام پاکی (نبودن در عادت ماهیانه) که در آن با وی آمیزش انجام نداده باشد، طلاق دهد. پس اگر زن در حالت ناپاکی (حیض) بود، شوهر باید از طلاق خود داری کند و تا وقت پاکی زن منتظر بماند و در صورتی که زن در عادت ماهانه نباشد؛ ولی شوهر با او نزدیکی و آمیزش کرده باشد باید منتظر بماند تا حایض شود و بعد از حیض تا هنگام طُهر (پاکی) منتظر بماند (و پس از این مدت مرد می‌تواند اقدام به طلاق نماید).

(فلسفه اینکه شوهر باید برای طلاق دادن انتظار بکشد واضح است؛ زیرا اقدام به طلاق از جانب شوهر شاید نتیجه عواملی؛ چون: تأثّرات روحی، انفعالات عاطفی و... باشد، نه نتیجهٔ تفکر، اندیشه و درک حقایق و واقعیتها. امید است در طی انتظار، شوهر با تعقّل از تصمیمش منصرف شود).

تفاوت فسخ نکاح و طلاق

طلاق و فسخ با هم سه تفاوت دارند

۱- فسخ نقض، باطل و بی‌اثر گردانیدن اساس عقد ازدواج و برداشتن حکم حلال و روا بودن روابط، مبنی بر آن است اما طلاق پایان دادن به روابط زناشویی قرار گرفته براساس عقد نکاح صحیح است و این جدایی و انفصال تنها پس از تحقق طلاق سه‌گانه انجام می‌پذیرد.

۲- فسخ به خاطر حالت‌ها و رویدادهای عارضی؛ مانند: مرتد شدن زن، مخالفت زن با احکام و ارزش‌های قطعی اسلام و یا فرا رسیدن زمان شروطی که در عقد نکاح انجام گرفته؛ مانند: حق اختیار فسخ پس از رسیدن به سن بلوغ یا عدم کفایت و تناسب میان آنها است که صورت می گیرد، اما طلاق در ارتباط با عقد نکاح صحیح و ملزم است که انجام می‌پذیرد.

۳- فسخ، کاری به نقض و کم کردن از طلاق سه‌گانه ندارد. [۱]

روش تدریس: سؤال و جواب و تشریحی.

مواد ممد درسی: کتاب، تخته و تباشیر.

وقت	فعالیت‌ها
۵دقیقه	بعد از موضوعات مقدماتی با طرح چند سؤال از شاگردان درس گذشته را چنین ارزیابی می کند. - آخرین راه حل به خاطر جلوی گیری از طلاق کدام است؟ - اینکه اختیار طلاق در دست شوهر است در این چه حکمت نهفته است.
۳۰دقیقه	بعد از شنیدن جواب‌ها عنوان درس جدید (طلاق) را روی تخته می‌نویسد. به شاگردان وظیفه می‌دهد تا درس را خاموشانه مطالعه نمایند و خود عناوین جانبی ذیل را روی تخته می‌نویسد: - تعریف طلاق - حکمت مشروعیت طلاق - حکم طلاق - شرایط طلاق، می‌باشد درس را برای شاگردان شرح و بالای بعضی نکات ترکیز بیشتر می‌نماید. از چند شاگرد می‌خواهد تا هر کدام یک عنوان جانبی را توضیح نماید. شاگردان را به گروپ‌های مناسب تقسیم نموده برای شان هدایت میدهد تا در مورد حکمت مشروعیت طلاق بین هم بحث نمایند. **ارزیابی** با استفاده از سؤالات کتاب درسی شاگردان را ارزیابی می کند.
۱۰دقیقه	**خلاصهٔ درس** - طلاق در لغت به معنی دورکردن قید است و در اصطلاح عبارت از دورکردن قید نکاح با الفاظ مخصوص. - طلاق از پدیده‌های حلالی است که خداوندﷻ آنرا نمی‌پسندد، اما طلاق یگانه راه حل برای خانواده‌های مریضی است که همه راه‌های حل راسنجیده و به نتیجه نرسیده اند، - شرایط طلاق: شوهر ۲- بالغ ۳- عاقل ۴- طلاق به الفاظی باشد که صراحتاً یاکنایتاً به آن دلالت کند. در صورت کار برد الفاظ کنایی، مرد باید نیت طلاق راداشته باشد.

[۱]- فقه خانواده درجهان معاصر د.وهبه زحیلی .

درس: چهلم

عنوان: انواع طلاق

صفحه: ۱٤٤

وقت: دو ساعت درسی

اهداف

شاگردان باید:

۱- انواع طلاق را بدانند.

۲- تفاوت میان طلاق سنی و بدعی را دانسته و در بارۀ آن نظریات خویش را بگویند.

۳- انواع طلاق را بیان کرده و برای دیگران برسانند.

دانش لازمی

طلاق به سه نوع است:

۱- احسن ۲- حسن ۳- بدعی.

۱- احسن: عبارت از طلاقی است که یک مرد خانمش را یک طلاق در طهری بدهد که که در آن طهر همبسترنشده باشد بعداً بگذارد تا عدتش بگذرد.

۲- طلاق حسن: عبارت از طلاقی است که شوهر سه طلاق به خانمش بدهد، البته این سه طلاق در سه طهر صورت گیرد که این طور طلاق را به نام طلاق سنی یا سنت نیز یاد میکنند.

۳- طلاق بدعی: عبارت از طلاقی است که سه طلاق به یک کلمه و یا هر سه طلاق را به کلمات جداگانه در یک طهر بدهد وقتیکه که این فعل را انجام داد طلاق واقع میگردد؛ اما طلاق دهنده گنهکار میشود.

۴- شوهر نباید زنش را بیش از یک بار طلاق دهد، زیرا اگر پیشیمان شود، فرصتی داشته باشند تا دوباره زنده گی مشترک را آغاز نمایند؛ و اگر مخالف شرایطی که شریعت برای طلاق مشخص کرده، اقدام به طلاق نماید، طلاق واقع میشود؛ ولی شوهر گناهکار خواهد شد.

طلاق بائن: هم بر دو نوع است: «بینونه خفیفه» و «بینونۀ غلیظه».

بینونه خفیفه این است که: شوهر می‌تواند پس از عقد و پرداخت مهریه جدید به نکاح همسر خود باز گردد؛ اما در «بینونه غلیظه» تنها زمانی شوهر می‌تواند با همسر مطلقه اش دوباره ازدواج کند که زن با مردی دیگر ازدواج نماید و مدتی را با او زنده گی و خلوت نماید و سپس وی را طلاق دهد و بعد از سپری شدن عدت، یا شوهرش بمیرد و عدتش سپری شود.

طلاق رجعی (رجعت)

تعریف، مشروعیت، حکمت، انواع و احکام رجعت.

تعریف رجعت: رجعت بازگشت به وضع قبلی زنده گی زن و شوهر قبل از پایان «عدت» در طلاق رجعی میباشد.

مشروعیت: مبنای مشروعیت رجعت، این فرمودۀ خداوند تبارک و تعالی است که می‌فرماید: (**وَبُعُولَتُهُنَّ أَحَقُّ بِرَدِّهِنَّ فِي ذَلِكَ إِنْ أَرَادُواْ إِصْلاَحًا**) (البقره / ۲۲۸)

«شوهران شان برای برگردانیدن شان به زنده گی زناشویی در این مدت، یعنی مدت عده از دیگران سزاوارترند؛ در صورتی که شوهران به راستی خواهان اصلاح و آشتی باشند».

رسول خداﷺ فرموده‌اند که: «جبرئیل نزد من آمد و گفت: حفصه را باز گردان؛ زیرا بسیار نماز خوان، روزه‌دار و همسر تو در بهشت است». ([1]) و حضرت عمر بن خطابرضی الله عنه به پسرش عبدالله امر فرمود که همسر مطلقه‌اش را باز گرداند. ([2]) علما در این مورد اتفاق نظر دارند که در طلاق اول و دوم در مدت عده، مرد می‌تواند همسرش را باز گرداند.

حکمت طلاق رجعی: هدف از «رجعت» فرصت و مجال پیدا کردن مرد و زن برای حل اختلاف و تجدید نظر در مورد طلاق و جدایی است و در آن مدت هر دو فرصت دارند تا در مورد آخر و عاقبت جدایی و مشکلات پس از آن به خوبی بیندیشند و چنانچه برای اصلاح و حل اختلاف به توافق رسیدند به زنده گی زناشویی قبل از طلاق بازگردند.

در مدت عده این مرد است که حق دارد همسرش را هر چند به ادامه زنده گی با شوهر ناراضی باشد، باز گرداند و مبنای این حکم، آیه یی است که پیش تر ذکر شد و این حق را شریعت اسلام به مرد داده و هر چند بخواهد خود را از آن محروم نماید، باز از آن حق برخوردار خواهد بود.

انواع رجعت

رجعت بر دو گونه است: رجعت در طلاق رجعی و رجعت در طلاق بائن.

رجعت در طلاق رجعی با کلام و سخن تحقق می‌یابد؛ مثلاً: اگر شوهر خطاب به همسرش بگوید: تو را به همسری و نکاح قبلی باز گردانیدم، رجعت حاصل می‌شود؛ اما امام ابوحنیفه می‌فرماید: رجعت باید به صورت عملی و از طریق ارتباط زناشویی و یا مقدمات آن انجام گیرد. در این گونه رجعت و باز گردانیدن موافقت پدر یا ولی همسر و مهر و اجازه او لازم نیست.

اما رجعت در طلاق بائن یعنی پس از سپری شدن عده در طلاق اول یا دوم؛ اگر مرد بخواهد همسرش را به کانون خانواده و ادامهٔ زنده گی زناشویی باز گرداند، باید پس از اجازه همسر، تعیین مهر و عقد جدید، اقدام به این کار بنماید.

احکام زن مرتجعه: زنی که شوهرش اقدام به رجعت و باز گردانیدن او می‌کند، همه حقوق و مسئوولیت‌های گذشته روابط همسری را پیدا می‌کند و همه حقوق همسران اعم از هزینه، مخارج روزانه، مسکن، لباس و... به او تعلق می‌گیرد و «ایلاء، ظهار، طلاق و لعان» او جایز است و از شوهرش ارث می‌برد. لازم به ذکر است که هر یک از زن و شوهر در ایام عده فوت کنند دیگری از او ارث می‌برد.

در مذهب امام ابوحنیفه و امام احمد جایز است که در ایام عده زن و شوهر با یکدیگر معاشرت داشته باشند و همراه با هم به مسافرت بروند و روابط زناشویی برقرار نمایند و زن و شوهر خود را برای یکدیگر آراسته نمایند؛ زیرا قرآن در آن مدت آنها را زن و شوهرمی شمارد ومی فرماید: «**وَبُعُولَتُهُنَّ أَحَقُّ بِرَدِّهِن**»، «شوهران‌شان برای باز گردانیدن‌شان سزاوارترند». اما اگر مرد دارای همسران دیگری باشد، در ایام عده حق همبستری زن مرتجعه ساقط می‌شود.

---

[1]- اخرجه ابوداود.

[2]- اخرجه الدار قطنی.

اما در مذهب امام مالک و امام شافعی زن و مرد در ایام عده حق هیچ گونه ارتباط، معاشرت و روابط را با یکدیگر ندارند و حتی نگاه کردن آنها به یکدیگر درست نیست ؛ زیرا نکاح مجوز روابط و معاشرت است و طلاق این مجوز را از میان برمی دارد و آنان در آن شرایط تقریباً از هم جدا شده به شمار می آیند.

نکاح تحلیل:

نکاح تحلیل به این معنی است که زن مطلقه ثلاثه و یا ولی زن از جانب وی با مردی دیگر برای ازدواج یک یا چند شب، پیمان می‌بندد و بعد از طلاق زن با شوهر سابقش ازدواج مینماید. این نکاح از دیدگاه شریعت مقدّس اسلام، باطل است؛ زیرا همانطور که بیان کردیم یکی از شروط صحّت عقد، پیمان زنده گی مشترک زناشویی به صورت دائم و همیشگی است نه موقتی و زودگذر، لذا در هر نکاحی که این شرط رعایت نشود باطل است و هر کس این شرایط را نادیده بگیرد مرتکب گناه و عمل حرام شده است. رسول اکرمﷺ تحلیل‌کننده و تحلیل‌شونده را لعنت کرده، چنانچه در حدیثی که «احمد ترمذی و نسایی» از پیامبرﷺ روایت نموده‌اند، پیامبر اکرمﷺ فرمودند: «آیا شما را نسبت به تیس مستعار [بُز نر عاریت کرده شده]» آگاه سازم؟! گفتند: بلی یا رسول خداﷺ. پس فرمودند: «او تحلیل کننده است. خداوند لعنت کند محَّلل و محلَّل و محلَّل‌له را».

[محلِّل: کسی است که کار حلاله را انجام می‌دهد، یعنی با زن مطلّقه ثلاثه ازدواج نموده و پس از تحقق بخشیدن به شرایط حلاله، آن زن را طلاق می‌دهد تا برای شوهر اولش حلال گردد به عبارتی دیگر شوهر دومی.

محلَّل‌له: کسی که زنش را سه طلاق بدهد و بعد از آن زن مطلّقه‌اش را به ازدواج کسی درمی‌آورد مشروط بر اینکه آن شخص بعد از یک یا دو شب او را رها کند (طلاقش دهد) تا برای شوهر اولش حلال گردد.

لذا روشن است به شرط حلاله گناه و معصیت است؛ اما با این وجود اگر کسی نکاح کند و پس از تحقق بخشیدن به شرایط حلاله، طلاق دهد آن زن برای شوهر اول حلال خواهد شد.

روش تدریس: سؤال و جواب، تشریحی، مباحثه

مواد ممد درسی: کتاب، تخته و تباشیر

وقت	فعالیت‌ها
۵دقیقه	بعد از موضوعات مقدماتی باطرح چند سؤال از شاگردان درس گذشته را چنین ارزیابی می کند طور مثال: طلاق را تعریف کنید. حکم طلاق چیست؟ شرایط طلاق را بیان کنید.

۳۰دقیقه	بعد از شنیدن جواب‌ها عنوان درس جدید (انواع طلاق) را توسط یک شاگرد روی تخته می‌نویسد. به شاگردان وظیفه می‌دهد تا درس را خاموشانه مطالعه نمایند و خود نکات کلیدی و عناوین جانبی ذیل را در کنار تخته نوشته و به شاگردان هدایت میدهد تا آنرا در کتابچه‌های خود یاد داشت کنند: - انواع طلاق - حکم طلاق کنایی - طلاق از لحاظ بدعت بودن و سنت بودن طلاق از لحاظ رجعیت و بینونیت با استفاده از عناوین درس را برای شاگردان شرح می‌کند. و بعد از چند شاگرد بخواهید تا هر کدام یک عنوان را به نوبهٔ خود تشریح نموده و به سوالات مربوطه اش جواب دهد. شاگردان را وظیفه دهید تا در مورد انواع طلاق با هم دیگر بحث نموده و آن را مشخص سازند . **ارزیابی** با استفاده از سؤالات کتاب درسی شاگردان را ارزیابی می‌کند. **خلاصهٔ درس** - طلا ق از چند لحاظ تقسیم شده است: - طلاق از لحاظ لفظ: طلاق از لحاظ لفظ بر دو قسم است الف: صریح ب: کنایه
۱۰دقیقه	- طلاق از لحاظ بدعت و سنت بودن نیز بر دو قسم است: الف: طلاق سنی ب: طلاق بدعی - طلاق از لحاظ رجعت و بینونت که برسه قسم است. طلاق رجعی ۲- طلاق باین ۳- طلاق مغلظ.

درس: چهل و یکم

عنوان درس: انواع دیگر تفریق(۱).

صفحه: ۱۴۷- ۱۵۰

وقت: دو ساعت درسی

اهداف: شاگردان باید:

۱- معنی و مفهوم خلع رابدانند.

۲- تفاوتهای خلع و طلاق را بیان کرده بتوانند.

۳- در باره خلع و لعان با یکدیگر تبادل نظر نمایند.

دانش لازمی

مال خلعی: در لغت کشیدن است؛ مانند: این قول که خلع ثوبه عن بدنه ای نزع.

و در شریعت مقدس اسلام خلع عبارت از گرفتن مال زن در مقابل مِلک نکاح به لفظ خلع میباشد. ([1])

هر چیزی که بتواند به عنوان مهر تعیین شود، برای پرداخت آن به مرد در مقابل جدایی جایز است. یعنی هر نوع پول، کالا، اموال منقول و غیرمنقول قابل استفاده و مشروعی؛ مانند: خانه، زمین، طلا، نقره، حیوان و... را می‌توان به عنوان مال خلعی پذیرفت.

همچنین منافعی؛ مانند: سکونت در منزل، زمین زراعتی، شیردادن و سرپرستی کودک و اسقاط نفقه ایام عده می‌تواند به عنوان مال خلعی مورد توافق طرفین قرار گیرد.

شروط خلع: برای صحت خلع وجود سه شرط لازم است:

۱- شوهر اهلیت طلاق دادن را داشته باشد، یعنی عاقل و بالغ باشد؛ بنا بر آن: کودک، دیوانه، کم‌خرد و کسانی که به دلیل پیری و بیماری، عقل و ارادۀ سالمی ندارند، قبول کردن خلع از طرف آنها جایز نیست.

۲- زن نیز دارای عقد نکاح صحیحی باشد و فرق نمی‌کند مرد با او همبستر شده باشد یا خیر. یا این که مطلقه طلاق رجعی قبل از پایان عده باشد و همچنین مکلف، عاقل و بالغ بودن زن نیز ضروری است.

۳- مالی که زن، آن را به مرد می‌پردازد، جزو اموال مشروع، قابل تملیک و دارای منفعت باشد.

پیامدهای خلع

خلع دارای آثار و پیامدهایی است که به طور خلاصه عبارتند از:

۱- از طریق خلع یک طلاق بائنه واقع می‌شود. رأی اکثر علما بر آن است که اگر پول و مالی هم در جریان نباشد، باز هم پس از توافق خلع واقع می‌شود.

۲- خلع، نیازی به قضاوت و تصمیم قاضی ندارد.

۳- شروط فاسد و نامطلوب، اصل خلع را باطل نمی‌گرداند.

۴- زن باید چیزی را که متعهد شده به شوهرش پرداخت نماید.

---

[1]- هدایه ص ۳۸۳

۵- زمانی که در مورد همه حقوق، طلب و بدهکاری به توافق رسیده باشند همه آنها به همان صورت باقی می‌ماند؛ مگر آن که در مورد اسقاط آن توافق نموده باشند.

۶- اکثریت علما بر این باورند که زنی که با شوهرش در مورد جدایی از طریق خلع به توافق رسیده اند، در مدت عده، شوهرش حق رجعت و باز گردانیدنش را ندارد، فرق نمی کند، خلع آنها فسخ باشد یا طلاق.

۷- چنانچه زن و مرد در مورد اصل خلع یا مقدار مالی که قرار بوده زن به شوهرش پرداخت نماید، اختلاف نظر پیدا کردند و زن مدعی شد که با شوهرش قرارشان بر جدایی از طریق خلع بوده یا مقدار مورد توافق را تحویل او داده، اگر شاهد و مدرکی نداشت و شوهر آن را انکار می کرد، اگر شوهر حاضر به سوگند باشد، سوگند او پذیرفته می‌شود.

شروط لعان

زن و شوهر باید عاقل و بالغ باشند و زن پاکدامن باشد و زناکاری او پیش تر به اثبات نرسیده باشد و یکی از آنها سابقه تهمت‌گری نداشته باشد و محدود به زن و مرد حتی قبل از همبستری باشد.

روش تدریس: سؤال و جواب، تشریحی وکار گروهی

مواد ممد درسی: تخته، تباشیر، کتابچه و قلم

وقت	فعالیت‌ها
۵دقیقه	بعد از موضوعات مقدماتی با طرح چند سؤال از شاگردان درس گذشته را چنین ارزیابی می کند: - طلاق از لحاظ لفظ بر چند قسم است؟ - انواع طلاق را از لحاظ رجعیت و بینونت بیان نماید.
۳۰ دقیقه	بعد از شنیدن جواب‌ها عنوان درس جدید را توسط یک شاگرد روی تخته می‌نویسد. به شاگردان وظیفه می‌دهد تا درس را خاموشانه مطالعه نمایند و خود عناوین جانبی ذیل را در کنار تخته مینویسد: - خلع - مشرعیت خلع - مشروعیت خلع - دلیل مشروعیت خلع - حکم خلع - فرق خلع و طلاق - کراهیت خواستن خلع بدون سبب - احکام خلع - لعان - مشروعیت، کیفیت و حکم لعان

با استفاده از عناوین، درس را برای شاگردان شرح کنید. از چند شاگرد می‌خواهد تا هر کدام یک عنوان درس را شرح نماید. از شاگردان بخواهید تا در مورد مفاهیم درس از هم دیگر سؤال نمایند و خود در عین حال صنف را کنترول نموده جواب‌های اشتباه را نزد خود یاد داشت می کند. **ارزیابی** با استفاده از سؤالات کتاب درسی شاگردان را ارزیابی می کند. **خلاصه** - خلع درلغت دور ساختن را گویند. - در اصطلاح فقها خلع، عبارت است از: پایان بخشیدن به صلاحیت‌های نکاح در مقابل گرفتن مقداری مال از زن به لفظ خلع. - با انجام خلع طلاق باین واقع میشود. - فرق خلع و طلاق: طلاق از طرف مرد داده میشود و خلع از طرف زن پیشنهاد میگردد؛ اما تقاضای خلع بدون سبب موجه مکروه است. - لعان: در لغت از لعن گرفته شده وبه معنای دور ساختن است و در اصطلاح شریعت لعان عبارت است از: شهادتهایی است که در موقع مخصوص بین زن و شوهر پیوست با لعنت اجرا می‌شود. - حکم لعان: باگفتن لعان جدایی آنها واجب میگردد.	۱۰ دقیقه

درس: چهل و دوم (۲)
عنوان: انواع دیگر تفریق
صفحه: ۱۵۱
وقت: دو ساعت درسی
اهداف:شاگردان باید:

۱- معنی لغوی و اصطلاحی ایلاء را بدانند.

۲- تفاوت در بین ایلاء و ظهار را بیان کرده بتوانند.

۳- در مورد حکمت مشروعیت ایلاء نظریات خویش را بنویسند.

دانش لازمی

در عهد جاهلیت مردی هر چند بار که می‌خواست زنش را طلاق می‌داد و قبل از انقضای عده، او را رجعت می‌داد، وحتی اگر هزار بار می‌خواست او را طلاق می‌داد می‌توانست او را رجعت دهد. یک نفر قصد آزار همسرش را کرد وبه او گفت: نه پناهت می‌دهم و نه رهایت می‌کنم. گفت چطور؟ گفت طلاقت می‌دهم و وقتی زمان سرآمدن عده ات نزدیک شد، تو را رجعت می‌دهم. زن شکایت را پیش پیامبرﷺ برد آنگاه آیهٔ «الطلاق مرتان» نازل شد و خداوندﷻ در مورد ایلاء چنین می‌فرماید: «**لِلَّذِينَ يُؤْلُونَ مِنْ نِسَائِهِمْ تَرَبُّصُ أَرْبَعَةِ أَشْهُرٍ فَإِنْ فَاءُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ (۲۲۶) وَإِنْ عَزَمُوا الطَّلَاقَ فَإِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ**» (۲۲۷)»

ترجمه: آنانیکه قصد آزار همسران خود را دارند و قسم می‌خورند که با آنها نزدیکی نکنند، می‌توانند چهار ماه منتظر بمانند؛ اگر به آغوش و همنشینی زنان، به شیوهٔ نیکو برگشتند (کنایه از نزدیکی است) یعنی از قسم رجوع کردند، خدا عمل بد آنان را می‌بخشد و آن را زیر پوشش رحمت خود قرار می‌دهد و اگر تصمیم گرفتند از نزدیکی و معاشرت با آنان امتناع ورزند و آنها را طلاق بدهند، خدا گفتهٔ آنان را می‌شنود و از قصد و نیتشان آگاه است.

این طلاق رامقید ساخت که اگر شوهر قسم یاد کند که باهمسرش نزدیکی نکند، زن چهار ماه منتظر می‌ماند، اگر در خلال این مدت با او معاشرت و نزدیکی کرد چه بهتر و قسمش واقع شده و کفاره براو واجب می‌آید و اگر در آن مدت با او معاشرت نکند، به نظر امام ابوحنیفه طلاقش واقع می‌شود. امام شافعی می‌گوید: موضوع را پیش حاکم باید برد، و حاکم به او دستور برگشت یاطلاق می‌دهد و اگر از هر دو امتناع ورزید، حاکم زن را طلاق می‌دهد.

شروط ایلاء

برای انعقاد ایلاء باید چهار شرط وجود داشته باشد.

۱- شوهر به خداوند یا یکی از اسماء و صفات او سوگند یاد کرده باشد که بیش از چهار ماه با همسرش همبستر نشود.

۲- سوگند او در ارتباط با ترک عمل زناشویی بیش از چهار ماه باشد.

۳- سوگند یاد کند که عمل زناشویی مشروع را ترک کند؛ اما اگر بدون سوگند آن عمل را برای مدتی ترک کند «ایلاء» به شمار نمی‌رود.

۴- کسی که در مورد او سوگند یاد می‌نماید همسر شرعی او باشد. «ایلاء» در مورد همسر مطلقه در طلاق رجعی صحیح است؛ اما در طلاق بائنه صحیح نیست.

حکم ایلاء

ایلاء دارای دو حکم یکی اخروی و دیگری دنیوی است. حکم اخروی ایلاء این است که اگر شوهر از آن باز نگردد یا زن را طلاق ندهد مرتکب گناه و معصیت بزرگی شده است.

اما در مورد حکم دنیوی آن لازم به توضیح است که: باید سوگند خود را نقض نماید و کفارهٔ آن را همچون سایر سوگندها بپردازد؛ اما اگر همچنان بر سوگند و تصمیم خود اصرار بورزد، پس از سپری شدن چهارماه، طلاق او به صورت بائن واقع می‌شود و نیازی هم به حکم محکمهٔ شرعی نیست، این رأی امام ابو حنفیه است و در صورت رجعت تجدید نکاح لازمی میباشد.

بازگشت و تجدید نظر از ایلاء از طریق اقدام به عمل زناشویی ـ اگر شوهر به دلیلی معذوریتی نداشته باشد ـ انجام می‌پذیرد؛ اما اگر قبل از پایان چهار ماه سوگندش را نقض نمود از نظر اکثر فقها باید کفاره سوگند را بپردازد؛ اما امام شافعی می گوید: کفاره ندارد.

لازم به یادآوری است که زنی که از طریق «ایلاء» از همسرش جدا شده باید پس از جدایی عده زن مطلقه را مراعات نماید.

شروط ظهار

شروط ظهار این است که از شوهر بالغ، مسلمان در رأی امام ابو حنفیه و امام مالك و مختار در رأی اکثریت و با میل و اراده خویش، در مورد همسر مسلمان یا اهل کتاب خردسال یا بزرگسال با لفظی صریح و یا کنایه جاری شود. لفظ صریح؛ مانند: این که مرد به همسرش بگوید: تو به جای مادرم هستی و کنایه مثل این‌که بگوید: تو به مادرم شباهت داری؛ اما در کنایه باید قصد و نیت ظهار وجود داشته باشد.

پیامدهای ظهار

۱- اکثر علما اتفاق نظر دارند که قبل از دادن کفاره، ارتباط زناشویی و همبستری و مقدمات آن و نگاه شهوت‌آمیز به همسر حرام است، اما شافعیه رأی شان بر این است که فقط عمل زناشویی در حال ظهار و قبل از کفاره حرام است؛ زیرا خداوند متعال در این باره می‌فرماید: (وَالَّذِينَ يظَاهِرُونَ مِن نِّسَائِهِمْ ثُمَّ يعُودُونَ لِمَا قَالُوا فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ) (المجادله/ ۳) «کسانی که زنان شان را ظهار می کنند، و سپس از آنچه گفته اند پشیمان می‌شوند؛ برای شان فرض است که پیش از همبستری بنده یی را آزاد نمایند...».

چنانچه پیش از کفاره زن و شوهر با یکدیگر همبستر شوند، باید توبه و استغفار نمایند و به جز کفاره دادن چیز دیگری بر آنان واجب نمی‌شود؛ زیرا رسول خداﷺ خطاب به مردی که پیش از کفاره با همسرش همبستر شده بود فرمود: «قبل از عملی نمودن آن چه خداوند تو را به آن دستور داده، بار دیگر با او همبستر مشو».[1]

۲- همسر می‌تواند از شوهرش خواهان همبستری را نماید؛ زیرا این جزۀ حقوق مسلم اوست و چنانچه کار شان به محکمه کشانیده شود، قاضی شوهر را در ارتباط عمل زناشویی با همسرش به دادن کفاره مجبور می کند و چنانچه حاضر به این کار نشود، قاضی به جدایی میان آنها حکم می کند.

[1]- اخرجه اصحاب السنن.

۳- ظهار سبب قطع روابط زن و شوهر نمی‌شود؛ زیرا ظهار چیزی نیست که؛ مانند: طلاق سبب جدایی میان زن و شوهر شود.

۴- شریعت اسلام بر کسی که اقدام به ظهار نموده، کفاره یی را واجب گردانیده، اما در زمان جاهلیت چنین نبوده و به محض ظهار، زن برای همیشه نسبت به شوهرش حرام می‌گشت. کفارهٔ ظهار بر اساس آیهٔ ۲ و ۴ سوره المجادله به ترتیب یکی از سه مورد زیر است:

آزاد نمودن یک برده قبل از عمل زناشویی، یا دو ماه روزه پشت سر هم، و یا اگر هیچ یک از آنها را نتوانست، باید به شصت نفر مستمند غذا بدهد.

پایان حکم ظهار: حکم ظهار از این نظر که موقت باشد یا موبد، پایان‌پذیر است.

الف- اظهار موقت: اگر مردی خطاب به همسرش بگوید: «برای مدت یک روز یا یک ماه یا یک سال تو همچون مادرم خواهی بود». اکثریت علما بر این باورند که، پس از پایان یافتن آن مدت بدون نیاز به دادن کفاره حکم ظهار نیز خاتمه می‌یابد.

ب- ظهار موبد: حکم ظهار مطلق یا موبد به اتفاق علما پس از تصمیم نقض، کفاره و یا پس از سپری شدن آن و طلاق پایان می‌پذیرد؛ زیرا بقای حکم بدون محکوم علیه معنی ندارد.

روش تدریس: سؤال و جواب، تشریحی، مباحثه، کار گروهی

مواد ممد درسی: کتاب، تخته و تباشیر

وقت	فعالیت‌ها
۵دقیقه	بعد از موضوعات مقدماتی با طرح چند سؤال از شاگردان درس گذشته را چنین ارزیابی می کند. - خلع را تعریف کنید. - کیفیت لعان را بیان کنید. - انجام لعان بدون سبب چی حکم دارد؟
۳۰ دقیقه	بعد از شنیدن جواب‌ها عنوان درس جدید (انواع دیگر تفریق را توسط یک شاگرد روی تخته می‌نویسد. به شاگردان وظیفه می‌دهد تا درس را خاموشانه مطالعه نمایند و خود عناوین جانبی ذیل را در کنار تخته بنویسید: - تعریف لغوی و اصطلاحی ایلاء - مشروعیت ایلاء - حکمت مشروعیت ایلاء - حکم ایلاء - ظهار - حکمت مشروعیت ظهار - حکم ظهار

۱۰ دقیقه	- کفاره ظهار با استفاده از عناوین درس را برای شاگردان شرح کنید. از چند شاگرد بخواهید تا هر کدام به نوبهٔ خود یک عنوان را شرح کند. برای شاگردان هدایت دهید تا در باره ایلاء و ظهار تبادل نظر نمایند و خود متوجه نظریات ایشان میباشد. **ارزیابی** با استفاده از سؤالات کتاب درسی شاگردان را ارزیابی کنید. **خلاصه** - ایلاء در لغت به قسم گفته میشود و در اصطلاح شریعت عبارت است از: قسم بسیار موکد شخص مبنی براینکه با خانمش تا چهار ماه و یا زیادتر از آن نزدیک نشود.(با او همبسترنشود) هرگاه چهارماه سپری شد،زنش طلاق باین می‌شود؛ اما اگر بر زن رجوع نمود و قسمش را شکست، کفاره قسم بالایش لازم میگردد. - ظهار عبارت است از تشبیه دادن زن با زنی که نکاح با او تا ابد برایش حرام باشد یعنی نکاح مرد شبیه کننده ؛ مانند اینکه بگوید: تو برای من؛ مانند: پشت مادرم هستی، تومثل مادرم هستی. - حکم ظهار: ظهار یک عمل ناروا و حرام است و ظهار کننده با این عملش گنهکار می‌شود. - با انجام ظهار، جماع، بوسیدن، لمس کردن بر مرد تا زمانی حرام می‌شود که کفاره بدهد. - کفاره ظهار دو ماه پی در پی روزه گرفتن و یا شصت مسکین را طعام دادن است، طوری که مساکین سیر شوند و یا دادن قیمت طعام به آنها طوری که بتوانند صبح و شام شکم خود را سیر کنند.